
این کتاب بسرمایه کتابفروشی فروغی در دوهزار نسخه در شهریور ماه ۱۳۴۵
در چاپ شرق بپایان رسید



... تاریخ باید در کمال بی غرضی و دور از هرگونه خودخواهی و جانب داری تألیف گردد

زیرا که هیچ اثری که جز در این شرایط نوشته شود نه شایستهٔ مقام واقعی فرهنگ و تمدن

ایران و نه شایستهٔ علم و دانش است. دانش واقعی با اعمال غرض و قلب حقایق سازگار

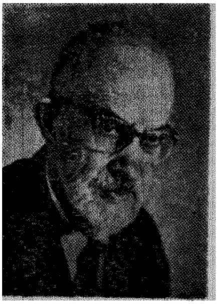
نمی تواند بود و تاریخ جهان نیز خواه ناخواه آنچه را که جز بر اساس خردمندی و حقیقت طلبی

کامل نوشته شده باشد بعنوان سندی باطل بدور خواهد افکند ....

از نطق افتتاحیهٔ شاهنشاه آریامهر

در کنگرهٔ جهانی ایران شناسی

پیش گفتار



سعید نفیسی

این کتاب ، آخرین اثری بود که در دوران زندگی سعید نفیسی بچاپ رسید ...

کلیهٔ صفحات متن کتاب (تا صفحهٔ ۱۸۸) زیر نظر خود وی از چاپ در آمد. قرار بود نمونهٔ تتمهٔ آنرا نیز روز دوشنبه بیست و سوم آبانماه ۱۳۴۵ در بیمارستان باو بدهند تا تصحیح کند ، ولی استاد سعید نفیسی روز یکشنبه بیست و دوم آبان ماه ۱۳۴۵ با آخرین حملهٔ قلبی ، از پای در آمد .

کتاب حاضر یکسال قبل نیز از طرف شورای مرکزی جشنهای بنیادگزاری شاهنشاهی ایران با قطعی کوچکتر منتشر شده بود ولی چون تعداد آن محدود بود در دسترس کلیهٔ علاقمندان قرار نگرفت. این بود که مرحوم سعید نفیسی دوست داشت نسبت به تجدید چاپ آن اقدام شود .

افسوس که این آرزو زمانی بر آورده شد که استاد در جوار رحمت خداوند آرمیده است .

بنا براین ، باید گفت این کتاب آخرین کتابی است که مانند اغلب آثار سعید نفیسی از لحاظ چاپ و تصحیح متن، بمباشرت خود وی آماده شد ولی عمر او کفاف نداد که آخرین صفحه و بخصوص فهرست آنرا تنظیم کند .

***

سعید نفیسی که بود ؟

نسب سعید تا هشت پشت باین شرح است :

سعید بن علی اکبر بن محمد حسن بن علی اکبر بن محمد علی بن محمد کاظم بن ابو القاسم بن محمد کاظم بن سعید شریف کرمانی پزشك نامی قرن یازدهم که مدتی هم رئیس پزشکان دربار (حکیم باشی)

شاه عباس بزرگ بوده است . نسب سعیدشریف کرمانی نیز به‌سه پشت به حکیم برهان‌الدین نفیس بن عوض بن حکیم‌طبیب کرمانی میرسیده است .

حکیم برهان‌الدین نفیس مشهورترین پزشك اواسط قرن نهم هجری بود که درکرمان میزیست وچون شهرت وی به «الغ بیك بن شاهرخ بن تیمور گورکانی» پادشاه معروف و دانش‌پرور ایرانی (۸۱۲-۸۵۳) رسید ، او را ازکرمان بدربارخود بشهر سمرقندخواند و تا پایان‌عمر الغ بیك در دربار او بود ودرسلك دانشمندان بسیار که آنجا گرد آمده بودند می‌زیست وپس‌ازمرگ الغ بیك درسال ۸۵۳ بکرمان بازگشت .

حکیم برهان‌الدین نفیس درطب تألیفاتی چند داردکه از آن جمله است :

ـ شرح‌الاسباب، که‌شرحی‌است بر کتاب(الاسباب‌والعلامات) تألیف محمدبن علی‌بن عمر سمرقندی‌که از مهم ترین کتابهای پزشکی قدیم بوده است .

ـ شرح کتاب موجزالقانون تألیف ابی‌الحزم علاءالدین قرشی معروف به ابن‌النفیس که آن موجزی‌است ازمعروف‌ترین کتاب طب ابن‌سینا ، یعنی‌کتاب قانون .

ـ کلیات شرح نفیسی .

ـ بحارین .

ـ رساله‌ای در «سمومات» .

اجداد نفیسی تا آغاز قرن چهاردهم متوالیاً درکرمان میزیسته‌اند وازمیان آنها مشاهیری برخاسته‌اند ، منجمله میرزا محمد تقی‌بن محمدکاظم (پسرجدچهارم سعیدنفیسی)عارف‌مشهور پایان قرن دوازدهم وآغاز قرن‌سیزدهم ایران بودکه مریدخاص و جانشین میرزا محمد تربتی معروف به (مشتاقعلی‌شاه) بود و درسال ۱۲۱۵ او را زهر دادند. میرزامحمدتقی تألیفات متعدد بنظم و نثر فارسی درعرفان و تصوف داردکه معروف‌ترین آنها دیوان غزلیاتی است‌که بسبك مولاناجلال‌الدین بلخی مولوی ، بنام‌مرشدخود مشتاقعلی سروده ودرهمهٔ آنها بنام او تخلص‌کرده وباسم (دیوان‌مشتاقیه) معروف است .

بعلاوه منظومه های (بحرالاسرار) و (مجمع‌البحار) و (جامع‌البحار) و (کبریت‌احمر) را نیز تنظیم‌کرده است.

دیگر از مشاهیر این خاندان مرحوم میرزا عبدالحسین‌بن میرزا عبدالرحیم‌بن عبدالحسین بردسیری معروف به‌میرزاآقاخان

کرمانی است که مادرش دختر میرزا کاظم بن میرزا محمد تقی مظفر علیشاه بود و در کرمان در ۱۲۷۰ متولد شد ودر تبریز در سال ۱۳۱۴ کشته‌شد . وی ازمعروف‌ترین نویسندگان‌سیاسی و از آزادیخواهان مشهور بود . تألیفات گوناگون در نظم‌ونثر فارسی از او بجای مانده و ازآنجمله است :

- منظومهٔ نامهٔ باستان بنام سالارنامه .
- آئینه سکندری درتاریخ قدیم ایران .
- کتاب رضوان بتقلید گلستان سعدی .
- رسالهٔ ماشاءالله .
- قهوه‌خانهٔ سورت .
- سه مکتوب .
- چهارمقاله .... و چند رسالهٔ دیگر .

***

جد سعیدنفیسی ، حاج میرزا محمد حسن طبیب کرمانی‌هم مانند نیاکان‌خود درکرمان به‌طبابت مشغول بود ودرسال ۱۳۰۰ هجری قمری درگذشت و او را در پزشکی مؤلفات چند است .

***

پدرسعید نفیسی ، دکترمیرزاعلی‌اکبرخان نفیسی« ناظم‌الاطباء» در ماه ربیع‌اول ۱۲۶۳ هجری قمری در کرمان ولادت یافت و ازمیان هفت پسر و دو دختر که برادران وخواهران او بودند ، فرزند دوم بود .

مادرش دختر ملامحمدکوه بنانی‌معروف به «هدایت علی» عارف مشهور نیمه اول قرن سیزدهم ایران است که از مریدان مولانا عبدالصمد همدانی بود ودرکرمان مریدان بسیار داشت و چون حاج ابراهیم‌خان ظهیرالدوله ، حکمران کرمان‌باو معتقد نبود ، وی را وادار کرد از آن شهر بیرون رود لذا بعزم مشهد ازکرمان‌هجرت‌کرد ودرمیان‌راه ، دربیابات لوت، درمنزلی‌که به چهل پایه ، یا چهل زینه معروف است قافلهٔ او گرفتار قتل و غارت‌راهزنان‌شد و وی‌نیزدرآن‌جمع بقتل‌رسید(۱۲۳۹هجری) . جنازهٔ او را بکرمان بردند ودرکوه بنان‌که زادگاه‌او بود بخاك سپردند ودرمیان صوفیه بشهید رابع یا شهید چهارم معروف شد. مقبرهٔ وی از زیارتگاههای معروف‌کرمان است . بالجمله میرزا علی‌اکبرخان نفیسی تحصیلات مقدماتی‌رادرکرمان بپایان‌رسانید، خوداو بسائقهٔ‌طبیعی و ذوق‌فطری که‌داشت بیشترمایل بفراگرفتن

حکمت الهی و فلسفه بود . ولی محمد اسمعیل خان وکیل‌الملك نوری نایب‌الحکومه و وزیروقت کرمان که بعدهم مستقلاحکمران کرمان‌بود ، چون‌استعدادشخصی و موروثی اورا برای‌فراگرفتن علم‌طب مساعدترمیدید اورا بتحصیل این علم ترغیب کرد. دراین میان درسال ۱۲۶۸ مدرسهٔ دارالفنون براثرمساعی‌میرزاتقی‌خان امیرکبیر در تهران دایر شده بود وپس‌از چندی‌بهمهٔ‌حکام ایالات و ولایات دستور صادر شدکه از هرشهری‌چندتن‌ازنجیب‌زادگان و فرزندان دانشمندان راکه مستعد فراگرفتن علوم‌جدید باشند برای تحصیل درآن‌مدرسه بطهران‌روانه‌کنند . ازکرمان‌مرحوم وکیل‌الملك او را در آخر سال ۱۲۸۲ قمری برای فراگرفتن علم طب در مدرسهٔ دارالفنون بتهران فرستاد و باینطریق میرزا علی‌اکبر نفیسی ساکن تهران شد . درسال ۱۲۸۹ دورهٔ تحصیل طب را بپایان رسانید و درسال ۱۲۹۰ که ناصرالدین‌شاه پس‌از بازگشت از سفر اول اروپا در صدد برآمد بیمارستانی مانند بیمارستانهای اروپا درتهران دایرکند وی‌را بریاست ومأموریت تأسیس آن بیمارستان که بعد ها به بیمارستان دولتی مشهور شد برقرارکرد و سالها ریاست آن بیمارستان را داشت.

بعدازچندی‌که حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدولهٔ‌سپهسالار بحکمرانی خراسان و تولیت آستان‌قدس رضوی منصوب‌شدمیرزا علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء همراه او بخراسان رفت و بیمارستان رضوی را بااصول بیمارستانهای جدید اروپائی در مشهد احداث کرد و درسال۱۲۹۹ دوباره بتهران‌بازگشت . چندی‌دراصفهان وقمشه وبختیاری اقامت‌گزید ودرمراجعت بتهران‌سرگرم‌طبابت شد و سپس‌جزء اطبای حضورپادشاه وقت درآمد و بعداز چندی طبیب‌مخصوص اندرون شد و تا سال۱۳۲۸قمری دراین‌مقام‌بود.

ناظم‌الاطباء مدت پنجاه وهفت سال تمام‌مشغول طبابت‌بود و درضمن کتب‌گوناگون در طب و ادبیات تألیف و ترجمه‌کرد از جمله :

ـ کتاب در تشریح ،که ترجمهٔ آنرا هنگام‌اقامت درقمشه شروع‌کرده و در اصفهان بپایان رسانده است .

ـ کتابی در پاتولوژی وکلینیك جراحی.

ـ رساله‌ای در فیزیك .

ـ رساله‌ای در جراحی .

ـ رساله‌ای در تراپوتیك .

ـ رساله دیگر در تشریح .
ـ دو رساله در سوء هضم .
ـ کتابی بنام مذاکرات بنا بر دوش کتاب (Aide-Mémoire) دکتر کورلیو طبیب فرانسوی .
ـ رساله‌ای در شرایط حفظ صحت و احتراز از سرایت امراض مسریه و مداوای وبا (این رساله تحت نظر او بوسیله یکی از شاگردانش بنام میرزا اسدالله جلیل‌الاطباء نگارش یافته) .
ـ پزشکی‌نامه در علم تراپوتیك و ماتیرمدیکال .
ـ و ازهمه مهمتر کتاب معروف «فرهنگ نفیسی» است در پنج جلد ضخیم که مدت سی سال تمام برای تدوین آن صرف وقت کرده و کتاب جامع فرهنگی است .

مرحوم ناظم‌الاطباء مدرسهٔ معروف شرف را درتهران تأسیس کرد و مدتی مدیریت آنرا برعهده داشت و تحصیل در آن مجانی بود . وی اولین کسی بود که کتابی برای نوآموزان زبان فارسی بنام (تعلیمات ابتدائی) نوشت و کتب دیگر نیز در صرف و نحو زبان فارسی تألیف کرد .

میرزا علی‌اکبر خان نفیسی نـاظم‌الاطباء در بیست و ششم ذیقعدهٔ سال ۱۳۴۲ ـ مطابق نهم‌خرداد ماه ۱۳۰۳ درتهران بسن ۷۹ سالگی به بیماری (ذوسنطاریا) در گذشت .

***

سعیدنفیسی درسال ۱۲۷۴ هجری شمسی درتهران متولد شد.

« ناظم‌الاطباء» پدر سعید ، در کتاب مخصوصی که بصورت «جُنگ» تنظیم کرده تولد سعید را چنین نوشته است:

« پنج‌ساعت‌ونیم ازشب‌جمعه سیزدهم شهر ذی‌حجة‌الحرام سال ۱۳۱۲ هجری علی هاجرها آلاف التحیة و الثناء مطابق با نوزدهم خرداد ماه جلالی ۸۱۷ ملکشاهی وهفتم‌ژوئن‌ماه‌میلادی ۱۸۹۵ فرزند دلبند میرزا سعیدخان متولد شد . امیدکه درزیر سایهٔ امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه وسهل مخرجه بکمال پیری برسد و دارای عقاید صحیحه بوده خوشبخت باشد. وچون سعید جد هفتم این عبداحقر علی‌اکبر هست اسامی‌چندکه منجمله محمد سعید بود نوشته درمیان قرآن مجید گذاشته شد بطورقرعه محمد سعید بیرون آمد ...» .

سعید ازمدرسهٔ شرف که پدرش بنیان‌گزار آن‌بود درتهران درس را آغازکرد و در مدرسه علمیه ادامه داد . درمحضر پدر

مدتی طب آموخت و سپس عازم اروپا شد . در سویس تحصیلات دبیرستانی ، و درفرانسه تحصیلات عالی را گذراند ودردانشگاه پاریس رشتهٔ ادبیات جهان را بپایان برد .

در بازگشت بایران مدتی در وزارت فلاحت و تجارت و فوائدعامه ریاست ادارات مختلف را بعهده‌داشت . ازسال ۱۳۰۰ درمدرسهٔ علوم سیاسی، دورهٔ دوم دارالفنون ودانشکده حقوق‌را تدریس‌کرد وپس از آنکه دانشگاه تهران گشایش یافت با سمت استاد ادبیات فارسی در دانشکدهٔ حقوق بتدریس‌ادامه داد .

وی از بنیانگزاران فرهنگستان ایران بود .

چندی استاد دانشگاه علیگره در هندوستان و سپس استاد دانشگاه لاهور در پاکستان و بالاخره استاد دانشگاه سن ژوزف در بیروت و همچنین استاد دانشگاه قاهره بود و مکرر عضویت کنگره‌ها ومحافل ادبی وفرهنگی مهم‌را بعهده داشت . مدتی‌نیز در دانشگاه‌کابل و دانشگاههای الله‌آباد - بمبئی - بنارس-پوتنه - تریواندروم- حیدرآباد دکن- دهلی- کلکته-لکناهوتدریس‌میکرد و بزبانهای فرانسه - انگلیسی - روسی - اردو - عربی و ارمنی آشنائی داشت .

آخرین سمت سعید نفیسی‌تدریس دردورهٔ دکترای‌ادبیات فارسی و درعین حال‌درمؤسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه‌تهران وعضویت شورای فرهنگی سلطنتی بود.

در محافل دانشگاهی جهان ازمشاهیر بشمار میرفت و با دانشمندان اغلب کشورها خاصه شوروی ـ فرانسه ـ هند رابطهٔ نزدیك داشت .

سعیدنفیسی از همان اوائل‌کودکی‌بکتاب وقلم علاقمندشد ومیکوشید بخواندویاد بگیرد. بقول‌خودش‌تازه درکتاب‌خواندن ورزیده وآزموده‌شده بودکه نوزده سال داشت، شبهای زمستانی پای‌کرسی، شبهای تابستانی روی بام خانه، تا چشم هنوزسنگین نشده بودکتاب میخواند.همیشه‌قلمی باخود داشت وضمن‌خواندن بهرجمله‌ای‌که برمیخورددرحاشیه خطی میکشید وفردا آن‌جمله را در دفتری مخصوص،رونویس‌میکرد و نام نویسنده را درذیل آن مینوشت .

اولین بار ، در روزنامه «ارشاد» در تهران بنویسندگی پرداخت ومقالات او تحت عنوان (خواطر وآراء) خوانندگان زیاد پیداکرد. و اولین کتابی‌که‌ازاومنتشرشد درشانزده سالگی

ترجمه رساله‌ای بنام «معالجه تازه برای حفظ دندانهای طبیعی ودهان» بود.

در هفده‌سالگی گرفتارعشقی طوفانی شد ونتیجهٔاین‌عشق، پیدایش کتاب معروف «فرنگیس» بود... سعید درآن کتاب‌چنین نوشته است :

«... نامش‌فرنگیس بود، ولی‌بسبب پاره‌ای مسائل مادی به ازدواج مرد ثروتمندی درآمد، وچون توافق اخلاقی‌نداشتند فرنگیس پس‌ازچندسال‌دیوانه‌شد وروانهٔ تیمارستان گردید...».

سعید نفیسی‌را باید ازپرکارترین نویسندگان ودانشمندان عصرحاضردانست. مقالات بسیار درجراید ومجلات ایران‌وسایر کشورها نوشت ومتجاوز از ۲۲۰ جلد اثر مختلف انتشار داد. ترجمهٔ فارسی ایلیاد ـ واودیسهٔ هومر از برجسته ترین آثار اوست.

وی ازمنقدان زبردست‌ادبیات فارسی بود وجمعی‌ازمتون نظم ونثرفارسی را با انتقاد بچاپ رساند.

ازآثارمتنوع وی‌میتوان کتابهای بابك‌خرم‌دین‌ـقابوسنامه‌ـ سرچشمهٔ تصوف درایران ـ گلستان سعدی‌ـ دیوان عمعق‌بخاری‌ـ احوال وآثار و قصائد و غزلیات نظامی‌گنجوی ـ تاریخ نظم و نثر درایران ودر زبان فارسی پیش از اسلام تا قرن دهم‌هجری را ذکر کرد.

آثار گرانبهای دیگری‌که از اوبجای مانده وبا تحشیه و تصحیح ونگارش مقدمه‌هائی نشر داده عبارتست از :

قابوسنامه ـ رباعیات‌بابا افضل‌ـ اشعار واحوال خواجو‌ـ تاریخ بیهقی ـ سیرالعبادالی‌المعاد ـ احوال و اشعار رودکی ـ دیوان قصائدوغزلیات عطار‌ـ مقطعات ابن‌یمین‌ـ احوال واشعار شیخ بهائی‌ـ درپیرامون احوال‌واشعارحافظ ـ تاریخ گیتی‌گشا‌ـ رساله مجدیه ـ رباعیات عمر خیام ـ شاهنامه ـ ماه نخشب ـ آخرین‌یادگارنادرشاه‌ـ یزدگرد سوم ـ آثار گمشدهٔ ابوالفضل بیهقی ـ شیخ زاهد گیلانی‌ـ تاریخچهٔ ادبیات‌ایران ـ پوشکین‌ـ پیشرفتهای فرهنگی در اتحاد جماهیرشوروی ـ نظامی‌گنجوی‌ـ فرهنگنامهٔ پارس ـ نثرمعاصرفارسی ـ ایران درصدوهفتاد سال اخیر ـ پندنامهٔ انوشیروان ـ فرهنگ فرانسه بفارسی ـ تاریخ عمومی قرون معاصر.... فرهنگ معروف ناظم الاطباء.

وبالاخره ، کتاب حاضر که در دست اتمام بود ولی اجل

کارش را ناتمام گذاشت.

اخیراً از مسافرت فرانسه بایران برگشته بود . بیماری «آسم» توأم با «قولنج» ونارسائی قلب اورا آزار میداد . سعید را به بیمارستان بردند ودر بیمارستان‌هم دست ازمطالعه ونگارش نکشید واین کتاب را مشغول تصحیح بودکه ازپای درآمد . از سعید چهار فرزند، دو دختر و دوپسر بازمانده‌اند.

سعید نفیسی روزیکشنبه بیست ویکم آبانماه سال۱۳۴۵در تهران در بیمارستان درگذشت و دربقعه معروف به (سرقبرآقا) بخاك سپرده شد. رحمةالله علیه .

***

از مزایای این کتاب نسبت به چاپ قبلی اینستکه پس از درگذشت مرحوم سعید نفیسی کلیشه ها و عکسهای متعددی بآن اضافه شدکه خوانندگان ملاحظه خواهندکرد. چاپ پیشین جز چند عکس معدود وجود نداشت ولی درچاپ فعلی علاوه‌برآنکه از عکسهای چاپ اول استفاده شد چندین عکس وکلیشهٔ اضافی بآن افزوده گردید که بعض آنها در ردیف اسناد مهم تاریخی محسوب میشود.

علی زرین قلم

در پیشگاه تاریخ

در چهل و پنج سال پیش از این در پایان سال ۱۲۹۹ فصلی از تاریخ ایران در هم نوردیده شد و فصلی از نو آغاز گردید.

بازماندگان آن دوره چون در آن روزها زیسته اند هنوز پی بشکوه و جلال این فصل نوین نبرده اند. دریغا که گواهان حوادث جهان تا زنده اند نمی توانند خوب و بد روزگاری را که بر ایشان گذشته است بسنجند و همیشه تاریخ نویسان باید رنج ببرند و حقیقت را از زیر پرده های خاموشی و فراموشی بیرون بکشند.

درباره دوره ای که از ۴ اسفند ماه ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ بیست سال و چهل و یک روز بر ایران گذشت می بایست یادگاری که حقیقت جویان تاریخ بپسندند و آنرا وارسته از هرگونه خوش آیندگویی و غرض ورزی بدانند برای فرزندان ایران که قطعاً روز بروز بر مجد و عظمت آن بیشتر پی خواهند برد باقی بماند.

این وظیفه دشوار را من در این اوراق بر عهده گرفتم و کوشیدم در هر زمینه دوران پیش از آن را با این دوره بسنجم و ایزد دادآفرین گواهست که دست و پایم نلغزید و حق و حقیقت در هر ورق و هر سطر و هر کلمه گواهان من بودند.

تهران - پایان شهریور ماه ۱۳۴۵

سعید نفیسی

تیره روزیهای ایران در دورهٔ فرمانروایی قاجارها

دورهٔ صدوسی‌وچهارسالهٔ فرمانروایی طایفهٔ قاجار برایران از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری بدترین دورهٔ تنزل و انحطاط کشورما در سراسر تاریخست. آقا محمدخان در دورهٔ تاخت وتاز کوتاه خود قسمتی از نواحی ازدست رفتهٔ ایران را در مشرق ومغرب پس گرفت، اما این یگانه پیشرفتیست که قاجارها در دوران فرمانروایی خود کردند و پس ازآن همیشه وهمه‌جا ایران را ناتوان‌تر ساختند.

دورهٔ فرمانروایی سی‌وهشت سالهٔ فتحعلی‌شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ قمری سراسر دورهٔ سرشکستگی بوده است. نخست نیروی‌ایران دربرابر افغانها چنان سست شد که ناحیهٔ هرات نیز ازدست ایران رفت و بافغانستان پیوست. جنگ اول باروسیه از ۱۲۱۹ تا۱۲۲۸ نه سال تمام کشید ونتیجهٔ‌آن عهدنامهٔ گلستان وازدست رفتن متصرفات ایران درقفقاز بود. جنگ دوم که از ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ سه سال کشید منتهی بعهدنامهٔ معروف ترکمان چای شد که دولت مغلوبی می‌بایست ناچار دربرابر دولت غالبی‌امضا کند وبرتریهایی در خاك خود برای آن بشناسد وازآن پس دول اروپایی هریك آن برتریهارا بدست آوردند واتباع ایشان درایران حکم مخدوم ایرانیان‌را پیدا کردند. درمغرب نیز در ۱۲۲۱ واز ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ واز۱۲۳۶ تا ۱۲۳۹ سه‌بار درمیان‌ایران و عثمانی‌جنگ درگرفت ونتیجهٔ‌آن نیزازدست رفتن برخی ازنواحی غربی‌ایران شد.

دورهٔ فرمانروایی چهارده سالهٔ محمدشاه از ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ قمری شامل‌جنگ هرات در ۱۲۵۳ وقیام آقاخان محلاتی درهمان سال وبار دیگر در۱۲۵۶ دوره‌ای بود که آنرا مقدمهٔ آشفتگی‌های فراوان دوره‌های بعد باید دانست.

دردورهٔ فرمانروایی چهل و نه سالهٔ ناصرالدین‌شاه از ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری رقابت روس وانگلیس در ایران باوج خود رسید ودولت ناتوان ایران جزآنکه گاهی



شاهنشاه ایران قبل از زمامداری در کسوت فرماندهی دیویزیون قزاق

باین و گاهی بآن تسلیم شود وبرای رهایی از درخواست‌های بی‌پایان ایشان منافعی بدولتهای دیگر اروپا وآمریکا که امیدوار بودند زیاده‌رویهای روس وانگلیس‌راجبران کنند بدهد چارهٔ دیگر نداشتند . این دوره را دورهٔ امتیازهای بی‌حد وحصر باید دانست و در ضمن چادرنشین‌های مسلح شمال وجنوب ایران که بیشتر دست نشاندهٔ بیگانگان‌بودند روز بروزدرراهزنی وپریشان کردن اوضاع گستاخ‌تر ودلیرترمی‌شدند. دولت ایران که خود را در برابر تمدن جدید ناتوان می‌دید یگانه راه توانایی خود را دشمنی وستیزه بارواج تمدن اروپایی و اندیشهای آزادی خواهی می‌دانست وازین رهگذرها روزبروز زندگی برمردم ایران دشوارتر ودامنهٔ بیداد کارگزاران دیوان گشاده‌تر می‌شد . درین دوره نواحی هرات در ۱۲۷۳ ومرو و خیوه در ۱۲۹۹ قمری یکسره از دست ایران رفت .

دردورهٔ فرمانروایی یازده سالهٔ مظفرالدین‌شاه از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ قمری‌ایران هم‌چنان راه زوال وناتوانی را می‌پیمود تاآنکه منتهی شد بتصویب قانون اساسی در۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۴ قمری .

دورهٔ فرمانروایی دوسال و پنج ماههٔ محمدعلیشاه از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری دورهٔ بسیار آشفته وبریشان کشمکش وزدوخورد درمیان هواخواهان حکومت‌مشروطه ودرباریان بوده است .

دورهٔ فرمانروایی هفده سال وده‌ماههٔ سلطان احمدشاه از ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۴ قمری را باید بدودوره تقسیم کرد . دردورهٔ اول تا ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ شش سال و دوماه سلطان احمدشاه صغیر بود ودوتن نایب‌السلطنه‌کارهای کشور را بدست گرفتند . در دورهٔ دوم که وی مسئولیت‌کارهای ایران‌را برعهده داشت درسراسر جنگ جهانی اول‌از۱۳۳۳ تا ۱۳۳۶ قمری چهارسال خاك ایران میدان‌تاخت وتاز لشکریان وهواخواهان‌متفقین (روس وانگلیس وفرانسه ودیگران) ومتحدین (آلمان واتریش و عثمانی) وپس ازآن گرفتار عواقب وخیم جنگ جهانی بود .

مهمترین مراحل زندگی پهلوان ما

۲۴ اسفندماه ۱۲۵۷ شمسی ولادت شاهنشاه رضاشاه پهلوی فرزند عباسقلی‌خان سرهنگ فوج سواد کوه ازخاندان اصیل ایرانی درروستای الاشت ازتوابع سواد کوه درخاك مازندران .

۵ آذرماه ۱۲۵۸ در گذشت پدر شاهنشاه .

۱۲۷۸ ورود بخدمت بریگاد قزاق درتهران .

۱۲۹۴ رسیدن بدرجهٔ سرهنگی .

۱۲۹۷ رسیدن بدرجهٔ سرتیپی .

۴ اسفندماه ۱۲۹۹ کودتا ورسیدن بدرجهٔ فرماندهی کل قوا .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۰ رسیدن بپایهٔ وزارت جنگ .

۲۵ تیرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران فارس .

اول شهریور ماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای کردان آذربایجان .

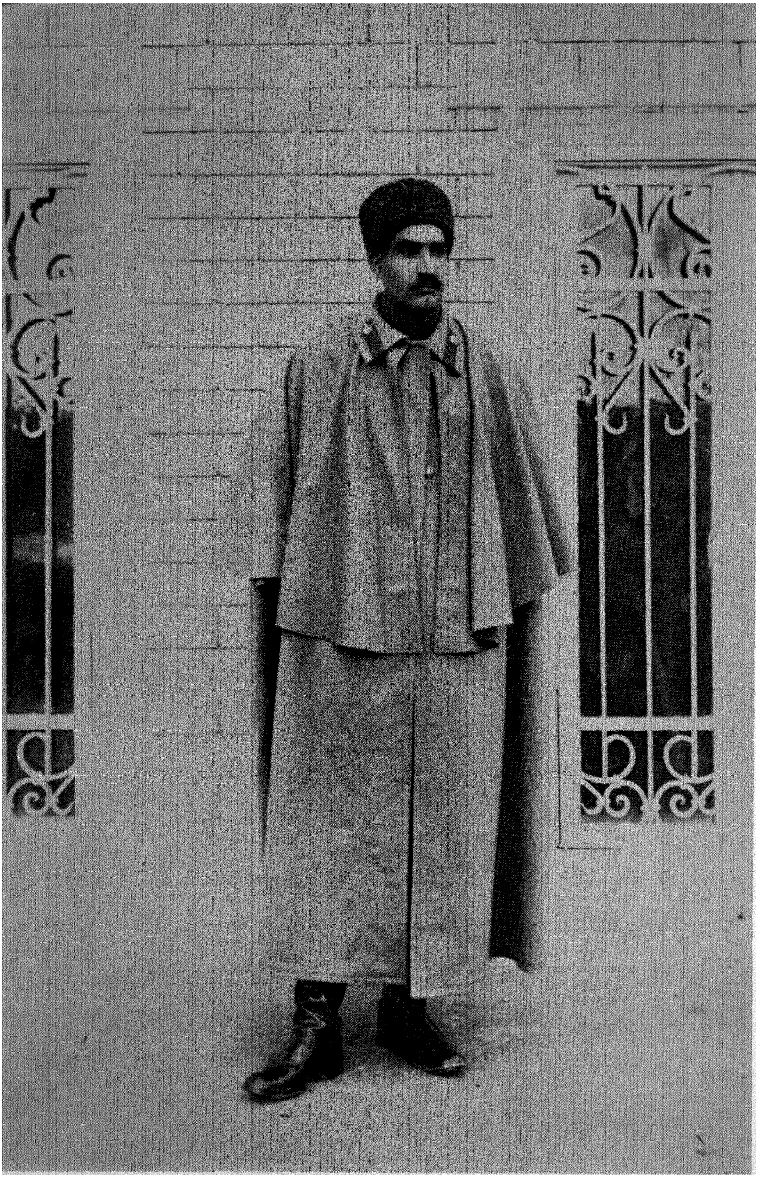
مهرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران مازندران .

۱۱ مهرماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که درمشهد روی داده بود .

آذرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای جنگلیان ومیرزا کوچك‌خان درجنگل گیلان.

۱۵ آذرماه ۱۳۰۰ تشکیل ارتش متحدالشکل وانحلال قزاق خانه وژاندارمری وغیره واخراج بیگانگان ازارتش .

۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای که درتبریز روی داده بود .



هنگام ریاست وزرائی

۱۳۰۱ تأسیس نیروی‌هوایی .

۱۳۰۱ تأسیس ادارهٔ کل طرق وشوارع دروزارت فلاحت وتجارت وفوایدعامه وآغازکار راه سازی .

۱۳۰۲ تأسیس جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران .

۶ آبانماه ۱۳۰۲ رسیدن بپایهٔ نخست‌وزیری .

فروردین ۱۳۰۳ تشکیل کابینهٔ دوم .

۱۶ فروردین ۱۳۰۳ الغای القاب وامتیازات .

۱۶ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۳ ایجاد خدمت نظام عمومی .

۱۰ آذرماه ۱۳۰۳ پایان فتنهٔ خوزستان .

اردی بهشت ماه ۱۳۰۴ تأسیس بانك پهلوی قشون (بانك سپه) .

۱۳۰۴ تأسیس ادارات ثبت‌احوال درشهرستانها .

۱۷ خردادماه ۱۳۰۴ آغاز اقدام بساختمان راه آهن سرتاسری .

۹ آبانماه ۱۳۰۴ پایان زمامداری قاجارها وانتخاب شاهنشاه بریاست حکومت موقتی .

۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ انتخاب مجلس مؤسسان بشاهنشاهی ایران .

۲۶ آذرماه ۱۳۰۴ بتخت‌نشستن شاهنشاه .

۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۰۴ آغاز ساختمان راه‌آهن سرتاسری .

۵ اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۰۵ تاج گذاری .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۵ ایجاد تلگراف بی‌سیم .

۲۰ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۶ لغوکاپیتولاسیون وانحلال‌دادگستری وتجدیدسازمان آن .

۲۸ امرداد ماه ۱۳۰۷ تأسیس بانك ملی .

۱۳۰۸ تشکیل نیروی دریایی .

۶ خرداد ماه ۱۳۰۹ لغو امتیاز چاپ اسکناس بانک شاهنشاهی ایران .

۱۳۱۰ لغو امتیاز دارسی .

۱۳۱۱ امتیاز جدید نفت شرکت نفت ایران وانگلیس .

۱۳۱۳ مراسم هزارهٔ فردوسی .

۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران .

۲۵ تیرماه ۱۳۱۴ تأسیس بانک کشاورزی .

۱۳۱۴ گشایش هنرستان و پرورشگاه یتیمان شاهپور برای ۱۳۰ دختر و ۷۰ پسر .

۱۷ دیماه ۱۳۱۴ نهضت بانوان ورفع حجاب .

۱۳۱۴ وضع نخستین مقررات کارگری .

۱۳۱۶ تقسیم کشور بده استان .

۵ مهرماه ۱۳۱۶ گشایش کارخانهٔ دخانیات .

۲۷ امردادماه ۱۳۱۷ بهم پیوستن راه آهن شمال و جنوب و پایان کار راه آهن سرتاسری .

۱۳۱۸ تأسیس بانک رهنی .

۴ اردی بهشت ماه ۱۳۱۹ افتتاح نخستین فرستندهٔ رادیو .

۲ شهریورماه ۱۳۲۰ رسیدن راه آهن مشهد بنیشابور .

۳ شهریورماه ۱۳۲۰ ورود لشکریان متفقین ازشمال وجنوب بایران .

۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ استعفا از سلطنت و هجرت از ایران .

چهارشنبهٔ ۴ امرداد ماه ۱۳۲۲ درگذشت ناگهانی در شهر یوهانسبورگ در افریقای جنوبی .

۱۷ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ انتقال پیکر شاهنشاه از قاهره بآرامگاه زاویهٔ شاه عبدالعظیم در تهران .

استقلال ایران

ویکتوربرار دانشمند فرانسوی در آغاز کتابیکه درباره انقلاب ایران نـوشته است می گوید : « ایران نه ملتست و نه دولت » . این بهترین معرفی از وضع ایران در پایان دورهٔ قاجارهاست و گویندهٔ این سخن نه غرض ورزی و دشمنی کرده و نه مبالغه کرده است . زیرا که ملت یعنی آن جمعی ازمردم که درزبان واخلاق وعادات ورسوم ومعتقدات ودین ولباس وزندگی اجتماعی وامید وآرزو وحتی درخشم و غضب و کینه ونفرت یکسان بیندیشند وباهم همداستان وشریك باشند .

راستی هم که درآن زمان ایرانیان درهیچ یك ازین مظاهر انسانی اتفاق‌کلمه نداشتند و در فصل دیگری که دربارهٔ اوضاع اجتماعی خواهد بود درین زمینه بیشتر سخن خواهم راند .

درآن زمان ایران دولت هم‌نبود ، زیرا دولت یعنی آن نیروی حاکمه‌ای که از میان مـردم برخاسته باشد و مسئول سرنـوشت وخوب وبد مردمی باشد کـه آنرا برانگیخته‌اند . آنست که شب‌وروز برای‌آن مردم دلسوزی کند ، آسایش ونیك‌روزی مردم را ازهرچیث فراهم آورد ، درهرروزی مردم را بسوی پایهٔ دیگری از پیشرفت وترقی و کمال ببرد ، زندگی شبانروزی امروز وفردای آن مردم را ازهرحیث تأمین کند ، حتی نقشه‌های عاقلانه برای آیندهٔ آن‌مردم بکشد ، عرض وناموس وجان‌ومال همهٔ مردم را درکمال خوبی حفظ کند وهمهٔ خطرهای جانی و مالی را دفع کند ، از هیچ وسیلهٔ ارشاد وهدایت خودداری نکند ، یعنی مهربان‌ترین پرستار و سرپرست و

دوست وخدمتگزار ودستیار آن مردم باشد . این صفاتیست که درآن دوره بهیچ وجه درآنچه دولت ایران می گفتند نبود . بیش ازصد سال بود که دولت ایران یکی از ناتوان‌ترین دولتهای جهان بشمار می‌رفت . درروی نقشهٔ جغرافیا مستقل بود یعنی ظاهراً استقلال داشت وجزومستعمرات بشماد نمی‌رفت امـا اگر کسی اوضاع آن روز جهان را درست بسنجد می‌بیند که حال آن ازهرمستعمره‌ای زارتر بود زیرا که دول استعماری لااقل درآبادانی مستعمرات خود می کوشیدند .

کسانیکه آن دوره را درك نکرده‌اند شاید نتوانند بـاور کنند که روزی در کشور مـاهر گاه می‌خواستند هیئت دولتی تشکیل دهند می‌بایست پیش از وقت از بیگانگان اجازه بگیرند وناچار درین صورت فلان کنسول هم حق داشت فلان‌حاکم را در قلمرو خود نپذیرد وحتی تاجرباشی آن کنسول نیز حق رأی داشت .

شاید این نکته راهم نتوانند باور کنند که ایران تنها ازدوهمسایهٔ آن‌روزخود می‌توانست‌وام بگیرد . ازکالاهای‌این‌همسایگان کمتر ازکالاهای کشورهای‌دیگر گمرك می گرفتند تادرایران ارزان‌تر بفروش برسد . اگر این همسایگان مبلغی بایران‌وام می‌دادند دولت ایران نمی‌توانست آنرا بی‌اجازهٔ ایشان خرج کند ومی‌بایست بمصرفی که ایشان تعیین می کردند برسانند .

درعهدنامه‌هایی که‌دول اروپا با زیردستان‌خود امضا می کردند حق‌کاپیتولاسیون برای خود می گرفتند وآن‌حق عبارت ازین بود که اتباع ایشان پیروقوانین‌ونظامات کشورخود بودندونه‌قوانین و نظامات کشوری که بآنجا رفته بودند . درایران‌نیزاتباع بیگانه‌این برتری را نسبت بایرانیان داشتند. اگر بیگانه‌ای بیك‌ایرانی‌مبلغی‌مقروض بود تنها کنسول آن کشور بیگانه می‌توانست مطابق رسوم کشور خود وی را وادار کند که وام خود را بپردازد وبسا می‌شد که کنسول این‌کاررا نمی کرد و حق ایرانی پایمال می‌شد . همچنین اگربیگانه‌ای یك‌ایرانی‌را می کشت‌آن قاتل‌را مطابق قوانین

کشورش محاکمه می کردند . محکمهٔ مخصوصی برای این کار از نمایندهٔ کنسول و نمایندهٔ وزارت امور خارجه تشکیل می‌شد وگرنه اعتبار نداشت . بهمین جهت یکی از ادارات مهم وزارت امور خارجهٔ آن روزگار ادارهٔ محاکمات بود و وزارت امور خارجه درهرشهر ایران که اتباع بیگانه درآن بودند مأموری داشت که باو «کارگزار» می گفتند و وی را برای این می‌فرستادند که این گونــه حقوق و امتیــازات و منافع بیگانگان را حفظ کنند .

یك عده از ایرانیان برای تأمین منافع پست خود تبعیت بیگانه را گرفته‌بودند وعده‌ای نیز «تحت‌الحمایه» یعنی دست پروردهٔ بیگانه بودند وایشان نیزهمان‌امتیازها را داشتند . چنانکه اگر یك ایرانی مسلمان تبعه یا تحت الحمایهٔ بیگانگان‌می‌بود کنسول‌آن دولت ارث‌اورا مطابق قوانین‌وحتی عادات ورسوم کشور خود تأمین‌می کرد. بیشتر از کنسولگریها عضو زیردستی داشتند بعنوان«تاجر باشی» که مرد توانایی‌بشمار می‌رفت وسرنوشت اقتصاد قلمرو وی بدست او بود .

یکی ازجنبه‌های بسیار شگفت حق‌کاپیتولاسیون این بود که درتهران قصابانی بودند که تبعه وتحت‌الحمایه‌ٔدولت انگلستان بشمار می‌رفتندونرخ گوشت رابی‌رضایت ومــوافقت سفارت انگلستــان نمی‌توانستند تعیین بکنند . هر جنایتکاری می‌توانست باصطلاح‌آن‌روز درسفارت‌خانه‌ای‌یا کنسول‌خانه‌ای «بست بنشیند» یعنی‌برای‌اینکه از کیفر ومجازات رهایی بیابد بآنجا پناه ببرد وبسا شد که کسانی درسفارت‌خانه‌ای یا کنسول‌خانه‌ای بست‌نشستند وبمقصود خود رسیدند .

بطریق اولی هربدکاری که از ایران بیرون می‌رفت از هر کیفری در امان بود زیرا که قرار داد استرداد مجرمین تنها درمیان کشورهایی بسته می‌شد که خود را با یك دیگر برابر می‌دانستند و کشورهایی ماننداایران یا کشورهای استعماری راپست‌تر از خود می‌شمردند .

در ایران دامنهٔ این امتیازات بجایی رسیده بود که چون جایگاه تابستانی سفارت انگلستان در قلهك بود سراسر آن آبادی جزوخاك انگلستان شمرده می‌شد و نه‌تنها شهربانی ایران حق دخالت درکارهای آنجا را نداشت حتی کدخدای قلهك‌را سفارت انگلستان عزل ونصب می‌کرد . جایگاه تابستانی‌سفارت روسیهٔ تساری هم در زرگنده بود وآن سفارت نیز همان امتیازات رادرآن‌ناحیه داشت .

عواقب اقتصادی این امتیازات بمراتب بیش از زیانهای سیاسی واجتماعی آن بود زیرا که اساساً این‌گونه عهدنامها برای تأمین سود دولتهای بزرگ بزیان‌دولتهای کوچك بود . چند بار که درایران‌کارخانه‌ای برای تولیدکالای ضروری ساختند چون کالای این‌کارخانه ارزان‌تر ازکالایی که از آن کشور وارد می‌کردند تمام می‌شد ازیك طرف بهای‌کالای خودرا موقتاً وبحالت‌مصنوعی پایین بردند وازطرف دیگر فشارآوردند تاآن‌کارخانه‌را ببندند وکارخانهٔ قند کهریزك وکارخانهٔ نخ بافی تهران همین سرنوشت را پیدا کرد . برخی از امتیازات در گوشه‌وکنار ایران‌باعث خونریزی هم شده‌است.

بدین گونه جای تردید نیست که بیش ازصدسال استقلال ایران درمنتهی درجهٔ سستی ولرزندگی بود وباندك بادی ممکن بود ازپای درآید . چندین بار کشور ماتا پای پرتگاه زوال وانقراض رسید وتنها حوادث روزگار واوضاع‌جهان استقلال ایران را نجات داد .

کسانیکه مرزهای ایران را در دویست سال پیش درنظر بگیرند و بامرزهای ایران درپایان دورهٔ قاجارها بسنجند می‌بینند که درین دوره یك ثلث از خاك ایران ازدست رفته است .

در دورهٔ صفویه دولت ایران یکی ازنیرومندترین ومشهورترین دولتهای جهان بود وحتی بارها دولتهای بزرگ اروپا پیروی ازسیاست‌ایران درجهان کردند.ایرانیان نیروهای دولت پرتغال راکه یکی ازنیرومندترین دولتهای آن روزگار بود ازخلیج

فارس راندند و دستهای ایشان را از جزایر خلیج کوتاه کردند، اما تدریجاً ناتوانی ایران بجایی رسید که درمجلس صلح ورسای درپایان جنگ جهانی اول نمایندگان بسیاری از کشورهای کوچك راپذیرفتند وبنمایندهٔ ایران‌راه ندادند وحتی ازشنیدن سخنان ایرانیان خودداری کردند.

سالیان دراز ایران با همسایگان خود اختلافهای سرحدی داشت که بپایان نمی‌رسید زیراکه البته دعاوی دولت ناتوانی راکسی‌نمی‌پذیرد. درین‌مدت چندین بار سپاهیان بیگانه برای اینکه دولت ایران را بتسلیم در برابر خود وادار کنند وارد ایران شدند و حتی یك بار تا چند فرسنگی شمال تهران رسیدند. حتی در یکی ازقراردادها قید کرده بودند ایرانیان در ارتش ایران نباید از پایهٔ سرهنگی ببالا بروند. بسیاری از اعیان واشراف وملاکان وسرمایه‌داران ایران بودند که یا رسماً تبعه و یا تحت الحمایهٔ بیگانگان بودند و مستشار مالیه امریکایی ایران که خواست مالیات یکی ازین تحت الحمایگان را وصول کند در نتیجهٔ نزدیك شدن سپاهیان بیگانه بتهران ناچاراز ایران رفت. حتی اتفاق افتاد که دولت ایران‌خواست وزیر مختار خود را دریکی ازپایتختهای اروپا عزل کند واز عهده برنیامد.

ورود سپاهیان بیگانه ازراه بوشهر بتنگستان ودشتی و دشتستان و ازراه جلفا بتبریز و کشتارهای‌ایشان مخصوصاً در تبریز ورشت وبمباران گنبد امام هشتم درمشهد ازحوادث بسیار ناگوار دورهٔ زمامداری قاجارهاست که هریك از آنها درخور کتابی جداگانه است.

دربرخی از موارد عدهٔ افراد ارتش ایران را معین کرده بودند و دولت ایران حق‌تجاوز ازآن عده را نداشت. دزدان وراهزنان ومردم‌چادرنشین مسلح رابسرکشی تشویق وتقویت میکردند و در بیشتر حوادث داخلی و غارتگریهایی که روی می‌داد دست بیگانه درکار بود. تقریباً درهرگوشه از ایران گردن‌کشی بودکه ازخارج

اورا نیرو می‌دادند .

اسنادی که ازپایان دورهٔ حکمرانی قاجارها درایران مانده است نشان میدهد که استقلال ایران چگونه سست ولرزان بود و چگونه مردم کشور ازآینده مأیوس بودند وتصور نمیکردند روزی برسد که ایران کاملا مستقل باشد .

در۱۹۰۷ میلادی عهدنامه‌ای درمیان روسیه وانگلستان بامضا رسید و ایران‌را بسه منطقه تقسیم کردند .

درشمال منطقهٔ نفوذ روسیه بود ودرآن منطقه دولت ایران حق نداشت‌امتیازی بانگلیسها بدهد .

درجنوب منطقهٔ نفوذ انگلیس بود واتباع روسیه نمیتوانستند درآنجا امتیازی بدست آورند . درمیان این منطقه یك منطقهٔ بیطرف بود که درآن اتباع هردو دولت حق امتیاز داشتند . یك نقشهٔ ایران بخط وزبان فارسی چاپ کرده بودند وحدوداین سه منطقه را درآن معلوم کرده بودند .

در سال دوم جنگ جهانی اول در۱۹۱۵ عهدنامهٔ محرمانه‌ای بسته شد ودرآن عهدنامه منطقهٔ بی طرف را از میان برده وایران را بدو منطقهٔ نفوذ روسیه‌وانگلستان تقسیم کرده بودند . این برتریهایی را که بیگانگان برای خود قایل بودند کاملاحق مشروع خود می‌دانستند زیرا که پس از شکست ایران‌در۱۲۴۳ قمری یعنی۱۴۳سال پیش‌ازین که درمیان روسیه وایران عهدنامهٔ ترکمان چای بسته شده‌بود درآن عهد-نامه برای‌دولت غالب حقوق ومزایایی منظور کرده بودند . پس ازآن دولتهای دیگر که عهدنامه‌ای با ایران امضا کردند همان حقوق وامتیازات را برای خود گرفتند و آنرا حقوق «دول کاملة‌الوداد» نام گذاشته بودند .

یکی از مظاهر حقوق کاملة‌الوداد همان حق کاپیتولاسیون بود . این‌برتری که بیگانگان‌نسبت بایرانیان‌داشتند‌سبب شده بود که درحقیقت‌مردم ایران‌بیگانگان

را موجودخارق‌العاده و برتراز خود می‌پنداشتند وچنان در برابر ایشان مرعوب بودند که نه تنها پیروی از یشان بلکه‌تشبه بآنان را وسیلهٔ مباهات‌وبرتری خودمی‌دانستند.

یك نکتهٔ جالب اینست که درتهران چندمدرسه بود که بیگانگان اداره‌می‌کردند و کودکان ایرانی را زبان ورسوم و عادات خود می‌آموختند . پدرانیکه پسران متعدد داشتند هریك را بیکی ازین مدرسه‌ها می‌گذاشتند تا سیاست هر کدام غلبه می‌کرد از آن بهره‌مند گردند ولی نتیجه معکوس بود زیرا هر برادری بسته باحساساتی که درو تولید کرده‌بودند بابرادران دیگرخود اختلاف عقیده‌ای داشت که ناشی از اختلاف سیاست مدیران مدرسه‌ای بود که در آنجا تربیت شده بود . بدین گونه ایرانیان در برابر استیلای بیگانگان چنان مرعوب شده بودند و خود را نسبت ببیگانه خفیف وسرشکسته می‌دیدند که هر اتفاقی درزندگی داخلی‌خانواده‌ای‌روی می‌داد آنرا نتیجهٔ تحریك بیگانگان می‌دانستند . درهرجای ایران کسانی بودند که آشکارا از انتساب ببیگانه فخر می کردند و آنرا باعث رونق و پیشرفت کار خود می‌دانستند .

یکی از مظاهر این سرشکستگی این بود که هر وقت می‌خواستند قدمی در اصلاح بردارند از یکی از کشورهای بیگانه مستشار می‌آوردند . اما حق نداشتند ازهر کشوری که می‌خواستند مستشاربگیرند واز کشوری می‌آوردند که همسایگان با موافقت یك دیگر معین میکردند .

این اصول باعث شده بود که همهٔ مظاهراستقلال کشور از ارتش گرفته‌تااقتصاد ودادگستری وامنیت داخلی وشهربانی وپست وتلگراف‌وگمرك دردست بیگانگانی‌بود که گاهی هم عنوان وزیر بایشان می‌دادند . پیداست که این مستشاران مصلحت‌ایران رارعایت نمیکردند زیرا درکار خود اندك آزادی نداشتند واگر درکاری پیشاپیش اجازه نگرفته بودند بهر گونه مانع برمیخوردند . چنانکه مرگان شوستر مستشار

معروف مالیهٔ ایران که گستاخی کرده وخواسته بود مالیات پس‌افتادهٔ یکی از تحت‌ـ الحمایگان بیگانه‌را وصول کند ناچار شد دربرابر تهدید کارگزاران روس ورسیدن سپاهیان روسیه بینگی امام بیرون دروازهٔ تهران از ایران برود .

ناگوارترین مرحلهٔ این مداخلات اینست که مدتهای مدید ببهانهٔ امنیت و پاسبانی ازاتباع خودوحفظ منافع ایشان لشکریان بیگانه درولایات وشهرهای ایران بوده‌اند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت در شهرهای مختلف حوادث ناگواری پیش آورده‌اند و کسانی راکه معلوم نیست چـه گناهی داشته‌اند بی‌آنکه محاکمه بکنند تنها بفرمان وفتوای افسری‌یا کنسولی ویا مأموردیگری روز روشن بدار زده‌اند واین‌ـ گونه‌کارها راحتی در مستعمرات خود نمی‌کردند ودرآنجا اگر می‌خواستند کسی را نابود کنند برای حفظ ظاهر محاکمه گونه‌ای می‌کرداند .

یکی ازمظاهر مداخلات بیگانگان در جزییات امور اقتصادی این بود که در برخی از مراکز اقتصاد کشور مردی راکه هیچ برتری نژادی و موروثی و اکتسابی وعملی نداشت عنوان تاجرباشی می‌دادند تاواسطهٔ دادوستدهای ایشان‌باشد ووی‌بمنتهی درجه مغرور بود چنانکه درخیابانها که درشکه می‌تاخت درشکه‌چی او خودرا بالاتر از آن می‌دانست که رعایت مردم رهگذر را بکند و خبردار بگوید زیرا اگر کسی آسیبی می‌دید بازخواستی درمیان نبود .

یکی ازمظاهر بسیار زنندهٔ این مداخلات و ناتوانی دولتهای ایران در بـرابـر بیگانگان اینست که درجنگ جهانی اول که متفقین یعنی روسیه وانگلستان وفرانسه بامتحدین یعنی آلمان واتریش وعثمانی در زدوخورد بودند وهردو ایران رانیزمیدان جنگ کرده بودند باآنکه ایران اعلان بی‌طرفی کرده بـود افسران سوئدی که برای تعلیم ژاندارمری آمده بودند هواخواه آلمانها ومتحدین بودندوباافراد ایرانی‌واسلحهٔ ایرانی وبودجه‌ای که ازخزانهٔ ایران می‌گرفتند حتی در نزدیکی تهران بـاسپاهیان

متفقین جنگ کردند وعده‌ای از سیاست مداران برای پیوستن بکارگزاران آلمان از تهران رفتند وبایشان «مهاجرین» گفتند . درجنوب ایران نیزکارگزاران مستعمرات انگلستان عده‌ای ازایرانیان رابنام «پلیس جنوب» مسلح ومزدور کردند .

نکته‌ای که هیچ مورخ منصفی ردنخواهد کرد اینست که ایران درسراسرتاریخ خود زیانی راکه از دورهٔ قاجارها برده از دورهٔ دیگر نبرده‌است زیرا که حتی مدت استیلای بیگانگان باندازهٔ دورهٔ صد وسی‌وچهارسالهٔ فرمانروایی قاجارها نبوده است . درین‌دوره بزرگترین‌زیانی که ایران درتاریخ‌خودبرد این بود که پیش‌ازآن‌همیشه از هیچ کشوری درتمدن وعلم ومعرفت عقب نبود ودررديف متمدن‌ترین ملل جهان‌بشمار می‌رفت وبسیاری ازملل دیگر ازتمدن‌ایران برخوردار می‌شدند . اگر بتاریخ‌تمدن جدید بنگرید می‌بینید که همهٔ این بساط عظیم واین دستگاه مهم تمدن جدیددرصد سال ازآغاز قرن نوزدهم تاآغاز قرن بیستم میلادی فراهم شده است واین درست‌همان موقعیست که ایران درنتیجهٔ حکمرانی قاجارها درمنتهای ناتوانی وپریشانی بوده است ونه تنها نتوانسته است درتمدن جدید انبازباشد بلکه ازقافلهٔ تمدن یکسره عقب‌افتاد و هنگامی که ازین خواب صدساله برخاست فرصت ازدست رفته بود ومی‌بایست برای پذیرفتن تمدن جدید دوبرابر دیگران رنج ببرد .

شکی نیست که جهان امروز جهان دانش وهنر و تمدنست وهر کسی ازکاروان دانش وهنر وتمدن بازبماند زندگی اوهمیشه قرین دریغ وحسرت خواهد بود والبته روزی راکه پایان این درماندگی باشد روزجشن وشادی خواهد گرفت ومرد بزرگی که آن روزگاررا سپری کرده است همیشه درتاریخ احترامی خاص خواهد داشت .

مردان بزرگ درتاریخ فراوانند ودرهر دوره‌ای کسانی‌بوده‌اند که دررشته‌های مختلف‌کارهای مهمی کرده‌اند که درتمدن اساسی بشمار رفته وآدمی زادگان از آن بهره‌مند شده‌اند . درمیان این مردان بزرگ کسانیکه پایه‌گذار تمدنی بوده‌اند و روزگار نابهرگی‌را بپایان رسانیده‌اند وبنیادی گذاشته‌اند که‌پس ازیشان‌نیزمانده‌است

و بنام ایشان در تاریخ خوانده شده است چندان فـراوان نیستند . رضا شاه پهلوی از کسانی بوده‌است که سرنوشت‌ایران‌را دگرگون کرده ومسیر تاریخ‌را تغییرداده‌است. دوره‌ای که وی شهریار ایران بودهمیشه درتـاریخ عنوان خاصی خـواهد داشت . در مباحث آیندهٔ این کتاب خوانندگان درخواهند یافت که پس از تأمین استقلال ایران چه‌کارهای بزرگی در امنیت کشور وتشکیل ارتش نوین واصلاحات اداری و قضایی و اجتماعی واقتصادی وپیشرفت کشاورزی وهنرودانش‌وفرهنگ ووسایل ارتباطوبهداری عمومی یعنی در نهادن پایه‌های اساس تمدن جدیـد در دورهٔ شهریاری این شاهنشاه بپایان رسیده است .

گامهای بلند که درین دوره در راه تأمین استقلال ایران برداشته شده شامل این نکات بسیار مهمست :

نخست اخراج عناصر بیگانه ازارتش ایران ، یکی‌ازیادگارهای شوم دوران ناتوانی آن بود که دولت ایران خود ازعهدهٔ اداره کردن و امنیت کشور بر نمی‌آمد و چنانکه پس ازین نیز بحث خواهم کرد همهٔ نیروی دولت برای امنیت و اداره کردن کشور باین‌بزرگی که ۱۶۴۴۰۰۰۰ کیلومترمربع‌مساحت‌دارد منحصر بیك‌دیویزیون قزاق باافسران روسی ویك‌عده ژندارم باافسران سوئدی ویك بریگاد مرکزی بود که آنرا هـم بافسران سوئدی سپرده بودند . پیداست که فرماندهی بیگانگان در ارتش کشوری چگونه بنیاد ملیت واستقلال آن کشور را سست می کند . بهمین‌جهت‌تشکیل یك ارتش ملی ورهایی نیروی نظامی ایران از عناصری که هریك تـابع یك سیاست دیگر بودند چگونه درتأمین استقلال ایران موثر بوده است . درضمن این اقدام مهم دراوضاع داخلی کشور ازجهت دیگر مؤثر بوده است ورو‌ح دوگانگی و اختلافی که درمیان‌افراد قزاق وافراد ژاندارم بواسطهٔ احساسات فرماندهشان بوده است‌بدین‌وسیله ازمیان رفته ومتحدالشکل شدن ارتش قهراً اتحاد فراهم کرده است .

نکتهٔدوم اینست که‌درنواحی مختلف ایران‌مخصوصاً درمجاورت مرزهاعناصری

بودند که فرمان‌بردار حکومت مرکزی نبودند و پیروی از نیات دولت نمی کردند و سرانشان دست نشاندهٔ بیگانگان بودند . ناچار برای تأمین استقلال کشور می‌بایست دستشان ازکار کوتاه شود . درین زمینه شاهنشاه ایران کارهای بسیار مهمی برای دفع سرکشی‌ها و فتنه‌ها در خراسان وآذربایجان وخوزستان و گیلان و فارس و لرستان و کردستان و استراباد ومازندران وسیستان وبلوچستان کرد .

می‌توان گفت درمدت سه‌سالی که پس‌ازتشکیل ارتش متحدالشکل باین‌کارمهم مشغول‌بودند درحقیقت برخی ازنواحی ایران راکه ازحکومت مرکزی جداشده ودم از نافرمانی می‌زدند دوباره بایران پیوستند ومانند آن‌بود که آنهارافتح کرده باشند . دربرخی ازین نواحی بنیادی گذاشته شده‌بود که ممکن بود نتایج وخیم داشته باشد . ازآن جمله رابطهٔ خراسان مدتی بود که بـاحکومت مرکزی گسسته شده بـود . در آذربایجان نیز سرکشی قیام کرده ورابطه‌ای باپایتخت نداشت . خوزستان نیزسالیان درازبود که مستقل وازایران‌جدا شده‌بود وشیخ خزعل پیشوای‌اعراب محمره(خرمشهر) خودرا پادشاه مستقلی می‌دانست ومالیات رابنام‌خود می گرفت وبا بیگانگان‌قرارهایی بمیل خود می گذاشت . درنواحی دیگر چادرنشینان مسلح وراهزنان هریك‌استقلالی داشتند وپیوسته همسایگان خود ومسافران را غارت می کردند . بهمین جهت بـرای تأمین امنیت واستقلال لازم بود که بتاخت و تازهای جنگلیان در گیلان و سرکشان ماکو وساوجبلاغ (مهاباد) وبجنورد وقوچان وچادرنشینان‌قشقایی وبختیاری وشاهسون ومریوان واورامان وسنجابی وکلهر وایلات خمسهٔ فارس‌واعراب بنی‌طرف درخوزستان ودشتی ودشتستان وممسنی وبلوچ وطوایف مختلف لرستان خاتمه بدهند وهریك‌ازین وقایع ازمباحث مهم تاریخ این دوره است .

قدم مهم دیگری که درراه استقلال ایران برداشته شد لغو قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی باانگلستان بودوتفصیل آن باختصار اینست که پس ازجنگ جهانی اول وازپا

درآمدن متحدین و نیرو گرفتن موتلفین درسیاست جهان و پیش‌آمدن انقلاب روسیه و استقرار رژیم کمونیست درآن کشور و برخی پیشامدها درمرزهای شمالی ایران دولت انگلستان که منافع خودرا درایران درخطر می‌دید وازآن جنگ بسیار بهره‌مندشده و درنتیجهٔ تجزیهٔ دولت عثمانی سرزمین عراق را نیز تحت‌الحمایهٔ خود کرده‌بود ومنتهای ناتوانی مادی ومعنوی ایران را می‌دید قراردادی بادولت ایران امضا کرد که بموجب آن دولت‌ایران اینك که تعادل درمیان سیاست روس وانگلیس‌بهم خورده ودیگرمانعی دربرابر انگلستان‌نبود امورمالی‌ونظامی‌خودرا بمستشاران وفرماندهان انگلیسی‌بسپارد. پیداست که این قرارداد درحقیقت استقلال ایران را از میان می‌برد وایران را دست نشاندهٔ انگلستان می کرد تاجایی که قرار گذاشته بودند ایرانیان ازدرجهٔ سرهنگی ببالاتر نروند . برای این‌کار نیروی‌نظامی را که درجنگ ببهانهٔ امنیت فارس‌و کرمان وخوزستان ازافراد ایرانی و افسران بیگانه تشکیل داده بودند ظاهراً منحل کردند و درصدد برآمدند مالیه و اقتصاد ایران را نیز بکارگزاران انگلیسی بسپارند و چند تن ازیشان مدتی درایران ماندند .

این‌کارهای اساسی که پی‌درپی‌ویکی پس ازدیگری بپایان می‌رسید سبب‌شد که مردم‌ایران اندك‌اندك ازخواب صدساله برخاستند واین‌کارهای مهم رایك‌یك‌می‌دیدند واوضاع را با گذشته می‌سنجیدند .

بهمین جهت در مهرماه ۱۳۰۳ جنب وجوش در گرفت و از گوشه و کنار مردم نفرت دیرین‌خودرانسبت بزمامداران‌قاجار آشکار کردند ودیگر کسانی را که‌نتوانسته بودند ایران را از آن حال سستی بیرون بیاورند شایستهٔ فرمانروایی ندانستند .

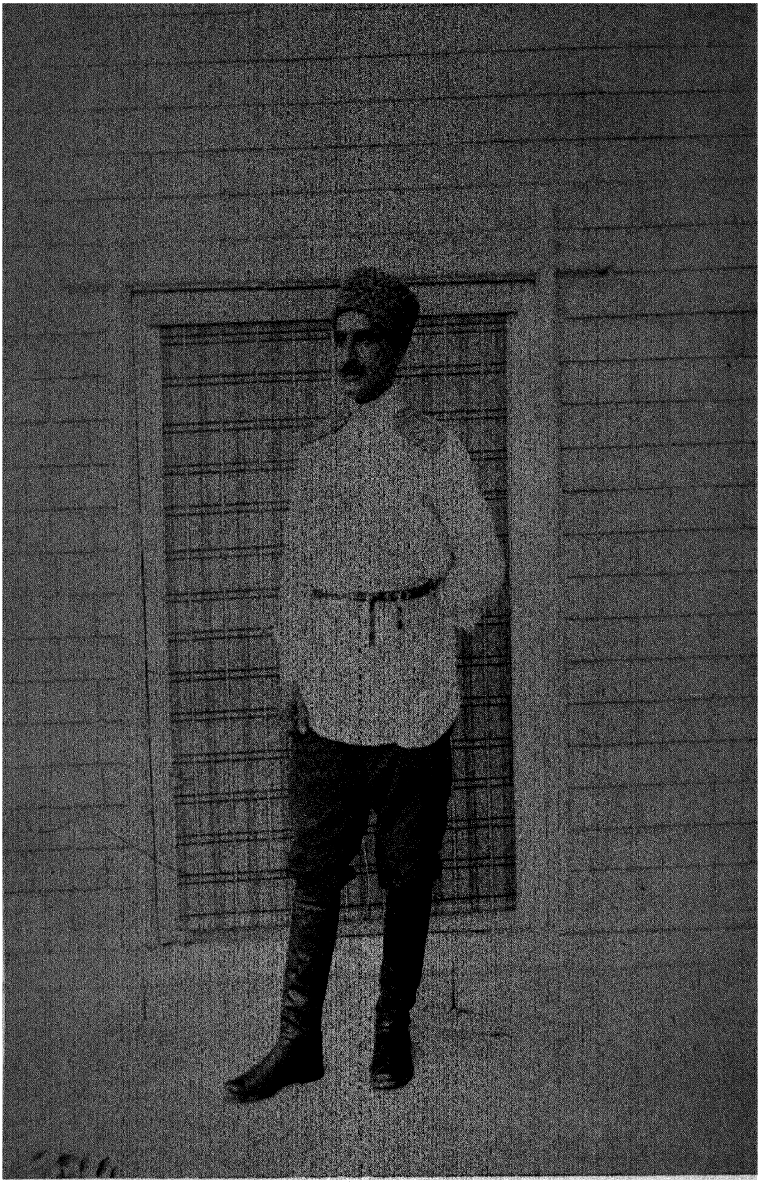
سرانجام در ۹ آبانماه ۱۳۰۴ مجلس‌شورای ملی ایران بخلع خاندان قاجار از سلطنت ایران رأی داد ومجلس مؤسسان برای تعیین سرنوشت ایران تشکیل شد ودر ۲۱ آذرماه‌نمایندگان‌ملت‌ایران‌تاج وتخت‌چندهزارسالهٔ خودرابشاهنشاه رضاشاه‌پهلوی

سپرد و بدین گونه حق خدمات چند ساله را شناخت وسپس در روز یکشنبهٔ ۴ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۵ شاهنشاه تاج برسر نهاد .

پیش ازین اشاره رفت که چگونه عهد نامهای سابق سدی در برابر استقلال ایران بود . پس از الغای حق کاپتیولاسیون قهراً می‌بایست عهدنامهای تازه‌ای در میان ایران و کشورهای دیگر بسته شود وعهدنامهای سابق را الغو کنند . دولت شوروی در آغاز تشکیل خود عهدنامهایی را که ایران باروسیهٔ تساری امضا کرده بود لغو کرد وناچار عهدنامهٔ ترکمان چای که اساس‌ومبنای عهد نامهای ایران باکشورهای دیگر بود ازمیان رفت واینك موقع آن رسیده بود بادولتهایی که سابقاً عهدنامهایی‌باایران داشته‌اند عهدنامه‌یی منعقد شود که درآنها هیچ برتری‌در بارهٔ اتباع بیگانه‌نسبت‌باتباع ایران قایل نشوند .

بدین گونه پس‌ازالغای حق کاپیتولاسیون عهدنامهای جدیدی بادولتهای‌شوروی وترکیه و افغانستان وعراق وآلمان واتریش وبلژیك وچین و دانمارك ومصر واستونی ودول متحدهٔ آمریکای شمالی وفنلاند وفرانسه وانگلستان ویونان و حجاز و نجد و مجارستان وایتالیا وژاپون ولتونی ولیتوانی ونروژ وهلاند ولهستان وسوئد و سویس و چکوسلاواکی پی‌درپی بامضارسید ودرهمهٔ این عهدنامها شئون وحیثیات دولت‌ایران کاملا رعایت‌شده وبرابری‌کامل برقرار گشته است . چنانکه پس‌ازین ددبارهٔ اصلاحات قضایی بحث خواهم کرد اندیشهٔ الغای حق کاپیتولاسیون درآغاز سال ۱۳۰۶ پیش‌آمد ودریك سال این نتایج بسیار مهم فراهم شد .

درضمن الغای عهدنامهای سابق دولت‌ایران امتیازهای زیان‌بخش را که سابقاً ببیگانگان‌داده‌بودند ویادگاردوره‌ای بود که مردم ایران بحقوق‌مشروع خودپی نبرده بودند وزیانهای اقتصادی و اجتماعی وسیاسی فراوان دربرداشت لغو کرد از آن جمله امتیازهای راهداری و کشتی رانی وتلگراف وامتیاز حفریات علمی بدولت فرانسه‌بود



قبل از زمامداری ـ درلباس فرماندهی کل قوا

که لغو شد وشیلات دریای خزر که امتیاز آن با بیگانگان بود بصورت شرکت ایرانی درآمد وامتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانك شاهنشاهی ایران نیز درین دوره لغو شد.

یکی از مظاهر آشکار استحکام استقلال ایران توجهی بود که درخارج از کشور ما درمحافل مختلف نسبت بایران پیدا شد وایران درسیاست بین‌الملل اعتباری یافت که پیش ازآن مطلقاً نداشت وبهمین جهت رؤسای دولتها ومردان سیاست جهان که در زمانهای گذشته بایران نیامده بودند نسبت بایران متوجه شدند و سفرهایی بایران کردند که مهم‌ترین آنها بدین قرارست : امیرامان‌الله‌خان پادشاه سابق افغانستان در ۱۳۰۷ . جعفر پاشا عسکری وزیر جنگ عراق در ۱۳۰۹ . رشدی آراس وزیر امور خارجهٔ ترکیه در ۱۳۱۰ . ملك فیصل پادشاه عراق و نوری سعید رئیس الوزرای آن کشور در ۱۳۱۱ . امیر فیصل ولیعهد حجاز ونجد در ۱۳۱۱ . کاراخان قایم مقام کمیسر امور خارجهٔ شوروی در ۱۳۱۲ . گوستاوآدلف ولیعهد سوئد در ۱۳۱۳ . نوری سعید وزیر امور خارجه عراق باردوم در ۱۳۱۴ . شاه محمودخان وزیر جنگ افغانستان در ۱۳۱۵ . دکتر شاخت‌وزیر اقتصاد آلمان در۱۳۱۵ . دکتررشدی‌آراس وزیرامور خارجهٔ ترکیه وفیض‌محمدخان وزیر امور خارجهٔ افغانستان وناجی‌الاصیل وزیر امور خارجهٔ عراق در۱۳۱۶ .

در جامعهٔ ملل و در مجامع بین‌الملل که درین دوره تشکیل یافت همه جا نمایندگان ایران بانمایندگان کشورهای مستقل جهان همدوش بوده‌اند چنانکه‌در کنفرانس خلع سلاح ودیوان داوری بین‌الملل مقام خاصی داشته‌اند ودرشورای جامعهٔ ملل انتخاب شده‌اند ویك بار نمایندهٔ ایران بریاست شورای جامعهٔ ملل انتخاب‌شدو اینها همه مظاهر استقلال تام ایران و بدست آوردن اعتبار واهمیت خاص در سیاست جهانست .

آخرین قدمی کـه درین دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شده امضای

پاکت سعدآباد درمیان ایران وعراق وترکیه وافغانستانست که وزرای امور خارجهٔ چهارکشوردر ۱۳۱۶ درکاخ سعدآباد آنرا امضا کردند واتحادی برای حفظ منافع یك دیگر فراهم ساختند . انعقاد این پاکت بهترین دلیل رشد سیاسی ایران شد زیراکه ابتکار آن بادولت ایران‌بود ونخستین باربود که درآسیا عهدنامه‌ای درمیان چنددولت بسته میشد .

دیگر ازمظاهر استقلال سیاسی‌ایران درجهان‌آن‌روز اینست که درهر کشوری رعایت حقوق ایران را نکرده‌اند ایران نیروی آنراداشته است اعتراض کندچنانکه یك بار بواسطهٔ بی‌احترامی که بایران کرده بودند روابط سیاسی خود را بـا دولت فرانسه وباردیگر بادول متحدهٔ آمریکای شمالی قطع کرد وآن دولتها دررفع کدورت ایران برخاستند .

امنیت کشور

درسراسر دورهٔ قاجارها ناامنی همهٔ ایران را فراگرفته بود . پادشاهان صفوی پس ازجان فشانی‌های بسیار ایران را که درنتیجهٔ ضعف تیموریان ازهم گسیخته بود دوباره استقلال بخشیدند وباهم تألیف وترکیب کردند و ناچار دست عناصر فتنه‌جوی وماجری‌جوی کوتاه شده بود . مخصوصاً درسلطنت شاه عباس اول امنیت‌کامل‌درایران فراهم‌شده‌بود وتجارت وصنعت رونق‌کامل داشت . پس‌ازوی‌اندك اندك صفویان‌ناتوان شدند واز گوشه و کنارسر کشان برخاستند و منتهی بفتنهٔ افغان شد ویکی‌ازسیاه‌ترین روزهای تاریخ در ایران پیش‌آمد . نادرشاه دوباره امنیتی فراهم ساخت و سر کشان را بجای خود نشاند امـا دورهٔ فرمـانروایی وی چنـدان نکشید و پس ازو دورهٔ پریشانی روی داد و کریم‌خان زند نتوانست همهٔ ایران را فرمان بردار خـود کند . افغانستان از ایران جدا شد و بازماندگان نادرشاه خراسان را از دست ندادند و در نواحی دیگر گاه‌گاه سر کشانی بـرمی‌خاستند ازآن جمله قاجارها بـودند . روی هم رفته دورهٔ کریم خان هم دورهٔ آسایش و امنیت کامل نبود . پس از کریم خـان اوضاع وخیم‌تر شد ودر دورهٔ صد وسی وچهار سالهٔ استیلای قاجارها هرگز ایران از امنیت برخوردار نشد .

درین دوره گذشته ازچادرنشینان مسلح وراهزنانی که جان‌ومال مردم راهگذر ازتاخت وتازهای ایشان درامان نبوده است چند بار که پادشاهی ازمیان رفته‌مدعیانی برمی‌خاسته‌اند وجنگهای داخلی درمی‌گرفته است . چنانکه پس ازمرگ فتحعلی‌شاه و محمد شاه مدتی درمیان مدعیان کشمکش برپابوده است .

ذکر ناامنیها وجنگهای داخلی که سراسر تاریخ قاجارها رافرا گرفته است در خور کتاب بزرگیست ومن تنها بحوادث پایان این‌دوره تا ۱۲۹۹ قناعت می کنم.

درین دوره قوهٔ حاکمه ودولت مرکزی تنها برقلمرو محدودی دراطراف تهران فرمانروایی داشت‌ودرهرناحیه‌ای سرکشانی‌بودندکه ذکرایشان پس‌ازین‌خواهدآمد.

چنانکه سابقاً باختصار اشاره کردم خوزستان که در زمانهای قدیم یکی از آبادترین‌نواحی ایران وسرزمین زرخیزی‌بوددرنتیجهٔ ناتوانی‌دولت یکی‌ازویران‌ترین ولایات ایران شده‌بود ومنابع ثروت وکشاورزی آن ازکار افتاده بود. چادرنشینان عرب مانندبنی‌طرف وبنی کعب ازسالیان‌درازدرآنجا رخنه کرده‌بودند وتقریباً درمدت سی‌سال این سرزمین تاریخی ازایران جدابود وازحکومت مرکزی پیروی نمی کردو حتی شیخ‌خزعل که دم ازاستقلال می‌زد مالیات را بنفع خود می گرفت وبا بیگانگان روابط شخصی داشت.

لرستان نیز همواره میدان تاخت و تاز چادرنشینان غارتگر لربود و از زمان کریم‌خان‌زند ببعد رابطهٔ لرستان باحکومت مرکزی گسسته شده‌بود وازیك سوی تا خوزستان‌وازسوی دیگرتاسرزمین‌اراك وسلطان‌آبادهرمسافروکاروان‌وبازرگانی که از آنجا می گذشت دوچار کشتار وتاراج می‌شد.

ناحیهٔ کرمانشاهان نیز ازقدیم میدان سرکشی چادرنشینان کلهر و سنجابی و گوران وجز آن بود و حوادثی پیش می‌آوردند که تامدتی دولت مرکزی‌را گرفتار می کرد.

کردستان هم پس از کریم‌خان‌زند یکسره ازحکومت مرکزی جدا شده بود وطوایف کرد مانند اورامانی‌ومریوانی و گلباغی ومکری وکلیایی نه‌تنها پیوسته‌بایك دیگر در زدوخورد بودند واز حکومت مرکزی پیروی نمی کردند وکارگزاران آنرا بخود راه نمی‌دادند بلکه برهمسایگان خود نیز می‌تاختند ودولت ایران ناگزیربود

هرچند یك‌بار نیرویی برای دفع آنها بفرستد ولی با این همه کوششها نمی‌توانست ایشان را فرمان بردار خود کند .

آذربایجان نیز که درسیاست واقتصاد مهم‌ترین ایالت ایران بود همواره میدان تاخت و تازه چادرنشینان دیگر بشمار میرفت و کم می‌شد امنیت کامل در آن ایالت بزرگ برقرار باشد . درجنوب ومغرب آن سرزمین کردها وطوایف چادرنشین آسوری یا کلدانی نصرانی که بایشان «جلو» می گفتند ودرشمال چادرنشینان شاهسون با یك‌دیگر درزدوخورد بودند و گاهی مردم شهرها گرفتار کشتار و تاراج این دسته یاآن دسته می‌شدند و گاهی هم زدوخورد درشهرها درمی گرفت .

در گیلان هم طوایف مختلف دربرخی ازنواحی سرکشی می کردند ومخصوصاً طالشی‌ها دعوی خودسری داشتند واتباع وپیروان میرزا کوچك‌خان که بنام جنگلی معروف شده بودند چند سال رابطهٔ آن سرزمین را باحکومت مرکزی گسسته بودند و سفرایی از مرکز بآنجا واز آنجا بمرکز می‌آمدند .

درمازندران نیز برخی ازنواحی بود که کمتر روی آسایش وامنیت بخودمی‌دید و مخصوصاً ناحیهٔ سوادکوه مسکن طوایفی بود که چندین بار سرکشی و فتنه‌جویی کرده بودند .

استراباد یکی از ناامن‌ترین نواحی ایران بود زیرا که ترکمانان مخصوصاً طوایف یموت و کوکلان وتکه مدتهای مدید بهیچوجه فرمان بردارحکومت مرکزی نبودند وپیوسته درحال طغیان ودزدی وراهزنی بسر میبردند و همیشه در راه خراسان درکمین کالا وراهگذر بودند و نه تنها از کشتار وتاراج باك نداشتند بلکه زن و کودك را اسیر می کردند و باخود می‌بردند وازیشان بهره‌مند می‌شدند .

درخراسان نیز که ظاهراً امن‌ترین وآرام‌ترین ناحیهٔ ایران بودهمواره چادرنشینان سرکش غارتگردرنواحی مختلف درتاخت وتاز بودندودربرخی ازنواحی مخصوصاً کردان بجنوردوقوچان فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند وچادرنشنیان دیگر ازنژادهزاره

و کلالی ودیگران نیز سر کشی می کردند .

بلوچستان ظاهراً ازنواحی ایران بود اما درسراسر دورهٔ قاجارها ناحیهٔ مستقلی بشمار می‌رفت وهیچ مأموری از مرکز بآنجا راه نیافته بود وچادرنشینان بلوچ نیز خودسر ومستقل بودند وازتاخت وتاز وراهزنی باك نداشتند .

سرزمین فارس هم که مرکز تمدن قدیم ایران وزادگاه هخامنشیان وساسانیان بود نیز بیشتر گرفتار پریشانی وناامنی بود زیرا که طوایف مختلف ازچندنژاد پیوسته درآنجا بایك‌دیگر درزدوخورد بودند واز کشتاروتاراج مردم‌فارس خودداری‌نمی کردند چنانکه طوایف‌قشقایی‌ازیك‌سو وقبایل ممسنی‌و کوه گیلویه‌ودشتی ودشتستان‌وتنگستان وایلات خمسه ازسوی دیگر نه تنها بایك دیگر زد وخورد می کردند بلکه مزاحم زندگی مردم آبادیها نیز می‌شدند .

کرمان هم‌هرچند ظاهراً یکی ازآرام‌ترین نواحی ایران‌بشمار می‌رفت طوایف مختلف‌بلوچ وترك‌نیز درآنجا چادرنشین بودندوبیشتر وسایل‌ناامنی رافراهم‌می‌ساختند وبکشاورزان وپیشه‌وران زیانهای بسیار می‌رساندند .

حتی درنواحی مرکزی ایران درگوشه و کنار چادرنشینان مسلح دیگر بودند که آسایش و امنیت را ازمیان می بردند وایشان نیز براهزنی روزگار می گذراندند چنانکه طوایف بختیاری‌ازاطراف اصفهان گرفته تاخوزستان ولرستان همه‌جاراهزنی وغارتگری می کردند. ازطرف دیگرطوایف خلج درناحیهٔ ساوه وزرند وقم نیزتاخت‌و تاز می کردند وگروههایی ازطوایف عرب و شاهسون وکرد وغیره تا اطراف تهران و نواحی شهریار وورامین‌وخوار وساوجبلاغ می‌آمدندودرضمن‌آنکه بسردسیرو گرمسیر می‌رفتند درسرراه ازراهزنی خودداری نداشتند .

بدین گونه می‌توان گفت درآن‌روزگار ایران کشوری بود که درهر گوشهٔ‌آن چادرنشینان مسلح‌وراهزن امنیت وآسایش رادستخوش تاخت وتازهای خودمی کردند وپیوسته ازین سو بآن‌سو می‌رفتندچنانکه مردم‌آبادیها و کشاورزان هرگز ازدستبرد-

های ایشان درامان نبودند وبسیاری ازروستاهای کشور دوچار این غارتگریهامی‌شدند بطوری که بیشتر از آنها قلعه وحصار داشتند تاازدستبرد راهزنان درامان بمانند . در هر راهی که مردم آمد و رفت داشتند در سر گردنه‌ها و پیچ و خمها در تاریکی شب راهزنان در کمین بودند ونه تنها تاراج و کشتار می کردند بلکه زن وبچه‌را باسیری می‌بردند و تامدتی بساط برده فروشی در نواحی مختلف گسترده بود . بیشتر مأموران وکارگزاران دولت وادارات و بنگاههای بازرگانی و صنعتی واقتصادی داخلی و حتی خارجی چاره جزآن نداشتند که بایشان باج بدهند تابهمان قناعت کنند و دست از تاراج بکشند. اگرآماری‌از کسانی که بدست این‌راهزنان کشته شده‌اند برداشته‌بودند معلوم می‌شد که کشتار ایشان کم‌تراز کشتار بیماریهای واگیر نبوده وچنان‌می‌نماید که درین مدت سراسر کشور گرفتار این بلای جانکاه بوده که کمتر ازوبا و طاعون و هربیماری دیگر نبوده است .

چنانکه سابقاً هم‌اشاره کردم‌بیشتراز‌ین‌چادرنشینان راهزن وتاراجگرراعناصر بیگانه نیرو می‌دادند وحتی آشکار اسلحه و مهمات بایشان می‌دادند و گاهی مأموران رسمی خودرا بمیان ایشان می‌فرستادند وسران آنهارا رسماً تحت‌الحمایهٔ خود قرار می‌دادند و گاهی نیزقراردادهایی باایشان امضامی کردند مانند قراردادی که بادولتی مستقل امضا کرده باشند واین بستگی‌ها را ازمفاخر خود می‌دانستند .

پس‌از‌ین‌خوانندگان خواهند دید که گذشته از‌ین‌شرارتهای چادرنشینان مسلح کسان‌دیگر درین‌دوره ازراههای دیگر دعوی‌خودسری داشتندومدتهای مدیدناحیه‌ای را میدان تاخت وتاز خود قرار داده‌اند .

این‌جا قهراً اندیشه‌ای پیش می‌آیدوآن اینست که ایران یکی از قدیم‌ترین کشورهای متمدن جهانست ودرسه‌هزار سال پیش‌درزمانی که همهٔ‌ملتهای متمدن‌امروز پابدایرهٔ تمدن نگذاشته بودند اساس‌تمدن استوار خود را گذاشته ودربسیاری ازادوار

تاریخ جهان در تمدن مادی ومعنوی بر کشورهای دیگر برتری داشته است . دریغا که این کشور درین دورهٔ صد وسی وچهار ساله بدین گونه سیر قهقرایی کرده‌است. زیرا تردیدی نیست هر کشوری که افراد آن با یك دیگر ساز گار نباشند ویك دیگر را بکشند واموال یك دیگر را بیغما ببرند وزنـان وفرزندان یك دیگر را برده کنند و بفروشند وهیچ وسیله‌ای برای منع این نابکاریها وایجاد آسایش وامنیت وجود نداشته باشد نمی‌توان آن کشور را متمدن دانست واگر پیش ازآن چنین اوضاعی بـر قرار نبوده است باید گفت در تمدن سیر قهقرایی کرده است .

بدین نکته نیز باید توجه کرد که درآن زمان هر کس در ایران سفر کرده متوجه‌شده‌است که درهر گوشهٔ این کشور بزرگ که زمانی‌درنتیجهٔ پیوستگی‌ویگانگی افراد خود جهانیان را خیره کرده بود زبانی وعادات واخلاقی وآداب و رسوم خاصی بوده که درآن گوشهٔ دیگر تغییر می کرده و درحقیقت درهرقدم از قلمروایلی بقلمرو ایل دیگر می‌رفتند ودرمیان این دوایل سرحدی بود که برای عبور از آن گذرنامه لازم بود زیرا که اگر رئیس وسر کردهٔ ایل اجازه نمی‌داد وایل بیکی و ایل خانـی دستور نداده بودنمی‌توانستند وارد آن‌ناحیه بشوند وبسا می‌شد که تا کسی باج نمی‌داد باوراه نمی‌دادند . هنگامی که جنگلیان بر گیلان‌استیلا یافته‌بودند مردی‌بنام‌نمایندهٔ جنگل در تهران بود و کسی که می‌خواست ازتهران بگیلان برود می‌بایست ازوجواز ودرحقیقت گذرنامه بگیرد ودرمنجیل که حکم‌سرحد درمیان گیلان وتهران راداشت بگماشتگان میرزا کوچك خان وجنگلیان نشان بدهد تابتواند ازآنجا بگذرد ووارد گیلان بشـود .

شاید خوانندگان گمان کنند که لااقل دراندرون شهرها امنیت بوده و مردم درامان می‌زیسته‌اند ومثلا مردم تهران درشهر گرفتاری نداشته‌اند . گذشته ازآنکه درهرشهری یك‌عده مردم نابکار بنام «الواط» و «لوطی» بودند که بهوی وهوس‌درمستی

و عربده جویی ممکن بود راهگذری را بکشند عوامل دیگر برای ناامنی در شهر و اطراف آن بود وبهمین جهت بسیاری از شهرهای ایران خندق وبرج و بارو وحصار داشت و دروازهایی بود که هرشب می‌بستند و حتی در میان محلات مختلف یك شهر مثلا درشهر تبریز دروازه بود و در تهران نیز محلهٔارگ که مرکز سلطنت و دستگاه دولت بود ازچهار طرف دروازه داشت و میـدان سپه نیز دروازه داشت تـا مردم این محله مزاحم محلهٔ دیگر نشوند وهمین که پاسی‌ازشب می گذشت رفت وآمد در کوی وبرزن شهررا مانع می‌شدند ومعمول بود بپاسبانان «اسم شب» می‌دادند یعنی کلمه‌ای محرمانه را بکسانی که می توانستند رفت وآمد کنند می گفتند و وی آنرا در گوش پاسبانان می گفت تا اجازهٔ رفتن باو بدهند . سپس که افسران سوئدی برای شهربانی تهران استخدام کردند ایشان ورقه‌ای چاپی با مهر و امضا وعکس صاحب ورقه‌بکسانی که طرف اعتماد بودندمی‌دادند تاهنگام ضرورت شب بتوانندازخانهٔ خودبیرون‌بروند.

درین زمینه نکتهٔ بسیار مهم اینست که این کار های مهم که برای استقرار امنیت در ایران شده است و قدمهای بلندی که رضا شاه پهلوی درین راه برداشت در مدت بسیار کوتاهی باسرعتی بی‌نظیر که درهیچ‌یك از ادوار تاریخ ایران نظیر نداشته است صورت گرفت زیرا ازآغاز سال ۱۳۰۰ تاتیرماه ۱۳۰۹ که اسمعیل سمیتقورئیس ایل‌شکاك درآذربایجان گرفتار ارتش ایران شد و این آخرین واقعه ناامنی و بی‌نظمی بود تنها هشت سال و چهار ماه کشید یعنی نا امنی و بی نظمی را که بیش از صد وسی سال وسایل‌آن درایران فراهم‌شده بود درین اندك مدت از میان بردند اما در سراسر این‌مدت ارتش ایران مشغول زد و خورد نبوده ودر هرسالی بیش ازچند ماه گرفتاری نداشته است و ناچار نا امنی وبی نظمی صد وچند ساله در مدتی کمتر از آن بپایان رسیده است .

پیداست که برای رسیدن باین‌نتیجه نخست می‌بایست سپاه نیرومندی درایران

فراهم شود و دست بیگانگان را از آن کوتاه کنند و افسران بیگانه را از نظام ایران برانند ودسته‌های مختلف را متحد الشکل کنند تا بتوانند بدان وسیله دست راهزنان و سرکشان را کوتاه کنند . بهمین جهت بمحض اینکه این نیروی تازه فراهم شد و وسایل کار آماده گشت بی‌درنگ بکار آغاز کردند و یك یك نواحی مختلف ایران که از حکومت مرکزی جداشده بودند وهریك دم از استقلال می‌زدندفرمان بردارشدند . مراحل مختلف این کار بسیار مهم بدین گونه است :

نخستین ناحیه خراسان بود که پس از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ محمد تقی خان پسیان فرمانده لشکریان آن سرزمین در برابر حکومت مرکزی ایستادگی می کرد ورابطهٔ خود را باتهران قطع کرده بود و در سال ۱۳۰۰ پس از چند ماه کوشش این غائله رفع شد .

پس از آن می بایست همت بامنیت آذربایجان بگمارند زیرا که در آنجا هم ابوالقاسم خان لاهوتی فرمانده نیروی آن ایالت درتبریز برای مخالفت بامتحدالشکل شدن ارتش قیام کرده بود واز پذیرفتن دستور های حکومت مرکزی سرپیچی می کرد و پس از فرستادن عده ای بآذربایجان وزد وخوردی درتبریز آن ایالت نیز بحکومت مرکزی پیوست .

پس از آن می بایست باوضاع خوزستان و امن کردن آن سرزمین توجه کنند . زیرا چنانکه پیش ازین اشاره کردم نزدیك سی سال بود که شیخ خزعل رئیس یکی از قبایل عرب خوزستان درمحمره (خرم شهر) دستگاه مستقلی برای خودفراهم کرده بود و درباری تشکیل داده بود و چنان دعوی استقلال داشت که مالیات را از مردم خوزستان بنام خود می گرفت و مانند پادشاهان عرب سواحل و جزایر خلیج فارس عنوان « شیخ محمره» یعنی عنوان سلطنت برای خود قائل بود . این ناحیه نیز پس از لشکرکشی که شاهنشاه خود درآن شرکت داشت دوباره بایران ملحق گشت وپس از

سی‌سال سرزمین خوزستان تابع حکومت مرکزی شد .

پس ازآن واقعه متوجه سرزمین گیلان ورفع غائلهٔ جنگلیان شدند زیرا که از اواسط جنگ جهانی اول ومقارن انقلاب روسیه میرزا کوچك خان در گیلان گروهی را مسلح کرده وتدریجاً سراسرآن ناحیه‌را فرمان بردار خود کرده ورابطهٔ‌آن سرزمین با تهران مدتها گسیخته بود و جنگلیان حکومت مستقلی تشکیل داده و کم کم شهر رشت رانیز گرفته بودند وسپس درآنجا حکومت انقلابی وشوروی باوزارت خانه های مستقل تشکیل داده بودند ونزدیك بهفت سال این ناحیه از ایران پیوسته درحال پریشانی وآشفتگی بود وچنانکه پیش ازین اشاره رفت حتی سرحد خود را درمنجیل در آغاز خاك گیلان معین کرده بودند و رفت و آمد مردم بسته باجازهٔ ایشان بود . پریشانی این ناحیه بجایی رسید که چون حکومت انقلابی در رشت بکار آغاز کرد جمعی کثیر از مردم گیلان بقزوین‌وتهران مهاجرت کردند و با کمال پریشانی و سر-گردانی از زادگاه خود دور شدند و حتی عـده‌ای پیاده این راه دراز را تا تهـران پیمودند وحکومت انقلابی دارایی ایشان را ضبط کرد . شاهنشاه فرماندهی‌سپاهیانی راکه مأمور آرامش گیلان شده بودند خود بعهده گرفت و دراندك مدتی این فتنه نیز فرونشست .

سپس بامنیت آذربایجان همت گماشتند زیرا که درآن ایـالت از دیرباز پیشامدهای ناگوار روی می‌داد وپس از اعلان‌مشروطیت دیگر آذربایجان روزخوش ندید . چندی شاهسونها وصمدخان شجاع‌الدوله در تبریز فرمانروایی کرده بودند و سپاهیان روسیهٔ تساری ببهانهٔ حفظ منافع اتباع خود در نواحی‌مختلف آن سر زمین جای گرفتند واز کشتار کسانیکه ایشان‌را مخالف خودمی‌دانستند نیز دریغ‌نداشتند . سپس درجنگ جهانی اول طوایف مختلف ترك وکرد و آسوری ولشکریان روسیه و عثمانی در نواحی مختلف آذربایجان در زدوخورد بودند وازآن جمله هریك بنوبت

شهر ارومیه (رضائیه) را قتل وغارت کردند . سپس قیام شیخ محمد خیابانی ودعوی استقلال آذربایجان روی داد چنانکه آن ایالت را از ایران جدا دانستند ودولت مستقلی بنام «آزادیستان» در تبریز تشکیل دادند وهیچ رابطه با حکومت مرکزی نداشتند . چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت پس ازآن ابوالقاسم لاهوتی درتبریز قیام کردوپس ازدفع وی باز امنیت درسراسرآذربایجان برقرار نشد . چنانکه سرکشانی چندمانند اسمعیل سمیتقو واقبال‌السلطنهٔ ماکویی ودیگران باقی مانده بودند وتا تیر ماه ۱۳۰۹ که سمیتقو دستگیر شد نا امنی درآذربایجان فرمانروا بود وسرانجام آن ناحیه نیز امنیت یافت .

پس ازآن بامنیت لرستان پرداختند . این ناحیهٔ نیز از سالیان دراز پناهگاه چادرنشینان مسلح ودزدان و راهزنان بود و در سراسر دورهٔ استیلای قاجارها کمتر می‌شد که فرمان بردار حکومت‌مرکزی باشد وبهمین جهت کسی را جرأت آن نبود که ازآنجا بگذرد. طوایف بیابان گردلرهای پشت کوه که‌بچندین طایفهٔ‌مختلف‌تقسیم می شدند وگذشته از تاراج نواحی مجاور بایك دیگر نیز بیشتر درزد و خورد بودند کاملاخلع سلاح شدند وایشان‌را از کمین گاه‌هایی که قرنها درآنجا بوده‌اند بآبادانی‌ها بردند و شهرنشین کردند و این کار مدتی مدید فرصت لازم داشت و سرانجام در آغاز سال ۱۳۰۷ بپایان رسید . بدین گونه لرستان نیز بحکومت مرکزی ایران پیوست .

ناحیهٔ دیگر نیز که مردم چادرنشین آن بیشتر در سرکشی و نـافرمانی بودند کردستان بود و می توان گفت پس از دوران صفویه دیگر امنیت بخود ندیده بود و پیوسته درپریشانی و آشفتگی‌بود و طوایف مختلف کرد چون قبایل اورامان ومریوان وگلباغی ومکری وکلیایی و غیره همواره بایك دیگر در زد وخورد بودند و بنواحی اطراف دستبرد می زدند وبا حکومت مرکزی بیشتر رابطه نداشتند . از طرف دیگر کردان ناحیهٔ کرمانشاهان مانند کلهر وسنجابی وگوران و غیره سراسرآن نواحی را

میدان تاخت و تاز خود کرده بودند . درین نواحی تا ۱۳۰۶ قدمهای بلند برای استقرار امنیت برداشته شده است .

از سوی دیگر پس ازختم فتنهٔ مشهد و کشته شدن محمدتقی خان پسیان هنوز برخی از نواحی خراسان مانند بجنورد و قوچان کاملا امن نشده بود و برخی از چادر-نشینان مسلح تیموری درمرز ایران وافغانستان درشرارت خود باقی بودند و سرانجام این ناحیه نیز آرام شد .

در مازندران هم هنوز عناصر سر کشی بودند که می بایست ایشان نیز فرمان بردار حکومت مرکزی شوند ودرآنجا نیز نیروهای دولتی سرکشان ازآن جمله سردار مؤید سوادکوهی را مطیع حکومت مرکزی کردند .

پیش ازین اشارهٔ مختصری بوضع ناحیهٔ استراباد کردم که ترکمانان در آنجا از دیر باز فتنه می کردند و دستبردها و راهزنیهای ایشان در سر راه خراسان سالیان دراز پریشانی فراهم آورده بود . ناچار می بایست ترکمانان را نیز ازکشتار و تاراج باز دارند و ایشان را شهرنشین کنند واین کار در ۱۳۰۵ بپایان رسید .

در تیر ماه ۱۳۰۵ آخرین گروه از فتنه جویان و سرکشان که در سلماس باقی مانده بود بدست نیروی دولتی خلع سلاح شد . در ۱۳۰۷ غلامرضا خان والی پشت کوه سر کردهٔ غارتگران لرستان پس از پیشرفت سپاهیـان ایران در آن ناحیه از ایران گریخت وازآن پس لرستان نیز آرام شد .

در بهمن ماه ۱۳۰۷ دوست محمد خان بلوچ که سر کردهٔ راهزنان و سرکشان بلوچستان بود مغلوب نیروهای دولتی گردید وازآن پس این ناحیه نیز که سالیان دراز فرمان بردار حکومت مرکزی نبود آرام شد .

در خرداد ماه ۱۳۰۸ آخرین عناصر ماجری جو وفتنه طلب که درفارس مانده بودند یعنی طوایف چادر نشین بهارلو و قبایل لرستان و ایل قشقایی که هنوز دم از خودسری می‌زدند فرمان بردار شدند .

در تیرماه ۱۳۰۹ اسمعیل‌سمیتقوسر کردهٔ ایل‌شکاك آذربایجان که خود وپدرانش سالیان دراز با نیروهای دولتی زد و خورد کرده بودند و وی نیز چندین بار با ارتش روبرو شده بود درآخرین جنگی که باقوای دولتی کرد کشته‌شد ونه‌تنهاسراسر آذربایجان فرمان بردار حکومت مرکزی شد بلکه همهٔ خاك ایران ازسر کشان‌پاك شد وبهمین جهت‌این تاریخ‌را می‌توان تاریخ پایان پذیرفتن‌دورهٔ سرکشیها ونافرمانیها دانست وازآن‌پس ایران ازامنیت‌کامل برخوردار گشت وچنانکه پیش‌ازین اشاره‌رفت اززمان شاه‌عباس اول دیگر چنین دورهٔ آسایش درایران پیش نیامده بود .

درین میان نکتهٔ‌بسیار مهم اینست که دوران سرکشی وآشوب وفتنه و کشتارو تاراج که پس از شاه‌عباس اول روزبروز دامنهٔ آن درایران گسترده شده و بالا کشیده است بدین آسانی درمدتی کمتر از هشت‌سال بپایان رسید ودر سراسر مملکت مردمی که سالیان دراز بود روی آسایس ندیده بودند بدین گونه ازامنیت برخوردار شدند.

پیداست نتایجی که‌بدین گونه فراهم شده ازآن‌جهت بوده است که مردبزرگی رشتهٔ درهم گسیختهٔ‌کارهای کشوررا بدست گرفته ووسایل‌مادی‌ومعنوی چنین‌کاربزرگی را فراهم آورده است . ناچار برای این‌کار بیش از هرچیز ارادهٔ بسیار قوی و عزم راسخ وایستادگی وپشت‌کاری که تنها گاه گاهی درمردان‌بزرگ فراهم می‌شود مؤثر بوده است .

هر کس که اندك بررسی درتاریخ ارتش ایران بکند می‌بیند کشوریکه در روزگار هخامنشیان واشکانیان وساسانیان وپس ازآن درهمهٔ ادوار تاریخ کهن خود تازمان صفویه ونادرشاه و کریم‌خان ارتشی داشت که نه‌تنها حدود کشور را پاسبانی می‌کرده بلکه سرکشان وفتنه جویان داخلی را نیز فرمان برادر خود میکرده است دربسیاری ازموارد یادگارهای درخشان گذاشته است وآخرین‌واقعهٔ مهم آن‌محاصرهٔ بصره درزمان کریم خان زند بوده است .

ازآغاز قرن نوزدهم میلادی که اصول جدید درجنگ پیداشد ایران درنتیجهٔ

گرفتاری درچنگال کارگزاران ناشایسته ودوگانگی ونفاق وجنگهای داخلی‌خانگی ونادانی وبی‌خبری ازسیرتمدن جهان نه‌تنها از کشورهای دیگرعقب افتاد بلکه‌ازآرام کردن داخلهٔ خود نیز ناتوان ماند واز عهدهٔ گردن کشانی مانند نایب‌حسین کاشانی وماشاءالله خان‌پسرش ورضاجوزانی وعلی‌خان سیاه‌کوهی وامثال ایشان که هریك‌عدهٔ معدود تاراجگر را باخود همدست کرده بودند برنمی‌آمد . یگانه دلیل این ناتوانی آن‌بودکه در کشورهای دیگر سلاحهای تازه واصول جدید درفنون جنگ‌آوری بکار می‌بردند که کارگزاران ایران ازآنها محروم بودند ودر بیشتر موارد ارتش ایـران تفنگ وتوپ سرپر قدیمی راهم بقدرکفایت نداشت وبارها شدکه سلاح چادرنشینان مسلح که ازبیگانگان‌یاری می‌دیدند ازسلاح سپاهیان‌نیروی دولتی بهتر وتازه‌تر بود. روحیهٔ سربازان نیزکه دولت مرکزی نمی‌توانست زندگی ایشان را تـأمین کند و خوراك وپوشاك لازم‌را بایشان برساند باندازه‌ای‌ضعیف بودکه ازعهدهٔ حفظ جان‌خود برنمی‌آمدند ودرآن دوره‌بارهاپیش آمده‌است که دولت‌عده‌ای سربازرا برای‌سرکوبی راهزنی فرستاده ووی آنهارا برهنه کرده وباصطلاح کت آنهارا بسته وگاهـی وارون سوار خرکرده وباز گردانده است .

داستانی ازآن زمان درمیان مردم هست که شاید هنوز برخی از خوانندگان بیاد داشته باشند وآن اینست که درین دورهٔ خواری و ناتوانی زمانی مهمان محترمی می‌بایست واردبوشهر شود وبعادت معمول‌آن زمان بفرمانده سپاهیان دستور داده‌بودند هنگام ورود او وپیاده شدن ازکشتی چند تیر توپ بیندازد وچـون وی این کار را نکرد وازو بازخواست کردند که بچه دلیل این کار رانکرده است گفت : بهزار ویك دلیل ، دلیل اول آنست که گلوله وباروت نداشتم .

پیش ازین هـم اشاره کردم در آن دوره عدهٔ سپاهیان ایـران را می‌بایست بیگانگان معلوم کنند ودولت حق نداشت ازآن عده تجاوز کند . تازه همان عده هم روی‌کاغذ بود وهرگز حاضر خـدمت نبودند واگر حقوقی بنامشان پرداخته مـی‌شد افسران بافرادنمی‌دادند وبارهاسربازان درمیدان‌سپه تهران که آن‌روز میدان‌توپخانه

می گفتند برای مطالبهٔ حقوق‌خود ازدحام می کردند و باصطلاح «یاعلی می کشیدند». بهمین‌جهت بود که بسیاری ازسربازان باهمان‌لباس نظامی گذران خودرا ازراه‌دیگر بدست می‌آوردند ، مثلا هیزم‌شکن یا تخم مرغ فروش بودند و یا بدرخانهٔ این و آن نوکر می‌شدند . مناصب مهم نظام حتی سرهنگی وسرتیپی ارثی بود که گاهی ببچـهٔ نوزاد نیز می‌دادند وچنانکه پس ازین دربارهٔ اصلاحات نظامی بحث خواهم کرددرین دوره سرهنگان وسرتیپان نابالغ بسیار دیده شده است واین مناصب را بکسانی هـم می‌دادند که هرگز درنظام خدمت نکرده بودند ونمی کردند .

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در راه استقلال امنیت ایران شد قانون خدمت نظام بود که در آبانماه ۱۳۰۵ باجرای آن آغاز کردندو کسانی که ازجامعه‌شناسی آگاهند می‌دانند کـه چنین کاری چه اهمیتی در روحیات ملتی دارد . خدمت نظام برای جوانان سودهای فراوان دارد . نه تنها در تقویت روح ملی وحسن میهن پرستی و نیروی مردی و مردانگی و جـان فشانـی در راه کشور بسیار مـؤثرست بلکه در پرورش جسم و جـان جوانان نیز آثار بسیار دارد و در تن درستی و کـار کشتگی ایشان نیز اثر می گذارد .

بهترین وسیلهٔ استقرار امنیت که درضمن اوضاع ایران را پس از استقرارآن نشان می‌دهد سفرهاییست که هرچند یك‌بار و گاهی چندبار در سال شاهنشاه ایـران بنواحی مختلف کشورمی کرد ودرین سفرها شخصاً بجزئیات‌کارها می‌رسید واز نزدیك در پیشرفت‌کار مراقبت می کرد وفهرست آن سفرها بدین گونه است :

درخرداد ماه ۱۳۰۵ سفر ملایر . درامرداد ماه‌آن سال سفر گرگان وخراسان تاقوچان وبجنورد . درمهرماه همان سال سفر مازندران و کرانهای دریای خزر .

درشهریورماه ۱۳۰۶سفرآذربایجان.درمهرماه‌آن سال سفرمازندران و گرگان.

درفروردین ماه ۱۳۰۷ سفر قزوین وسفر بروجرد ولرستان . در امردادماه‌همان سال سفر گیلان . درمهرماه آن‌سال سفرمازندران و گرگان . درآبانماه آن سال‌سفر

خرم‌آباد ودزفول وخرمشهر وازآنجا ببوشهر وشیراز واصفهان .

درمهرماه ۱۳۰۸ سفر آذربایجان و گیلان ومازندران و گرگان . دردیماه‌آن سال سفر خوزستان .

درآبانماه ۱۳۰۹ سفر مازندران و گرگان و خراسان وسیستان و بلوچستان و کرمان ویزد ونایین ونطنز وکاشان وقم .

دراردی بهشت ماه ۱۳۱۰ سفر گیلان . درشهریور ماه آن سال سفر گیلان و آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . درآبانماه آن‌سال سفر مازندران و گرگان. در بهمن‌ماه آن سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح کارخانهٔ نخ‌ریسی شاهی .

دراردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۱ سفر مازندران. درشهریورماه همان سال سفرمازندران و گیلان . در مهرماه همان سال سفر بجنوب ایران وخوزستان ولرستان برای حضور درموقع ورود کشتی‌های ناوگان ایران . درآذرماه آن‌سال‌سفر مازندران و گرگان.

درفروردین ماه ۱۳۱۲ سفر مازندران . درامرداد ماه همان سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح‌راه چالوس . درمهرماه همان سال سفر آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . درآبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۳ سفر مازندران . درخردادماه آن سال سفرآذربایجان وازآنجا بترکیه . درمهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

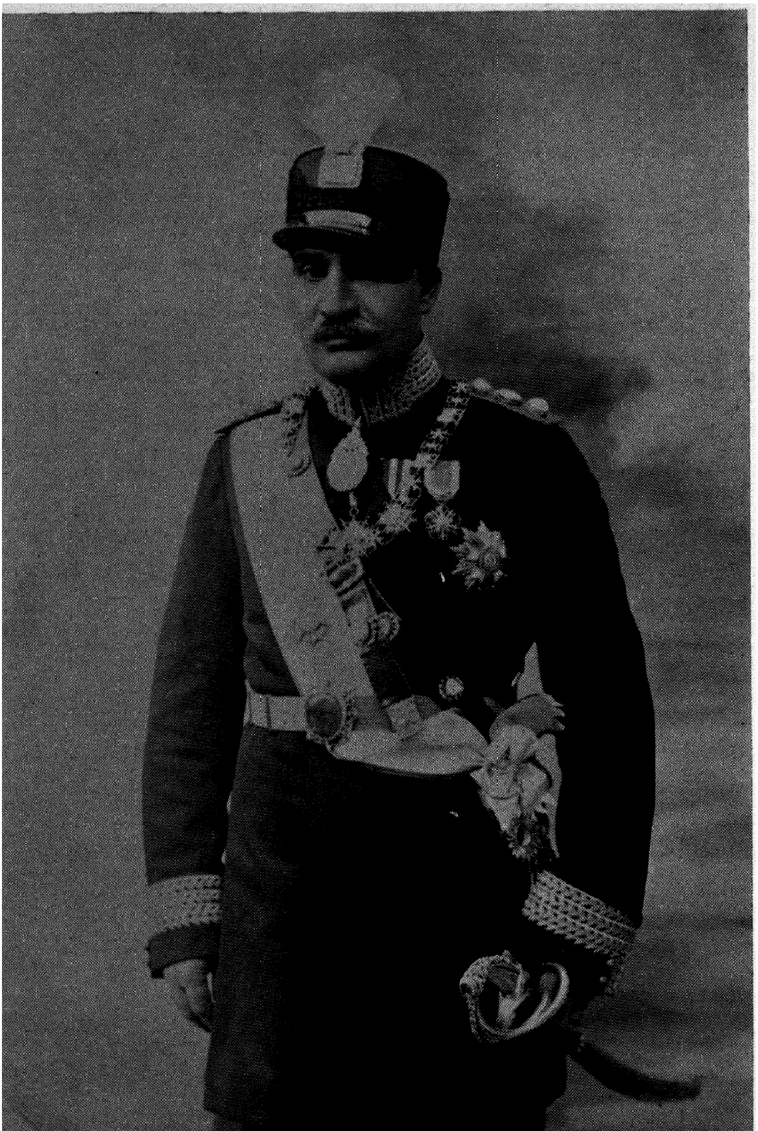
درآبانماه ۱۳۱۴ سفر مازندران و گرگان و گیلان .

دراردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۵ سفرمازندران و گیلان . درمهرماه‌همان سال‌سفردیگر بمازندران و گرگان .

درفروردین ماه ۱۳۱۶ سفر بمغرب وجنوب ایران . درمهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان و گیلان .

دراردی‌بهشت ماه ۱۳۱۷ سفر مازندران و گیلان .

در شهریور ماه ۱۳۱۸ سفر بخوزستان و جنوب ایران برای افتتاح راه آهن سرتاسری . درمهرماه آن سال سفر مازندران .



بعداز تاجگذاری

اصلاحات نظامی

در دورهٔ قاجارها ارتش ایران که درزمان نادرشاه بفتح هندوستان کامیاب شده وتا دهلی رفته بود چندان ناتوان شده بود که از عهدهٔ راهزنان اطراف تهـران هم برنمی‌آمد . پیش ازین اشاره رفت که افراد این ارتش چه حالی داشتند وچگونه در خواری وتنگ‌دستی زندگی می کردند . افسران آن بیشتر ازفن خود عاری بودند و تربیت نظامی نداشتند . مناصب نظامی راحتی بکودکان نوزاد ونابالغ می‌دادند. میرزا محمد علی‌خان سروش اصفهانی شمس‌الشعرا شاعر بزرگ قرن گذشتهٔ ایران‌دربارهٔ یکی ازین سرهنگهای نابالغ زمان خود سروده است :

نه حاجت مشق وزحمت جنگ ترا　　　نه در صف کارزار آهنگ تـرا
درکار تو آن نشان سرهنگی نیست　　　مام تو نخست‌زاده سرهنگ تـرا

درهمین زمینه نیز گفته است :

مشق چپ وراست چون دهی لشکررا　　　طفلی تو ودست چپ ندانی ازراست

همین نکته را بزبان دیگر چنین سروده است :

بی‌زحمت مشق ، بی‌صدمهٔ جنگ　　　مادر مرو را زادست سرهنگ

وباز بزبان لطیف‌تری گفته است :

مادر بقسم دست‌نهادی بشکم　　　گفتی : بسرعزیز سرهنگ‌قسم

کسانی که ازاوضاع ارتش ایران درآن زمان آگاهند می‌دانند که شاعر درین

زمینه هیچ مبالغه نکرده است . روزنامهٔ ملانصرالدین که بزبان ترکی در آن روزگار در تفلیس چاپ می‌شد کاریکاتوری ساخته بود که پسر بچهٔ چهار پنج ساله‌ای را بالباس سرتیپی نشان می‌داد ومادرش باو می گفت: سرتیپ جان، بیا برویم حمام. او گریه می کرد ومی گفت: نمی‌آیم . بالاتر ازدرجهٔ سرهنگ و سرتیپ درجهٔ میرپنج و امیرتومان و امیر نویان بود واین درجات را نیـز بکسانی که ازفن نظام آگاه نبودند می‌دادند . کلمات سالار و سردار و سپهدار و سپهبد و سپهسالار جزو القاب شده بود و بارهـا شد که این القاب رابکسانی دادند که ازفنون جنگ بی‌خبر بودند وحتی این گونه القاب‌را بکودکان هم‌داده‌اند . درنقاشیها وعکسهای آن‌زمان دیده می‌شود که‌لباسهای رسمی مناصب مهم رابتن کودکان کرده ونشانها وحمایلهای نظامی‌را بایشان بسته‌اند .

همهٔ ارتش کشورپهناور ایران که می‌بایست ازیك میلیون وششصد وچهل‌وچهار هزار کیلومتر مساحت پاسبانی کند وامنیت این ناحیه بدین وسعت‌را فراهم آورد از چند صدتن تجاوز نمی کرد که هنگام قدرت‌باصول بنیچه‌از روستاها می گرفتندبدین گونه که هرعدهٔ معین از مردم آن روستا می‌بـایست چندتن سرباز بدهد و هزینهٔ نگاهداری وحتی بهای اسب و اسلحه ولباس آنهارا در میـان مردم روستا سـرشکن می کردند ودرسراسر مدتی که آن سرباز درخدمت نظام بود هزینهٔ‌او بعهدهٔ آن‌مردم بود. گذشته‌ازین یك‌عده سربازان وسواران‌چریك‌هم‌بودند بدین گونه که مردم‌هرمحل یك عده‌را برای پاسبانی‌آن‌محل‌معین می کردند ویك تن ازروسای محل‌فرمانده‌آن‌عده می‌شد وپیداست آن عده که ازمحل خود آشنایی‌کامل داشتند چگونه برمردم اجحاف وتعدی می کردند . در اواخر این دوره که دولت حتی نیروی آن که سرباز بنیچه و چریك بگیرد نداشت همهٔ افراد مزدور بودند و داوطلبانی بودند که چون کار دیگر نمی‌یافتند سرباز می‌شدند وچنانکه پیش‌ازین اشاره رفت‌افسران حقوق این‌عده را از خزانهٔ دولت می گرفتند و بایشان نمی‌دادند و ایشان هم چاره‌ای جز نوکری و

فروشندگی دوره گرد نداشتند .

ازهمهٔ ترقیهایی که درمدت‌صدسال دراسلحه‌سازی شده‌بود ارتش ایران بی‌نصیب بود . دربسیاری از شهرهای ایران‌هنوز توپهای سرپر که درزمان شاه‌عباس ازپرتغالی های جزیرهٔ هرمز گرفته بودند درمیدانهای عمومی وسیلهٔ خیره کردن وترساندن‌مردم بود . دربرخی از شهرها هم توپهای سرپری بود که درزمان فتحعلی شاه افسرانی کـه ناپلئون بایران فرستاده بود ریخته بودند . ازآن توپها درمیدان ارگ ومیدان سپـه تهران هم بود که اکنون درباشگاه افسران ودرحاشیهٔ دیوارهای ساختمان‌کارپردازی ارتش گذاشته‌اند . زنبورکهایی راکه اززمان نادرشاه مانده بود هنوز بکار می‌بردند وتفنگهای سرپر مندرس درانبارها بود که سرانجام بیرون آوردند ودرساختن طارمی ونرده بجای چوبهای خراطی شده بکار بردند ازآن جمله نرده‌ای بود در چهار سوی باغچه‌ای در میان میدان سپه تهران . میدان سپه امروز درآن زمان میدان توپخانه نام داشت ودرسه طرف آن انبارهایی در کف زمین ساخته بودند که روزی درهریك ازآنها توپی جاداده بودند اما دراین اواخر همهٔ آنها تهی بود وتنها یك توپ درضلع غربی میدان روبروی ساختمانی که اکنون ادارهٔ راهنمایی شهربانی در آنجاست بود که ظهرها برای آنکه مردم تهران از ساعت آگاه شوند ودرماه رمضان درموقع‌افطار وسحری آنرا خالی می کردند .

دردورهٔ دوم‌قانون گذاری برای‌سرکوبی سرکشان وراهزنان که بعنوان‌حمایت ازحکومت‌استبداد درگوشه و کنار برمی‌خاستند وسرکشی می کردند مقداری اسلحهٔ جدید ازکارخانهٔ شنیدر کروزو درفرانسه نسیه خریده بـودنـد ومبلغ مختصری بهای آنرا نتوانسته بودند درمدت بیست سال بپردازند وآن‌کارخانه هم‌چنان مطالبه‌می کرد ودولت هم آنرا آشکارا جزودیون خود بحساب می‌آورد و سرانجام پس ازسپری شدن دورهٔ قاجارها این وام پرداخته‌شد .

وضع ارتش ایران درین دوره بدین گونه بود وهمهٔ ارتش کشوری که در دوره های مختلف از نیرومندترین ارتشهای جهان ودارای بهترین اسلحه هرزمان بود در پایان این دوره منحصر بود بیك دیویزیون قزاق بفرماندهی افسران روسی که‌می‌توان گفت دیویزیون کامل هم‌نبود ویك عده ژاندارم بفرماندهی افسران سوئدی که عده‌ای ازآنها درزد وخورد باسپاهیان روسیه بنفع آلمانها درجنگ اول کشته وپراکنده‌شده بودند وافسرانشان نیز بیشتر مهاجرت کرده بودند .

بجز قزاق وژاندارم یك عده سرباز بنام بریگاد مرکزی هم‌بود که در روزهای آخر این دوره استخدام کرده بودند .

پیداست که این عده قلیل چگونه می‌توانسته است ازعهدهٔ پاسبانی یك میلیون وششصد وچهل وچهار هزار کیلومتر مساحت وپانزده میلیون جمعیت آن روز ایران برآید . این عده بزحمت بده هزار نفر می‌رسید وهرصدوشست وچند کیلو متر مربع یك پاسبان وهرهزار وپانصد ایرانی یك مستحفظ داشت .

نکتهٔ جالب اینست که درین دوره در حدود نصف جمعیت ایران چادرنشینان مسلح بیابانگردوراهزن‌بودند یعنی‌لااقل‌هفت میلیون در کمین مردم‌شهرنشین‌می‌زیستند وبرای دفع این عدهٔ چادرنشین مسلح دولت ایران تنها ده‌هزار سرباز داشت یعنی در حقیقت دربرابر هفتصد تن سرکش بیش ازیك تن‌سرباز نبود وآنهم فرد بیچاره‌ای که چند ماه بچند ماه حقوق وعلیق او را پس ازآنکه افسران سهم خودرا برداشته بودند می‌دادند و بااسلحهٔ کهنهٔ مندرس می‌بایست در برابر هفتصد تن از جان گذشته که بیگانگان بهترین اسلحه را باو رسانده بودند پایداری کند . ناچار آن نیروی‌پایان این دورهٔ استیلای قاجارها بهیچ وجه نمی‌توانست درایران امنیت فراهم کند وپاسبان مرزهای کشور باشد . این نکته راهم باید درنظر گرفت که ازمرزهای شمال غربی وشمال شرقی ومشرق وجنوب شرقی چادرنشینان مسلح‌بیگانه بارها بخاك ایران‌تجاوز

کرده‌اند ودولت ایران دربرابر ایشان ناتوان بوده است .

بهمین جهت اصلاحات نظامی و تأسیس ارتش نیرومند مهم‌ترین کاریست که رضاشاه پهلوی دردورهٔ شهریاری خود کرده‌است. انصاف بایدداد که کلمهٔ اصلاح و تکمیل را برای ادای این مقصود نمی‌توان بکار برد ، زیرا اصلاح وتکمیل وقتیست که‌چیزی بوده‌باشد که نقص آنرا برطرف کنند وآنرا بهتر کنند . ارتش‌دورهٔ قاجارها درحقیقت هیچ بود ومی‌بایست ارتشی ازنو بوجود آورد وایجاد کرد .

شاهنشاه پهلوی برای رسیدن باین مقصود نخستین‌کاری که کرد این بود :همان عدهٔ موجودرا درآغازکار فوراً متحدالشکل کرد وعنوان قزاق وژاندارم راکه‌یادگار دوره‌های دوگانگی ونفاق بود ازمیان برد وافسران بیگانه‌را از هرملتی که بودند از ارتش‌راند . مناصب ودرجات دروغی وافتخاری راکه جزسرشکستگی ورسوایی‌چیزی دربرنداشت لغوکرد و اصول تازه‌ای برای مناصب نظامی و ترتیب ارتقاء از درجه‌ای بدرجهٔ دیگر تنظیم کرد و آنرا تابع خدمات افسران قرارداد یعنی باصطلاح نظامی کادری برای ارتش ایران ترتیب داد که تاآن زمان نبود .

سپس ارتشی بااصول جدید تشکیل دادند وازسازمانهای ارتشهای جدید جهان پیروی کردند وصنوف مختلف راهم‌چنان که درارتشهای کشورهای متمدن امروزهست ترتیب دادند .

البته یکی از مزایایی که می‌بایست وارد ارتش ایران بشود روح میهن پرستی درمیان افراد ارتش واتفاق واتحادکامل باسایر افراد ملت ایران بود زیراکه نه تنها درین مدت افسران بیگانه روح وطن پرستی را درزیردستان خود ندمیده بودند بلکه بواسطهٔ ورود درسیاست ومداخله بسوددسته‌ای وبزیان دستهٔ دیگر هرطبقه‌ای ازمردم ایران سپاهیان طبقهٔ دیگر را ازخود بیگانه ودشمن میدانست چنانکه مثلا در میان قزاق وژاندارم نفاقی که کم ازدشمنی نبود وجود داشت بهمین جهت اخراج افسران

بیگانه ازقسمت‌های مختلف ارتش اهمیت خاص داشت وتنها باین وسیله بود که یگانگی واتحاد مطلق درمیان افراد ارتش برقرار می‌شد .

قدم مهم دیگری که برداشتند افزایش عدهٔ افراد ارتش ایران وتطبیق آن بـا وضع جغرافیایی ومرزهای کشور واحتیاجات داخلی بود وسرانجام نه‌لشکردرنه استان تشکیل یافت و گذشته ازآن پنج تیپ مستقل درنواحی دیگر فراهم آمد واز هرحیث احتیاجات ایران ازحیث امنیت وپاسبانی داخلهٔ مملکت وتأمین رفاه وآسایش مردم و اجرای احکام دولت وخلع سلاح چادرنشینان مسلح و حفظ و حراست حدود و ثغور کشور تأمین شد چنانکه درایران امنیتی فراهم آمد که سیصد سال بود کسی ازآن یاد نداشت .

پیش ازین هم اشاره رفت که یکی از کارهای بسیار مهم درین دوره برقراری خدمت نظام‌وظیفه درایران‌درسال ۱۳۰۵ بود . پیداست که اینکار درتقویت روح‌میهن پرستی دراصلاحات اجتماعی تاچه اندازه اهمیت دارد زیرا تردیدی نیست تاهمهٔمردم کشور مستقیماً درپاسبانی ازدیار خودشرکت نکنند وخود مستحفظ خاك خودنباشند هرگز استقلال آن کشور تأمین نخواهدشد . ازروزیکه این قانون اجری‌شدوجوانان را برای پاسبانی ازایران دعوت کردند احساسات وطن پرستی در ایران روز بـروز بیشتر نیرو گرفت . اینکار نتایج گوناگون داشت و گذشته ازآنکه جوانان‌مسئولیت خودرا درپاسبانی ازمیهن‌خویش حس کردند عملیات وتمرین‌های نظامی درتن‌درستی ایشان نیز موثر افتاد وروستازادگان که یکسره ازفراگرفتن معلوماتی بی‌بهره مانده بودند درسربازخانها باسواد شدند وسطح فکری ایشان بسیار بالارفت وسبب پیشرفت ایشان درزندگی اجتماعی‌شد .

در قسمت‌های‌فنی ارتش نیز پیشرفتهایی که درین دوره‌فراهم شده باندازه‌ایست که در خـور کتاب مخصوصیست . از آن جمله است تشکیل صنوف جـدید و تهیه

تازه‌ترین اسلحه برای ارتش ایران . از حیث صنوف جدید یکی از مهم ترین کارها ایجاد نیروی هوایی را در ۱۳۰۳ باید دانست و در پایان این دوره نیروی هوایی ایران کاملا احتیاجات کشور را تأمین میکرد و حتی بسیاری از لوازم هواپیمایی را در ایران در کارخانهٔ بزرگ ومهمی که برای اینکار دایرشد کارگران و کارشناسان ایرانی می‌ساختند . اهمیت هواپیمایی درنظام جدید آشکارست و پیداست اینکار چه ضرورتی داشته است .

پس‌ازین ایجاد نیروی دریایی ایرانست که در سال ۱۳۱۱ بمرحلهٔ عمل پیوست ونخستین ناوهای جنگی ایران بخلیج فارس رسید . این نکته نیزدرزندگی ایران کمال اهمیت را دارد ، زیرا که ایران ازجنوب بدریای آزادپیوسته است که باوقیانوس هند منتهی می‌شود و درکرانهٔ خلیج فارس سرحدات عریض دارد که گذشته از تجارت و اقتصاد درامنیت ایران نیز پاسبانی ازآنها اهمیت‌فراوان دارد . درسراسر تاریخ‌ایران هرگز بحریهٔ نیرومند وتوانایی دردریاهای ایران‌وجود نداشته است زیراکه‌درزمان هخامنشیان برای لشکرکشی‌بیونان باستعانت ازبحریهٔ‌فنیقیان نیازمند شدندودرزمان ساسانیان که یکی دو جنگ دریایی پیش آمد از دیگران یاری جستند . در زمان شاه‌عباس‌اول درجنگ باپرتغالیان بحریهٔ انگلستان باایران یاری کرد . نادرشاه‌هم که درصدد تهیهٔ بحریه افتادکاری ازپیش‌نبرد ومجال‌نیافت که این‌کار مهم رابپایان‌برساند. بدین گونه اولین نیروی دریایی ایران دریندوره فراهم شد .

دیگر از صنوف جدیدی که درین دوره در ارتش ایران فراهم آمد نیروی موتوردار وادارهای جنگی ووسایل ضدهوایی وغیره‌است که از جدیدترین وسایل فراهم کردند .

نکتهٔ‌دیگری که دراصلاحات‌نظامی‌اهمیت فراوان دارد ایجادکارخانهای‌اسلحه سازی وتأمین وسایل تجهیزات نظامیست . درین دوره همهٔ‌افراد ارتش ایران‌رابجدید- ترین اسلحه وتجهیزات نظامی مجهز کردند وکارخانهای اسلحه‌سازی در خاك ایران

اسلحه وتجهیزات لازم رابدست کارگران ایرانی می‌ساختند وهمهٔ نیازمندیهای ارتش ایران را تأمین کردند ودیگر احتیاجی بوارد کردن اسلحه و خرید آن از کشورهای دیگر نبود و هر گونه سلاح را از کالیبر بزرگ تا کالیبر کوچك در ایـران ساختند وچند هزار کارگر ایرانی درین کارخانها بکار آغاز کردند . این کارخانها باندازه‌ای اهمیت داشت که درجنگ دوم جهانی برای کمك رساندن بارتش شوروی ازآنها بهره‌مند شدند .

جنبهٔ مهم‌دیگر اصلاحات نظامی‌درین‌دوره تعلیمات‌نظامی وتأسیس‌آموزشگاهها ومدارس نظامیست که سابقاً درایران دهیك‌آن‌هم وجود نداشت . درین دوره‌جوانان ایرانی تازه‌ترین‌رموز فنون نظامی رادر کشور خود فرا می گیرند . سابقاً گاهی‌دولت ایران دوسه جوان را برای تحصیل بمدارس نظامی اروپا ومخصوصاً فرانسه فرستاده بود . درآغاز این دوره نیز عده‌ای باروپا رفتند وفنون مختلف نظامی را فرا گرفتند. درضمن‌دبستانها ودبیرستانهای‌نظام وآموزشگاههای متعدد برای‌هریك ازصنوف‌وتربیت افراد وافسران جزءدایرشد وافسران جوانیکه تحصیل کرده بودند مامور تربیت‌ایشان شدند . ازدانشکدهٔ افسری ودانشگاه جنگ درتهران هرسال عده‌ای افسر کار کرده و کارآزمودهٔ درس خوانده بیرون آمدند .

پیداست که تعلیمات نظامی برای تشکیل ارتش نیرومندی که پاسبان استقلال کشور باشد تاچه اندازه اهمیت دارد وافراد ارتش که معلومات لازم را درفن خـود نداشته باشند هرگز کامیاب نخواهند شد .

برای پیشرفت این مقصود بسیار مهم درهرسال عدهٔ بسیار نظامنامه وآیین نامه و کتاب ورسالهٔ فنی برای راهنمایی وتعلیم افراد ارتش ایران انتشار یافته است .

برای اینکه اهمیت اصلاحات نظامی درین دوره‌کاملا محسوس باشد همین قدر کافیست درنظر بگیریم که درآغاز این دوره در ۱۳۰۰ بودجهٔ ارتش ایران درسال‌نود میلیون ریال بوده ودرسال ۱۳۲۰ این مبلغ بپانصد ونودوسه میلیون وصد وبیست ویك هزار وپانصد وبیست وچهار ریال رسیده است .

اصلاحات اداری

دردورهای گذشته همواره ادارات ایران‌وچرخهایی که می‌بایست کارهای کشور رابگردانند بهیچوجه ازعهدهٔ اداره کردن کشوری باین وسعت برنمی‌آمدند. صفویه درایران تشکیلاتی داده بودند که درآن زمان بهترین سازمانهای اداری جهان بود وهمهٔ نیازمندیهای کشوررا تأمین میکرد. مخصوصاًدرزمان شاه‌عباس اول قلمروو‌سیع صفویه که تقریباً دوبرابر ایران امروز بود درکمال امن وآسایش و راستی و درستی وعدل وداد اداره‌می‌شد.

پس ازصفویه درنتیجهٔ انقلابهای داخلی وضعف وسستی دولت ادارات ایران در بدترین مراحل آشفتگی وپریشانی افتاده بود. مخصوصاً در دورهٔ قاجارها ستم‌وبیداد مأموران دولت بجایی رسیده بود که مأمور دولت یا «مأمور دیوان» را درآن زمان نمایندهٔ ستمگری وزورگویی می‌دانستند واصطلاح «حکم‌دیوان» مرادف با بیداد و ستم‌بود. درآن دوره سالیان‌دراز مشاغل دولتی‌را بمزایده می‌گذاشتند وهرکس‌بیشتر رشوه می‌داد باورجوع می کردند. چون حساب و کتابی درکار نبود ودولت بازپرسی وبازخواست نمیکرد آنکس که برای رفتن بمأموریتی مبلغ گزافی پرداخته بودالبته تابمحل می‌رسید چون می‌دانست بزودی احضارش خواهندکرد وچندان مجال برای جبران ضرر ندارد ازهمان روزاول شتابان بتعدی آغاز میکرد وآنچه‌زورش‌می‌رسید یا ازدستش برمی‌آمد بزور واکراه وحتی بحبس وشکنجه از مردم بی‌پناه میگرفت.

البته چون‌می‌بایست عده‌ای ازمتنفذان پایتخت‌راهم خشنود کند وبایشان نیزسهم‌بدهد تاهرچه بیشتر برسرکار بماندچندین‌برابر حرص‌وطمع‌خود ازمردم می گرفت. پیداست که زیردستانش نیز مانند وی بودند وهمه سهمی داشتند وحقی می‌خواستند . اینست که ازفراش گرفته تاحاکم جز غارت کردن مردم‌کاری نداشتند . درین دوره مالیات هرناحیه را بحاکم آنجا مقاطعه می‌دادند وپیداست که اوهم چند برابر آنچه مقرر بود ازمردم می گرفت و کسی ازو بازخواست نمیکرد .

دردورهٔ مشروطیت ظاهراً اداراتی باصول جدید تأسیس کرده بودند وظاهراین بود که ادارات منظمی ووزارت‌خانه‌هایی‌هست وقوانینی وضع‌شده که‌بآنها عمل‌میکنند ولی درحقیقت باطن‌کار تغییر نکرده بود زیرا که همچنان متنفذان محلی و اشرار و سرکشان باقی بودند ومامورانیکه نمایندهٔ دولت ناتوان وبی‌اراده‌ای ووزارت خانهٔ سستی بودند درهرمحل پیرو طمع وغرض همان متنفذان وسران محل بودند که همه کارها دردست‌ایشان بودوهمه درپایتخت دستیارانی داشتند وبزور یاتطمیع مقاصدخود را پیش می‌بردند . این سران محلی وکیل‌آن ناحیه را ازدست نشاندگان وهمدستان خودبمجلس شورایملی می‌فرستادند وایشان درآنجاوزیران وکارگزاران عمده‌رابتأمین مقاصد نامشروع موکل حقیقی خود وادار میکردند .

بهمین جهت درتمام دورهٔ فرمانروایی قاجارها ادارات ایران دربدترین احوال بود وتعدی وظلم وحق شکنی و رشوه خواری رواج‌کامل داشت و گذشته ازین وسایل پنهانی وحیف ومیلهاوبهره یابی‌های نامشروع که‌درآن زمان‌بآنها «مداخل» می گفتند کرارا دیده شده است که مأمور دولت پولهای ابواب جمعی خود و موجودی صندوق محل خدمت خودرا آشکار برداشته وکسی ازونگرفته است .

ادارات رسمی ایران درسراسر این مدت بهیچ‌وجه آن دلسوزی و وظیفه‌شناسی وحق‌پرستی را که‌لازمهٔ بنگاه‌های دولتی وکارگزاران دولتست نداشته‌اند وبهمین‌جهت



شاهنشاه ایران دریکی ازسفرها

دولت درنظر مردم ایران مرکز بیدادگری و بی‌عدالتی و مأمور دولت مظهر زور و اجحاف وستم بوده است وهربلا ومصیبتی را از دولت می‌دانسته‌اند . حق هم داشته‌اند زیرا درعمر خود جز تعدی و اجحاف چیزی از مامور دیوان ندیده بودند و بهیچوجه دستگاه دولتی در صدد تهیهٔ وسایل آسایش و رفاه مردم کشور بر نیامده است . در دورهٔ پیش ازمشروطیت که اصلا قانونی در میان نبود و یگانه رسم معمول دلخواه و حتی هوی و هوس کار گزاران دولت بود و در دورهٔ مشروطیت هم که گاهی مجلس شورای ملی تشکیل می‌شد و یکی چند قانون ناقص بتقلید از قوانین اروپا وضع کرده بودند و بیشتر آنها با اوضاع ایران سازگار نبود تازه همان قوانین را در بارهٔ مردم ناتوان و بی کس اجری میکردند و متنفذان بهیچ وجه تابع قانون نبودند و قانون تنها وسیلهٔ تازه‌ای بود که برای غرض رانی بدست مأموران دولت افتاده بود .

در دوره‌های گذشته دامنهٔ تعدی مأموران دولت چنان بالا گرفته بود که درزبان مردم ایران مثل شده بود که « حکم حاکمست و مرگ مفاجاة » یعنی حکم حاکم را بامرگ ناگهان برابر می‌دانستند واجل معلق یاوبا ویاطاعون می‌پنداشتند . بارها پست‌ترین مامور دولت یعنی فراش حکومت یاتحصیلدار مالیه یامامور سربازگیری و یا قراسوران (ژاندارم) وارد دهی شده وهمهٔ مردم ده از دست او فرار کرده‌اند و هر سال گروه بسیاری ازمردم ایران برای رهایی ازشرماموران دولت بکشورهای‌مجاور ایران‌مانند خاك‌عثمانی وروسیه وهندوستان هجرت میکردند وهر کس وسیله‌می‌داشت یاتبعه ویاتحت‌الحمایهٔ دولت بیگانه‌ای می‌شد تابدین‌وسیله خود و کسان ودارایی‌خود را حفظ کند .

بهمین‌جهت اصلاحات اداری‌را که‌درزمان شاهنشاه پهلوی شدباید اهمیت بسیار داد . یکی از مراحل این اصلاحات استحکام مبانی مشروطیت وحکومت ملی بود .

مشروطیت در ایران در ۱۳۲۴ قمری برقرار شد و تا پایان دورهٔ سلطنت قاجارها بیست سال از آن می گذشت .

مشروطیت ایران در نخستین گام با مخالفت سخت در باررو بروشد و هنوز دوسال از آن تاریخ نگذشته بود که مجلس را بتوپ بستند و مشروطیت را تعطیل کردند و پس از آن یك سال مجلس درکار نبود . با آنکه از آن ببعد دیگر ظاهراً مخالفی برای تشکیل مجلس نبود همواره ادوار قانون گذاری درمواقعیکه لازم می بود تشکیل نمی یافت و کراراً وقفه‌ها ودوره‌های فترت پیش آمد چنانکه درمدت بیست سال از پایان دورهٔ قاجارها تنها سه دورهٔ مجلس شورای ملی تا ۱۳۰۰ منعقد شد وده دورهٔ دیگر آن در دورهٔ زمامداری شاهنشاه پهلوی تشکیل یافته است .

از آغاز تا پایان اسفندماه ۱۳۱۵ درمجلس ۱۲۸۶ قانون بتصویب رسیده و تنها ۸۲ قانون پیش از ۱۳۰۰ وضع شده و ۱۲۰۴ قانون دردورهٔ شهریاری شاهنشاه پهلوی ازمجلس گذشته است .

درسراسر این دوره از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ده دورهٔ مجلس مرتباً پی‌درپی تشکیل شده وهیچ دورهٔ فترت ووقفه‌ای پیش نیامده است .

گذشته ازمجلس شورای ملی یکی ازمظاهر مشروطیت انجمن‌های شهرداریست. هرچند که قانونی بنام قانون بلدیه ازمجلس اول گذشت ودرهمان موقع انجمن‌های بلدی تشکیل یافت اما پس ازتعطیل مجلس اول دیگر انجمن بلدی درهیچ شهری تشکیل نشد تا آنکه درین دوره در ۱۳۰۹ قانون دیگری گذشت واز آن تاریخ همواره انجمن‌های شهرداری درهمهٔ شهرها تشکیل یافته است .

در دوران پهلوی که مجلس شورای ملی ایران مرتباً تشکیل یافته قوانین مهم بسیار ازمجلس گذشته وآنهارا اجری کرده‌اند وحال آنکه دردورهٔ پیشین اگر قانونی می گذشت تنها درروی کاغذ بود ودرموقع اجری رعایت همهٔ مقررات آنرا نمیکردند .

زیرا که همهٔ مردم در برابر آن مساوی نبودند . این قوانین بیشتر بهانه‌ای در دست کارگزاران وادارات دولتی بود که ازآن بهره جویی کنندواغراض‌خود راپیش‌ببرند.

دربارهٔ استحکام مبانی مشروطیت این نکته را هم باید در نظر گرفت که در مجلس اول انتخابات را صنفی کرده بودندباین‌معنی که در پایتخت‌هرصنفی نماینده‌ای ازخود انتخاب‌میکرد والبته نتیجه این می‌شد که‌هرکس درآن صنف بیشتر نفوذداشت ویا ریاست آن صنف را داشت بمجلس می‌رفت . اعیان و اشراف را هم جزو صنف بشمار آورده بودند وایشان هم درمجلس نماینده داشتند . درولایات حتی این ترتیب هم رعایت نمی‌شد وبهر شهری یا ناحیه‌ای یك یا چند نماینده داده بودند . سپس در مجلس دوم‌انتخابات را عمومی ومستقیم کردند ولی‌نتیجه این بود که ملاکان وسرمایه‌داران و متنفذان هرمحل ورؤسای ایلات وسیلهٔ انتخاب خود ویا کسان خود رابدست کشاورزان و زیردستان عامی خود انتخاب میکردند و یا کسی راکه کاملا مطیع و همدست وحتی وظیفه خوارشان‌بودبمجلس می‌فرستادندوببرخی از ایلات حق‌فرستادن نماینده بمجلس داده بودند . بدینگونه همان حکومت ملوك‌الطوایف‌وهمان‌حکومت ایلیاتی بصورت انتخابی درآمده بود و در حقیقت مجلس شورای ملی عبارت بود از همان رؤسای ایلات و متنفذان و ملاکان یا کسان ودست نشاندگان ووظیفه خواران ایشان .

درضمن چون دولت در ولایات قدرتی نداشت و بیشتر از نواحی کشور مدتها بود که فرمان بردارمرکز نبودند حتی ازعهدهٔ دریافت مالیات هم برنمی‌آمدچه‌برسد باینکه قوانین را با بی‌طرفی ومساوات‌کامل اجری کند وانگهی تازه اگر می‌خواست قانون را اجری کند مأموری که فرستاده بود در اجرای آن کوتاهی می‌ورزید یا خیانت می‌کرد .

دراین‌دوره نه‌قانونی برای محاکمهٔوزیران ونه‌قانونی برای‌محاکمهٔ‌کارگزاران

دولت وجود داشت واین دوطایفـه ازهر بازخواست وباز پرسی یکسره معاف ومصون بودند. بهمین جهت قانون محاکمهٔ وزرا که درتیر ماه ۱۳۰۷ گذشت وقانون جزای عمال دولت که در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید هریك درحد خود اهمیت خاص داشته و از مهم‌ترین اصلاحات اداری بشمار رفته‌اند.

نکتهٔ دیگر اینست که‌کارگزاران دولت درکار خود دوام وبقا نداشتند و هیچ قانونی حقوقشان را حفظ نمی‌کرد وعزل ونصب ایشان تابع مقررات مخصوص نبود و بسته بمیل این وآن بود. ناچار ازیشان انتظارنمی‌رفت که بکار خود دل گرم وبآیندهٔ خود مطمئن باشند وتفاوتی درمیان خادم وخائن نبود. بهمین جهت قانون استخدام کشوری که درآذرماه ۱۳۰۱ بتصویب رسید و قانون استخدام قضاة که در اسفند ماه ۱۳۰۶ وضع شد دررأس اصلاحات اداری بود واوضاع ناگوار سابق‌را درهم‌نوردید.از طرف‌دیگر قانون مجازات اختلاس که درآذرماه۱۳۰۶ گذشت وقانون مجازات‌ارتشا که درتیر ماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید نیز قدمهای مهمی بود که درراه اصلاحات‌اداری برداشته شد و در تغییر اوضاع سابق و تصفیهٔ اخلاق مأموران دولت ومنع نادرستی بسیار مؤثر شد.

گام دیگری که درین دوره در راه استحکام مبانی حکومت ملی برداشته شد این بود که در دوره‌های سابق نمایندگان ملت همواره ازمقام خود وحق رایی که در انتخاب وزرا داشتند بهره‌جویی میکردند وبوسیلهٔ مقام‌وکالت میکوشیدند بوزارت یا بکارهای مهم برگزیده شوند یا در خدمات دولتی ترقی کنند. در آن زمان معروف بود می‌گفتند «وکالت نردبان‌وزارتست» و بهمین جهت همواره درکارهای دولت اشکال تراشی میکردند ودولت را دروظایف خود آزاد نمی‌گذاشتند. مأموران دولت‌هم‌در نتیجهٔ ملاحظه‌ای که ازیشان داشتند ازخواهشها و توقعهای بی‌حد وبی‌جای ایشان نمی‌توانستند شانه تهی کنند.

بهمین جهت در تیرماه ۱۳۰۶ قانونی گذشت که مأموران دولت را از انتخاب شدن محروم کرد ودرضمن و کلا را ازقبول کارهای دولتی منع کرد . بدین گونه آن اوضاع دیرین‌درهم نوردیده شد وباین وسیله ادارات دولتی استقلال یافتند .

درنتیجهٔ وضع این‌قوانین‌کارگزاران نادرست ورشوه خواران خود را در معرض محاکمه‌دیدند وتأسیس دیوان جزای عمال‌دولت وبرقراری‌هیئت‌های بازرسی‌واجرای قوانین وتعمیم آن برهمهٔ مردم کشور اصلاح مهمی در کارادارات دولتی پیش آورد. بدین گونه ازیك سو مأموران دولت بوسیلهٔ قوانین و مقرراتیکه ایشان را درکار خود استوار میکرد نسبت بآیندهٔ خود مطمئن شدنـد و بوسیلهٔ برقـراری حقوق انتظار خدمت و بازنشستگی در کار خود پابرجا و ثابت گشتند . از سوی دیگـر قوانینی که کارگزاران نادرست و راشی و مرتشی را کیفر می‌داد و محاکمی که مخصوصاً برای این‌کار تشکیل شد خاین را از خیانت ترساند وخادم را بخدمت تشویق کرد . ناچار در ایران اندیشه‌ای پیدا شد که سالیان دراز بودازایران رخت بربسته بودوآن این بود که خدمت کردن ودرستکار بودن پاداش وخیانت‌کردن ونادرست بودن کیفر دارد . درصورتیکه پیش ازآن همه دراندیشهٔ‌آن بودند که هرچه‌زودتر وهرچه‌بیشتر بار خود را ببندند وباین‌وآن متوسل بشوند تا زودتر بسرانجامی برسند و سرمایه‌ای فراهم کنند که بدرد روز مبادا وروزگار بی کاری بخورد ، یعنی آن روزی که زیر دست‌تر ومتنفذتری بمیان بیاید و کارشان را ازدستشان بگیردواوهم بنوبت خود بهمین اصول رفتار کند تا دیگری گوی را از میدان برباید .

قدم مهم دیگری که درین دوره در اصلاحات اداری برداشته شد تقسیم ایران بده استان بود که هراستانی بچندشهرستان وهر شهرستانی بچند بخش وهربخش‌بچند دهستان تقسیم شد وهریك ازین چهارقسمت بیك مأمور مسؤل سپرده‌شد . بدین گونه ایران‌را بنابر اوضاع جغرافیایی ومقتضیات طبیعی وسیاسی وغیره‌بنواحی معینی تقسیم

19590

کردند. پیش از آن تقسیمات اداری ایران ترتیب معینی نداشت و بعضی نواحی بود که درحقیقت خود کشور پهناوری بشمار می‌رفت وسراسر آن سپرده بیك والی یافرمانفرما بود که مطلقاً ازعهدهٔ اداره کردن آن بر نمی‌آمد واگر سالها در آنجا می‌ماند بهیچ وجه از احوال واوضاع آن ناحیهٔ پهناور آگاه نمی‌شد. تردیدی نیست که این وضع یادگار دوره‌های قدیم وحتی روزگار حکومت ملوك الطوایف وحکومت ایلیاتی بود که مثلا سرزمین کردها کردستان و سرزمین لرها لرستان باشد. برعکس گاهی ناحیهٔ بسیار کوچکی راهم بدلیلی که معلوم نبود مستقل کرده بودند. پیداست که با اصول سابق کسی نمی‌توانست وسایل رفاه وآسایش مردم نواحی مختلف را فراهم کند ودرآبادانی قسمت‌های کشور بکوشد و شکی نیست که هرچه تقسیمات کشوری کوچکتر باشد اداره کردن وآباد کردن وپاسبانی ازآن آسان ترست واین اصلاح را می‌توان از اصلاحات اداری مهم دانست.

نکتهٔ بسیار مهمی که در اصلاحات اداری باید درنظر گرفت کوتاه شدن دست بیگانگان و بی نیازی از مستشاران خارجیست. سابقاً اشاره رفت که در دورهٔ گذشته بیگانگان تاچه اندازه درکارهادخالت داشتند واگرخود نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند دست داشته باشند بدست مستشاران بیگانه منافع خود را تأمین می کردند. تردیدی نیست که هرملتی که برشد رسیده باشد همهٔ کارهای خود راخود بدست می گیرد واز بیگانه خودرا بی‌نیاز می کند واین نکته را در دوران گذشته در مدت صد سال که نیازمندی بتمدن جدید رااحساس کردند دولت ایران نتوانست تأمین کند زیرا گذشته از ناتوانی دولت بی اطلاعی کارگزاران و مسئولان امور مانع ازآن بود که اوضاع اداری ایران با مقتضیات روزگار تطبیق کند. بهمین جهت «فرنگی» در ایران نفوذ واحترامی پیدا کرده بود که چون درسرکاربود نه‌تنها زیردستانش بلکه همهٔ افراد ازو پیروی وفرمان برداری می کردند. مثلا اگررئیس مالیهٔ ولایتی اروپایی‌یا امریکایی می‌بود مردم آن ناحیه مالیات را زودتر می‌پرداختند. قهراً رعب وهراسی از فرنگی

ومستشار فرنگی درمیان مردم پیدا شده بود که یا ازو می‌ترسیدند و یاشرم می کردند وپیداست که همین وضع چگونه‌بیگانگان را بر اضاع‌ایران مسلط کرده بود ودولتها نیز وجود مستشار را برای تأمین نفوذ خود لازم میدانستند . تردیدی نیست که با این اصول هرگز دولت ایران نمی‌توانست پاسبان همهٔ منافع مادی و معنوی کشور باشد و کارگزارانش رموز جدید ادارهٔ مملکت را فرابگیرند و روزی از وجود بیگانه بی‌نیاز شوند. نظری بتاریخ دورهٔ پیشین نشان می‌دهد چگونه درمدت صد سال پی‌در-پی مستشار بایران آورده بودند و هرگز ازیشان بی‌نیاز نشده بودند زیرا که هرگز هیچ یك ازین مستشاران آن دلسوزی را که‌کارگزاران دولتی می‌بایست داشته باشند نداشتند والبته چنین توقعی‌ازبیگانه نمی‌توان داشت. ازطرف دیگرهیچ یك ازیشان یك تن از زیردستان خود راتربیت نکرده بود تا روزی بتواند جانشین او بشود زیرا که البته صلاح و صرفهٔ هرمستشاری درآن بود که همیشه بوجود او محتاج باشند . بهمین جهت بود که درین چند سال تقریباً ازهمهٔ کشورهای اروپا و امریکاازفرانسه و انگلستان وآلمان و روسیه و بلژیك وایتالیا و اتریش وسوئدو دانمارك و سویس و هلند و دول متحدهٔ امریکا و غیره مستشار بایران آوردند و حتی فرماندهی قسمت‌های مختلف ارتش ایران را بافسران بیگانه سپردند .

بهمین جهت یکی از مهم‌ترین مراحل اصلاحات اداری را درین دوره‌بی‌نیازی از وجودکارگزاران ومستشاران بیگانه باید دانست وارتش و مالیه وگمرك وپست و تلگراف وصنایع وراه‌آهن وژاندارمری وشهربانی بکلی از وجود بیگانگان بی‌نیازشد و نه تنها هیچ خللی بکار وارد نیامد بلکه‌کارهای کشور بمراتب بهتر از دوره‌ای که مستشاران درسرکاربودند پیش رفت .

اصلاحات قضایی

در دورهٔ استیلای قاجارها بر ایران عدالت درایران چنان نایاب بود و مردم کشور چنان درآرزوی عدالت بودند که چون اندکی بیدار شدند وبحقوق خود پی بردند درروزهای نخستین انقلاب خواستار «عدالت خانه» بودند وبیش از آنکه بفواید حکومت مشروطه پی ببرند درخواستی جز عدالت نداشتند.

درزمان هخامنشیان که دولت ایران متمدن‌ترین دولت آنروزگار بود همواره پادشاهان بزرگ ایران بدادپروری معروف بودند وبا رعایای شاهنشاهی پهناور خود که قسمت عمده ازدنیای‌آن روز را فرا می گرفت باکمال‌عدل‌وداد رفتار می کردند. دردورهٔ ساسانیان نیز توجه خاصی نسبت بدادگستری وداوری داشته‌اند ومؤبدان که طبقهٔ تحصیل کردهٔ کشوررا تشکیل می‌دادند مأمور رسیدگی بشکایتهای مردم وانتشار عدالت بودند. از اسنادی که از دورهٔ ساسانیان باقی مانده کارنامهٔ اردشیر بابکان وکارنامهٔ خسرونوشین روانست ودرآنها همه‌جا بدادخواهی توصیه کرده‌اند. حتی در دورهٔاسلامی خلفای‌عباسی‌اصول عدالت وقضاوت را ازایرانیان تقلید کردند. دردوره‌های اسلامی نیز پادشاهان ایران بعدالت‌پروری و انصاف معروف بوده‌اند و برخی ازیشان خود درروزهای معینی درجاهای عمومی مجلس مظالم‌تشکیل می‌دادند ومردم‌مستقیماً بایشان رجوع می کردند و دادخواهی می کردند. داستانهای بسیار درین زمینه در کتابها هست ازآن جمله نوشته‌اند که امیراسمعیل‌سامانی درزمستان وبرف وسرما در

میدان عمومی می‌ایستاد ودادخواهان باورجوع میکردند . حتی از کسانی که بیشتر اوقات خـود را در جنگها می گذراندند مانند محمود غزنوی توجه بعدالت را نقل کرده‌اند . وزیران بزرگ ایران‌مانند ابوالفضل بلعمی وعمیدالملك کندری و نظام‌الملك طوسی درین زمینه توجه‌خاصی داشته‌اند . سخن‌سرایان بزرگ ایران همه درآثارخود پادشاهان و کارگشایان را بدادگستری تشویق کرده‌اند وحتی پادشاهان مغول راکـه بیگانه بوده‌اند بدین‌کار برانگیخته‌اند .

درزمان صفویه سازمان وسیعی درایران بوده وروحانیان را بدرجات و مناصب چندتقسیم کرده بودند ودرهر ناحیه یك عده قاضی ومفتی‌مأمور رسیدگی بنیازمندیهای مردم ورفع ظلم وبیداد بودند . پس ازضعف صفویه دردورهٔ آشفتگی که نزدیك‌دویست سال کشید کم کم این اصول قدیمی متروك شد وروحانیان‌ازاختیارات خود بهره جویی کردند وهمهٔ کوشش خودرا بجلب نفع خود متوجه ساختند واحکام ناسخ ومنسوخ و تجاوز بحقوق مردم دامنهٔ وسیع یافت وکار بجایی رسید که پیش‌ازدورهٔ مشروطیت اگر هم از دستبردکارگزاران دیوان چیزی برای مردم می‌ماند تازه دستخوش آز و طمع روحانیان بود که قوهٔقضایی‌را دردست داشتند، چنانکه سبب‌عمدهٔانقلاب ۱۳۲۴ قمری وجنبش مشروطیت این بود کـه مردم از گوشه و کنار عدالت می‌خواستند ودر گام نخست بهیچ وجه نامی از مشروطیت نبود و چنانکه پیش ازین اشارت رفت مـردم «عدالتخانه» میخواستند وهمه درین درخواست هم‌آهنگ بودند .

در دورهٔ مشروطیت دادگستری بسیارناقص‌تشکیل داده بودند ودر ظاهرمحاکم وداد گاههایی بود اما در حقیقت عدالتی درمیان نبود چه اولا عدلیه رانتوانسته‌بودند از نفوذ روحانیان نجات دهند و عده‌ای ازهمان ها را بعنوان قاضی بر کرسی نشانده بودند وحتی در مجلس اول قانونی گذرانده بودند که پنج تن از «علمای طراز اول»

در مجلس باشند و هرقانونی تا ایشان آن را نپذیرفته‌اند اعتبار نداشته باشد. ثانیاً نفوذ رؤسای محلی ومتنفذان و اعیان و اشراف کاملا در عدلیه پا برجا بود و ایشان چه مستقیماً و چه بوسیلهٔ وکلایی که در مجلس شورای ملی گماشتگانشان بودند ریاست دادگستری را برای کسیکه فرمانبردارشان باشد می گرفتند. تازه اگر قاضی حکمی میداد ومحکمه رأی خود را اظهار میکرد آن حکم اجری نمی‌شد چنانکه در موقع انحلال عدلیه در سال ۱۳۰۵ معلوم شد بیست ویك هزار ازدعاوی مردم درعدلیه مانده و کسی بآنها رسیدگی نکرده و اگرهم رسیده بود اجری نشده بود. همین اوضاع بیگانگان حق می‌داد که حق کاپیتولاسیون برای‌خودقایل شوند وبهیچ وجه‌بدادگستری ایران تن در ندهند واتباع خود را از رجوع بدادگاههای ایران بازدارند ومحاکم مخصوصی‌دروزارت‌امورخارجه تشکیل می‌شد که باحضورنمایندهٔ رسمی‌آن‌دولت‌بیگانه رسیدگی میکرد. مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله وزیرمالیه را در وسط روز درمرکز شهرتهران کشتند وچون قاتل او تبعهٔ دولت تساری بود قصاص ندید.

پیش ازین باختصار اشاره رفت که ظاهراً از سه دورهٔ قانون گذاری قوانینی گذشته بود که تنها درروی‌کاغذبود و کسی بآن رفتارنمیکرد واگرهم رفتار میکردند بیشتر برای آن بود که بسود خود اقدام کنند. ناچار قوانین دادگستری نیزهمین حال را داشت واز هرحیث ناقص بود وقوانین‌اساسی مهم که تکلیف مردم را معلوم کند و رعایت حقوق مردم رادرآن کرده باشند وضع نشده بود، چنانکه قانون مدنی وقانون جزای عرفی که اساس زندگی مردمست نوشته نشده بود وهرگزمجلس جرأت نکرده بود ازترس‌نفوذ روحانیان نامی‌ازقوانین مدنی وعرفی ببرد واگرمحکمه‌ای درزمینه‌ای رأیی می‌داد ممکن بودحاکم شرعی رایی دیگری بدهد و آن حکم محکمه را باطل کند وبرخلاف آن رأی بدهد، چنانکه نظایرآن درآن دوره بسیار دیده شده است.

درنتیجهٔاین اوضاع حقوق‌مردم که‌اساس‌تمدن روی آن گذاشته شده‌دستخوش هوی و هوس این‌و آن بود و روحانیانی که دستبرد می‌رساندند کسی بازخواست ازیشان نمی‌کرد. سابقاهم اشاره رفت که ماموران دولت ووزیران مسئول‌نیزمورد بازخواست نبودند وهیچ محکمه‌ای نمی‌توانست ایشان را محاکمه کند. پیداست که باچنین وضعی عدالت درمیان‌نبود وتنها بهانه‌ای بود که مردم ناتوان وبی کس را محکوم کنند چنانکه‌در آن موقع‌این گونه‌مردم همیشه‌می گفتند «عدلیه‌برای ما بیچارگانست».

وضع محاکم باندازه‌ای ننگین بود که مکررمرافعات بیست‌ساله وبیست و پنج ساله‌پیش آمده است، یعنی‌درمدت بیست‌سال وبیست‌وپنج سال قضاة نتوانسته‌اند ویا نخواسته‌اند وجرات نکرده‌اند تکلیف را معلوم کنند ورای خود رابدهند. در آن زمان درروزنامها مردم مکررازدادگستری‌می‌نالیدند واعلان منتشرمی کردند ومرافعات و ادعای خود را در روزنامه درج می کردند. از آن جمله در آن دوره برخی مرافعات بود که حکم تاریخ را پیدا کرده بودوازبس درروزنامها ومحافل از آن بحث کرده بودند و برسربازارها طرح کرده بودند جزو مسایل دولتی و سیاست کشور شده بود مانند موضوع شرکت عمومی یا موضوع ممسنی و جزیرهٔ هرمز ومعادن خاك سرخ ومالکیت برخی ازاملاك که حتی سبب عزل ونصب‌وزرا ویا برسرکارآمدن وازکارافتادن دولتها می شد وکتابها ورساله‌های متعدددربارهٔ آنها چاپ کرده‌اند. کار عدلیه باندازه‌ای تباه شده بود که همه ماجری‌جویان و هوچیان معروف آن زمان وگوش‌بران وکلاه‌برداران یا مدعی بودند ویاوکیل مرافعه و یا کارچاق کن دادگستری و راستی کار بجایی رسیده بود که هر کس نمی‌توانست سر گردنه‌را بگیرد ودل وجرات این‌کاررا نداشت درعدلیه دست وپایی برای خودمی کردومردم برای این گونه‌وکیلان دادگستری‌اصطلاحی‌وضع کرده

بودند وایشان را «شرخر» می‌نامیدند .

وضع محاکمات جنایی ازمحاکمات حقوقی هم ننگین‌تر بود . می‌توان گفت درین دوره محاکمات جنایی اصلا وجود نداشت و نه‌تنها دزدان وراهزنان واشرار معروف درکار خود کاملا آزاد بودند و در سراسر این دوره یك دزد و راهزن را محاکمه نکردند بلکه هرمغرض و ماجری‌جویی نیز درکارخودآزاد بود . درین دوره بارها کمیته‌های ترورو آدم کشی درشهرهای مختلف در روز روشن تنهابهوی و هوس این‌و‌آن مردم را کشته‌اند وتاریخ این دوره پرازین گونه وقایع ناگوارست وهرگزدرصدد کشف آن برنیامده‌اندو گاهی ماموران شهربانی نیزباآنهاهمدست بوده‌اند . اگر هم اتفاقا کشف شده تازه کسی را بمجازات نرسانیده‌اند وبلکه برعکس بی‌اعتنایی و بی‌قیدی دولت این جنایتکاران را گستاخ‌تر کرده است . چنانکه درتمام این مدت تنها درسال اول مشروطیت یك دفعه یك محاکمه جنایی تشکیل شد وقاتلان فریدون زردشتی از بازرگانان تهران را محاکمه کردند و گفتند که چون مقتول زردشتی وقاتل مسلمان بوده قصاص منحصربآنست که‌قاتل را چوب ببندند وچند تازیانه بزنند . پس‌ازآن دیگر درایران پیش‌نیامد که جانی وقاتلی رامجازات کنند وچند تن راکه بدارزدند برای پیشرفت مقاصدسیاسی بود یاکسانی بودند که درراهزنی‌های‌خودباجی‌راکه می‌بایست نداده بودند.

بدینگونه اصلاح‌عدلیه‌ایران وتأسیس دادگستری بااصول جدیدواصلاحات قضایی در رأس‌کارهای مهمی بود که درین دوره بپایان رسید ودراواخرسال ۱۳۰۵ عدلیهٔ قدیم منحل شد و پس ازچندی دوباره بااصول جدید دادگاههایی باعضویت قضاتی که شرایط پیشین دریشان نبود در۱۶اردی‌بهشت ماه۱۳۰۶ تشکیل یافت و سازمان جدیدآن درهمهٔ شهرها گسترده شد وچنانکه پیش ازین اشاره‌رفت قوانین مهمی دربارهٔ محاکمهٔ وزیران‌وکارگزاران دولت بتصویب رسید وباجری گذاشته

شد . بدین گونه ازهرحیث امنیت قضایی برای مردم ایران ازهرطبقه فراهم آمد وبریشان ثابت شد که آن اصول دیرین درهم نوردیده شده ومفهوم حقیقی و واقعی دادگستری فراهم آمده است .

نکتهٔ مهم‌دیگری که‌درضمن اصلاحات قضایی وسازمان دادگستری‌نوین‌باید متوجه‌آن بودتأسیس‌ادارهٔ‌ثبت‌اسنادواملاك در کشوررست زیرا که یگانه راه‌تشخیص حق هر کس‌واحترام‌بحقوق‌مردم همینست‌وپیش از آن چنانکه اشاره رفت‌وسیله‌ای برای حفظ حق‌مردم درمیان نبود وهر کس هرچه داشت دستخوش حرص‌و آزاین و آن بود وهردم ممکن‌بود متنفذ زورمندی بانواع وسایل آنرا ازدست وی بیرون بیاورد . ثبت درمحاضرشرع‌هم بهیچ‌وجه‌وسیله ووثیقهٔ مطمئن بشمار نمی‌رفت،زیرا که احکام ناسخ ومنسوخ‌هیچ حد وقاعده نداشت ومکرردیده شده است که‌چندتن سند مالکیت همان ملك‌را دردست داشته‌اند که نه‌تنها چند حاکم شرع‌صادر کرده بودندبلکه گاهی‌همان‌اسناد متضاد را یك تن نوشته‌بودومعلوم نمی‌شدمالك‌حقیقی کیست . بهمین جهت چنانکه در کشورهای متمدن معمول شده بود می‌بایست در ایران‌هم یك‌اداره رسمی‌تابع وزارت دادگستری برای تشخیص حق‌مردم باشد که املاك ومستغلات رادردفترهای آن ثبت کنند ومالك حقیقی بدین‌وسیله شناخته‌شود وحقوق‌وی ازتصرف‌دیگران مصون‌باشد وهیچ کس حق‌دیگری‌رانرباید. بدینگونه تشکیل ثبت اسنادرا درایران از مهم‌ترین مراحل اصلاحات قضایی باید دانست و رشد مدنی وسیاسی ایران‌را درین دوره می‌رساند .

البته پس ازتاسیس این اداره می‌بایست ترتیبی هم درثبت معاملات و داد و ستدهای مردم بدهند تاهرمعامله‌ای‌دردفتری رسمی ومعتبرثبت شود وبااصول معین قانونی صورت بگیرد، تاهم اعتبارمعامله در آن محرز باشد وهم‌دولت دراجرای آن ورعایت شرایط آن نظرداشته باشد وآنرا ضمانت کند وهم‌هنگام مرافعه کسی که

حق داردسند قطعی دردست داشته‌باشد و بدین گونه دادرسی آسان ومطمئن باشد.
البته این ترتیب با محضرهای شرعی که اساس پابرجایی نداشت و ازکارهای یك دیگرخبر نداشتند ودولت نیزازکارشان بی‌خبر بود وقهرا مردم دیگربآنها اعتماد نداشتند سر نمی گرفت . زیرا این ترتیب‌دیگرپایدار نبودو نمی‌توانستندآن‌احکام‌را اجری کنندودادگا،هاهمیشه‌درزحمت و مردد بودند. پس‌ناچارمی‌بایست دفترهای رسمی برای ثبت معاملات وزناشویی وطلاق وخرید وفروش وبخشش‌واجاره و این گونه‌کارها چنانکه‌در کشورهای متمدن جهان تأسیس کرده‌اند درایران‌نیز تشکیل شود وبهمین جهت دفترهای رسمی تاسیس شد .

درین زمینه گام بسیاربزرگی که‌برداشته شده‌است وسایلیست که برای‌تنظیم امورشخصی وخانوادگیست که مخصوصا در تصفیهٔ اخلاق وحفظ‌حیثیت خانواده و تربیت خانوادگی وترتیب‌ارث‌اهمیت بسیارداشته‌است. درایران سالیاز درازازین نکته غفلت کرده بودند وترتیب درستی درین‌کارنبود . ازآن جمله‌موضوع‌ازدواج وطلاق که دقت لازم رادرآن نمی کردند نابسامانی‌های بسیار درخانواده‌هافراهم می کرد وبهره‌جویی ازآن می کردند. این‌مفاسد یادگار دوران‌آشفتگی وپریشانی اوضاع بود و قهرا می‌بایست روزی در رفع‌آن بکوشند . بهمین جهت درین دوره یك رشته قوانین درین زمینه وضع شد و ترتیبی درین‌کاردادند . دربارهٔ طلاق نیز می‌بایست شرایطی فراهم کنند که دشواریهای سابق را ازمیان ببرد . نیز حداقل ازدواج رادرقانون‌معین کردندتاازحد نصاب ورشد طبیعی کمتر نباشد ومعاینهٔ‌صحی پیش از ازدواج نیزمقررشد که فوایدآن حاجت ببحث‌ندارد. بدین گونه‌دفترهای مخصوصی برای ازدواج وطلاق درسراسر کشورتشکیل یافت ومشکلاتی که قرنها درمیان بود بدین وسیله ازمیان رفت واصولی که با تمدن امروزی جهان مطابق باشد برقرارشد. پیداست که بهمین وسیله چه اصلاح اجتماعی واخلاقی‌ومدنی‌در

جامعهٔ ایران راه یافت .

درمیان قوانین بسیارمهمی که درین دوره بتصویب رسیده استقانون مدنی اهمیت خـاصی دارد . پیداست داشتن قانونی که تکلیف همهٔ افراد جامعه رادر زندگی اجتماعی وروابط با یك دیگر معلوم کند چگونه جزو ضروریات هر ملت متمدنیست.قانون مدنی‌حقوق و وظایف افرادرا معلوم می کند ومسایل‌مهم‌ازدواج وطلاق وارث و معاملات ومشاغل و جز آن را روشن می کند ونمایندهٔ رشد هـر جامعه‌است . شکی نیست که‌تنها امتیازملت متمدن ازملت وحشی داشتن این گونه قـانونهای اجتماعی ومدنی وعرفیست . درتمام مدتی که پیش ازین دوره‌حکومت مشروطه‌برقرار بوده‌ودستگاه قانون گذاری وجودداشته است نفوذهای گوناگون ومنافع برخی ازطبقات جامعه و مداخلهٔ عناصر مختلف و اوضاعی کـه شرح آن بسیار مفصل خواهد شد مانع بوده است که قانون‌گذاران بوضع چنین قوانینی جرات کنندودولت‌هم جرات آن‌راداشته‌باشد که پیشنهاد کند وحتی‌جرات‌نداشته‌اند نامی ازآن ببرند . چنانکه در۱۲۹۵ قانون بسیارمعتدلی بنام قانون جزای‌عرفی هیئت وزیران تصویب کرد که هرگزاجری‌نشد، بمحض آنکه این‌خبرانتشار یافت همهمهٔ شگفتی ازگوشه وکنار برخاست وسرانجام آن قانون را نادیده وناشنیده گرفتند. فهرست مهم‌ترین قوانینی که‌درین دوران ازده دورهٔقانون گذاری گذشته است بدین گونه است:

قانون هیئت منصفه که در۱۰ آذرماه ۱۳۰۱ تصویب شد ودر ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ آنرا اصلاح کردندیکی‌ازقدمهای‌بزرگیست که دراصلاحات قضایی‌برداشته شده است.

قانون علامات صنعتی وتجارتی که در۹فروردین ۱۳۰٤ وضع شده وددرحفظ حقوق ومالکیت مردم اهمیت‌بسیاردارد .

قانون سجل احوال که در ۱۶ خرداد۱۳۰۶ بتصویب رسید و در ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ اصلاح شد ودر ۱۱ آذر ۱۳۱۰ باردیگر آنرا اصلاح کردند .

قانون استخدام قضاة وصاحب‌منصبان پارکه ومباشران ثبت اسناد که در۲۸ اسفندماه ۱۳۰۸ وضع شده است .

قانون حکمیت که‌در۲۹ اسفند ۱۳۰۶ بتصویب مجلس رسید ودر۲۱فروردین ماه ۱۳۰۸ اصلاح شد

قانون تعیین‌مرجع‌دعاوی‌بین افراد ودولت که در۱۹ اردی‌بهشت۱۳۰۸وضع شد ودر۱۳ آبان ۱۳۰۹ اصلاح شد .

قانون اصول تشکیلات عدلیه که در۲۷ تیرماه۱۳۰۷ تصویب‌شد و در۷ آبان ۱۳۱۵ اصلاح کردند .

قانون محاکمات نظامی که‌در ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید .

قانون مجازات اشخاصی که‌برای بردن مال غیرتبانی می کنند در۳ امرداد ۱۳۰۷ تصویب شد.

قانون دفترهای اسناد رسمی در۱۳ بهمن ماه۱۳۰۷ .

قانون مجازات راجع بانتقال مال غیر در۵ فروردین‌ماه ۱۳۰۸ .

قانون محاکم‌شرع که در۱۶خرداد ۱۳۰۸بتصویب رسید ودر۹آذرماه۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مرور زمان در ۲ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون شهادت وامارات در۲۳ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون تابعیت که در۱۶شهریورماه۱۳۰۸ وضع شد و در ۲۹مهرماه۱۳۰۹متمم آن بتصویب رسید .

قانون ثبت اسناد واملاك که در۱۱مهرماه۱۳۰۸ وضع‌شد ویك‌بار در۲۱بهمن

۱۳۰۸ وبار دیگر در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون تأمین مدعی به در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۰۸ .

قانون طرز جلوگیری از تصرفات عدوانی در ٤ اردی بهشت ماه ۱۳۰۹ .

قانون تسریع محاکمات در ۳ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون تعاون قضایی در ۲٤ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون مأمورین صلح در ۲٤ تیرماه ۱۳۰۹ .

قانون محاکمات جنایی در اول امرداد ماه ۱۳۰۹ .

قانون تصدیق انحصار وراثت که در ۱٤ مهرماه ۱۳۰۹ وضع شد و در ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۳ اصلاح شد .

قانون مجازات قطاع الطریق که در ۹ خردادماه ۱۳۰۰ بتصویب رسید و در ٦ آذر ماه ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت در ۲۲ خردادماه ۱۳۱۰ .

قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه در ۲۳ امرداد ماه ۱۳۱۰ .

قانون انکار زوجیت در ۲۰ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ .

قانون ثبت شرکتها در ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ .

قانون ثبت علایم و اختراعات در اول تیرماه ۱۳۱۰ .

قانون ازدواج در ۲۳ امردادماه ۱۳۱۰ .

قانون اعسار وافلاس در ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ .

قانون تجارت در ۱۳ اردی بهشت ماه ۱۳۱۱ .

قانون اوزان و مقیاسها در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ .

قانون اموال بی صاحب در ۱٦ اردی بهشت ماه ۱۳۱۳ .

قانون مدنی که از ٦ بهمن ماه ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱٤ تدریجاً تصویب

شده و سپس در اول مهرماه ۱۳۱۴ و ۸ آبانماه ۱۳۱۴ بقیهٔ آن بتصویب رسیده است.

قانون وکالت که در ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۴ بتصویب رسیده و در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵ اصلاح شده است.

قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری در ۲۸ دیماه ۱۳۱۴ .

قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵.

ازین فهرست مختصر پیداست که درچهارده سال و نیم ازین دوره چهل قانون مهم که هریك دراصلاح اوضاع ایران درزمینه‌های مختلف منتهای اهمیت و لزوم را داشته وقانونگذاران سابق مطلقاً از آنها غافل بوده اند و اوضاع پریشان آن روزگار مانع از وضع آنها شده است بتصویب رسیده و بموقع اجری گذاشته‌اند. مهم‌ترین قوانینی که برای اصلاح اوضاع ایران لازم بود تا ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ وضع شد و از آن پس دستگاه قانونگذاری مشغول وضع قوانین فرعی یا تکمیل و توضیح قوانین سابق بود .

این فهرست بهترین دلیلست که درین دورهٔ فرخنده چه گامهای بلنددرراه ترقی ایران برداشته‌اند و ازهرحیث وسایل رشد اخلاقی و سیاسی ایرانیان فراهم آمده وملت ایران دارای همان قوانین وهمان اصول قضایی وحقوقی که همهٔ ملل متمدن جهان دارند شده است .

اصلاحات اجتماعی

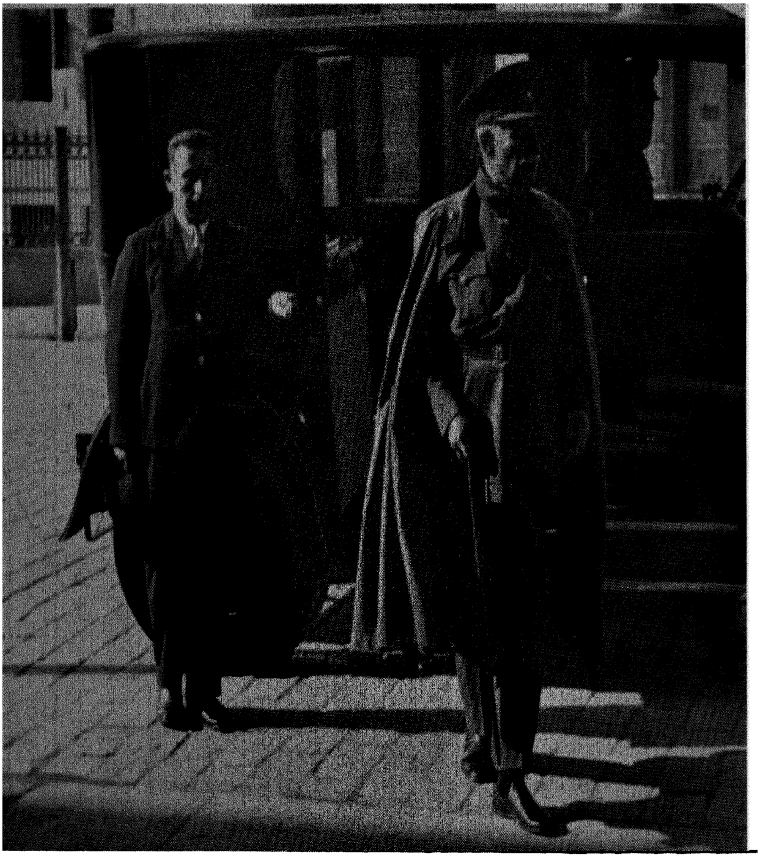
یکی ازجنبه‌های مهم اصلاحاتی که شاهنشاه پهلوی در دورهٔ شهریاری خود کرده است اصلاحات اجتماعیست که فصل مهمی درتاریخ ایران گشوده وهمیشه‌در زندگی‌ایران موثرخواهد بود.البته تاریخ بشرازحیث مردان بزرگی که‌کارهایی ازپیش برده‌اند و بنیادهایی در تمدنها گذاشته‌اند چندان تهی دست نیست و تاریخ ایران قطعاً بر تاریخ کشورهای‌دیگرجهان ازین‌حیث‌برتری دارد . شکی نیست که درهرعصرو زمانی مردان بزرگی درایران زیسته‌اند که‌آثار مادی ومعنوی یشان قرنها پایدار مانده است . بزرگان ایران درهرزمینه‌ای از تمدن مادی و معنوی جهان آثاری جاودانی گذاشته‌اند . در هررشته و در هر علم وفن که بنگریم بنام یك عده از ایرانیان برمی خوریم که قسمت عمده پیشرفتهای، آن فن ازیشانست. بهمین‌جهت‌می‌توان گفت ایرانی‌عادت دارد از وجود بزرگان دیار خود برخوردار شود وازین سرچشمهٔ فیض سرمدی متنعم گردد . پس خاصیتی درنژادایرانی‌هست که ازآغاز تاریخ بدان خو گرفته است وآن اینست که قدر وپایهٔ بزرگان کشور خود را می‌داند.

این نکته راهم باید درنظرداشت که در میان بزرگان جهان بیشتر کسانی بوده‌اند که در فنی مخصوص و رشته‌ای خاص‌کار مهمی ازپیش‌برده‌اند،یعنی‌تنهادر فن‌خود تسلط فوق‌العاده داشته‌اند وآدمی‌زادگان‌را رهین انکشاف یا اختراع و یا سرمشق بزرگی کرده‌اند وبهمین‌جهت‌مقام‌بلندی‌را درجهان بدست‌آورده‌اند وپرتو

خاصی بر تاریخ روزگار خود افگنده‌اند. در برابر ایشان عده‌ای معدوداز بزرگان هستند که نوابغ جهانگیر بوده‌اند . یعنی کسانی که اختصاص بدورهٔ معین و ناحیهٔ محدودی و فن مشخصی نداشته‌اند وچنان‌کار مهمی از پیش برده‌اند که همهٔ آدمی زادگان در هرعصر و زمانی از آن بهره‌مند شده‌اند و آثار آن همواره در جهان مانده است

شمارهٔ این نوابغ جهانگیر کمست و برای رسیدن بدین مقام روح بسیار بزرگی می‌خواهد که مسلط برهمهٔ شئون زندگانی باشد ودر رشته‌ها وزمینه‌های متعددقوهٔ ابتکار واختراع درو باشد و بهمین جهتست که‌شمارهٔ ایشان‌بسیار کمست.

عدهٔ دیگراز مردان بزرگ مؤسسان تمدنها و تجددها درزندگی هستند و بنیاد نوینی در زندگی اجتماعی گذاشته‌اند . درایران تاکنون پنج‌تن ازین بنیاد گذاران داشته‌ایم : یکی کورش بزرگ ، دوم اردشیر بابکان ، سوم امیر اسمعیل سامانی ، چهارم عضدالدولهٔ دیلمی وپنجم شاه‌اسمعیل‌صفوی که هریك اساس تمدنی درایران گذاشته‌اندودر بسیاری‌ازمظاهرزندگی آثاری ازیشان مانده است وتاقرنها خواهد ماند . این مردان بزرگ روش زندگی را تغییرداده و جریان تاریخ را دگرگون کرده‌اند . بهمین جهت در میان اصلاحاتی که در هـر کشوری می‌شود اصلاحات اجتماعی‌در رأس همه کارهاست ومرد بزرگ آن کسیست که طرز فکر جامعه وجزئیات زندگی مردم را تغییر دهد ودرهمهٔ شئون بهبودی فراهم سازد و بنیادی در زندگی بگذارد که همه چیز آن باآنچه بوده است فرق داشته باشد و نه تنها درکلیات بلکه درجزییات زندگی نیزاصلاحات کند . این اساس بایدزوال و انقراض‌دورهٔ گذشته‌راجبران کند ودورهٔ مجد وعظمتی فراهم آورد. بدین‌جهتست که باید اصلاحات اجتماعی شاهنشاه پهلوی را ازمهم‌ترین مراحل دورهٔ شهریاری وی دانست .



هنگام ورود به مجلس شورای ملی برای گشایش یکی از ادوار قانونگزاری

برای اینکه خوانندگان درست باهمیت این اصلاحات اجتماعی پی ببرند لازمست که اوضاع اجتماعی ایران را در دورهٔ استیلای قاجارها بدانند . شواهد بسیارهست که جامعهٔ ایران‌دردورهٔ گذشته دوچارمنتهی درجه ذلت‌وخواری وفساد وزبونی شده بود که لازمهٔ هرانقراضست و همیشه در مواقع دشوار و باریك تاریخ پیش‌اززوال دیده‌می‌شود. بسیاری ازین‌مفاسد اخلاقی نتیجهٔسالها پریشانی‌وآشفتگی ونا امنی وناتوانی بود . نیروی مادی و معنوی ازدست رفته بود ودلیری ودلاوری درهیچ کاری‌دیده‌نمی‌شد .مردم برای هیچ‌چیز نشاط وسروری را که‌لازمهٔزندگیست نداشتند و درهمه‌کار بی‌قیدبودند. دویست‌سال جنگهای خانگی ونفاق‌ودوگانگی وناامنی شبانروزی وگرفتارمتنفذان وراهزنان وستمگران وکارگزاران غارتگر دولت بودن درهای فرج را از هرسو بسته و هرآرزویی را ازمیان برده بود . مداخلات بیگانگان عزت نفس را که یکی از شریف‌ترین خصال آدمیست نابود کرده بود و در نتیجهٔ این پریشانیها ودرضمن تعلیمات زیان بخش‌دورویی وتزویر درهمه‌جارخنه افگنده‌بودو آن‌دلاوری‌و دلیری که لازمهٔملت زنده استوبزرگترین حوادث‌تاریخ را فراهم کرده‌وایرانیان‌بارها آنرا ببهترین‌وجهی نمودار کرده‌بودند ازایران یکسره رخت بربسته بود . بهمین‌جهت یك سلسله اصلاحات اجتماعی در ایران کمال ضرورت‌را داشت‌ومقدم‌برهراصلاح دیگری بود . شك‌نیست که‌ویرانی هردیاری بسته بروحیات مردم آن‌دیارست ومادیات همیشه تابع‌فکرواندیشه‌است . هرجا که اندیشه ناتوان گردد مادیات‌هم‌رو بتباهی می گذارد و بهمین‌جهت درچنین مواردی اصلاحات معنوی وفکری واجتماعی برهراصلاح دیگر باید مقدم باشد، زیرا هرچه درآبادی وعمران‌بکنندتا مردمی‌بدان درجه از رشدوشایستگی‌نرسیده باشند که قدرآنرا بدانندوآنرا نگاه بدارندآن اساس مادی استوارنخواهدماندو هرچه بسازند در اندك زمانی بباد ویرانی می‌رود . بدین‌جهت مصلحان بزرگ‌و

پدیدآورندگان تمدنها وشرایع اصلاحات اجتماعی را بر هر کاری مقدم دانسته‌اندو نخست افکار واخلاق را اصلاح کرده‌اندوپس ازآن بسراغ مادیات رفته‌اند. درین دوره نیزاصلاحات معنوی واجتماعی گوناگون درایران شده است که هریك درحد خود اهمیت خاصی دارد وجای آن دارد که آنها را در رأس پیشرفتهای ایران در دوران پهلوی بدانیم.

پیش ازین اشاره رفت که اصلاح وضع خانواده وازدواج وطلاق را بایداز هرچیزمهمتردانست زیرا که جامعه همواره از خانواده‌ها تشکیل می‌شود وجامعهٔ برومندآنست که خانواده درآن مقدس ومحترم وخلل ناپذیر باشد ویگانگی واتحاد مطلق درمیان افرادآن برقرار گردد.

علمای جامعه شناس گفته اند که خانوانده وطن کوچکیست یعنی افراد در خانواده درس وطن پرستی می گیرند ووطن ازخانواده هاتشکیل می‌شود وهر کس درخانواده وطن خود رانشناسد پی بعظمت آن نخواهد برد ، زیرا تردیدی نیست که هر کس خانواده خود رادوست نداشته باشد وطن خود راهم دوست نخواهد داشت. درایران درنتیجهٔ تعددزوجات وزنهای متعه (صیغه) وعقدی وطلاقهای بی‌مورد وجابرانه اتحاد و اتفاق از میان افراد خانواده رفته بود ویگانگی وپیوستگی که لازمهٔ هرجامعه قوی و ملت برومندیست بمرور زمان رخت بربسته بود. افراد خانواده نسبت بیك دیگر بیگانه وبی قیدوحتی دشمن یك دیگر بودند وپدرنیزاز همسران متعدد وفرزندانی که ازچندمادر بودندبیگانه‌بود وقهرا تربیت خانوادگی که پایهٔ تربیت ملیست وجودنداشت. درضمن اصلاحات اجتماعی می بایست باصلاح خانواده وتشکیل خانواده های متحدومتفق بپردازند ویگانه راه‌ایجاد خانوادهای برومنداین بود که حق طلاق را کــه تنها با شوهر بود وشرط وقیدی در آن نبود محدود کنند و هردوطـرف یعنی زن ومرد را درآن مساوی سازند و برای تعدد

زوجات نیز قیود وشرایط دشواری برقرار کنند که مانع ازهوسرانی وتولیدبدبختی ونفاق درمیان خانواده ها باشد و این اصلاح اجتماعی مهم درین دوره بعمـل آمد واین نکته در تاریخ اصلاحات این دوران اهمیت بسیاردارد.

دیگرازاصلاحات اجتماعی این دوره که آن نیز اهمیت فراوان دارداستحکام مبانی ملیت ایرانست. یکی از خصایص برجستهٔ ملت ایران همیشه این بوده است که اززمانهای بسیار قدیم و درروزگاری که هیچ ملت دیگری این احساسات را نداشته پایهٔ ملیت خود را براساس بسیار استواری گـذاشته است و در تاریخ خود همیشه جنبش ها وقیامهای مردانه برای اخراج بیگانگان کرده است. امادردورهٔ گذشته این حس مردی و مردانگی بسیارسست شده بود و درصد سال پیش ازین دوران یکسره ازمیان رفته ونابود گشته بود ، چنانکه تاریخ درین صد وسی سال استیلای قاجار هـا نشان می‌دهد . از آن گذشته در زمانهای اخیر ملیت در جهان مصداق دیگری پیدا کرده بود که ایرانیان بدان پی نبرده بودند. پیش از آن وثیقهٔ ملیت اشتراك دین وزبان بود، بهمین جهت جنگهای داخلی که ناشی ازاختلاف دین بوددرمیان مردمی که ازیك نژاد بودند ویك زبان داشتند روی می‌داد و کرارا کشور را گرفتار اختلاف وپریشانی می کرد. درجهان امروز ملیت عبارتست ازاشتراك نژاد وافکارو آرزوهای بشری وفرهنگ ، یعنی همهٔ مردمی که ازیك نژاد وازیك اصل وریشه اندومانندیك دیگرفکرمی کنند وآرزوهاوامیدهای مشترك واحساسات وعواطف یکسان دارند از یك ملت بشمارمی‌روند وحق دارند سرزمینی مخصوص بخود داشته باشند وحکومت مستقلی بدلخواه خـود تشکیل بدهند و دراختیـار مقدرات خودآزاد ومجاز باشند . آرزوهای ملی خود را پیش ببرند و همهٔ افرادی که این شرایطرا داشته باشند واین افکارو آرزوها دریشان گردآمده باشددرهرجا که باشند حق دارند بیك دیگرملحق شوند وهیچ مانع اصلی وفرعی نباید دربرابراین

مقصود مقدس باشد.

درایران هم‌لازم بود فکرملیت باین مصداق جدید که سابقه نداشت‌پرورش یابد و بنیاد ملیت ایران را بهمین اصول استوار کنند. برای پیشرفت‌این مقصودیك رشته اصلاحات اجتماعی درایران شده است: مهم ترین آنها ایجاد حس‌وحدت در میان ایرانیانست. شکی نیست که پیش ازین ایرانیان بواسطهٔ نفاقی که درمیانشان بود ملت واحدی را تشکیل نمی‌دادند. البته در ایران مردمی‌بودند که باصطلاح سیاسی برای‌امتیازازملل دیگرایشان‌را ایرانی‌می‌نامیدندوظاهراً تابع‌دولت‌واحدی بودند وچنانکه سابقااشاره‌رفت استقلال گونه ای داشتنداما هیچ وحدت واتحادی در میان نبود و تنها مردم یك شهرباهم روابطی داشتند واهالی‌شهردیگررا بیگانه می‌دانستند. بدین گونه‌درهر ناحیه‌مردمی‌منفرد ومنزوی‌زندگی‌میکردند که‌بامردم نواحی دیگرمطلقاًرابطه ورفت‌وآمد نداشتندوتنهارابطه‌ایشان بایك‌دیگرپای تخت بود که اگراتفاقاچندتن ازیشان برای‌کاربپای تخت می‌رفتند دوسه روزی، بامردم ناحیهٔ دیگرروبرومی‌شدند. درنتیجهٔ حکومت های ایلیـاتی وملوك الطوایف چند هزارساله وتسلط بیگانگان‌درهر گوشه ای ازایران مردمی‌زندگی‌میکردند که‌از حیث معتقدات ولباس وزبان وحتی عادات و رسوم واخلاق با مردم همسایه اندك شباهتی‌نداشتند، بلکه بکلی بیگانه بودند وهیچ فکرونفع مشترکی ایشان رابهم نمی‌پیوست، بلکه برعکس نفع هریك درضرردیگری‌بودو این گروه باآن گروه میجنگید وآنراغارت میکرد واین دسته‌آن‌دسته‌رامیکشت وپیوسته درحال جنگ وتعرض‌نسبت بیك‌دیگریادفاع خودبودند. همهٔ نیروهای‌روزمرهٔ ایشان صرف‌حفظ حقوق حیوانی خورد وخواب بود وهیچ فکرعالی بشری‌درمیان‌نبود، یعنی مجال آنرانمی کردند که‌باین افکاربپردازند. ناچاردرآن زمان‌چنین‌ملتی را نمی‌شدملت واحدبگویند وروح‌وحدت ویگانگی مطلق درمیان‌ایرانیان‌نبودوهردسته‌و گروهی

دلسوزی وتوجه نسبت بدسته و گروه دیگر نداشت‌وهر گز اندیشهٔ حفظ منافع‌ودفع ضرر آنرا نمیکرد. بهمین جهت‌لازم بود وحدت ویگانگی درمیان افراد مختلف و طوایف وقبایل گوناگون مردم ایران که همه از یك نژاد بودند و تنها اختلافات ظاهری وجزیی بسیاردرمیانشان‌بود فراهم شود. درین راه برای رسیدن باین‌نتیجه قدمهای بلند درایران‌برداشتند که هریك ازآنها درحدخود بسیارمهم وبسیارمؤثر بوده است.

یکی ازآن اقدامات متحـد الشکل کردن مردم و از میان بردن لباسهای گوناگون و رنگارنگ سابق بود که خود وسیلهٔ اختلاف ظـاهری بشمار می‌رفت وهمین سبب می‌شد که مردم‌خودرااز‌یك دیگر بیگانه میدانستند ومیدیدند که باهم اتحاد واتفاق‌ندارند.

وسیلهٔ دیگر که بسیاراهمیت داشت شهرنشین کردن مردم چادرنشین بیابان گرد بود. گذشته ازاهمیتی که این‌کار در امنیت کشورودراقتصاد وآبادانی داشت در ایجـاد روح و حـدت و استوار کردن بنیاد ملیت ایران نیز اهمیت بسزایی داشته است.

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که در ایران‌شد ایجاد روح میهن پرستیست. البته وطن پرستی دردوره های قدیم تادویست سال پیش بمصداق و مفهوم دیگری یعنی‌بمصداق قدیمی سابق معمول درایران وجود داشته است و ایرانیان بکشور و آب وخاك خود دلبستگی داشته اند اما آن مصداق و مفهوم درجهان تغییر کرده‌و میهن پرستی‌امروزبجز وطن پرستی دویست سال پیشست وتازه این مصداق‌ومفهوم هم درین دویست سال‌پیش ازمیان رفته‌بود، زیرا که آدمی زاده قهراً پای بست‌نفع مادیست ودرزادگاه ناامن وپریشان روزگار که مردم‌آن تااندازه ای تهی دست و خواروسرشکسته باشند بکسی خوش نمی گذرد ونفع کسی تأمین نمیشود بهمین

جهت اگر مردم دروطن خود ناراحت و درمعرض خطر باشند میکوشند جان خود را بدر برند. در آن زمان این‌معنی درذهن مردم بدین گونه نقش می‌بست که:

وطن آنجاست کازاری نباشد　　　کسی را با کسی کاری نباشد

یا آنکه می گفتند:

سعد یا، حب وطن گرچه‌حدیثیست‌قدیم　　　نتوان مرد بسختی که من این جازادم

بدین گونه دردویست سال گذشته این‌مصداق ومفهوم کهن نیزاز میان رفته بود، چنانکه هرسال جمعی کثیراز مردم ایران هجرت میکردند وشمارهٔمهاجران ایرانی در کشورهای بیگانه ومخصوصاً در روسیه وترکیه و عراق و هندوستان و جزیره‌ها و کرانه های خلیج فارس بسیار بود. پس ناچارمی‌بایست درمیان‌اصلاحات اجتماعی‌ومعنوی که‌درین دوره می‌شد حس وطن پرستی‌را بمصداق جدیدوامروزی خود یعنی‌بدان مصداقی که ملل دیگر بدان قایلندبرقرار کنند.

مصداق امروزی وطن پرستی اینست که هر کس آب‌وخاك وجایگاه نیاگان وزادگاه خودرا بی هیچ قید وشرطی دوست بدارد وهرچه بدان متعلقست چه‌خوب وچه بدبسرحدستایش وبا کمال‌ایمان وحضورقلب بپرستد وآنرا برهرچه‌دیگران دارند ترجیح بدهد. اگرهم‌آزاری در کشورخود دید دست ازآن برندارد وآنرا ترك‌نکند ودرهرموقع آماده باشد که جان خودرا بدهد وهمهٔ کوششهای‌شبانروزی اوباید برای خدمت‌بزادگاه وجان فشانی درراه‌آن باشد بکوشد که‌هرروزی‌بیش از روز پیش خود را برای خدمت‌آماده کند ووجود او سودمندترباشد. در برابر این‌کار بهیچ پاداش مادی چشم نداشته باشد و جز اجر معنوی و مزد اخـلاقی چیزی‌نخواهد وحتی برای تشویق وتحسین هم‌کاری را انجام ندهد. بهمین خشنود باشد که وظیفهٔ مقدس خـود و شریف ترین تکلیف انسانی خود را انجـام داده است و درضمن درهرکاری که هست بکوشد که هر روز خدمت وی از روز دیگر

سودمندتر باشد.

مصداق وطن پرستی ومیهن دوستی که‌امروزدرهمهٔ کشورهای متمدن‌جهان پسندیده است همینست و این مصداق و مفهوم نیزمیبایست درایران‌پیداشودواین درراس اصلاحات مهم اجتماعی بود که‌بی هیچ شکی در دورانهای گذشته حتی در گرما گرم خونریزی وجـان فشانی دورهٔ انقلابات وجود نداشته است و در عصر پهلوی بی هیچ شك و تردیدی اساس آن گـذاشته شد. بدین وسیله اساس ملیت ایران نیزبنیاد استواری پذیرفت واستقلال سیاسی کشورهم تأمین شد. ازآن روز ایرانیان توانستند کاملا باستقـلال خود امیدوار و مطمئن باشند و بدین گونه در آینده‌همواره ایران‌ازهرتعرضی مصون خواهد ماند، زیرا که‌اساس ملیت‌برمبانی محکم گذاشته شده وروح میهن پرستی کاملادمیده شده وغرورملی که شریف ترین غریزهٔ طبیعی و فطری آدمی‌زادگانست در ایران ریشه گـرفته و قهراً روز بروز برومندترمیشود.

باید متوجه بود که بهترین وسیله برای ایجاد این احساسات تأسیس نظام وظیفه وخدمت سربازی بوده است که پیش ازین فوایدآن گفته شد.

دیگرازوسایل‌مهمی که دراصلاحات‌اجتماعی‌بدان توجه کردند تعظیم شعایر ایران و احترام ببزرگان تاریخ ایران بود، زیرا تردیدی نیست مردمی رشید و نیرومند می‌شوند که‌بزرگان‌خود رابزرگ بدانند، بزرگداشت وپرستش بزرگان و پیروی از کارهای ایشان قهراً نیرویی حتی در وجود ناتوان ترین کس فراهم میکند و ایمان و رسوخی در دلها جای میدهد که نیروی فکری وحتی بدنی را می‌افزاید وهمواه‌آدمی را بکوشش و جهاد در راه خدمت و وظیفه برمی‌انگیزد و اوراآرزومند می کند که بدان مرد بزرگ‌تاسی کندوهمان کارهایی را که او کرده است انجام بدهد.

دیگراز قدمهایی که برای تامین این مقصود برداشته شد قانون لباس وطنی وتشویق مردم باستعمال کالاهای میهن بود که گذشته از اثراخلاقی واجتماعی اثر اقتصادی نیزداشته است. در۲۹ بهمن ماه۱۳۰۱ قانون استعمال لباس وطنی‌ازمجلس گذشت وپس ازآن دردوره های بعد یك سلسله نمایشگاه های کالاهای و طنی در تهران‌وشهرهای عمدهٔ کشور ترتیب دادند وبیشترآن‌نمایشگاه‌ها را شاهنشاه‌ایران خود افتتاح میکرد و دستور برای بهبود وترقی مصنوعات می‌داد. شکی‌نیست که یکی‌ازعوامل‌ترقی ورشدهرملتی اینست که‌نیازمندیهای‌خود رادر کشورخودفراهم کند تا ازحیث لوازم زندگی بدیگران محتاج نباشد ودرآمد ملی خودرا برای وارد کردن‌آنها ازدست‌ندهد. در ضمن ترجیح کالای داخلی بر کالای خارجی نیز یکی ازمظاهرملیت و میهن پرستی هر ملتیست و بهمین جهت بود که درین دوره باین کار اهمیت خاصی داده شد. دیگراز اصلاحات اجتماعی که درین دوره شد لغوامتیازات وعناوین والقاب قدیم بود که ازهرحیث مورد مضحکـه و استهزاشده بود ومخصوصاً درخارج ازایران انعکاس بسیاربدی‌داشت‌وآن عناوین ولقبهارا که بزبانهای‌اروپایی‌ترجمه میکردند بسیارمضحك میشدوباعث سرشکستگی ایرانیان درخارج بود. دردورهٔ گذشته مخصوصاً دوران استیلای قاجارها القاب و عناوینی که برای شرف وافتخارخادمان کشوروجامعه وضع شده بودمانند درجات نظامی یکسره ازمصداق‌ومفهوم‌حقیقی خوددورافتاده ومانند همه چیزتنها تابع جانبداری وهوی وهوس شده بود. عناوین والقاب مهم را نه تنهاارثی کرده بودندوبکودکان نابالغ‌هم میدادند بلکه دامنهٔ لقب بجایی کشیده شده بود که هر کس راهی بیکی ازکارگزاران دولت داشت لقب میگرفت و اگر لقب نداشت‌آن را سرشکستگی خود میدانست وحتی اشخاصی هم بخود لقب میدادند و پدرومادرها بنوزاد خود لقب میدادند ونشانهـا وافتخارات بهرهٔ کسانی میشد کـه اندك شایستگی دریشان

نبود . بهمین‌جهت در ۱۵اردیبهشت‌ماه ۱۳۰٤ قانونی گـذشت که القاب و مناصب نظامی کشوری و عناوین را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بود لغو کردند و این نیزیکی ازاصلاحات مهم اجتماعی بود . پس ازآن نشانهای سابق را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بودو بمردم نالایق داده بودند وشان‌آنها ازمیان رفته بودنیز لغو کردند وبدین‌وسیله احترام‌وافتخاری برای امتیازات رسمی ایران فراهم شد.

دیگر ازگامهایی که در اصلاحات اجتماعی برداشته شد و پیش ازین نیز بدان اشاره رفت بزرگداشت‌ازمفاخرایران‌وتعظیم بزرگان‌بود . در دورهٔ گذشته درنتیجهٔ ناتوانی وسستی وخواری که مدت بیش از صدسال مردم ایران دوچارآن بودند یکسره مفاخرملی‌خودرا که هیچ ملتی درجهان نمی‌تواند باآن رقابت کند فراموش کرده واز مقام‌مهمی که ایران در تاریخ بشرداشته‌است غافل مانده‌بودندو غروری که لازمهٔ این افتخارات‌تاریخیست درنتیجهٔ نومیدیها ونا کامیها ازمیان‌رفته بود . کسانی‌هم که ازین بی‌اعتنایی دردمی کشیدند جزنوحه سرایی ومرثیه‌خوانی راه دیگری نداشتند . گاهی هم کسانی برمی‌خاستند که ببزرگان تاریخ ایران بی‌احترامی می کردند واین‌را دلیل‌برتجدد خودمی‌دانستند . ناچاریکی‌ازکارهایی که در استحکام‌مبانی‌ملیت ایران واصلاح‌اوضاع اجتماعی می‌بایست‌بکنندبزرگ‌داشت بزرگان‌تاریخ این کشورومتوجه کردن مردم کشور بعظمت مقام ایشان‌بود. بدین‌گونه درین دوره قدمهای بلند درین راه برداشته شد . درهرمورد که‌وسیله‌یی بدست‌آمداز یادآوری‌مفاخرایران‌خود داری‌نکردند ونه‌تنهااقدامات‌مهم درتعمیر بناهای تاریخی وحفریات علمی شد بلکه درتعظیم و تکریم بزرگان ایـران نیز کارهایی کردند که درایران وخارج از ایران انعکاس فراوان داشته است ونه‌تنها ایرانیان بلکه بیگانگان‌نیز بمقام‌وپایهٔ بزرگان‌ایران‌در تمدن‌جهان متوجه‌شدند ودر مراکزمهم عالم این نکتهٔ بسیار مهم منعکس شد .

از آن جمله جشنهای هزارسالهٔ فردوسیست که در پاییز ۱۳۱۳ گرفته شد و یکی ازحوادث بین‌الملل بشماررفت ، زیرا که نه‌تنها درایران جشن بـا شکوهی گرفته شد و کنگره‌ای تشکیل یافت که نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان‌و ایران‌شناسان در آن‌شرکت کردندو هنگام گشایش آرامگاه‌فردوسی بدست‌شاهنشاه ایران حاضر بودند بلکه‌در پای‌تخت‌ها و شهرهای مهم کشورهای بیگانه و از آن جمله چهارشهراتحادجماهیرشوروی‌سوسیالیستی مجالس متعدد برپا شد ودربرخی از پای تخت‌ها نام فردوسی را برخیابانها ومیدانهای بزرگ گذاشتند وبدین‌وسیله رشد ملی ایران و مقام ایرانیان در میان ملل زندهٔ امروزجهان ثابت شد .

دیگرجشن هفتصدسالهٔ تألیف گلستان وبوستان بود که درسال ۱۳۱۶ گرفته شد وبدین وسیله عظمت مقام سعدی نیزدربرجهانیان ثابت گشت . تردیدی نیست که این گونه‌کارهادراصلاح‌اوضاع‌اجتماعی ایران واستحکام بنیاد ملیت‌وایجادغرور ملی وپرورش حس میهن‌پرستی تاچه‌اندازه اهمیت داشته است ویکی ازمؤثرترین وسایل برای‌تأمین این مقصود عالی بوده است. شکی‌نیست که بدین وسیله‌ایرانیان از آن نومیدی وناکامی که درنتیجهٔ اوضاع اسف‌انگیزدورهٔ گذشته فراهم شده بود بیرون‌آمدند و روح مردی ومردانگی زنده شد .

دیگرار اصلاحات اجتماعی مهم دربن‌دوره وضع‌قوانین‌مدنی بوده است که سابقاًهم‌بدان اشاره کردم‌و گفتم‌داشتن این گونه قانونهای مدنی‌وعرفی‌نشانهٔ‌متمدن بودن ورشید بودن هرملتیست ویگانه‌نتیجهٔ همه انقلابها و جنبشهای مهم و ظهور شرایع وافکار بزرگیست که درتاریخ بشرپدیدآمده است و کسانی که وسایل‌وضع چنین قوانینی‌را فراهم آورده‌اند همیشه اصلاحات اجتماعی مهم کرده‌اند . البته پیشرفت‌های سیاسی ونظامی واصلاحات اداری‌واقتصادی وصنعتی وآبادانی کشور و نظایر آن که از خصایص راهنمایان و پیشوایان بـزرگ مللست کارهای بسیار

مهمیست که در تاریخ همیشه می‌ماند اما گذاشتن پایهٔ تمدن معنوی وفکری وتغییر روحیات وافکار ملل بمراتب بزرگ‌ترووالاترست وکاریست که از همه کس ساخته نیست‌ونتیجهٔ‌آن درتاریخ بمراتب بالاتر از اصلاحات مادیست ، زیرا که مادیات دستخوش زوال و انقراض و ویرانی و انهدامست و بـرعکس افکار و احساسات همیشه می‌ماند وپشت بپشت ونسل بنسل در میان ملل پایدارست . بهمین جهتست که اصلاحات معنوی یعنی اصلاحات اجتماعی و فکری این دوره را باید اهمیت خاص داد وتغییراتی‌را که‌درزندگی معنوی وفکری ایران‌درین اندك مدت‌فراهم‌شد درمنتهی درجهٔ اهمیت دانست . قطعاً تاریخ نویسان همیشه درین‌مورد از شگفتی و ستایش خودداری نخواهندکرد و این فصل در تاریخ‌ایران فصل بسیار مهمی خواهد بود .

درزمینهٔ اصلاحات‌اجتماعی‌بایدآنچه را که در ضمن بحث ازاصلاحات‌قضایی گفته شد درنظرآورد واصلاح‌امورخانواده ومسئلهٔ ازدواج وطلاق وتعددزوجات‌و عقد منقطع ومعاینهٔ صحی پیش از ازدواج واثرمهمی‌را که‌این‌اصلاحات اجتماعی‌در تاریخ ایران گذشته است ازنظردور نکرد . کسانی که درجامعه‌شناسی دست دارند می‌دانندقوانین مدنی وعرفی که‌درین دوره‌وضع شده‌ونتایجی که‌ازاجرای‌آنها بدست آمده است تاچه اندازه درتغییراوضاع ایران وساختن ایران نوین مؤثر بوده‌است ونمایندهٔ چه رأی رزین واندیشهٔ دوربین واحساسات بزرگیست

جای هیچ‌شك نیست که هرزوال‌وانقراض وذلت‌وخواری که ملتی‌وجامعه‌ای گرفتارآن شود نتیجهٔ تباهی اندیشه‌های افرادآن ملتست وهمهٔ‌کارهای شبانروزی وحرکات وسکنات هرقومی بسته بافکار ومعتقدات آن قومست وتا افکار ومعتقدات آن قوم دگرگون نشود نمی‌توان امیدروزبهی داشت . بهمین‌جهت درین دوره‌توجه خاصی که باصلاحات معنوی واجتماعی وفکری درایران شد وقوانین‌مدنی که‌درین

مدت وضع واجری کردند فکر بسیار بلند وصائبی بود که همیشه تاریخ بیاد خواهد داشت .

اهمیت فوق‌العادهٔ این اصلاحات بیشتر ازین جهتست که تمدن آدمی درهر نقطه‌ای ازسطح زمین بنیادی بگذارد نیروی بسیار بزرگ وزورمندی دارد که باسرعتی شگرف درسراسر جهان انتشار می‌یابد وهیچ نیرویی راتاب برابری وایستادگی با آن نیست. خواهی نخواهی اقوام وملل دوریا نزدیك بیك دیگر با شتابی هرچه بیشتر پیروی از آن میکنند وهمهٔ نیروی بشری در همین نیروی تمدنست . یگانه سبب خواری وسرشکستگی ایران دردوره های پیشین وامانده بودن ازکاروان تمدن بشری بود و قطعا می‌بایست هرروز که ایران تکانی می‌خورد وبخود می آمد آن دستگاه کهن ازکارافتاده رادرهم نوردد وهمهٔ مظاهر تمدن جدید رابی‌چون وچرا بپذیرد وکاملا خود را برای زندگی نوین آمـاده ومجهز کند یعنی بصورت متمدن‌ترین ملل جهان درآید وتمدن مادی ومعنوی امروز راحتی درجزئیات بپذیرد ورنه محکوم بنیستی می‌بود .

مخصوصا ازملت ایران بیش ازهرملت دیگری این انتظار می‌رفت زیرا که ایرانیان درزندگی هفت هزارسالهٔ خود همواره پیشوای تمدن هر عصر ویکی از مهم‌ترین کارگزاران تمدنهای بشری بوده‌اند. بهمین جهت امتیازخاصی که عصرپهلوی درتاریخ ایران دارد اینست که دراندك مدتی باکمال‌سرعت هریك ازوسایل و هر یك ازمظاهرمادی ومعنوی وظاهری وباطنی تمدن جدید را پذیرفت واگرتنها باخذ مادیات بسنده می کرد وعوالم معنوی تمدن را نمی‌پذیرفت اساس بسیارسستی نهاده بود که هیچ انتظاربقا ازآن نمی‌رفت . البته شرط عقل ورای صائب این بود که هم جنبهٔ مادی وهم جنبهٔ معنوی رادرین کار رعایت کنند تا درپی مادیات معنویاتی هـم باشد که همواره نگاهبان وپاسبان آن مادیات باشد .

یکی ازکارهایی که دراصلاح امور اجتماعی ایران شده تغییر لباس و قبول ظاهرملل متمدن‌امروزجهانست که‌اساس آن‌بوسیلهٔقانون متحدالشکل کردن البسهٔ اتبـاع ایران‌در داخلهٔ مملکت گذاشته شد ودر دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسیدوازاول فروردین ۱۳۰۸اجری‌شد. کمترین فایدهٔاین قانون وکارهایی که پس‌از آن کردند این بود که ایرانیان رایك‌سان‌ویك‌رنگ کردو آن همه‌اختلاف صوری را که قهرا باعث اختلافات باطنی و نفاق می‌شد از میان بـرداشت و در وحـدت روح ملی ایران اثر بسیار بزرگی بخشید. زیرا هیچ تردید نیست چنانکه ازقدیم گفته‌اند «ظاهر عنوان باطنست»وهرملتی که افرادش درظاهر باهم اختلافی داشته باشندقهراً خواهی‌نخواهی درباطن‌هم‌بایك دیگریك دل‌ویك جهت نخواهند بودوهمین‌اختلاف لباس یکی ازدلایل مسلم نفاق ودوگانگی مردم ایران‌بایك دیگر بود. قطعاً کسانی کـه گروهی را با لباس دیگری بجز لباس خود می‌دیدند از خود نمی‌دانستند و بیگانه می‌شمردند.

نتیجهٔ دیگراین اقدام این بود که تا ایرانیان اروپاییان را بالباس دیگری بجزلباس خود می‌دیدند همیشه برتری خاصی برای ایشان قایل بودند و خود را زیردست ودست‌نشانده واحیانا پیرودستور ایشان می‌پنداشتند وغرورملی که ضامن استقلال هر کشوریست‌درنهـاد ایرانیان راه نمی‌یافت. اما همین که‌ازین‌حیث‌هم امتیازی برای‌ایشان‌باقی نماندحس ملیت درایران چنانکه می‌بایست نیرومندشد. بهمین‌جهتست که این اصلاحی که شایدبنظر برخی ازکوته‌بینان چندان‌مهم نباشد اهمیت‌خاص داشته است ودروحدت روح ملی ایران واستوار کردن مبانی ملیت‌ما بسیارمؤثروشاید یکی ازمؤثرترین عوامل بوده باشد.

دیگرازاصلاحات اجتماعی بسیارمهم که درین دوره‌شده وهرایرانی که‌شاهد آن بوده است باید فخر کند که‌آن روز را دیده است موضوع آزادی زنان ورفع

حجاب در۱۷دیماه۱۳۱٤ بوده است . با کمال جرات می‌توان گفت که در تاریخ هیچ دیاری کاری بدین دشواری بدین آسانی بپایان نرسیده است . درضمن هیچ تردیدی نیست که این واقعه مهم‌ترین واقعهٔ تاریخ این دوره است و همهٔ جهانیان را غرق حیرت واستعجاب کرده است. هیچ شك نیست که تاریخ نویسان همیشه مرد بزرگی را که برانگیزندهٔ این واقعه بوده است اگر هم کارهای مهم دیگری ازپیش نبرده بود در شمارمردان درجهٔ اول تاریخ ایران می‌شمردند.

آشکارترین علامت وظاهرترین دلیل فساد وزبونی و تباهی اوضاع ایران و درماندگی و ویرانی کشورما درزمانهای گذشته همین بود که زنان ما و نیمی از جامعهٔ مادرحجاب بودند واندك شرکتی درزندگی اجتماعی نداشتند. قطعاً آن روزی که حجاب ازمیان رفت ملت ایران از بزرگترین موانع ترقی رهایی یافت. زیرا شکی نیست که حجاب زنان یادگارتاریك‌ترین دورانهای انحطاط آدمی زادگانست. هیچ مرد منصفی درهیچ گوشه از جهان نمی‌تواند منکر شود که حجاب زنان ودرپرده بودن ایشان با هیچ یك ازاحساسات وعواطف عالی بشری وباهیچ عقل ومنطق و برهان و دلیل درست نمی‌آید وعلامت مسلم دورهٔ نادانی و بربریت ملوك‌الطوایفست. چنانکه قطعا حجاب ازعادات قدیم نژاد سامیست ویادگارمردمیست که دختر داشتن را ننگ می‌دانستند ودختران خودرا زنده بگور می‌کردند وبهیچ وجه بملل نژاد آریایی مربوط نیست که ازنخستین روز تمدن زن را صاحب اختیار زندگی کرده بودند . این عادت زشت را ایرانیان قدیم نخست از آسوریان تقلید کرده بودند ومدتهای مدید درایران یك قسم تجمل بود که اعیان و اشراف خودخواه درحق خود قایل بودند و زنـان خود را بیرون نمی‌آوردند و نمی‌گذاشتند کسی زنانشان را ببیند چنانکه در ایران هم تا زمانهای آخر تنها در شهرها بود و در میان چادرنشینان رواج نداشت .

درهر حال رفع حجاب و آزادی زنان ایران راازین قید جان‌فرسای بهرعنوان که بگیریم بحق باید در راس اصلاحات اجتماعی این دورهٔ خجسته قراردهیم و ازوقایع بسیارمهم تاریخ ایران بشماریم. قطعاً آن روزی که زنان ایران‌ازآن‌ذلت وخواری وبردگی رهایی یافتند ووارد زندگی اجتماعی شدند و درکارهای کشور خود شرکت کردند دراوضاع ایران‌انقلاب‌عظیمی‌روی‌داد که‌آثار آن ازآن‌پس‌در سراسر تاریخ درخشید وازهرحیث که بنگریم سرنوشت ملت ایران ازآن روزببعد دگرگون شد.

دیگراز اصلاحات اجتماعی که‌درین دوره شده تسهیل امورزندگی عمومیست واین نکته‌باندازه‌ای‌محسوسست که‌محتاج‌بهیچ گونه دلیل‌نیست زیرازندگی‌پیش‌از دوران پهلوی ودورهٔ‌استیلای‌قاجارها معلومست ودر کتابهای متعدد ضبط کرده‌اند وهنوز کسانی‌درایران‌هستند که‌آن‌دوره‌را بیاددارندومی‌دانند که زندگی‌دگرگون شد. هرروزقدمی بسوی رفاه وآسایش انفرادی برداشتند. همهٔ‌وسایل‌مادی‌ومعنوی زندگی ملل‌متمدن درایران فراهم‌آمد که یك‌قسمت ازآن مربوط‌بصنایع‌وقسمت دیگر مربوط بزندگی شهرنشینی و اصلاحات شهریست وپس ازین درآنها بحث خواهم کرد.

دیگر ازاصلاحاتی که درین دوره شده اصلاح امورموقوفاتست. پیش ازین دوره موقوفات درایران حال‌زاری داشت ویکی ازمنابع مهم بهره‌جویی روحانیان بود. درتمام این مدت وحتی‌دردوران‌انقلاب‌نتوانسته بودند وجرات نکرده بودند کارموقوفات را سروسامانی بدهندوکاری بکنند که عوایدآنها صرف‌آسایش‌مردم‌و نفع‌عموم بشود. ناچارمی‌بایست درین‌دوره‌ترتیبی‌بدهند که درآمدموقوفات‌زیرنظر وبامراقبت دولت‌بمصرفی که‌واقف معین کرده‌است برسدوبهمین‌جهة اصلاحاتی‌را که درین دوره درکارموقوفات ایران شده است بایدازاصلاحات اجتماعی‌دانست که در

آبادی واقتصاد کشور اثر مهمی داشته است.

دیگر از اصلاحات اجتماعی ومعنوی که دردورهٔ پهلوی در ایران شده و پیش ازین هم بدان اشاره رفت وحدت روح ملی ایران وایجاد یگانگی درمیان افراد ایرانی بوده است . دردوره‌های گذشته درنتیجهٔ حکومت ملوك الطوایف و ایلیاتی واصول چادر نشینی و بیابان گردی و بواسطهٔ انقلابات داخلی وناامنی‌های بی‌حدوحساب که چندین قرن دامنهٔ آن کشیده شده بود و بواسطه اختلاف عادات ولباس وعقاید وآراء وزبان وغیره بهیچ‌وجه وحدت ملی ونژادی درایران وجود نداشت وچنانکه سابقا اشاره کردم یك مورخ فرانسوی نوشته بوددر ایران ملت نیست ودرحقیقت مجموعه‌ای بود بی‌تناسب و نامربوط ازعقاید گوناگون که بهیچ وجه با یك دیگر پیوستگی و ارتباط وحتی گاهی وجه اشتراك نداشتند . پیوسته بایك دیگر درستیز وپرخاش و تعصب‌ورزی بودند وهیچ روح واحدی درمیان این آرای مختلف متضاد نبود . البته می‌بایست روزی روح وحدت رادر ایران بدمندو عناصر متضاد این کشوررا باهم تالیف وترکیب کنندیعنی درحقیقت ملتی از نو بسازندو این نیزیکی ازاصلاحات اجتماعیست که در ایران نتیجه بخشیده است ·

اصلاحات شهری

درین دوره برای رفاه و آسایش مردم درشهر ها و مرکز اجتماع اصلاحات بسیارمفیدی شده است که بحث درآنها نیزضرورت دارد. تردیدی نیست که غرض اصلی ومنظورحقیقی ازتشکیل دولتها درهمه جا در روزنخست این بوده است که جامعهٔ متمدن ومردم شهرنشین نیازمندیهای مشترك دارند کـه هیچ کس بتنهایی نمیتواند آنهارا برآورد. هنگامی که جامعه تشکیل شده است افراد آن ازمیان خود کسانی‌را که برجسته بوده‌اند ومی‌توانسته‌اند راهنماوپیشوا ومسئول زندگی باشندو نیازمندیهای مشترك وعمومیشان رادر کمال خوبی برآورندبرگزیده‌اندواختیاراتی بدیشان داده‌اند وازیشان برای پیشرفت مقصود تمکین کرده‌اند. آن برگزیدگان هم حوایج و ضروریات مشترك آن گروه را بعهده گرفته‌اند وببهترین وجهی آنرا ادا کرده‌اند بهمین جهت نخستین تکلیف ومهمترین وظیفهٔ طبقهٔ حاکمه وهرحکومتی آنست که همهٔ وسایل رفاه وآسایش مادی ومعنوی وذوقی وحتی وسایل تفریح وتفنن افراد آن قوم‌را درهرجنس وهرسن که باشند بامنتهای دلسوزی وببهترین شکلی که ممکن باشد فراهم کند. متاسفانه تاپیش ازعصرپهلوی دولت ایران این وظیفه‌راانجام نمی‌دادو بکلی از آن قاصر ومقصر بودوهیچیك ازوسایل تأمین این مقصودرا فراهم نکرد. چنانکه شهرهای بزرگ و کوچك ایران که درزمانهای دور بسیار آباد وضرب المثل جهانیان بوده‌اندودردوره‌های پریشانی وآشفتگی ویران‌شده بودند در دورهٔ قاجارها سالیان درازویران افتاده بودند و کسی اندك توجهی دربارهٔ شهرنشینان نمی کرد.

کسانی که دورهٔ استیلای قاجارهاراادرک کرده اندبیاد دارند که وضع شهرها وآبادیها درآن دوره‌چه بودو گذشته ازنادانی که درهمه جـامحسوس بود منظرهٔ خرابی مادی وبی‌اعتنایی کارگزاران دولت بآن نیزدرسراسر کشور دیده می‌شد و بهیچ وجه شایستهٔ ملتی که هفت هزارسال تمـدن پیاپی داشته است وحتی دردورهٔ صفویه شهرهای‌آن درسراسرجهان بزیبایی وعظمت شهرت داشت نبود . وضع هر شهرایران‌را که باوضع‌آن دردورهٔ قاجارهابسنجیم می‌بینیم که‌قیاس کردنی نیست.

دردورهٔ پهلوی درمیان‌آن توده های خاك وخاکستروخاشاك که تاآغازآن دوره مسکن نژاد ایرانی بود و شهرهای ایران را تشکیل می‌داد ساختمان های رفیع‌باشکوه زیبا وخیابانهای عریض باصفاروزبروزبیشترشد. گل زمستان و گردو خاك تابستان جای خودرابسیمان وآسفالت وسنگ فرش‌وغیره داد. آن کوچه‌های تنگ وتاریك که درشب کمین گاه‌دزدان وبدکاران بود روشن‌وپاکیزه درزیرپرتو چراغهادرخشیدن گرفت وراستی اگر کسی این‌وضـع راباوضع پیشین می‌سنجید نمی‌توانست باور کند که در اندك مدتی این تغییرحـاصل شده است و باور کردنی نیست که وقتی این مناظررا چگـونه گل و لای و غبار و ظلمت و خوف و هراس فراگرفته بود.

پیش ازین دوره دربسیاری از شهرهای ایران برخی ازمحلات برج‌وباروو دروازه داشت که شبهامی‌بستند تامردم ازبدکاران در امان باشند. دربیشترشهرهـا کوچه ها را عمداباپیچ وخمهای متعدد می‌ساختند تامردم‌بتوانند درهرخم کوچه ازخانهٔ‌خود دفاع کنند.دربرخی ازشهرهای دیگرعمداًخانهارا در گودی‌می‌ساختند وچندین پله بود تابکف حیاط برسند تا کسی‌سواره نتواند بدانجا وارد شود.

بهمین‌جهتست که یکی‌ازکارهای‌مهم‌این دوره رااصلاحات شهری‌بایددانست. کسانی که پیش ازدورهٔ پهلوی‌ازتهران‌بیرون رفته اند ودرآن دوره نیزبشهری که

دیده بودند سفر کرده اندمی‌دانند که دراندك مدتی چه پیشرفتهایی درین زمینه بدست آمده است.هیچ شهری در ایران نیست که بناهای چند بسیار محکم وزیبا در آن نساخته باشند.هیچ شهری نیست که مبالغ گزاف برای رفاه و آسودگی مردم آن از حیث ساختمان بناها وتسطیح وگشاد کردن و اصلاح کوچه‌هاوخیابانها ومیدانهاو پاکیزگی وروشنایی شهرو بهداری وفراهم آوردن وسایل آسایش مردم در آن خرج نکرده باشند. جاهایی که سابقا بیغوله ومغاك بود درین دوره با نهایت پاکیزگی وصفا تبدیل بگردشگاه مردم شهر شد.

در بسیای ازشهرها بناهـای باشکوه ازقدیـم بود که درنتیجـهٔ بی کسی و بی قیدی چند قرن بی‌پرستارو بی‌پاسبان درزیر باد و باران و آفتاب مانده بودواگر این دوره چندسال دیرتر آغازمی‌شد قهرا ازپادرافتاده وتل خاك وخاکسترشده بود . همهٔ آنهارا باکمال دلسوزی تعمیر کردند و برخی‌از آنها همان جلوهٔ روزنخستین‌را پیدا کرد. برای اینکه‌خوانندگان نمونه‌ای‌از کارهایی که درین‌زمینه شده‌است‌داشته باشند همین‌کافیست صورت مبالغی راکه تنها برای تعمیر بناهـای دورهٔ صفویــه در اصفهان درین دوره کرده اند ومدت زمان وعدهٔ کارگرانی راکه برای این کارلازم بوده است فراهم کنند. قطعاارقامی بدست خواهدآمد که موردتعجب خواهد شد.

گـذشته ازآن درهرشهری از ایران درین دوره برای مؤسسات صنعتی و کارخانها وغیره ساختمانهای فراوان کرده‌اند. نیز برای شهرداریها وشهربـانی هاو ادارات مالیه وگمرك ودبستانها ودبیرستانها و بیمارستانها وسربازخانها و مؤسسات ارتش وبحریه وهواپیمایی وبانك وغیره وایستگاههای‌راه‌آهن ساختمانهای دیگر بوجود آورده اندوحتی‌هرجا که‌لازم‌بوده‌است پلهای باشکوه‌ساخته‌اند.میتوان گفت که اگر کسی‌تنهاشمارهٔسنگ‌هاو آجرهایی‌را که درین‌دوره‌درایران برای‌ساختمانها وخیابان سازی وغیره روی هم یاپهلوی هم گذاشته اند بدست آوردو کوچـك ترین

کاری‌را که‌درین‌مدت‌درین زمینه شده‌است حساب کندو آنرا درمیان‌عدهٔروزهای‌این مدت تقسیم کند می‌بیند درین اندك مدتی کـه حتی درعمراشخاص هم هیچ حساب نمی‌شود روزی چقدرسنگ وآجر بمصرف رسیده است.

اگر بتاریخ ساختمانهای‌ایران رجوع کنیدمی‌بینید که‌پس‌اززمان شاه عباس تاآغازدورهٔ پهلوی‌درسراسرایران هیچ‌بنای عمومی‌عام المنفعهٔ مهمی‌نکرده‌اندویك پل بزرگ ساخته نشده وهربنایی که کرده‌اندیامردم‌نیکوکاراز کیسهٔ فتوت خود کرده‌اندیابناهایی برای تفریح و تفرج وخـوشگذرانی پادشاهان‌آنهم با کمـال بی‌سلیقگی فراهم‌آورده اند. پلها و مساجد ومدارسی هم که اشخاص ازروی عقیدهٔ شخصی بپول خود ساخته اند هروقت اختیارو تولیت‌آن بدست دولت افتاده است مانندآن بوده است که درویرانی آن عمدا کوشیده اند و عمد کرده اند که زودتر ازمیان برود.

یکی ازنمونه هـای‌بی قیدی دورهٔ استیلای قاجارها اینست کـه در اصفهان ساختمان های‌باشکوه ومجلل زمان‌صفویه‌را که معروف جهان‌بوده است‌عمداخراب کرده‌اند. شایدخوانندگان باور نکنند که برخی‌ازآنها باندازه ای‌محکم‌بوده‌است که‌نمیتوانسته اند بابیل وکلنگ‌ازمیان بردارند وشبانه‌آنهاراتوپ بسته‌اند! آثاری که از دوره های گذشته اکنون در اصفهان باقیست ده یك‌آن ساختمانهاییست که پیش از دورهٔ قاجارها درآنجابوده است. بسیاری از شهرهـای دیگر ایران همین حال را دارند.

بهمین جهتست که ازحیث اصلاحات شهری وعمران وآبادی ورفاه وآسایش عمومی‌دورهٔ‌پهلوی‌را بایدیکی‌از برجسته‌ترین‌دوره‌های تاریخ‌ایران دانست. ساختمان کارخانها ومؤسسات صنعتی وراه‌ها وپلها وبندرها وراه‌آهن ودبستانها و دبیرستانها و بناهای دیگر برای‌آموزش و پرورش و بیمارستان هاوغیره نیزاز مباحث مهم این

دوره است ودرفصول آینده درهرمورد ذکری از آنها خواهد آمد.

گذشته ازین ساختمانها وخیابان سازیها روشنایی شهرها نیز از کارهایی بوده که درین دوره اهتمام خاص در آن کرده اند وشهروآبادی بزرگی درایران نیست که نیروی برق رادرآنجا برای روشنایی فراهم نکرده باشند. بایددر نظر داشت که در دوران قاجارها یکی ازمظاهر شهرهای بزرگ و کوچك ایران تاریکی معابر درشبها بود وبهمین جهت بود که ایرانیان عادت کرده بودند بمحض اینکه هوا تاریك می شد بخانهٔ خود پناه می بردند واصلا نه تنها شب ازخانه بیرون آمدن شجاعت و جان خود را بخطر انداختن بود بلکه کم کم بمرورزمان شب بیرون آمدن راکار ننگین دانسته بودند وکاراشخاص پست وبی سروپا بشمار می رفت وتازه اگر کسی برای کارلازمی شب ازخانه بیرون می رفت اگر گرفتاردزد وقاتل نمیشد وجـان بدرمی برد می بایست چراغ کش وفانوس کش باخود برداردتادرچاه وچاله نیفتد. مردمی که وسیله داشتند چراغ روشن کردن دربالای درخانهٔ خود راثواب می دانستند. درسراسر ایران تنها تهران دستگاه چراغ برق داشت وآنهم تنها دراوایل شب روشن بود.

دیگرازاقدامات برجسته‌ای که درین‌دوره برای رفاه وآسایش وتن درستی مردم درشهرهاوآبادیها شده بنگاه های بهداری‌ازدرمانگاه وبیمارستان‌وآسایشگاه است و در مبحثی که مخصوص اصلاحـات بهداشتی خـواهد بود درین باب بحث خواهم کرد.

درراس اصلاحـات شهری تشکیل ادارات شهرداری قانونی وانجمن هـای شهرداری را باید دانست. پیداست که انجمن‌های شهرداری مانند مجلس‌شورای‌ملی ازمبانی مشروطیتست ودرمجلس اول قانونی بعنوان قانون‌بلدیه گذشته ودر برخی ازشهرهای ایران انجمن بلدی بنابرآن قانون تأسیس کرده بودند. پس ازمجلس اول دیگرانجمن های بلدی درایران تشکیل نیافت وآن قانون‌عاطل‌وباطل ماندتا

اینکه دردورهٔ پهلوی‌قانون دیگری گذشت وانجمن های شهرداری درسراسر کشور تشکیل شد. بدین گونه درهر شهری‌مردم انجمن شهرداری خود را انتخاب کردند وکارهای‌شهررا مردم‌شهر بعهده گرفتند ووسایل رفاه وآسایش‌بدین‌وسیله ازهرحیث فراهم شد وبهمین جهت روزی نبود که در هرشهری گامی برای آسودگـی مردم وآبادانی آن شهر برداشته نشد.

دیگرازاصلاحات شهری که درین دوره شده واثر بسیارمهمی درآبادی کشور ورونق شهرهای ایران‌داشته شهرنشین کردن ایلات‌چادرنشین وبیابان‌گردایرانست که‌چندین هزارسال بهمان حال‌سرگردانی وخانه‌بدوشی ازین سوبآن سومی‌رفتند وهمواره مخل‌آسایش وامنیت کشور بودند وپیش ازین بزیـانهایی که می‌رساندند اشاره کردم. پیداست که‌این کارمهم‌یعنی‌شهرنشین کردن‌ایشان‌نه‌تنهادرامنیت‌وآسایش مردم کشوراثر بسیارمهمی‌داشته است وخلع سلاح‌هزاران تن مردم بیابان‌گرد که تابع‌هیچ اصل وقانونی نبوده اندچه‌کاراساسی بوده‌است‌بلکه درآبادانی کشورنیز بسیارمؤثرشدواین جماعات کثیرمردمی که درزیرچـادردربیابانهامی‌زیستند وبهیچ وجه درزندگی اجتماعی شرکت نداشتند و هیچ یك ازوظـایف اجتماعی را بعهده نمی‌گرفتندهنگامی که درشهرهاوقصبه ها و روستاهای کشورجاگرفتند جزوطبقهٔ مفیدوکارآمد جامعه شدند ودرکاربامردم دیگرشریك گشتند و قهرا درتولید ثروت وترقی صنعت وتجارت ایران وجودشان مفید شد بدین گونه ازحالت بدوی‌بیرون آمدند وپابمرحلهٔ تمدن گذاشتند وراستی نتیجهٔ‌این‌کاراین شد که چندین‌هزاربلکه چند میلیون برافراد مؤثر کشورافزوده شد ودرضمن ناامنی ودزدی و راهزنی هم که کارشبانروزی‌ایشان‌بودیکسره‌ریشه کن‌شد. بهمین‌جهتست که‌این کاررا ازمهم‌ترین کارها ویکی ازمفیدترین اصلاحات اجتماعی باید دانست.

دیگرازاصلاحات اجتماعی که درین دوره بجاآمده اصلاح تقویم‌ایرانست.

ایرانیان دردورهٔ هخامنشیان تقویم خاصی داشته‌اند ودردورهٔ ساسانیان تقویم اوستایی را که همان تقویم کنونی باشد اختیار کرده‌اند . درسراسر این مدت تقویم ایران تقویم شمسی یعنی تابع گردش خورشید بوده است وروزاول بهاریعنی روزاعتدال ربیعی را آغازسال قرارداده‌وسال راشامل ۳۶۵ روزدانسته‌اند . درتقویم اوستایی که دردورهٔ ساسانی معمول‌شده سال شامل دوازده‌ماهست‌وهرماه شامل سی روز. برای سی‌روزماه‌سی نام‌ازنامهای ایزدان‌وامشسپندان واصطلاحات دینی‌دیگر آیین‌زردشت اختیار کرده بودند ودوازده نام از آن‌سی‌نام رابماهها نیزداده بودندبهمین‌جهت‌در هرماهی یك روزپیش می‌آمد که نام روزونام ماه یکی بود وآن روزرا روز جشن می‌گرفتند. چون‌هرسال شامل‌دوازده ماه‌سی‌روزه یعنی‌تنهاشامل ۳۶۰ روزمی‌شدپنج روزآخر سال را جداگانه حساب می‌کردند و ایام تعطیل پایان سال بود و آنرا وهیزك یا بهیزك یا اندرگاه می‌گفتند. در ضمن ساعتهای اضافی هر سال راچون بحساب نیاورده بودند نوروز وروز اول‌سال تغییر می‌کرد ودرفصول مختلف قرار می‌گرفت .

درآغاز دورهٔ اسلامی تقویم قمری را که تازیان درصدر اسلام وضع کرده بردند واعمال دینی‌تابع آن‌شده بوددرایران نیزاختیار کردند وچون دربن‌تقویم‌در میان آنکه ماه ۲۹ روزیا ۳۰ روزست بیشتر تردید پیش می‌آمددر آغازدورهٔ‌مشروطیت برای‌کارهای اداری‌یك تقویم‌شمسی‌نجومی که تابع منطقة‌البروج وصورفلکی بودو ۳۶۵ روزمی‌شددرادارات دولتی پذیرفتند· این تقویم شامل دوازده‌ماه‌تابع‌حرکت آفتاب دربرجها بودبدین گونه: حمل ۳۱ روز، ثور ۳۱ روز، جوزا ۳۲ روز ، سرطان ۳۱ روز، اسد ۳۱ روز، سنبله ۳۱ روز، میزان ۳۰ روز، عقرب ۳۰ روز، قوس ۲۹ روز ، جدی ۲۹ روز، دلو ۳۰ روز ، حوت ۳۰ روز. پیداست که این تقویم سابقهٔ تاریخی متمد درایران نداشت وعدهٔ روزهای ماههای آن مختلف یعنی از ۳۲ روزتا ۲۹ روز

بود ومردم نمی‌توانستند آنرا بیاد داشته باشند وهمیشه اشکال پیش می آمد. درضمن اززمان مغول درایران معمول شده بود که هردوازده سال‌را یك دوره می گرفتند و برای هرسال یك نام مغولی داشتند که پس از دوازده سال تکرار مـی‌شدوهر سالی را بنام یکی ازجانوران‌می‌خواندند که‌نام آنها بفارسی اینست: موش، گاو ، پلنگ ، خر گوش ، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، بوزینه، خرس، سك، خوك.

با این همه تقویم شمسی اوستایی دورهٔ ساسانیان در ایران مانده وفراموش نشده بودوجشنهای آن مانند نوروزومهرگان وسده بیش‌و کم معمول بود وحتی‌در کارهای کشاورزی برای‌تعیین‌موقع‌هر کاری درمیان کشاورزان ودهقانان باقی‌مانده بود . منتهی چون در زمان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی اصلاحی در آن کرده بودند آنرا تقویم یزدگردی نامیدند ودرنتیجهٔ بحساب نیاوردن چندساعت اضافی هرسال نوروز که می‌بایست‌دراول‌بهار باشد بتابستان افتاده‌بود. جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی چندتن ازاخترشناسان ایران ازآن جمله امام عمرخیام رامامور کرد که اصلاحی درین تقویم بکنند و ایشان درسال ٤٦٧ این اصلاح را کردند ودوباره نوروز وآغاز سال را در اول بهار قرار دادند وآن تقویم را بمناسبت لقب ملکشاه تقویم جلالی نامیدند . بهمین‌جهت ازآن روزمنجمان دونوروز درتقویمها قایل شدند یکی نوروز یزدگردی یعنی نوروزی که درزمان یزدگرد سوم افتاده بود و دیگر نوروز سلطانی یا نوروز جلالی یعنی نوروز واقعی و اول بهار و اول سال جلالی .

دردورهٔ پهلوی متوجه این عیب شدند که‌این تقویمهای مختلف‌کاررا دشوار کرده است‌وایرانیانی که ازقدیم‌تقویم مخصوص و بهترین تقویم جهان را داشته‌اند دلیل نداشت‌رعایت تقویم‌باستانی وملی‌خودرا نکنند . این بود که قانونی ازمجلس گذشت وبموجب‌آن تقویم باستانی وملی ایران را رسمیت دادند واصلاح‌مهمی که

در آن کردند این بود که پیش از آن ماهها یك درمیان سی‌ویك‌وسی‌روز بود و درین تقویم اصول منظم‌تری قایل‌شدند که شش ماه اول سال سی‌ویك روزوپنج‌ماه سی‌روز وماه اسفند۲۹ روز باشد ودرسالهای کبیسه یعنی هرچهارسال یك باراسفندماه راهم سی روزحساب کنند. این اصلاح درامورزندگی روزانه و کارهای اجتماعی وعلمی یکی ازمهمترین اصلاحاتیست که درین دوره کرده‌اند .

دیگر ازاصلاحات شهری مهم که در رفاه وآسایش مردم بسیار مؤثر افتاده است ایجادوسایل‌تفریح وتفرج وتفنن برای افراد مردم کشورست زیراهیچ تردید نیست که افراد جامعه‌مخصوصا کسانی که وسایل تفریح وتفرج راخود نمی‌توانند با پول خود تهیه کنند گذشته ازانجام‌وظایف‌ملی واجتماعی وتامین‌ضروریات مادی ومعنوی احتیاجات ذوقی‌هم دارند که تأمین آنها ازوظایف حتمی هردولت بیدارو جزوتکالیف اجتماعی ودرشماروسایل رفاه وآسودگی ودرحقیقت بهداشت‌روحانی وفکریست. دردوره‌های گذشته بهیچ‌وجه درین‌راه گامی برنداشته‌بودندواصلا آنرا جزووظایف دولت نمی‌شمردند . پیداست مردمی که هیچ‌وسیلهٔ تفریح‌وتفنن ورفع خستگی واشتغال ذوقی نداشته باشند جز آنکه مایوس ودرمانده واززندگی خسته ورنجور وبیزارباشند توقع دیگرازیشان نمی‌توان داشت . قطعیست که هرملتی‌در کشورخود باید وسایل دلخوشی را بنحوا کمل داشته باشد تابادل خوش‌کار کند وازهرحیث‌بکشورخود دلبسته وپای‌بست‌باشدو آنرا بهترین جا برای زندگی خود بداند وزندگی اونشاط وسروری داشته باشد که همیشه روح امید ودلاوری دروی بدمدو بزندگی‌آینده امیدوار کند و همیشه درکار خود با بشاشت وگشاده‌رویی و نشاط و دلسوزی وارد شود . این نکتهٔ بسیار مهم دردوره‌های گذشته بکلی عاطل مانده بود وتنها در دورهٔ صفویه تااندازه‌ای رعایت آنرا کرده بودند اماپس ازآن دوره‌دوباره ازرونق افتاده‌بود وهمیشه دولتهای‌ایران ازآن غفلت میکردندتاآنکه

درجزو اصلاحات اجتماعی مهم منظور شد ووسایل رفاه و آسایش وتفریح وتفرج مردم از هر جهت فراهم آمد. گذشته از آنکه درهر شهری گردشگاهها و باغهای ملی ترتیب دادند وسایل دیگر را نیز آماده کردند وسازمان پرورش افکار که در ۱۳۱۸ تشکیل شد توجه مخصوص نسبت بموسیقی وتئاتر ورادیو و سینما کرد و وسایل گوناگون برای تفریح وتربیت ذوقی مردم فراهم آمد که باید آنها را نیز از اصلاحات اجتماعی ضروری دانست.

نکتهٔ دیگری که دراصلاحات اجتماعی بسیارموثر بوده آبادی کشورست که اهمیت خاص دارد وجای تردید نیست که درین دوره کارهای بسیارمهم ازپیش رفته است. گذشته ازساختمانها وبناهای مجلل باشکوه وخیابان سازیها واصلاحات شهری قدمهای بلند در اصلاح کشاورزی برداشته شده که درمبحث جداگانه‌ای دربارهٔ آنها سخن خواهد رفت ونیز اقداماتی دراصلاح کارهای اقتصادی وایجاد صنایع جدید و ساختمان بندرها و راه آهن وراههای شوسه وایجاد وسایل ارتباط مانند تلفن و تلگراف وتلگراف بی‌سیم وغیره وبنگاههای بهداری هریك درآبادانی ایران جای مخصوص وممتازی دارد وهمهٔ این کارها ازاصلاحات شهری مهم بشمار می‌رود. گذشته ازین دربسیاری ازنواحی کشورحتی روستاها خانه‌هایی برای روستاییان ساخته‌اند ونیز برای سکونت وشهر نشین شدن چادر نشینان ساختمانهایی کرده‌اند ونیز کارهای مهمی برای اصلاح آبیاری ومشروب کردن زمین‌های بایروترقی محصولات کشاورزی وصنعتی انجام داده‌اند که درآبادانی کشور بسود شهر نشینان بسیارموثر بوده است. بهمین جهت می‌توان گفت که ایران از حیث آبادی و عمران قابل قیاس با گذشته نبوده و خرابی‌هایی که در دوره‌های پیشین روی آمده درین دوره یکسره جبران شده است.

قدم دیگری که در اصلاح اوضاع اجتماعی واصلاحات شهری برداشته شده

قانون تعدیل مال‌الاجاره بوده است که درپایان سال۱۳۱۷ وضع شد وفوایدآن در آسایش عدهٔ کثیری ازمردم پوشیده نیست وحاجت بتوضیح وتفسیر ندارد . وضع این‌قانون می‌رساند که‌دولت ایران در آن‌زمان تاچه‌اندازه دراندیشهٔ رفاه‌و آسایش مردم کشور بوده است .

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که درین دوره‌شد تأسیس سازمان‌پرورش‌افکار بود. پیداست که وظیفهٔ‌دولت بیدارو آگاه‌در تربیت وراهنمایی مردم تنهاعبارت‌ازین نیست که مسایل‌علمی‌را واردذهن‌جوانان کنندزیرابسیاری ازمسایل علمی هست که درخارج ازآموزشگاه‌هم می‌توان آموخت‌ویا ازیکی‌دو کتاب می‌توان فراگرفت. مهم‌ترین وظیفهٔ راهنمایان ملل اینست که افراد ملت را همواره برای عالی‌ترین زندگی روز آماده کنند و این کلمهٔ مختصر شامل هزاران معنی دقیق و هزاران لطیفهٔ معنویست .

وظیفهٔ نخستین این راهنمایان وظیفهٔ اخلاقیست یعنی بایدپیشوای جامعه‌و راهنمای مردم ازحیث ملکات‌فاضله واخلاق کریمه وصفات ممتازبشری یعنی‌مردی ومردانگی ومردمی باشند. تربیت درست آنست که تربیت ملی باشدیعنی‌هرعلمی‌و هردانشی رابرای‌ترقی ملت‌خود وبرای تقویت روح ملیت بخواهندوهردرسی‌باید برای‌آن باشد که یك فرد مفیدبرای جامعه تربیت کند ومرد وزن رااز کودکی و جوانی چنان آماده کنند که چون بزرگ شدند برای کشورخود وهم‌نوع خویش سودمند وخدمتگزار باشند. باید درهرقدم وهرسخن همیشه روح ملی‌راتقویت کنند وهردرسی که می‌دهند این نتیجه را داشته باشد که روزبروز جوانان کشورخود و هموطن خویش رابیشتردوست بدارند وهمیشه‌در آرزوی آن باشند که هرچه زودتر درزندگی اجتماعی وارد شوند وزودتر بخدمتگزاری بپردازند. وظیفهٔ‌مهم‌دیگراین راهنمایان اینست که افکارو آرزوهای افراد راچنان‌یکسان کنند که اتحاد معنوی و

اتفاق کلمهٔ واقعی درمیان ایشان فراهم‌شود تادرمیان افراد تحصیل کرده بهیچ‌وجه اندك اختلاف ودو گانگی ازحیث افکارو آمال و آرزوهای انسانی پیش‌نیاید .

وظیفهٔ دیگراین گروه اینست که افرادکارآمد نیرومند برای جامعه تربیت کنند. باید کودکان را چنان باربیاورند که چون بسن رشد رسیدند همیشه‌باشورو شعف ونشاط وسرور زندگی کنند وزندگی را دوست داشته باشند وهمیشه بآیندهٔ خود امیدوار باشندوترس‌وناکامی ونا‌امیدی‌رادردل خود راه ندهند یعنی درزندگی آیندهٔ خود دلیرواستوارو‌پابرجا ونیك‌بین وبشاش‌باشند .

پس راهنمایان جامعه می‌بایست آن سرشکستگی وخواری‌وزبونی را که دو سه قرن انحطاط وتنزل درفکرمردم ایران جای داده بود ازمیان ببرند و بجای آن رشادت و مردانگی ونشاط تولید کنند . سازمان پرورش افکاردر ۱۳۱۸ برای ادای این‌مقصود بسیارمهم فراهم شد ووظیفه‌اش این بود که آیندهٔ ایران را ازحیث علم‌واخلاق‌تامین کندوبا کسانی که آیندهٔ‌مادی کشوررا بدست داشتندهمکاری کند . بدین‌جهات تشکیل‌سازمان پرورش‌افکاریکی‌ازمهم‌ترین اصلاحات اجتماعی ومعنوی این دوره بود.

اصلاحات اقتصادی ومالی

یکی ازمظاهر برجستهٔ دورهٔ پهلوی اصلاحات اقتصادی ومالیست که بهترین نمونهٔقدرت دولتواستقلال وامنیت کشور بود . زیرا نمی‌توان منکرشد که زندگی آدمی‌زادگان زندگی مادیست وهرجامعه‌ای برای زندگی بیش‌ازهمه چیزوپیش ازهمه‌چیز بقوه ونیرو احتیاج دارد . نیروی بشری نخست در ارتش وافراد مسلح وتجهیزات جنگیست و سپس‌در دارایی وتمول وتمکن مادی . آشکارترازین‌چیزی نیست که جامعهٔ بی زر و بی زور از هرحیث ناتوان و درمانده است و بهمین‌جهت اصلاحات اقتصادی ومالی این‌دوره را پس از اصلاحات‌نظامی باید ازکارهای بسیار مهم بدانیم .

یکی از اصلاحات اقتصادی مهم کوتاه کردن دست متنفذان و عناصرماجری جوی ازکارهای مالی کشوروخزانهٔمملکت‌بود. در دوره‌های گذشته درنتیجهٔناامنی وضعف دولت مرکزی‌وحکومت ایلیاتی‌وملوك‌الطوایف در هرناحیه‌ای گردن کش نافرمانی پیدا شده بود که گذشته ازفراهم‌آوردن وسایل‌ناامنی وراهزنی و بیداد و ستم نسبت بزیردستان و مردم بی‌دفاع بزور و جبرعواید و مالیات‌ها را ازمردم می‌گرفت وبکیسهٔ خود می‌ریخت وبهمین‌جهت تا دست این عناصر کوتاه نمیشد اصلاح‌کارهای مالی کشور ممکن نبود ، حتی‌کارگزاران مؤثردولت از نفوذی که در دستگاه دولتی داشتند بهره جویی‌می‌کردند ومالیات‌قانونی‌املاك‌ومستغلات‌خود را نمی‌پرداختند . چنانکه محمد ولی‌خان خلعت‌بری که نخست سپهدار اعظم لقب

داشت وسپس سپهسالار اعظم لقب گرفت و نخست وزیر شده بود ازروزی که در فتح تهران بدست مجاهدین وغلبهٔ برمحمد علی شاه شرکت کرده بود مالیات املاك وسیعی را که در مازندران و حومهٔ تهران داشت نپرداخته بود وچون از و مطالبه کردند و سخت گرفتند باندازه‌ای برخلاف عادت بود وبروی گران آمد که‌خود را کشت.

اصلاح دیگرعبارت‌بود ازجمع آوری ومرکزیت‌دادن‌کامل‌درآمدهای کشور ونظارت دقیق درخرج وهزینه‌های کشوری وازین حیث پیشرفت عظیمی درایران نسبت بدوران گذشته حاصل‌شد. در ایران دوره‌هایی پیش آمد که اگرهم مختصر پولی بصندوق مالیهٔمحلی می‌رسیدپیشکارمالیه یا امین مالیهٔ محل آشکارا آنرا بکیسهٔ خود می‌ریخت وبهیچ‌وجه پروا ازین کار نداشت. گذشته ازروسای دارایی‌زیردستان ومخصوصاً تحصیلداران نیز مالیات را بزور از مردم می گرفتند و بخزانهٔ دولت نمی‌رساندند.

گذشته ازآن بسا اتفاق می‌افتاد که‌درنتیجهٔ ناامنی ناحیه‌ای ویران‌شده‌بودو عایدات‌آن ناحیه‌کفاف مالیات‌آنرا نمی‌داد وچون در صندوق مرکزی هم پولی نبودآن ناحیه مدتهای دراز درهمان حال‌زار مانده بود واصول لامرکزیت چنان برهمه جا مسلط بود که‌برخی ازنواحی را مانندآن‌بود که جزوایران نمی‌دانستند وچون‌آن ناحیه ویران شده ومردم‌آن پریشان شده بودند می‌بایست بهمان فقر و تهی دستی‌خود بسازند و بهیچ وجه نه در دریافت عواید و نه در پرداخت مخارج کوشش و دقت و دلسوزی نمی کردند و در مقابل نادرستی‌ها هیچ بازخواست و کیفری درمیان نبود.

اصلاح دیگر توسعه وتحکیم‌سازمان وتشکیلات مالی در سراسر کشوربود. در دوره‌های گذشته تقریباً درهر ناحیه از ایران اصول خاصی برقراربود وبسیاری

از عوارض و مالیاتهای محلی بود که اختصاص بناحیهٔ معینی داشت و نواحی دیگر از آن معاف بودند و حتی در یك ناحیه برخی از اصناف و طبقات بپرداخت آن محکوم بودند و برخی دیگر از آن معاف بودند. تنها درین دوره سازمان و تشکیلات مالی در سراسر کشور یکسان شد و همهٔ افـراد دربرابر مـالیات مساوی و برابر شدند.

دیگر از اصلاحات مالی و اقتصادی درین دوره انتظام جمع و خرج کشور و توازن آن براساس بودجه‌های حقیقی بود و این نکته را کسانی که آگاهند نمی‌توانند منکر شوند. می‌توان گفت در دوره‌های سابق هرگز بودجه در کار نبود چنانکه در تمام مدتی که از مشروطیت ایران می‌گذشت تنها دوبار بودجه نوشته بودند یك بار مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله که وزیر مالیه شد بودجه‌ای ترتیب داد و بار دیگر مرگان شوستر آمریکایی که خزانه‌دار ایران بود بودجهٔ دیگر نوشت. تازه اگر بودجه می‌نوشتند صورت مخارج را روی کاغذ می‌آوردند وچون چند ماهی از سال می‌گذشت درآمدهای دولت بپایان می‌رسید و دیگر پولی درخزانه نبود و بقرض و رسوایی سال را هرطور بود بپایان می‌رساندند وناچار مطالبات مردم وحتی حقوق کارگزاران دولت می‌ماند و ازین سال بآن سال می‌رسید چنانکه کراراً در پایان ماه برای پرداخت مخارج جاری آن ماه از بانك شاهنشاهی ایران که یك شرکت انگلیسی بود و امتیاز انتشار اسکناس را داشت مبلغ مختصری قرض می‌کردند و چون نمی‌توانستند همهٔ احتیاجات را تأمین کنند بتناسب ازهرمبلغی مقدار قلیلی می‌پرداختند. کارگزاران دولت که راه‌دیگری برای گذران خود جزهمان حقوق دولتی نداشتند حوالهٔ حقوق خودرا بصرافی از قرار تومانی دو قران میفروختند یعنی بجای یك تومان دوریال ازومیگرفتند و وی آنقدر منتظرمیشد تا بتواند آن مبلغ را وصول کند. درمیان نواحی مختلف ایران مالیات برخی از نواحی زودتر

وصول میشدو کسانی که وسیله داشتند میکوشیدند که حقوقشان را از بابت‌عایدات آن ناحیه بمستوفی آن نقطه حواله بدهند .

گاهی اوضاع مالیهٔ کشور باندازه‌ای پریشان می‌شد که‌همان مختصروجه‌را برای پرداخت حقوق کارگزاران دیوان نداشتند و کراراً مستخدمان دولت پنج‌ماه وشش ماه حقوق طلب‌گار بودند . چندبار اتفاق افتاد که چون باز پول درخزانهٔ دولت نبود بجای حقوق گندم وجو که از بابت مالیات جنسی در انبار دولت بود حواله کردند که هر کس آنرا در بازار بفروشد و بحق خود برسد . یك‌بار آجر که ازبابت مالیات جنسی کوره‌پزخانهای تهران گرفته بودند حواله کردند . باردیگر تفنگ‌های سرپر وسلاحهای ازکار افتاده‌را که درانبارها مانده بود در مقابل‌حقوق وزارت جنگ دادند . باردیگرشاهنامه‌ای‌را که بخرج دولت در زمان مظفرالدین شاه بکوشش حسین‌پاشاخان امیر بهادرجنگ رییس کشیك خانهٔ دربار که شاهنامه را دوست می‌داشت بقطع بسیار بزرگ چاپ کرده بودند و بشاهنامهٔ امیر بهادری معروف‌بود در برابر حقوق‌کارمندان‌وزارت‌خانها از قرار جلدی‌چهارتومان‌دادند.

بهترین دلیل اصلاحات اقتصادی ومالی درین دوره تفاوت شگفت در میان جمع بودجهٔ کشور درسال ۱۳۰۰ وسال۱۳۲۰ است :

جمع کل هزینهٔ کشور درسال ۱۳۰۰ مبلغ ۱۹،٥٦١،۳٥٥ریال و۱۲٥،۰۰۰ فرانك طلای سویس بوده است .

جمع کل بودجهٔ ۱۳۲۰ بدین گونه بوده است :

درآمد ۳،٦۱۳،۷٦۸،۷۱۸ ریال .

هزینه ٤،۳۲۳،۹۱۱،٦۷٦ ریال .

برای نمونه ترقی بودجهٔ وزارت فرهنگ را درین دوره درنظر بگیریم:

جمع کل بودجهٔ سال ۱۳۰٤ مبلغ ۷،۷۳۱،۳۸۰ ریال .

جمع کل بودجهٔ سال ۱۳۲۰ مبلغ ۱۵٤،۸٥٦،۰۰۰ ریال .

بودجهٔ ارتش :

جمع کل بودجهٔ ارتش در سال ۱۳۰۰ مبلغ ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال .

جمع کل بودجهٔ ارتش در سال ۱۳۲۰ مبلغ ٥۹۳،۱۲۱،٥۲٤ ریال .

بدین گونه بودجهٔ کشور در مدت بیست سال تقریباً بیست برابر ، بودجهٔ وزارت فرهنگ درمدت شانزده سال بیست ویك برابر وبودجهٔ ارتش درمدت بیست سال تقریباً شش برابر ونیم شده است .

بهترین معرف اصلاح اوضاع اقتصادی ومالی ایران اینست که باوجود مخارج بسیارسنگینی که در راه آبادی و ترقی ایران و خرید اسلحه و کارخانهای متعدد شده است دولت ایران درین مدت بهیچ وجه محتاج باستقراض در داخله یا در خارج از کشور نشده و حتی در هر سال مقداری از عایدات خود را صرفه جویی کرده وبعنوان ذخیرهٔ مملکتی نگاه‌داشته ومبالغ خطیری طلا خریده و بر ثروت کشور افزوده است :

دلیل دیگر براصلاحات اقتصادی این دوره‌چندرقم‌دربارهٔ بانك‌ملی‌ایرانست:

درسال۱۳۰۷ که‌سال‌تأسیس بانك بوده جمع ترازنامهٔ بانك۱٦۰،۰۰۹،۰۱٦ ریال بوده است .

درسال ۱۳۱٦ این مبلغ به ۲،٦۱۱،٦۱۹،۷۰۲ ریال رسیده یعنی در ده سال بیش ازپانزده برابرشده است .

موجودی فلزات گران‌بهای بانك درسال ۱۳۰۷ معادل٤۲،٦٥۱،٦٤٥ ریال بوده ودر پایان سال ۱۳۱٦ به ۷۱٥،۳۷٥،۲۲٦ ریال رسیده یعنی درده سال بیش‌از ۱۷ برابر شده است .

درسال۱۳۰۷ که‌بانك ملی ایران بکارآغاز کرده اندوخته نداشته است ودر

سال ۱۳۲۰ اندوختهٔ آن مبلغ ۹۶،۹۱۵،۶۷۷ ریال بوده است .

نکتهٔ بسیار مهم اینست که در سال ۱۳۲۰ که پایان این دوره بوده است دولت ایران یکی از دوسه دولت جهان بود که بهیچ وجه وام داخلی وخارجی نداشت و بلکه ذخایر عمده در داخل و خارج کشور فراهم کرده بود وحال آنکه در پایان دورهٔ استیلای قاجارها دولت ایران یك فقره ۳۲،۵۰۰،۰۰۰ منات روسی مقروض بود که بنرخ آن روز ۱۹۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال وبنرخ امروز ۳۹۰ میلیون ریال می‌شد و یك فقره قرض دیگر ۳،۳۱۵،۳۸۱ لیرهٔ انکلیسی بود که بنرخ آن روز ۱۳۲،۶۱۵،۲۴۰ ریال وبنرخ امروز ۲۶۵،۲۳۰،۴۸۰ ریال می‌شد وجمع قروض داخلی آن ۴۴،۳۲۰،۰۰۰ ریال بود یعنی روی همرفته ۶۹۹،۵۵۰،۴۸۰ ریال مقروض بود. اگر این نکته را در نظر بگیریم که بالاترین رقم بودجهٔ ایران در آن سالها رقم بودجهٔ سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ قمری ۱۰۶،۵۵۲،۸۰۰ ریال بوده است معلوم می‌شود که بیش از بودجهٔ پنج سال خود مقروض بوده است.

برای اینکه زمینهٔ دیگری ازاوضاع مالی ایران در دست داشته باشیم باید در نظر گرفت که درهمین بودجهٔ سال ۱۳۲۸ــ ۱۳۲۹ قمری مبلغ ۸۳،۷۵۳،۲۰۰ ریال ازمبلغ ۱۰۶ میلیون کسر بودجه بوده است یعنی ۸۳ میلیون و کسری مخارج بی‌محل داشته اند. پس اینکه در پایان این دوره در پرتو استحکام اوضاع مالی دولت ایران دیناری مقروض نبوده بلکه وامهای سابق نیز ازمیان رفته بوده است بهترین دلیلیست که درین دوره چه اصلاحات مالی مهمی پیش آمده است.

اصلاح دیگری که درین راه شده اصلاح روش مالی کشور و اصول مالیاتی ازحیث نرخ وطرز وصول بوسیلهٔ حذف مالیاتهای غیرعادی و مضر باقتصـاد کشور بوده است مانند مالیاتهای ارضی وسرانه ودروازه بانی وراهداری وغیره وتعدیل مالیاتهای دیگر ووضع مالیاتهای جدید برای کارهای عام المنفعه مانند راه سازی وراه آهن و

بهداری ومانندآن . اصول مالیاتی ایران یادگاردوره هـای تاریك وادوارملوك الطوایفوحکومتایلیاتی بودوپایهٔ درستی نداشتوبهیچوجه بامقتضیاتروز گاروفق نمی‌داد ودربسیاری از موارد عادلانه نبود ، چنانکه همهٔ باربردوش طبقه‌کار گرو زارعوفروشندهٔشهری گذاشته‌شده بودیعنی‌مردمی که‌ازدسترنج‌خودزندگی‌میکردند ودیگران که ازراههای دیگرچندین برابر ایشان درآمد داشتند بهیچ وجه‌مالیات نمی‌پرداختند وتنها اصناف وبرزگران واین گونه مردم زیردست مالیات‌می‌دادند. ناچـار می‌بایست در مالیات تعدیل‌کامـل برقرارشود واصولی پیش بگیرند کـه هرکس بتناسب درآمدخود مالیات بپردازد ودرمخارج عمومی کشورشرکت کند واین اصلاح بسیارمهم درکارمالیات تنهادرین دوره بعمل‌آمد.

نکتهٔ دیگری که در اصلاحات مالی و اقتصادی اهمیت بسزا دارد استقلال گمرکی ایران واصلاح تعرفهٔ گمرکی‌براساس حفظ صنایع نوزاد وکالای داخلی و محصولات کشورست . در دورهٔ قاجارها درنتیجهٔ عهد نامهٔ ترکمان چای که در سخت ترین مواقـع ذلت و سرشکستـگی ایران بسته شده بود و درنتیجهٔ اصول کاپیتولاسیونها که در آن عهدنامه منظور کرده بودند و برخی کشورهای دیگرنیز ازآن برخوردارشده بودند ایران درتعرفهٔ گمرکی خودبهیچ‌وجه‌استقلال‌نداشتو حداقل وحداکثری درحقوق گمرکی برقرار کرده بودند و ازواردات برخی از کشورها که بیشترنفوذداشتندحداقل‌وازدیگران‌حداکثررامی گرفتند، ودرصادرات نیزدو درجه حقوق گمرکی برای‌این دودسته‌بود . نرخهایی که درتعرفهٔ گمرکی منظورشده بود تغییرناپذیربود زیرا که می‌بایست برضایت دو طرف تغییر بدهند وطرف دیگربتغییرآن رضایت نمی‌داد . درحقیقت تعرفهٔ گمرکی وسیله ای‌بود که کالای‌بیگانه‌بهرصورتی که بیگانگان می‌خواستندوارد ایران شودوببهایی که‌ایشان می‌پسندیدند بفروش برسد و درین‌مورد کمترین استقلال واختیاربرای‌ایران‌قایل

نبودند

دولت ایران برای اداره کردن گمرك های خـود می بایست بمستشاران بلژیکی که طرف اعتماد دول بیگانه بودند متوسل‌شود. حتی‌نوزنام بلژیکی‌رئیس کل گمرك ایران بمقام و زارت رسید وعنوان « و زیر گمرکات » باودادند و در سال اول مشروطیت بزحمت بسیارمجـلس شورای ملی توانست دست اورا ازکار کوتاه کند وپس از آن تاپایان دورهٔ قاجارها باز گمرك ایران دردست مستشاران بلژیکی بود که درکارخودصاحب‌اختیارمطلق بودندوحتی مرگان‌شوسترامریکایی مستشارمالیهٔ‌ایران‌نتوانست‌ایشان را ازکار بردارد . بدین گونه گمرك ایران‌یکی‌از مظاهر برجسته‌و آشکارمداخلات بیگانگان در کارهای‌داخلی‌ایران‌بوده‌است. بنابرین استقلال گمرکی‌ایران‌وتدوین‌تعرفهٔ گمرکی که‌کاملا مطابق مصالح مادی‌ومعنوی ایران باشدو کوتاه کردن‌دست مستشاران بیگانه‌از گمرك ایران‌مهم ترین‌جنبه‌های اصلاحات مالی واقتصادی بوده است .

نکتهٔ دیگردرین زمینه‌جلب اعتماد عامهٔ‌مردم بکارهای مالی دولت‌بوسیلهٔ‌نظم وترتیب درانجام خـدمت وادای تعهدات درموعد خـود وقوام مالی کشوررا باید دانست که گذشته ازنتایج مادی کـه مردم درنتیجهٔ اعتماد بدولت تعهدات خود را منظماً پرداخته اند نتایج معنوی واخلاقی نیز داشته است واعتبارکامل برای‌دولت درمسایل اقتصادی ومالی فراهم کرده، درصورتی که در دوره های گذشته یکسره برعکس این‌بوده ومردم ازدولت‌سلب‌اعتماد کرده بودند وبهیچ وجه بتعهدات‌مالی ماموران مالیه اعتماد نداشتند.

نکتهٔ دیگرتهیهٔ اندوخته هـای مخصوص ازدرآمدهای دولتی برای اجرای برنامه های مهم‌اقتصادی ورفع‌احتیاجات اجتماعی کشورست که انجام آنها بادرآمد هـای عادی دولت میسر نمی‌شد . درین زمینه نیز اقدامـات مهمی کرده اند وبر

اندوختهٔ کشور هر سال مبالغ خطیری افزوده می‌شد و کارهای مهم مانند خرید اسلحه و کارخانهای فراوان را بدین وسیله تامین کردند.

دیگر تجدید نظر و بازبینی در امتیازات مختلفیست که در دورهٔ قاجارها باتباع داخله و خارجه داده بودند و بسیاری ازین امتیازات مخالف بامصالح کشور بود والغای آنها نه تنها در اوضاع اقتصادی اثر بسیار داشت بلکه در تامین استقلال کشور نیز مؤثر بود. در ضمن می‌بایست مقررات برخی امتیازات را بامنافع کشور تطبیق کنند مانند امتیازات نفت شرکت ایران وانگلیس و امتیاز شیلات دریای خزر. برای این که اهمیت این کار و لغو این گونه امتیازات مسلم شود همین‌قدر کافیست بیاد بیاوریم که شرکت نفت ایران وانگلیس بنا بر امتیازی که از بی‌راهه بدست آورده بود و منافع سرشار از آن می‌برد درسال ۱۸،۷۲۱ لیره وهجده شیلینگ وشش پنس سهم دولت ایران‌را می‌پرداخت ودرپایان دورهٔ قاجارها قسمت عمده از آن‌را برای استهلاك اصل وفرع قروضی که ازانگلستان کرده بودند برمی‌داشتند.

در امتیازی که درین دوره در ۱۳۰۹ داده‌شد سهم دولت ایران ۱،٤۳۳،٤۷۸ لیره و سیزده شیلینگ وهشت پنس و ۱٦۹،٤۲٤ لیره و نه شیلینگ و نه پنس مالیات شرکت بود یعنی روی‌همرفته ۱،٦۰۲،۹۰۳ لیره وسه‌شیلینگ‌وپنج‌پنس بخزانهٔ ایران پرداخته می‌شد یعنی بیش ازهشت برابر و نیم سهم سابق.

دیگر از اقدامات اقتصادی مهم تاسیس بانك ملی ایران در ۱۳۰۷ ولغو امتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانك شاهنشاهی ایران بموجب قانون ٦ خرداد ۱۳۰۹ بوده است. بانك شاهنشاهی ایران یك شرکت انگلیسی بود که درسلطنت ناصرالدینشاه امتیازانحصاری‌حق انتشاراسکناس را درایران گرفته بود وشعبه‌های مختلف درهمهٔ شهرهای درجهٔ اول ودرجهٔ دوم ایران برقرار کرده بود و در ضمن معاملات تجارتی واستقراضی هم میکرد.

وضع معاملات صرافی آن وضع خاصی بود باین معنی که اسکناس را بنواحی مختلف تقسیم کرده بود وروی هراسکناسی مهری زده بود که مثلا « فقط درتبریز ادا خواهد شد » وآن اسکناس را درهرجای‌دیگر ببانك می‌بردند مبلغی ازارزش آن کم میکرد ومی‌پرداخت‌وپیداست که‌این معامله تاچه‌اندازه نامشروع‌وبرخلاف مقررات بانکی کشورهای جهان بود. لغو این امتیازیکی ازکارهای بسیارمهم بود زیرا پیداست که انتشار اسکناس پایهٔ اقتصاد و اساس زندگی مادی هر کشوریست وملتی که حق انتشاراسکناس راخود نداشته باشد وببیگانگان بدهد البته استقلال اقتصادی خود را ازدست‌داده وهمیشه دستخوش منافع دیگران خواهدبود. بهمین جهت تأسیس بانك ملی‌را که ازآغاز مشروطیت آرزوی ایرانیان بود وبدان‌کامیاب نمی‌شدند ولغو امتیاز اسکناس را که بیك بانك خارجی سپرده شده بود ازمهمترین قدمهای اقتصادی ومهم‌ترین عوامل دراستقلال اقتصادی ایران بایددانست.

درنتیجهٔ لغوامتیاز اسکناس وتاسیس بانك ملی ایران وضع پول ایران‌کاملا ثابت‌شدوبرای پول کشورپشتوانهٔ بسیارمحکمی ازطلا وجواهرات سلطنتی‌اندوخته شدوپیداست که بدین گونه پول‌ایران درجهان‌اعتبارکامل یافت‌ویکی ازمعتبرترین پولهای آن عصر بشماررفت .

از جمله کارهایی که دراصلاح اوضاع اقتصادی ایران کردند تاسیس بانك پهلوی قشون دراردی‌بهشت ماه ۱۳۰٤ بود که‌بعدها بنام بانك سپه نامیده شد.پس‌از آن تاسیس بانك رهنی رابرای‌کار گشایی مردم ورهایی ایشان ازدست کسانی که‌از نیازمندیهای‌مردم تنگ‌دست بهره‌جویی‌های‌شگرف میکردند وتاسیس‌بانك فلاحتی وصنعتی ایران را برای کمك بکشاورزان و صنعتگران و یاری درآبادی وعمران کشوروتقویت نیروی تولید وتوسعهٔ صنعت وپیشه وتاسیس بانك‌کار گشایی را باید ازکارهای مهم اقتصادی دانست.

دیگر ازاصلاحات اقتصادی وضع قانون نظارت درمعاملات ارزی برای تنظیم داد وستد پولی کشور با خارج وجلوگیری از خروج سرمایه وتلف کردن دارایی کشور بوده است . این اقدام را نیزمی توان ازکارهای مهم دراقتصاد کشور دانست زیرا باین وسیله توانستند درصادرات و واردات کشور تعادل فراهم کنند و نگذارند سرمایهٔ کشور بیهوده بخارج برود وبحران تولید شود .

دیگر ازاصلاحات اقتصادی وضع یك سیاست اساسی برای تامین استقلال اقتصادی کشور وتطبیق فعالیتهای اقتصادی بامقاصد عالیه ومنافع کشور بوده است. این کار مخصوصاً ازحیث ترویج مصنوعات ایران چه درداخل و چه درخارج اهمیت بسیار داشته والبته درآبادانی کشور نیز بسیارموثر بوده است.

اقدام مهم دیگری که بازدرین زمینه بعمل آمده جلوگیری ازنفوذ بیگانگان دراقتصاد وامور بازرگانی ومعاملات نقدی وجنسی بوده است. چنانکه پیش ازین هم اشاره رفت کارهایی که درین زمینه کرده‌اند دراستحکام مبانی استقلال ایران بسیار موثر بوده ویکی ازوسایل سلب مداخلهٔ بیگانگان درکارهای کشورست . تردیدی نیست که پیش از آن همیشه بیگانگان کوشیده‌اند منافع اقتصادی خودرا بوسیلهٔ مداخلات درکارهای ایران تامین کنند وهمیشه درهمه جا استعمار برای تامین منافع اقتصادی بوده است والبته هرجا که درضمن اصلاحات اقتصادی از نفوذ بیگانگان کاسته شود در سیاست نیز موثر خواهد بود . درین زمینه کارهای اساسی تاسیس سازمانهای لازم برای اجرای این مقصود مانند تاسیس وزارت پیشه وهنر و وزارت بازرگانی واداره کل کشاورزی وشورای عالی اقتصاد واتاقهای تجارت شهرها بوده است . یکی ازکارهای مهمی که درین زمینه کرده‌اندوضع مقررات لازم برای تعادل صادرات وواردات بوده است مانند قانون انحصارتجارت خارجی ونظامات مربوط بآن ومنع ورود اشیاء تجملی وغیرلازم وتشویق وارداتی که برای استقلال اقتصادی

کشورورفع حوایج اولیهٔ جامعه ضرورت دارد مانند ماشین‌ها ودارو وجز آن ونیز تشویق صادرات ومعرفی کالاهای ایران دربازارهای مهم جهان وتهیهٔ بازارهای تازه برای متاع ایران. هریك ازین اقدامات نیزدرحد خود دراستقلال اقتصادی کشور مؤثربوده است . برای اجرای این مقاصد عالی یك سلسله کارهای اساسی کرده‌اند مانند راهنمایی بازرگانان باصول بازرگانی جدید وتأسیس مدارس تجارتی ازآن جمله مدرسهٔعالی تجارت درتهران‌وانتشارمطبوعات تجارتی وتاسیس نمایشگاه‌های کالاهای داخلی درشهرهای عمده و مخصوصاً در تهران و شرکت در نمایشگاه‌ها و بازارهای مکارهٔ بین‌الملل وحمایت از بازرگانان و تاسیس نمایندگی‌های تجارتی ایران در کشورهای بیگانه وعقدپیمانها وقراردادهای بازرگانی وتجارتی و تهاتر وپایاپای‌با دول بیگانه و کوشش در رفع موانع ومشکلات تجارت خارجی کشور. مخصوصاً چیزی که درین میان اهمیت خاص دارد اینست که درنتیجهٔ این ارشادهاو راهنمایی‌های مدبرانه وتشویق‌های دولت کالاهای‌ایران درین مدت درظاهر وباطن ترقیات بسیار کرده وقابل‌قیاس‌با کالاهای دوره‌های پیشین نبوده است. صنایعی که سالها بودازمیان رفته یاتنزل فاحش کرده بود بوجودآمده ویاپیشرفتهای‌محسوسی کرده است وکالاهای جدید در ایران بعمل‌آورده‌اند کـه نه‌تنها قسمت عمـده از نیازمندیهای مردم کشوررا تامین کرده وجانشین موادی که ازخارج می‌آورده‌اند شده است بلکه برخی ازآنها راهم ازایران صادر کرده‌اند .

دیگر از کارهایی که برای تامین سیاست اقتصادی، کشور کرده‌اند تاسیس شرکتهـای دولتی برای استقرار اصول تجارت کشور براساس اقتصاد جدید بوده است ونیزتشویق سرمـایه‌داران ایرانی بتاسیس شرکتهای خصوصی درین‌کارموثر افتاده است . نکتهٔ دیگراتخاذ تدبیرهای لازم برای‌آن بوده استکه نیازمندیهـای نخستین کشور درایران فراهم شود وبا کمال آسانی وبابهـای ارزان‌تربدست مردم

برسد واین نکته درتسهیل معاش وزندگی فرد فرد مردم اثرمهمی داشته است. در همین زمینه بایدخرید محصولات عمدهٔ کشاورزی را با بهای بیشترمانند پنبهو گندم وتریاك وتوتون و چـای وچغندر وغیره دانست ومنظوراز آن نه‌تنها کمك اقتصادی بتولید کنندگان بلکه فراهم‌آوردن وسایل ارزانی زندگی و کمك باقتصاد شخصی افراد مردم بوده است.

اقدام دیگریکه شده وآن نیز اهمیت خاص دارد مطالعه در اوضـاع عمومی کشاورزی کشور برای تبدیل‌زراعتهای‌اندك فایده بزراعتهای مفید مانند چغندرقند وچای و نباتات‌دهنی والیافی وغیره بوده‌است. چنانکه سابقا یکی ازمحصولات‌عمدهٔ ایران دربسیاری ازنواحی‌برنج بود که‌پیش از آن بازارداشت وسپس‌بازار آن بکلی بسته شد وبااین‌همه برزگران ایرانی بعادت قدیم آنرا بعمل می‌آوردند وخریدار نداشت. ناچارمی‌بایست زراعت آنرا ترك کنند وبجای‌آن چیزی که بیشترخریدار می‌داشت بکارند. نیز برخی‌مواد بود که اگرفواید اقتصادی داشت‌ضررهای‌اخلاقی و اجتماعی فراوان درآن بود مانند تریاك که مضار گوناگون درجـامعهٔ ایرانی فراهم کرده بود وقطعاً می‌بایست زراعت آنرا بسیارمحدود بکنند.

دیگرازکارهای مهم درین زمینه‌تهیهٔ وسایل تولید برای برزگران بوده‌است مانند دادن مساعده‌های نقدی وجنسی وتهیهٔ تخم وجز آن ونیز اقداماتی که دررفع نواقص ومشکلات کشاورزی کرده‌اند مانندتهیهٔ وسایل‌آبیاری ودفع آفات نباتی و حیوانی و اصلاح نژاد نباتات وحیوانات و تهیهٔ تخمهای خوب وممتاز. درین زمینه یکی ازمهم‌ترین وسایلی که بکاررفته علاقمند کردن مردم بکارهای کشاورزی بوده است ودر راس‌کارهـایی که برای پیشرفت این‌مقصود کرده‌اند شهرنشین کردن‌مردم چادرنشین وبیابان‌گرد بوده است که بفواید گوناگون این‌کارمهم پیش‌ازین اشاره کرده‌ام. گذشته از اثری که درامنیت کشور داشته می‌توان گفت این‌کار نیز فواید

فراوان در آبادانی و اصلاح امور اقتصادی کشور داشته است. کمترین فایدهٔ آن این بود که چند صد هزار تن بر طبقات کارگر و صنعتگر و برزگر ایرانی افزوده شد و راستی مانند آن بود که چند صد هزار تن بر جمعیت ایران افزوده شده باشد و عدهٔ بسیاری را که بجز غارت و راهزنی کاردیگر نداشته‌اند بشریف‌ترین مشاغل بشری که کار کردن و خدمت کردن بنوع و جامعه و میهن و سودمند بودن است وادار کرده باشند و عدهٔ کثیری را در راه آبادانی و ترقی کشور بکار گماشته باشند.

دیگر از کارهای مهمی که درین رهگذر شده واگذاری زمین‌ها و املاك خالصهٔ خوزستان و سیستان بکشاورزان محل و وضع مقررات لازم بنفع ایشان بوده است و پس از آن اقداماتیست که در فروش زمینهای خالصهٔ دولت ببرزگران و فروش همهٔ املاك خالصه بمردم بوده است. پیداست که این کار نیز در آبادی ایران اهمیت بسیار داشته است زیرا که دولت ایران املاك خالصهٔ بسیار داشت که بهیچ‌وجه نمی‌توانست بآباد کردن و نگاهداری آنها بپردازد زیرا که وسایل و عوامل بسیار می‌خواست و آن صرفه‌جویی و دلسوزی که مالك میکند در مامور دولت یا مستاجر نبود وقطعاً هنگامیکه این املاك بمردم تعلق گرفت بمراتب آبادتر شد و بر آبادی ایران افزود.

اقدام دیگر در ضمن اصلاحات اقتصادی وضع مقررات قانونی برای الزام مردم بعمران و آبادی نقاط حاصل‌خیز کشور با دستیاری دولت و نیز رفع احتیاجات مادی کشور بوسیلهٔ وسایل صنعتی بوده است مانند کارخانهای قندریزی و پارچه‌بافی و حریربافی و کبریت‌سازی و صابون‌سازی وجز آن چه بدست دولت و چه بدست اشخاص.

اقدام مهم دیگر عبارت بوده است از توجه و حمایت صنایع قدیم ایرانی که در دورهٔ گذشته اندك اندك رو بنیستی می‌رفت مانند قالی‌بافی و زری‌بافی و کاشی‌سازی وجز آن، کوششی که در توسعه و رواج این صنایع ملی ایران کرده‌اند گذشته از فواید اقتصادی بهترین وسیلهٔ جلب شهرت ایران در خارج و معرفی ذوق و هنر ایرانی

وجلب توجه جهانیان بشماررفته است .

دیگراز اقدامات مهم اقتصادی که‌درین دوره نتیجهٔ‌مهمی بخشیده‌توجه‌بمنابع ثروت زیرزمینی کشورست که قرنها بیهوده و دست نخورده مانده‌بود ودرین زمینه نه‌تنها دولت خود باستخراج آنها پرداخته بلکه عامهٔ مردم ایران راهم باین کارها تشویق کرده است.

قدم‌مهم دیگری که دراصلاح‌وضع اقتصادی ایران برداشته شده‌تامین‌خطوط و وسایل ارتباط کافی در کشور بوده است مانند راه‌آهن و راههای شوسه وپست و تلگراف‌وتلفن‌وتلگراف‌بی‌سیم وهواپیمایی‌وغیره که درمبحث جداگانه دربارهٔ آنها بحث خواهم کرد .

اصلاحات کشاورزی

شکی نیست که کشاورزی درایران قرنها مهم ترین منبع ثروت بوده‌است‌و عـدهٔ بسیار مردم کشورهمیشه سر گـرم این‌کاربوده اند . بهمن جهت همیشه در هردوره ترقی اقتصـادی ایران بسته بپیشرفت کـشاورزی و افزونی محصول زمین بوده است و همهٔ پیشوایان‌بزرگ ایران که درآبادی کشور قدم برداشته‌اند، هم خود را صرف‌آباد کردن زمین های زراعتی وآسودگی خاطرطبقهٔ کشاورزان و امنیت دادن بایشان و اصـلاح اصول‌آبیاری کرده اند. مثلا در دورهٔ ساسانیان که ایران یکی ازآبادترین کشورهای جهان بوده است کوشش‌های‌بسیارومخارج سنگین در راه زراعت کرده اند و سد های متعدد بر روی رودخـانها مخصوصـاً در خوزستان و بین النهرین که درآن زمـان ازایالات ایران بوده است برای‌آبیاری نواحی بسیار وسیع ساخته اند . بهترین دلیل اینست که پس ازهزار و چند صد سال پایه های آن سدها در گوشه و کنارباقیست و نیز در بین النهرین نهرهـای متعدد ساخته بودند که هنوز قسمت عمده از آنها باقیست وزمین‌های زراعتی را از آنها مشروب می کنند عدهٔ این‌نهرها که از رود فرات ورود دجله منشعب‌می‌شده باندازه ای بوده است که از آب این دورود بزرگ دیگرآنقدرنمیمانده است که شط العرب تشکیل شود و فرات و دجله هردو جداگانه بخلیج فارس می‌ریختند.

ازطرف دیگرازروزی که نیاگان ما آریاییان ایرانی‌از کوههای‌پامیر بدشت های‌آسیای مرکزی فرودآمده اند اصول مخصوصی درآبیاری بکاربرده اند که‌از هفت هزارسال پیش تا کنون معمولست ومنحصر بنژاد ایرانی بوده‌وتنها درقلمرو این نژاد درنجد ایران دیده می‌شود و آن کندن قنات وکاریزو بردن آب در مجرا های زیرزمینی تا فواصل بسیاروگاهی تاچند فرسنگست .

از پادشاهان ایران که اهتمام بسیاردرآسایش خاطر برزگران‌داشته‌اند طاهربن حسین مؤسس سلسلهٔ طاهریست که مخصوصاً در زمان وی وبدستور او کاریزهای بسیار در خراسان کنده اند که برخی از آنها تا کنون باقیست وبآنها « قنات طاهری» می گویند. حتی افسانه ای ازقدیم درمیان مردم خراسان‌بوده که وی را « طاهرآب شناس » لقب داده بودند و در هرجا که مردم از یافتن آب ناامید بوده اند اوباوسایل مخصوص‌آب پیدا میکرده وکاریزی میکنده است .

نکتهٔ مهم ترازهمه اینست که داریوش بزرگ‌هنگامی که سرزمین‌مصرجزو متصرفات ایران بوده است همان‌کاری را که اروپاییان پس از۲٤۸۰ سال بعد بنام ترعهٔ سوئز کرده‌اند درنظر گرفته‌وشروع بحفرترعه ای کرده است که‌آثار آن‌هنوز باقیست وکتیبه ای که برای ساختمان‌آن کنده اند درمصرپیداشده است.

درزمان صفویه نیز کوشش بسیاردر اصلاحات‌کشاورزی در ایران کرده اند وبهمین جهت ایران درآن روزگاریکی‌ازآبادترین کشورهای جهان بوده استونه تنها زراعت غلات و پرورش جانور های اهلی درایران بمنتهی درجه ترقی کرده بود بلکه در ضمن توجه خاص بپرورش کرم ابریشم کرده بودند وقسمت اعظم ابریشمی که درجهان بمصرف می‌رسید ازایران‌می‌رفت ویکی ازکالاهای مهم‌ایران پارچه ومخمل‌وقالی ابریشمی بود وحتی هنرمندان ایرانی‌را برای رواج وترقی پرورش‌کرم ابریشم باروپا می‌بردند .

پس ازدوران صفویه بواسطهٔ جنگهای داخلی و پریشانی و آشفتگی اوضاع ونا امنی کشور و دشواریهایی که درکار کشاورزی پیش آمد وبدبختی هایی که برزگران ایرانی‌دوچار آن شدندزراعت‌ایران بمنتهی درجه تنزل کرده‌بودوقسمت عمده ازآبادیهای سابق ازمیان رفته و کشاورزان از زادگاه خود هجرت کرده بودند . در ضمن درین دوره پیشرفت های بسیارمهم در اصول کشاورزی در جهان فراهم شده بود ودرایران بهیچ وجه‌راه نیافته بود و حتی اصول زراعت قدیم نیز تنزل کرده بود چنانکه پرورش دواب و مواشی بسیار کم شده بود و پرورش کرم ابریشم تقریباًازمیان رفته‌بود وازچندین ناحیهٔ مهم مانند یزد وکاشان وبرخی‌از نواحی خراسان و فارس وآذربایجان که در زمان صفویه درآنجا کرم ابریشم پرورش می‌دادند تنهاناحیهٔ بسیارمحدودی در گیلان مانده‌بودودرآنجاهم آفت‌هاو بیماریهای گوناگون درمیان پیله و کرم ابریشم پیدا شده بود وچیزی نمانده بود که این منبع اقتصادی که تاسی‌سال‌پیش یکی از مهم ترین‌منابع‌ثروت‌هر کشوری بود یکسره نابود شود.

در نتیجهٔ این اوضاع در دورهٔ قاجارها زراعت ایران‌کاملا در اصول بدوی متوقف مانده بود و تنها محصول بسیار مختصری که بزحمت خوراك مردم کشور را تامین میکرد دربرخی از نواحی که‌آباد مانده بودبعمل میآمد ونواحی دیگر بیشتر در سالهای غیرعادی که محصول ناحیه ای از دوردست‌بآن نمیرسید دوچار قحطی و تنگی و گرسنگی میشدند وبارها بوارد کردن غله از کشور های بیگانه ناچارشدند . بهمین جهت اصلاحات‌فلاحتی ایران درراس‌کارهایی بود که میبایست درآباد کردن ایران ورفاه مردم کشور وتامین زندگی ایشان بکنند ودرین دوره یك سلسله اصلاحات مهم در کشاورزی ایران شده است .

نکته ای که بیش از همه در اصلاحات کشاورزی اهمیت داشته امنیت کشور

بوده است زیرا تردیدی نیست که‌زراعت بیش‌ازهرکاردیگری بامنیت احتیاج‌دارد وکشتزارها در زمین‌های دورافتاده قراردارند که هیچ‌مانعی دربرابر تاخت وتاز بدکاران وهیچ‌پاسبان ومدافعی ندارند و تا کشوری کاملا امن نباشد و طبقهٔ زارع ازهرحیث آسودگی وامان نداشته باشد نمیتواند بکارخود بپردازد وازآب و زمین خود بهره‌مند شود ومحصول خود را بردارد وببازار ببرد و بزندگی خود و نتیجهٔ رنج وکوشش‌خود امیدوار باشد. بهمین جهت نخستین‌وسیلهٔ بهبود اوضاع کشاورزی درایران این بود که کشورکاملا در امان باشد ودست راهزنان و غارتگران مسلح را که دشمن زراعت وآبادانی هستند کوتاه کنندو کشاورز راکاملادرامان و آسایش نگاه بدارند.

دومین قدمیکه در اصلاح کشاورزی ایران برداشته شد تاسیس ادارهٔ ثبت اسناد واملاك بود زیرا بدیهیست تاکشاورز نتواند حق خودرا حفظ کند ودارایی خویش را در برابرتجاوز بیدادگران نگاه دارد دلبستگی‌کامل و امیدواری تمام بملك خود نخواهد داشت ومالك مسلم ملك وزمین خود نخواهد بود و بناچـار درصددآباد کردن وبهره‌مندشدن ازآن بر نخواهدآمد . اگر برزگر همواره در معرض طمع‌وبیدادگری این وآن باشد ملك خودرا همیشه در خطرخواهد دید و توجهی درآباد نگاه داشتن‌آن نخواهد کردوناچار کشور مرتباً روبویرانی‌میرود، هم چنانکهٔدر دورهٔ گذشته شده بود وهر مرد متنفذی میتوانست منتهای تعدی را نسبت ببرزگر وکشاورز بکند و چون سند معتبری در دست مالك حقیقی نبود نمیتوانست بحق‌خود برسد . بهمین جهت‌ثبت املاك واسناد بهترین راه بود که‌هر کشاورزی مطمئن بـاشد زمین او از تعرض وطمع ایـن وآن مصونست و میتواند منتهای کوشش‌را درآباد کردن آن‌بکند وبدین‌وسیله‌درآبادانی کشور شریك‌باشد.

اقـدام دیگری که در اصلاحات کشـاورزی ایران نتیجهٔ بسیار مهم داشته

است و آنرا نیزدر رأس مهم‌ترین کارها باید قرار داد واگذاری و فروش املاك خالصهٔ دولت بکشاورزان بود زیرا که‌از قدیم املاك بسیاری بدست دولت‌مانده بود که چون مأموران دولت دلسوزی‌لازم را نداشتند وبهیچ‌وجه آمادهٔ بهره برداری‌از آنها نبودندهمیشه بکسانی که نفوذ داشتندا‌جاره میدادندوایشان هم جز آنکه‌نفعی ازین‌کار ببرند اقدام دیگری نمیکردند وهرگز یك‌دینار برای تعمیر و مرمت یا اصلاح آن ملك خرج نمیکردند . بهمین‌جهت این املاك پهناور که قسمت عمده از خاك ایران را فرا میگرفت سالیان دراز بایر و ویران وحتی متروك افتاده بود و بسیاری از کشاورزان در نتیجهٔ تعدی مستاجران یا مأموران دولت از آنها هجرت کرده بودند و کسانی‌هم که مانده بودندچون خودرا مالك نمیدانستندو کسی حقی برای ایشان قایل نبود درآبادی ملك اندك دلسوزی نداشتند وبهیچ وجه درصدد ترقی‌کار خود برنمی‌آمدند . پیداست بمحض اینکه دولت این املاك خـالصه را بکشاورزان یا مالکان خصوصی‌واگذار کرد فوراً توجهی درمیان طبقات برزگر و تولید کننده نسبت بآن زمین‌های پهناور پیدا شد ووسایل‌آبادانی آنها فراهم‌آمد وبهمین‌جهتست که این اقدام دولت نیزاهمیت خاصی‌داشته است وازقدمهای بلندی بوده است که برای اصلاح کشاورزی ایران برداشته‌اند .

دیگرازاقداماتیکه در اصلاح کشاورزی اهمیت داشته شهرنشین کردن‌ایلات وطوایف چادر نشین ایران بوده است ، زیراکه ازقدیم‌وازنخستین روزهای تمدن نژاد آریایی ایرانی گروهی از مردم بهمین‌حال وارد تمدن شده‌اند و سپس چادر نشین‌های دیگر از خارج بایران آمده‌انـد و گروه فراوانی از مردم ایران که بدلایل‌معتبر بیش ازثلث جمعیت ایران‌را فراهم میساختند تا پایان دورهٔ قاجارها بحال بیابان گردی وچادر نشینی درهمهٔ نواحی‌ایران زندگی میکردندوبرخی‌از نواحی سراسر محل‌سکنی وآمدو رفت ایشان بود وییلاق وقشلاق میکردند .

بدین گونه چون در جای معینی ساکن نبوده‌اند بهیچ وجه گرد زراعت نمیگشتند و تنها برخی ازطوایف ایشان بپرورش اغنام و گله‌داری یا پرورش اسب مشغول بودند ودرضمن بواسطهٔ راهزنی وغارتگری پیوسته مخل آسایش برزگران بودند واغلب محصول ایشان را تاراج میکردند. همین که این چند میلیون چادر نشین ازآن حال بیابان گردی نجات یافتند ودرنواحی حاصلخیز کشورجا گرفتند پیداست که چگونه درآبادی کشور و کشاورزی وتولید ثروت وجود ایشان موثر شد ومانند این بود که یکباره چند میلیون مردم کار آمد بر نفوس ایران و طبقهٔ کارگر ومولد ثروت افزوده شده باشد.

اقدام دیگری که دراصلاحات کشاورزی باید اهمیت خاصی بدان داد تأسیس آموزشگاههای کشاورزی ودانشکدهٔ کشاورزی و بنگاه‌های بسیار برای تعلیمات کشاورزی وراهنمایی بکشاورزان در سراسر کشور بوده است. نیز در دبستانهای مراکز کشاورزی بروستایی زادگان و کودکان کشاورزان تعلیمات فلاحتی داده‌اند. بدین وسیله اصول علمی کشاورزی وپیشرفتهای زراعت جدید واکتشافها واختراعهایی را که درین راه شده‌است بکودکان وجوانان کشور آموختند و وسایل علمی واساسی درپیشرفت زراعت ایران و فنون مربوط بفلاحت وپرورش دام و جزآنرا بایشان یاد دادند وازین راه پیشرفت مهمی در کشاورزی ایران پیش آمد وبهمین جهت جای آن دارد که باین کار نیزاهمیت بسیار بدهیم.

نکتهٔ دیگر اینست که در نتیجهٔ فراهم آمدن منابع جدید نیازمندیهایی نسبت ببرخی از محصولات کشاورزی پیدا شد. ناچار این زراعتها که توسعهٔ بسیار یافت سبب آبادی کشور ورفاه وآسایش برزگران شد ودرآمد ایشان افزوده گشت چنانکه در نتیجهٔ توسعهٔ صنایع ریسندگی وبافندگی و تأسیس کارخانه‌های متعدد برای این رشته‌ها در همهٔ نواحی کشور بر محصول پنبهٔ ایران بسیار افزوده شد

ونوع پنبه ترقی روزافزون کرد . درنتیجهٔ تولید وسایل صنعت پشم بافی پشم نیز بمقدار بیشتر و بهتر فراهم شد ودرپرورش اغنام و گله‌داری پیشرفت محسوسی پیش آمد . درنتیجهٔ ایجاد کارخانه‌های قندریزی متعدد کشت چغندر قند که سابقاً در ایران هیچ سابقه نداشت توسعهٔ فوق‌العاده گرفت. هم‌چنین درنتیجهٔ اقبال مردم بتهیهٔ خشکبار وبهبودی که درین صنعت فراهم شد وافزایش صادرات ایران ازین‌راه میوهٔ ایران بمراتب فراوانترو بهتراز پیش شدو نیزدر نتیجهٔ بکارافتادن کارخانهٔ بزرگ دخانیات محصول توتون نسبت بگذشته چندین برابر شد .

دیگرازکارهاییکه‌دراصلاحات کشاورزی کرده‌اند توجه‌بترقی‌وتوسعهٔ پرورش پیله‌وکرم ابریشم وصنعت تخم نوغان ایران بوده است که در دورهٔ قاجارها در درنتیجهٔ غفلت دولت روبتباهی میرفت . پیش ازین اشاره رفت که این‌صنعت مهم که تا سی‌سال پیش یکی ازمهم‌ترین منابع ثروت کشاورزی بود درچندین ناحیهٔ ایران حتما معمول بوده است ازآن‌جمله درکاشان ویزدوبرخی از نواحی‌خراسان وآذربایجان‌وفارس ودر اواخر دورهٔ قاجارها تنها آنهم بمقدار کم در گیلان باقی مانده بود ودرنتیجهٔ بی مبالاتی‌وسهل‌انگاری وبی‌قیدی دولت درحال فساد ونیستی بود و چندین بیماری مسری که مخصوص کرم ابریشمست از خارج وارد ایران شده بود وهرسال مقدار محصول نسبت بسال گذشته رو بنقصان میرفت و انحصار ورود تخم‌نوغان‌را که‌ازاروپا میخریدند ومحتاج‌بدان‌بودند بیك‌تن ازسیاستمداران تهران داده بودند . بهمین‌جهت‌این‌صنعت مهم که در زمان صفویه درایران‌درمنتهای رونق ویکی از مهم‌ترین‌منابع عایدی ایران وجلب ثروت بودکاملا راه زوال را می‌پیمود وچیزی نمانده بود که از میان برود . بهمین‌جهت در دورهٔ پهلوی توجه خاصی نسبت باین صنعت وپرورش پیله و کرم ابریشم وتخم‌نوغان کردند و درین زمینه پیشرفتهایی روی‌داد ودرنواحی‌دیگر بجز گیلان‌وسایل‌نوغان‌داری وپرورش

پیله فراهم شدو نیز صنعت ابریشم‌بافی بااصول جدید نه‌تنها نیازمندی کشوررا ازین حیث کاملا تامین کرده‌ومردم ایران راازپارچه‌های ابریشمی خارجی بی‌نیاز ساخته است بلکه صادراتی نیز فراهم آورده‌است.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات کشاورزی باید بآن توجه کرد پیشرفت محسوس و بهبود محصول فلاحتی ایرانست که درین دوره‌تامین شدومحصول عمدهٔ ایران مانند پنبه وپشم‌وخشکبارو ابریشم وچغندرقند و کنف و چای و توتون ترقی عمده کرد وهم‌ازحیث کمیت و هم ازحیث کیفیت قابل قیاس با ادوارپیشین نبوده است . مخصوصا ایجاد نمایشگاه‌های کالای ایران در تهران و شهرهای عمده که محصول فلاحتی در آن بیشتر جلوه داشته است دررسیدن باین نتیجه بسیار موثر بوده‌است .

اصلاح دیگری که درین زمینه بعمل آمده ایجاد ادارات تثبیت غله است تا محصول غلهٔ ایران را ببهترین بهایی که‌ممکن‌باشد ازبرزگران وتولید کنندگان بخرند ودرشهرهاهمواره برای تامین‌زندگی‌وآزوغهٔ مردم شهر بحد وفورو با کمال دلسوزی در جاهای مناسب نگاه دارند ومازاد خوراك مردم را ببهترین بهایی که بتوانندصادر کنند . ازین‌حیث ترقی عظیمی درزراعت غلهٔ‌ایران‌فراهم‌شد و گشایش فوق‌العاده‌ای درکارهای کشاورزی برزگران پیش‌آمد و این نیزیکی ازقدمهای بلندی‌بود که‌دراصلاح کشاورزی ایران برداشته شد.

دیگرازاصلاحات کشاورزی‌مهم که درایران‌شد توسعه واصلاح چای‌کاریست که پیش ازین دوره باندازه‌ای ناچیز بود که جزومحصول کشور بشمار نمی‌رفت و قابل اعتنا نبود . درپایان دورهٔ پهلوی قسمت مهم از مصرف چای کشور درایران بعمل می‌آمد و توسعه و ترقی فوق‌العاده درین زراعت فراهم شد و دیگر بچای کشورهای دیگر چندان نیازمند نبودند و منبع درآمد تازه‌ای برای کشاورزان

ایرانی پیدا شد.

دیگر از اصلاحات کشاورزی که درین دوره بعمل آمد اصلاح جنگلها بود ، در پایان دورهٔ قاجارها بواسطهٔ بی‌اعتنایی جنگلهای چندین هزارسالهٔ ایران رو بنیستی می‌رفت وهیچ اصول درستی برای حراست وپاسبانی ونگاهداری جنگلها ومخصوصاً جنگلهای شمال و کرانهای دریای خزر که‌درسراسر جهان معروفست درمیان نبود. هرسال در نتیجهٔ بی‌قیدی ماموران دولت مقداری ازدرختان کهن و گران بهارا برای هیزم ساختن وچوب بریدن یاخانه ساختن وحتی زغال درست کردن می‌انداختندو بجای آنها چیزی نمی‌کاشتند . بدین گونه هرسال ازسطح جنگلهای ایران کاسته می‌شد و بهمین جهت دولت توجه‌خاصی بجنگلها کرد واصول منظمی برای‌حراست وپاسبانی آنها وضع شد وجنگلهای ایران را ازخطر نیستی نجات دادند.

دیگر از اقدامات مفیدی کــه در اصلاحات کشاورزی شده توجه مخصوص نسبت بآبیاری و ساختن سدهای جدید و بندهای مهم و کندن چاههــای آرتزین وبکاربردن اصول‌جدید درآبیاری کشتزارها بوده‌است تا بدین وسیله آبهای‌ایران بهدر نرود وبمصرف زراعت برسد وجاهایی که مستعدآباد شدنست باندازهٔ‌کافی آب داشته باشد.درین‌زمینه اقدامات گوناگون کرده‌اند که‌در آبادی ایران‌نتایج مهم‌در برداشته است .

دیگر از اصلاحات کشاورزی این دوره بکاربردن اصول جدید درزراعت و متداول کردن ماشین و وسایل جراثقالی وتراکتور وغیره درزراعت بوده‌است که پیش از آن مطلقا درایران سابقه نداشت وازجمله اصلاحات مهم درین‌زمینه بشمار می‌رود .

اصلاح دیگری که بازدرین‌زمینه کرده‌اند ودر کشاورزی ایران‌اهمیت‌بسیار داردتاسیس بنگاههای‌دفع آفات حیوانی ونباتیست که‌برای جلو گیری‌ازبیماریهای

حیوانات اهلی‌واغنام واحشام وچهارپایان ودواب ودفع آفات زراعت تاسیس‌شده و بااصول علمی جدیداین گونه آفتهارا که سابقا درایران‌چاره نداشت وبااصول‌بدوی چاره‌جویی می کردند ونتیجهٔ آن بسیارضعیف بود درین دوره با وسایل‌علمی جدید از میان بردند . برای این‌کار موسسات بسیار مهـم و وسیع در کشور فراهم شد و برزگران‌وپرورش‌دهندگان‌دام‌وچهارپایان‌از آنها کاملا بهره‌مندشدند. نیزدر بسیاری ازنواحی کشورومخصوصاً درمراکززراعتی کشت‌زارها وباغهای نمونه‌برای‌ترویج اصول زراعت علمی و انتشار بذرهای خوب تاسیس کردند و وسایلی آماده ساختند که با ماشین‌های جدید مزارع را شخم بزنند وازین حیث دستیاری بسیارمهمی با کشاورزان کردند. هم‌چنین بهترین نمونه‌های جانورهای اهلی ودواب‌واحشام و اغنام را در کشور فراهم کردند و برخی ازآنها را ازکشورهای دیگر آوردند و بدین‌گونه‌کامل‌ترین وسایل اصلاح‌نژاد حیوانات فراهم شد وبرزگران وصاحبان املاك ازین بذرها وحیوانات بهره‌بردند .

نکتهٔ دیگر تاسیس‌ادارات کشاورزی وبنگاههای‌متعدد باعضویت‌مردم‌تحصیل کرده وآزموده در سراسر کشور بود که بهیچ‌وجه با دوره‌های گذشته قابل سنجش نبود ونیزتاسیس آمار کشاورزی واحصائیهٔ محصول زراعتی ایران بااصول جدیدرا باید ازکارهای‌جالب‌دانست. دردوره‌های گذشته‌نیز بهیچ وجه‌اثری‌ازین گونه‌کارها در ایران نبود .در ضمن‌مقررات‌بسیاری‌برای‌بهبوداحوال کشاورزان‌وفراهم کردن وسایل رفاه وآسایش‌وبهداشت‌درروستاها وقصبه‌ها ونشریات کشاورزی وضع کردند وازین‌حیث نیز برزگران بسیار بهره‌مندشدند وفواید مادی‌ومعنوی بسیار بردند.

دیگر ازاصلاحات کشاورزی درین دوره تاسیس بانك کشاورزی بود که در آبادی کشوروآسایش برزگران اثر بسیارمهمی بخشید وبدین وسیله‌ایشان وسایل مادی برای‌آباد کردن زمین خود وترقی محصول خود باشرایط بسیار آسان‌یافتند.

درضمن آنکه بانك کشاورزی عهده‌دار بود بآسان‌ترین شرایط وسایل مادی‌را برای آباد کردن املاك وپیشرفت زراعت آماده کند وقرضه‌هایی را که داده‌است باقساط کم مستهلك کند نیزموظف‌بود ازراهنمایی وتهیهٔ وسایل معنوی وفکری ومساعدت علمی‌با برزگران خودداری نکند وبهمین جهتست که‌تاسیس‌این‌بانك رادرآبادانی کشوروترقی زراعت ایران ورفاه کشاورزان باید ازمهم‌ترین اقدامات‌دانست.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات کشاورزی باید بدان اهمیت بسیاردادودرآبادانی کشور و رفع نیازمندیها از کشورهای بیگانه بسیار مـوثر بوده است حمایت از محصولات داخلی بوده است که مخصوصا دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی‌خود کاملارعایت آنرا میکردوهرمحصولی که درداخلهٔ کشورفراهم‌می‌آمد ورفع حاجت را ازکالای کشورهای دیگرمیکرد ورود آنرا ممنوع می کردند و همواره‌صادرات کشاورزی‌راتشویق‌میکردند وبهروسیله‌ای که‌ممکن بودمیکوشیدند که‌هم کیفیت وهم کمیت آن ترقی بکند وبرمقدارآن افزوده بشود ونوع آن بهتر باشد تا بیش ازپیش جلب توجه بازارهای بیگانه رابکند. درین‌دوره زمینهٔ ترقیات بسیارمحسوسی‌درانواع محصولات کشاورزی ایران‌فراهم‌شد وهرسال‌مقدارمحصول ونوع آن و صادرات آن بکشورهای بیگانه و فروش آن دربازارهای جهان ترقی محسوس میکرد وبهیچ‌وجه با دوره‌های گذشته قابل قیاس‌نبود وبهمین‌جهت این کار راهم بایدازمهم‌ترین کارها دراصلاح کشاورزی‌دانست.

کاردیگری که دراصلاح کشاورزی وآبادی کشور بسیارموثر بوده ونمی‌توان منکرفواید سرشارآن شد توسعهٔ وسایل ارتباط و ساختمان راهها وپلها ومخصوصا راه‌آهن بوده‌است،زیرا هیچ تردیدنیست که بازرگانی‌وکشاورزی وصنعت‌بی‌وسایل ارتباط ممکن نیست و هر چه وسایل ارتباط سریع‌تر و بهتر باشد ترقی زراعت و آبادانی مملکت بهتر فراهم می‌شود زیرا بهترین وسیله است که محصول هـرچه

زودتر وهرچه‌آسان‌تر وهرچه ارزان‌تر ببازار وبدست خریدار برسد ودر راه آسیب نبیند وتباه نشودوهمیشه‌درمواقع معین‌وبهرمقدار که‌لازم باشد در بازارفراهم گردد وتوجه خریداران را بخود جلب کند . بهمین جهت راهها و پلهای متعدد و وسایل ارتباط گوناگون که درین دوره در ایران فراهم شد اثر مهم دراصلاح کشاورزی ایران داشته است وهم‌چنانکه درهمهٔ مظاهر آبادی وپیشرفت موثر بوده درین‌زمینه نیزاثر بخشیده است .

اصلاحات و پیشرفتهای صنعتی

همواره درتمدن بشرمادیات مهم‌ترین رکن زندگی بوده و درتمدن کنونی اهمیت آن روزبروز آشکارتر می‌شود وروزی نیست که درصنایع جهان پیشرفتی که کار را همواره آسان‌تر میکند روی ندهد . از اواسط قرن نوزدهم میلادی صنعت پی‌درپی‌راه پیشرفت‌را می‌پیماید و بهمین جهت‌ممکن نیست‌هیچ ملتی‌بتواند ازصنایع جدید بی‌نیاز باشد و هر کشوری که نتواند احتیاجات دایمی خود را بدین وسیله فراهم کند محکوم بزوال خواهد بود.

در ایران در دوره‌های گذشته که نزدیك دویست‌سال کشور گرفتارانقلابات داخلی و جنگهای خانگی ولشکرکشی‌های خارجی وبدبختی‌های گوناگون بود مردم ازکاروان تمدن یکسره بازمانده بودند واز هرپیشرفت وترقی محروم گشته بودند وحتی درصد سال آخر درنتیجهٔ ناامنی عجیبی که‌پیش ازین کرارا در بارهٔ آن بحث کرده‌ام وزوال وانقراض حقیقی نتیجه آن شده بود که صنایع داخلی ایران که مخصوصادرزمان صفویه ازدورهٔ شاه‌عباس اول‌ببعد درمنتهای رواج‌بوددروبنیستی می‌رفت ومی‌توان گفت‌درپایان دورهٔ قاجارها بهیچ‌وجه صنعتی درایران نبود وهمهٔ نیازمندیهای مردم ازبیرون می‌آمد وحتی واجب‌ترین‌چیزها را وارد میکردند و درنتیجه هرسال نقصان فاحشی درتجارت ایران پیش می‌آمد. سال‌بسال‌ازصادرات

کاسته می‌شد و برواردات افزوده می گشت و اگر آن اوضاع سپری نمی‌شد قطعا چندی نمی گذشت که ایران کاملا ورشکسته می‌شد و بحران اقتصادی عجیبی کشوررا یك باره ازپادرمی آورد ودر نتیجه انقلاب عظیمی روی می‌داد که استقلال ایران را از میان می‌برد ودیگرشاید امید باز گشت نبود .

بهمین جهت دردورهٔ پهلوی درجزواصلاحات اقتصادی مهمی که بدان آغاز کردند قهرا می‌بایست توجه خاصی دربارهٔ صنایع بکنند وصنایع جدیدرادرایران برقرارسازند و ازین حیث کشوررا ازتوسل بخارج بی‌نیاز کنند و قسمت اعظم از نیازمندیهای ایران‌را درداخلهٔ کشوروازکالای ایران برآورند و آن فقر اقتصادی شگفت را که سربنیستی می‌زد ازمیان ببرند .

درین راه یك سلسله اقدامات بسیارمهم کرده‌اند . درقدم نخست باید تاسیس کارخانه‌ها راقرارداد زیرا مهم‌ترین اساس اقتصادی درتمدن امروزکارخانه‌هاییست که در کشوری دایرمیکنند وهمیشه برای مملکت می‌ماند وسبب پدیدآمدن صنایع ملی وسلب احتیاج مردم ازمصنوعات بیگانه می‌شود. بدین وسیله یکی ازمهم‌ترین مسایل اجتماعی را که رفع بحران و پیدا کردن کار برای کارگران کشورست حل میکند ومواد اولیه‌ای را که در کشورفراهم می آید بجای آنکه ببهای ارزان بخارج بفروشند ودربرابر آن نیازمندیهای خود را ببهای گران‌تر بخرند درداخل کشور بدست مردم مملکت بمصنوعات داخلی تبدیل میکنند . روی همرفته فوایداقتصادی واجتماعی گوناگون درتاسیس کارخانه‌ها نهفته نیست وچندان آشکاراست که حاجت بتوضیح ندارد.

درین دوره درین زمینه ایران پیشرفتهای عظیم کرده ست . در دورهٔ گذشته اگر گاه گاه مردنیك اندیش دوربینی پیدا می‌شد ومی‌خواست با تاسیس کارخانه‌ای یکی ازحوایج مردم را تامین بکند ازیك سو بواسطهٔ مداخلهٔ بیگانگان درکارهای

داخلی کشور و رقابتهای نامشروع و سیاست استعماری و ازسوی دیگر بواسطهٔ آنکه دولت هیچ وسیله نداشت مصنوعات داخلی را حمایت کند وسیاست گمرکی واقتصادی نداشت محصول آن‌کارخانه‌رواج نمی‌یافت و بزودی کارخانه‌تعطیل‌می‌شد. راهی که بیگانگان برای پیش‌بردن این مقصود داشتند این بود که کالای خود را موقتا چنان ارزان میکردند که کالای آن کارخانه دیگر خریدار نداشت وناچار کارخانه بسته می‌شد . چنانکه در آن دوره کارخانه‌های چند مانند قندریزی و کبریت‌سازی وریسمان‌بافی وبلورسازی وجز آن درایران دایرشده وهریك درقدم اول ازمیان رفته ونابود شده است ومعروف‌ترین آنها کارخانهٔ کبریت‌سازی الهیه و قندریزی کهریزك بود که حاج میرزاعلی خان امین‌الدوله دایر کرد و کارخانهٔ ریسمان‌بافی که مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله درتهران تاسیس کرد .

اما دردورهٔ‌پهلوی برعکس استقلال مملکت کاملا پابرجا شده ودولت از هر حیث نیروی‌کامل یافته بود وسیاست اقتصادی و گمرکی روشنی داشت که باکمال بصیرت و آگاهی دنبال میکرد وپیشرفتهای مهمی درصنایع پیش آمد . درین دوره کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و کبریت سازی و صابون‌پزی و قندریزی و گونی‌بافی و کش‌بافی و کارخانه‌های برق و چرم‌سازی و مقواسازی و خشکبار و پارچه‌بافی و پشم‌بافی و حریربافی و کنسروسازی و پشم ریسی و سیمان سازی و آجرپزی وبریکت‌سازی ونوشابه‌سازی‌وجز آن دراندك مدتی درایران‌بکار مشغول شدند . می‌توان گفت در نتیجهٔ کوششهای بسیار و توجه خاص دولت درین‌راه و وسایل گوناگونی که برای تشویق مردم درین زمینه بکار برده‌اند درین دوره همهٔ نیازمندیهای‌درجهٔ اول کشور درداخل مملکت فراهم شده است . هر سال قدمهای بیشتری درین راه برداشتند و بسیاری از مواد که سابقا بمقدار کثیر از خارج می‌آوردند وازاقلام مهم واردات کشوربود درمملکت بدست مردم ایران‌فراهم‌شد و

دیگر دیناری ازپول مردم از آن بابت بخارج نرفت . آن کالارا ببهترین وجهی در ایران ساختند و بارزان‌ترین بهای‌ممکن بحدوفور دربازارهای ایران‌عرضه‌داشتند. همهٔ آنها بسرمایه ایرانی بدست ایرانی باتازه ترین وسایل‌فنی‌وبهترین‌ماشین های ممکن فراهم گشت .

درپایان دورهٔ پهلوی کمترین شهری درایران بود که در آن یا درهمسایگی آن‌یکی‌چندکارخانهٔ‌مهم‌مشغول بکار نشده باشدومخصوصادردرجهٔ اول‌تهران‌واصفهان وتبریزومشهدودردرجهٔ دوم شهرهای دیگرمانند رشت‌وقزوین وقـم ویزد و اهواز وزنجان وهمدان وسمنان و شیراز و کرمان مراکزصنعت جدید ایران شدند . در هر یك از آنها مبالغ خطیری ازسرمایهٔ ایرانی چندین هزارکارگرایرانی از زن ومرد و کودك رابکارمشغول کرده است .

ازطرف دیگردولت باسرمایهٔ خود اقدام بیك سلسله‌کارهای صنعتی بسیارمهم کرده است چنانکه همهٔ کارخانه های قند ریزی کشور راکه درین دوره احداث کردند دولت فراهم آورد وکارخانه هـای مهم دیگر مانند حریربافی و تراورس سازی و گودرون سازی وسیمان سازی وغیره را فراهم کرد و درپایان این دوره مشغول بیکی ازمهم ترین کار های صنعتی یعنی ایجاد کارخـانهٔ ذوب‌آهن شد که متاسفانه جنگ‌جهانی‌دوم مانع ازپیشرفت این مقصود عالی گشت.

ازسوی دیگرشهرداریهای دربسیاری ازشهرهای ایران‌کارخانه های برق و درشهرهای مهم ترسیلوها وانبارهای بسیاربزرگ و وسایل جدید برای نگاهداری غلات و آزوغهٔ شهرها ترتیب داده اند که هریك ازآنها دستگـاه بزرگیست و از جمله جدید ترین وسایل فنی امروزبشمارمیرود .

دستگاه بسیاربزرگ دیگری که دولت فراهم کرده‌کارخانهٔ دخانیاتست تا عدهٔ کثیری ازمرد و زن و کودك در آنجاکار کنند و محصول این کارخانه که در

خاورمیانه نظیر ندارد در کشورهای دیگر نیز خریدار دارد.

نکتهٔ دیگری که درضمن اصلاحات صنعتی باید بدان توجه کرد توسعه و اصلاح صنایع قدیم ایرانست که در حقیقت درین دوره آنها را احیا کردند و از نو بوجود آوردند زیرا چنانکه گفته شد در دورهٔ پیش چنان تنزل کرده بود که تقریباً ازمیان رفته و نابود شده بود. سالها و بلکه بیش ازیک قرن بود که دیگر در ایران زری نمیبافتند واین صنعتی که ایرانیان درجهان معمول کرده بودند در ایران فراموش شده بود ونیز نقاشی و تـذهیب از میان رفته بود و رشته‌های دیگر صنایع ملی مانند کاشی پزی وقلمدان سازی وخاتم سازی ونقره‌سازی و کنده کاری و ملیله سازی و قالی بافی و زردوزی و قلاب دوزی و قلمکار سازی و جز آن تنزل بسیار فاحش کرده بود وهنرصنعتگران ایرانی دورهٔ صفویه که سراسرجهان را از زبردستی و ذوق و سلیقهٔ سرشار خـود خیره کرده بودند بچیزهای بسیار پست بدل شده بود کـه باعث تعجب و گاهی نیزمایه‌تأسف بود که چه شده است بازماندگان آن‌هنرمندان چیره دست بدین گونه بی‌ذوق و بی‌سلیقه شده‌اند. پیداست که یگانه دلیل آن پریشانی اوضاع وبی‌اعتنایی دولتها بدین گونه‌کارهای اساسی وملی بوده‌است.

دردورهٔ پهلوی در هریك ازین صنایع ملی ایران ترقی آشکاری پیش آمد و بجرات میتوان گفت برخی از آنها بهمان درجهٔ زیبایی‌دورهٔ صفویه رسید وحتی برخی دیگرازززمان صفویه هم‌پیش افتاد، چنانکه هیچ تردیدی نیست که‌قالی‌ها و زریها ونقره‌کاریهـا وبرنجهـای کنده کاری این دوره بمراتب بهتر از شاهکارهای زمان صفویـه شده بود. درین اندك مـدت دوباره نهضت صنعتی عجیبی در ایران پدیدار شد ودوبـاره ذوق و هنرنمایی ایرانیان درین راه گل کرد و بیش از پیش بسوی تکامل رفت ودوباره صنایع ایران جلب توجه جهـانیان را کرد ومسلـم شد کـه این ملت هنرمند با ذوق هرگاه روی آسایش ببیند باز مقامی را که در دورهٔ

انحطاط ازدست داده بود درجهان بدست می آورد وبازراه ترقی را دراندك مدتی شتابان میپیماید ودرراه نمیماند .

درین زمینه مخصوصا باید باحیای صنعت قالی بافی توجه کرد زیرا که‌این صنعت ملی ایرانست که ازقدیم الایام خاص نژاد ایرانی بوده و همیشه اختصاص بسرزمین ماداشته است چنانکه درپازیریك درسیبری درمیان لوازم‌خانه‌ای ازدورهٔ هخامنشیان که سیل آنرا فراگرفته وسپس درزیریخ مانده وتازمان‌حاضر باقی‌مانده است یك قالی دورهٔ هخامنشیان یافته‌اند که ازایران بسیبری برده بودند. دردورهٔ قاجارها این صنعت بمنتهای تنزل خود رسیده بود وحتی‌درآنهم دسایس سیاسی و مداخلات بیگانگان رخنه کرده بود ودرانتشاررنگهای جوهری آنیلین و نخهای بد میکوشیدند تاشهرت جهانی قالی ایران را ازمیان ببرند وقالی های کشورهای دیگر بیشترمشتری داشته باشد . بدین و سیله بازارهای دنیا را برروی کالای ملی ایران بسته بودند و بوسایل گوناگون صنعتگران نادان ساده لوح ما را غافل میکردند وفریب میدادند ومیکوشیدند این صنعت را محو کنند تارقیبان ازآن بهره مند شوند . درین دوره این صنعت ایرانی باندازه ای ترقی کرد که راستی باعث تعجب شد و همهٔ جهانیان را دوباره خیره ساخت وچنانکه اشاره رفت قالی بافی ایران حتی ازدورهٔ صفویه هم پیش افتاد و ازحیث نقشه‌ورنگ آمیزی و انتخاب پشم ونخ وطرح ریزی وبافت و ذوق و سلیقه ای که در آن بکار بردند و حتی ازحیث ظریف کاری و نازك‌کاری بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسید وقالی هایی درایران بافتند که درهیچ دوره‌ای بخوبی آنها نبافته بودند.

دیگراز صنایع ملی ایران که دردورهٔ پهلوی احیاشد و بمنتهای ترقی خود رسید صنایع ظریفه و مخصوصا نقاشی باسلوب قدیم یا باصطلاح نقاشی چینی (مینیاتور) و تذهیب و خاتم سازی و زری بافی و مخصوصا کنده کاری روی نقره و

برنج بود که هریك از آنها درحد خودترقی عظیم کرد واین هم نتیجهٔ وسایلیست که دولت فراهم کردو تشویقهای گوناگون وحمایتهای‌مهمیست که‌ازصنایع‌وصنعت گران ایرانی کرده است .

در راس‌کارهایی که‌دولت‌برای احیای صنایع قدیم ایران کرده است‌تشکیل نمایشگاه هـای کالای ایران را درتهران و شهرستانها باید دانست و نیز تاسیس هنرستان‌های متعدددر نواحی‌مختلف کشوراز آن جمله‌درمراکزهنری مانندتهران‌و اصفهان و شیرازست . پیداست کـه تاسیس این گونه آموزشگاه ها چـه اقـدام اساسی برای ترقی وتوسعهٔ هرفن‌وهنریست و در جهان کنونی مدرسه وآموزشگاه موثرترین وسیلهٔ ایجاد تمدنهاوپیشرفت هنرها وغیره است .

دیگرازوسایل بسیار مؤثر که سابقا هـم بدان اشاره رفت حمـایت بسیار دقیقیست که دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی خود از کالاهـا و محصولها ومصنوعهای ایران کرد وبمحض اینکـه کالایی در ایران فراهم می‌شد کـه کفاف نیازمندیهای مردم را میداد فورا بوسیلهٔ تعرفهٔ گمرکی و سهمیهٔ واردات هرسال و اصول تجارت واینکه بازرگانی خارجی انحصاربدولت داشت منتهای حمایت را ازآن جنس میکرد وگاهی برحقوق گمرکی آن میافزود تاکالای بیگانه نتواند باآن رقابت‌بکندو گاهی نیزورودکالای بیگانه رامنع میکرد وبهمین‌جهت‌این‌وسیله را مهم ترین وموثرترین وسیله برای ایجاد وپیشرفت صنایع‌ایران باید دانست و این وسیلهٔ ایست که دردوره های گذشته بواسطهٔ ضعف دولت ومداخلات‌بیگانگان و پیشرفت هـای سیاست اقتصادی ایشان مطلقاً نبود و با هزاران کـوشش هـم نمی‌توانستند بدست بیاورند.

دیگراز اصلاحاتی که‌درصنایع‌ایران‌درین دوره شده استخراج‌وبهره برداری ازکانهای ایران بوده است . شکی نیست که ایران کشوریست که ذخایر زیرزمینی

ومعادن بسیار داردودرین مدت بهیچ وجه درصدد کشف آن بر نیامده بودندووسایل علمی و فنی این کار رانداشتند و معادن سطحی مانند معادن نمك و آهك وزاج و غیره را اجاره می‌دادند و مبلغ ناچیزی ازاجارهٔ آنها وارد خزانهٔ کشور می‌شد. وانگهی بواسطهٔ استخراجهایی که‌مطابق بااصول علمی نبود بسیاری‌ازمعادن‌ایران را خراب کرده وازفایده انداخته‌بودند. چنانکه برخی معادن درایران‌بوده که‌در قدیم شهرت جهانگیرداشته و درنتیجهٔ همین اصول نا درست که در استخراج آنها بکاربرده اندامروزدیگراثری ازآنهانیست ، چنانکه معدن معروف‌لاجوردکاشان معلوم نیست در کجا بوده است.

گذشته ازآن معدنهای بسیاری درایران بود که ازقدیم بی‌مصرف افتاده‌بود و کسی توجه بآنهانداشت. بهمین جهت‌اقداماتی که دردورهٔ پهلوی برای‌استخراج وبهره برداری ازمعادن ایران کرده انداهمیت خاصی دارد. قانون خاصی برای این کاروضع شد واصول جدیدی که‌کاملا بااصول علمی جدید و فق می‌داد برقرار کردند و البته روزی کـه این کار بنتیجه می‌رسید در آیندهٔ ایران اثر بسیارمهمی می‌داشت و ثروت ایران قطعـا چندبـرابـرمی‌شد و برای چندین هزار مردم کار فراهم می گشت وترقی‌عظیمی دراوضاع ایران پیش می آمد. درضمن دولت خـود توجه خاصی در استخراج برخی ازمعادن کرده است ومعادن‌مهم ومعروف انارك‌را باهمین‌اصول بکار انداخت وترتیب‌اساسی برای‌معادن‌نفت‌جنوب ومغرب‌ایران داد و امتیاز سابق را تبدیل بقراردادی کرد که سهم ایران درآن چند برابرشد و نیز اگر کارخانهٔ ذوب آهن‌چنانکه درنظر بود دایرمی‌شد معادن ایران یکی ازمهم‌ترین منابع ثروت کشورمی‌شد.

دیگر از صنایعی که درین دوره ترقی بسیار کـرد صنعت ساختمـان بود. شکی نیست که ایرانیان از قدیم مردمانی بوده اند که توجه جهانیان را ببناهای

باشکوه وعظیمی که همواره می‌ساخته‌اندجلب‌می کرده‌اندودرهردوره ای نمونهای بسیارمهم ازمعماری ایران درجهان بوده است که مردم روزگاررا خیره میکرده و جزوبنا های مهم عالم و شاهکار صبر و حـوصله و همت و پشت‌کار و علم و دقت وذوق وسلیقه بوده است،چنانکه نام بناهایی مانند آرامگاه کورش وتخت جمشید وایوان مداین وشادروان شوشتر وسددزفول‌و گنبد قابوس و گنبد سلطانیه ومسجد جامع اصفهان ومسجد کبود تبریز ومسجد ورامین ومدرسهٔ گوهرشاد ومسجد شیخ لطف‌الله ومسجد شاه اصفهان ومسجد ومدرسهٔ مادر شاه اصفهان و مسجد وکیل در شیراز وپل خواجووسی وسه پل‌اصفهان و بندامیر فارس و ارگ شیراز درهمهٔ کتابها وبرسرهمهٔ زبانها هست و نیزشاهکارهای معماری ایرانی که امروز خارج از خاك ایرانست مانند قبرامیراسمعیل سامانی دربخارا وقبرسلطان سنجر درمرو وقبرامیر تیمور در سمرقندومدارس معروف بخارا وسمرقند وخیوه وشهرهای دیگر آسیای مرکزی استعداد ایرانیان را درین صنعت‌مهم مسلم کرده است . هنرمندان‌ایرانی اصول معماری ایران را ازیك سو بهند برده و بناهای معروفی مانند تاج محل و مسجد جامع دهلی‌ومسجد جامع‌لاهور و چندین قبر پادشاهان بابری هند فراهم ساخته‌اند . ازطرف دیگرهنرخود را بآسیای صغیر وخاك عثمانی برده‌اند وبناهای مهم بغداد وقونیه واستانبول وشهرهای دیگر ترکیه وسوریه را یادگار گذاشته‌اند. ازسوی دیگرمعماران کلیساهای ارمنستان و گرجستان نیز برخی ازمعماری‌دورهٔ ساسانی ایران وبرخی دیگر ازمعماری دورهٔ سلجوقی ایران متأثر شده‌اند وسپس این اصول‌ازارمنستان‌و گرجستان بروسیه‌رفته‌ونفوذآن درکلیساهایی که درروسیه ساخته‌اند آشکارست .

متأسفانه درین فن نیزایرانیان بهمان عللی که بارها درموارد دیگر اشاره کرده‌ام در دویست سال گذشته ومخصوصا در صد سال از دورهٔ قاجارها راه تنزل

را پیموده بودند. پیش‌از آن باآنکه‌معماری از زمان‌صفویه ببعد تنزل کرده‌بود باز بناهای جالبی ساخته میشد که از آن جمله است ساختمانهای کریم‌خــان زند در شیراز. اما پس از آن درمدت صدسال روزبروز تنزل آشکارتر بود و سلیقه و ذوق وهنرنمایی درصنعت ساختمان ازهرحیث ازمیان رفته بود و باعث تعجب بود کــه بازماندگان آن هنرمندان بزرگ قدیم تا بدین اندازه تنزل کرده باشند. بهمین جهت درین دوره که دربیشترشهرهای ایران ساختمانهای مهم کرده‌اند و کیفیت و کمیت آنها ازهرحیث جالب توجهست‌درصنعت‌ساختمان ومعماری پیشرفت آشکاری روی داده است ودرساختن بناهاوپلها همهٔ اصول جدید معماری ومهندسی رارعایت کرده‌اندو بهترین‌مصالح‌واصول‌فنی‌وعلمی‌را بکار برده‌اندوشکی‌نیست که‌ساختمانهای این‌دوره تا سالیان دراز در ایران باقی خواهد ماند.

برای ترقی این صنعت وعظمت صنایع قدیم ایران دریــن دوره اقدامــات گوناگون کرده‌اند. یکی ازمهمترین‌مراحل آنرا حفریات علمی باستان شناسی باید دانست که‌هم اثربسیار مهمی‌درتاریخ داردوهم فواید گوناگون درصنعت. زیرا آثاربسیاری‌ازصنایع‌هزاران سال‌تمدن ایرانی درزیر خاك‌در گوشه و کنار پنهانست وباید بوسایل علمی آنها را ازشکم خاك بیرون‌آورد ودرآنها مطالعهٔ دقیقی کردو بسیار نکات مهم تاریخ قدیم ایران هست که در هیچ سندی و کتابی نیست و راهی برای‌پی‌بردن بآنها جز باستان شناسی نخواهد بود وبسا میشود که حفریات‌تاریخ دورهٔ مجهولی‌راکاملا روشن‌میکند یا تاریخ‌دورهٔ‌معلومی‌را یکسره زیر و رومیکند وتغییرمیدهد. بهمین‌جهت‌امتیازی بی‌مدت که‌درسلطنت مظفرالدین‌شاه‌بفرانسویان داده بودند که حفریات در ایران انحصار بایشان‌داشته باشد ضررهای فراوان‌داشت واین امتیازرا دولت ایران درین دوره‌لغو کرد و وسایل علمی برای باستان‌شناسی در ایران فراهم شد واصول علمی‌کامل برای حفریات بتصویب‌رسید و موزهٔ بسیار

مجلل ووسیعی درتهران ساخته شد و نتایج گوناگون بسیار مهمی که از حفریات دسته‌های مختلف دانشمندان اروپایی‌و امریکایی در نواحی مختلف از آغاز تمدن ایران بدست‌آمد درین موزه گذاشته شد. پیداست که فایدهٔ مهم این حفریات در صنایع اینست که اصول ومراحل تکامل هرصنعتی راکاملا معلوم می کند و تاریخ آن صنعت روشن‌می‌شود وهمواره‌اندیشه‌های‌نوین واصول ونقشه‌هاورنگ‌آمیزیهای جدید برای صنایع روز بدست می‌آید. بهمین جهتست که حفریات علمی را که درین دوره درخاك ایران شده و موزهٔ ایران باستان و ادارهٔ باستان شناسی را که درین‌دوره تاسیس کرده‌اند ازجمله‌کارهای مهم درپیشرفتهای صنعتی باید دانست.

اقدام مهم دیگری که در پیشرفت صنایع شده تعمیر بناهای تاریخی‌ایران بوده است. شکی‌نیست که این ساختمانها یادگارهای بسیار زیبا وبسیار باشکوه‌از مفاخر تاریخی و ذوق صنعتی و هنرنمایی هنرمندان ایـرانیست و آنچه در دورهٔ قاجارها ویران نکرده بودند یا دستبرد روزگار و بی اعتنایی از میان نبرده بود بحال‌زار افتاده بود و روبویرانی میرفت، زیرا که در دورهٔ پیش اندك توجهی در نگاهداری ازآنها نکرده بودند وتعمیرآنها یکی از مهم‌ترین‌کارها درتشیید مبانی ملیت ایران و ترقی هنرایرانیان بود. بهمین جهت درین دوره کوشش‌های بسیار وتوجه مخصوص بتعمیر واحیای بناهای تاریخی کرده‌اند که باید جزوکارهای مهم بشمارآورد.

دیگراز اقدامات بسیار مهم که درین دوره شده و در پیشرفت صنایع ایران بسیارمؤثربوده است ایجاد وسایل ارتباط گوناگون مانند راهها وپلها و راه آهن وغیره است. پیداست که وسایل ارتباط چگونه ترقی صنایع و رفاه صنعتگران را تأمین‌میکند زیراممکن نیست‌تصور کرددر کشوری‌کارخانهایی باشدوبرای‌حمل مصنوعات آن راه‌آهن وراه‌کامیون‌رو ومانند آن وجود نداشته باشد. چنانکه در

بارۀ اصلاحات کشاورزی هم اشاره کردم وسایل ارتباط در اقتصاد و در اصلاحات اجتماعی وامنیت وآبادانی و رفاه ایـران اثر بسیار مهمی بخشیده و از مهم ترین کارهای این دوره بشمار تواندآمد .

تردیدی نیست که این اصلاحات صنعتی مهم این دوره چگونه در رفاه و آسایش کارگران کشور وآبادانی مملکت‌مؤثر بوده‌است‌وشك‌نیست که‌درهردوره‌ای که‌کار بیشتر بشود وبکارگران بیشتر توجه بکنند عامۀ مردم کشور بیشتر در رفاه خواهند بود و کشورآبادترمی‌شود .

یکی ازوسایلی که در پیشرفتهای صنعتی ایران مؤثر بوده است گذشته از تـاسیس شرکتهای دولتی و خصوصی و تشکیل وزارت پیشه و هنر در آن دوره وتربیت گروهی ازمهندسان فنون مختلف ایجادبانك فلاحتی‌وصنعتی نیزاثربسیار داشته است .

دیگرازاقدامات مهمی که دربارۀ پیشرفت صنایع درین دوره شده و سابقاً هم بدان اشاره کردم ایجاد صنایع جنگی وتأسیس ادارۀ تخشایی ارتش را بـاید دانست . بدین گونه‌وسایل ساختن‌همه قسم اسلحه ومهمات بزرگ‌و کوچك وحتی وسایل هواپیمایی درایران بدست ایرانیان فراهم‌آمده است و با بهترین وسایل و ماشین‌های جدید درکارخانهای بسیارمهمی که بنا کرده‌اند ساخته میشود و درپایان این‌دوره کشور ایران دیگراحتیاجی‌بخریداسلحه‌ومهمات ازخارج‌نداشت وچندین هزارکارگرایرانی درین مؤسسات‌کار می کردند واین نکته را نیز باید از نـکات برجستۀ اصلاحات صنعتی درین دوره دانست.

برای اینکه زمینه‌ای در دست خوانندگان از کارخانهای مهمی که در دورۀ پهلوی دولت ایران درنواحی مختلف ساخته است باشد فهرست کارخانهای مزبور بدین گونه است :

هشت کارخانهٔ قندریزی در کرج و کهریزك وشاه آباد غرب وشازند ومرودشت و آبکوه ومیاندوآب و ورامین.، کارخانهٔ سیمان ری ، جوهر نمك و گودرن ، اشباع تراورس درشیرگاه ، حریربافی درچالوس ، نساجی درشاهی ، نساجی در بهشهر، گونی بافی درشاهی ، کربنات دو سود در امین آباد ، شیمیایی پارچین ، گلیسرین ایران، مواد نسوزامین آباد،روغن کشی ورامین ، کنسرو ماهی بندر عباس، کنسرو شاهی ، شمارهٔ پنج درونك .

سدهای مهمی که برای آبیاری درین دوره ساخته شده بدین گونه است :
سدشاوور در اهواز در۱۳۱۵ ، سد خیرآباد در اهواز در ۱۳۱۸ ، سد روانسر در کرمانشاهان در۱۳۱۹ ، سد شبانکاره در برازجان در۱۳۲۰ .

اصلاحات فرهنگی

شکی نیست که درمیان اصلاحات اجتماعی ومدنی که بمراتب پایدارتر از اصلاحات مادیست توجه بمدارس و مراکز آموزش و پرورش بیشتر از اصلاحات دیگراهمیت دارد زیرا دراصلاحات اجتماعی که متوجه سالمندانست کسانی مورد اصلاح قرار می گیرند که قسمتی از زندگی ایشان گذشته است وخوب یابد باصولی عادت کرده‌اند ومانوس شده‌اند والبته اصلاح ایشان ناممکن نیست اما بمراتب دشوارتر از اصلاح اخلاق ومعتقدات کودکانست که هنوز هیچ رنگی نپذیرفته و دوچارافکار ناصواب نشده‌اند که برانداختن آنها بواسطهٔ عادت ممتدو گذشت روزگار دشوار شده باشد ونیازمند بپیکار و کشمکش جدی باشد. بهمین جهت در ساختن تمدنها وپیش بردن اصلاحات معنوی اجتماعی واخلاقی توجه بطبقهٔ نوزادوعناصری که باید بزودی جامعه را تشکیل بدهند و سالیان دراز در آن جمع زندگی کنند بمراتب واجب‌تر از هر کار دیگرست و بمنزلهٔ ساختن پی‌ها و بنیادهاییست که اساس اجتماع را روی آن باید قرار داد وساختمان تمدن را روی آن باید کرد.

بهمین جهت یك سلسله کارهای مهمی که درین دوره در ایران کرده‌اند توجه بامور معارفی و فرهنگی بوده و این اصلاحات را از خصایص برجسته و

نمایندهٔ واقعی عصر پهلوی باید شمرد زیرا اساسی بود که آیندهٔ ایران را تأمین کرد و نسلهای آینده از آن برخوردار شدند. در ایران در دوره‌های پیش از آن توجه قطعی و مؤثری درین کار نشده بود و مخصوصاً در دویست سال آخر که علم و معرفت در تمدن جدید با سرعت هرچه تمامتر پیش می‌رفت بهیچ وجه مساعی مهمی برای انتشار آن علوم ورواج اصول تربیت جدید درایران بکارنبرده بودند.

تنها در اواخر دورهٔ قاجارها تقریباً از صد سال پیش در برخی از ادوار اندك توجهی بعلوم جدید داشته‌اند وبرخی کوشش‌هایی جسته جسته برای انتشار علم ومعرفت کرده‌اند اما آن اقدامات متوالی وپیوسته‌نبوده‌ودامنهٔ آن همیشه‌امتداد نداشته است. گاهی که اتفاقاً مرد بزرگی در ایران برسرکار آمده بمیل و شوق شخصی خود برخی کارها کرده است اما چندان نگذشته که وی ازمیان رفته و کسی که بجای او آمده دنبالهٔ کار اورا نگرفته وسالیان‌درازآن اصلاحات‌بی‌نتیجه مانده است. چنانکه‌کارهای بسیار مهمی که میرزا تقی‌خان امیر کبیر و حاج‌میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار درین زمینه بچندسال فاصله کرده بودند پس ازیشان ناتمام ماندومدتها کسی دنبالهٔ آنرا نگرفت تا آنکه حاج میرزا علی‌خان امین‌الدوله دوباره نزدیك پنجاه سال بعد نیزقدمهای بلندی برداشت و آن هم پس ازو ناتمام و ناقص‌ماند.

بیشتر قدمهای مهمی که برای انتشارعلوم‌ومعارف جدید درایران‌برداشته‌اند مرهون همت یك عده مردم دانش دوستیست که دولت بهیچ‌وجه محرك ومشوق و حتی پشتیبان ایشان نبوده وتنها بذوق شخصی‌وشوروعشقی که‌خود داشته‌اندکارهای مهم کرده‌اند. ده‌سال پیش‌ازمشروطیت عده‌ای ازین‌دانش‌پروران انجمنی‌درتهران بنام «انجمن معارف» تأسیس کردند وهفت‌تن ازاعضای انجمن برعهده گرفتند که هریك مدرسه‌ای بوسایل شخصی وبااعانه‌ای که ازدانش‌پروران می گرفتند تأسیس

کنند و این‌هفت مدرسه درتهران نخستین مدارس ملی بوده است که در آنها علوم جدید را تدریس میکرده‌اند . این انجمن یك کتابخانهٔ عمومی نیز تأسیس کرد که کتابهای آن پس‌ازچندی بغارت رفت ویك‌روزنامهٔ هفتگی بنام «معارف» نیز انتشار میداد. در آن موقع وزارت خانه‌ای بنام وزارت معارف در ایران بود که نخست وزارت علوم نام داشت وکاراین‌وزارت خانه‌تنها اداره کردن مدرسهٔ دارالفنون بود که چند سال اول‌متوسطه‌را بامختصری از دورهٔ عالی دررشته‌های طب و مهندسی و نظام‌در آن‌تدریس‌می کردندومیرزاتقی‌خان‌امیراساس آنرا گذاشته‌بودوپس‌ازعزل او بکارآغاز کرد وهمیشه بیشتر معلمان آن اروپایی از فرانسه و اتریش و ایتالیا بودند . وزارت معارف بهیچ‌وجه وسیلهٔ یاری بامدارسی که این دانش دوستان تأسیس کرده بودند وبیشتر آنها مجانی بود نداشت واعضای انجمن معارف برای اداره کردن مدارسی که تأسیس کرده بودند درباغ بهارستان گاردن پارتی دادند وازعایدات آن چندی آن مدارس‌را گرداندند .

هنگامی که حکومت مشروطه درایران برسر کار آمد با آنکه درهرانقلاب و درهرحکومت ملی و آزاد توجه خاصی بکارهای آموزش و پرورش داشته‌اند نهضت علمی درین دوره درایران بسیار ضعیف بود و انقلاب ایران هیچ اثری در مدارس نکرد چنانکه سالیان دراز مدارس تهران تنها شامل دورهٔ ابتدایی ودبستان بود و پس‌از آنکه دریك مدرسه دورهٔ متوسط را دایر کردند تاچند سال تنها دورهٔ اول متوسطه یعنی دورهٔ سه‌ساله‌را درس میدادند .

سبب عمدهٔ این‌بی‌قیدی حکومت مشروطه نسبت بآموزش‌وپرورش‌نوآموزان این بود که روحانیان‌هم چنان در آن نفوذ سرشاری که پیش‌از مشروطیت داشتند باقی مانده بودند وبزرگترین مانع جنبش علمی جدید درایران بشمارمی‌رفتند و بهترین دلیل آنست که دردورهٔ مشروطیت حتی تنزل محسوسی در نهضت‌علمی نسبت

بسی وچهل سال پیش ازآن دیــده می‌شود . بهمین جهت درین دوره سالیان دراز کسانی که بتربیت فرزندان خود اهمیت‌می‌دادند ایشانرا بمدارسی که فرانسویان وانگلیسها وآلمانی‌ها و روسها وآمریکایی‌ها درشهرهای مختلف ایران دایر کرده بودند می گذاشتند وپیداست درین مدارس بهیچ‌وجه نمی کوشیدند احساسات ملی درجوانان ایرانی فراهم کنند و برعکس هرمعلمی از هر کشوری که آمده بــود دوستداری وعشق بآن کشوررا درنهاد شاگردان خود میگذاشت .

درپایان دورهٔ قاجارها تنها دو مدرسهٔ ملی دخترانه در تهران تأسیس کرده بودند وپیداست که حتی دختران نابالغ هم باحجاب بآنجا میرفتند و دورهٔ اول متوسطه برای دختران تنها درمدرسهٔ فرانسوی بنام ژاندارك ودرمدرسهٔ امریکایی بود . ارمنیان ویهود ایران نیزمدارسی برای نوباوگان خود داشتنداماازپذیرفتن کودکان مسلمان ممنوع بودند .

روی‌همرفته دردورهٔ قاجارهـا اوضاع معارف ایران درنتیجهٔ ضعف دولت و ناامنی کشور ومخصوصاً فقراجتماعی جلوه‌ای نداشت وسالیان درازمدارسی که در ایران وجود داشت درشهرهای بزرگتربود وبسیاری ازشهرها‌مدرسه باصول‌جدید نداشتند وکودکان درمکتب‌خانه‌ها که دردکانهای بازارهادایر بود تنها خواندن و نوشتن‌را فرا میگرفتند وبالاتراز آن‌تنها مدارس قدیم بود که حتی مبادی‌ریاضیات را درآنجا بزبان تازی درس میدادند . پیداست که‌آگاهی مردم اززبان وادبیات فارسی منحصر بآن بود که ازمادرشنیده بودند و یك دوسال در مکتب‌خانه آموخته بودند وازترس تنبیه بدنی وچوب وفلك بذهن سپرده بودند . کتابهـای، درسی در مدارس قدیم ازکتابهایی بود که چندین قرن پیش تألیف کرده بودند و هیچ کس درآنها تجدید نظر نکرده بود . بدین گونه دردورهٔ پیش معارف نیزمانندتأسیسات دولتی دیگرراه ترقی ورشد طبیعی را نپیموده بود ومی‌بایست دردورهٔ پهلوی‌توجه

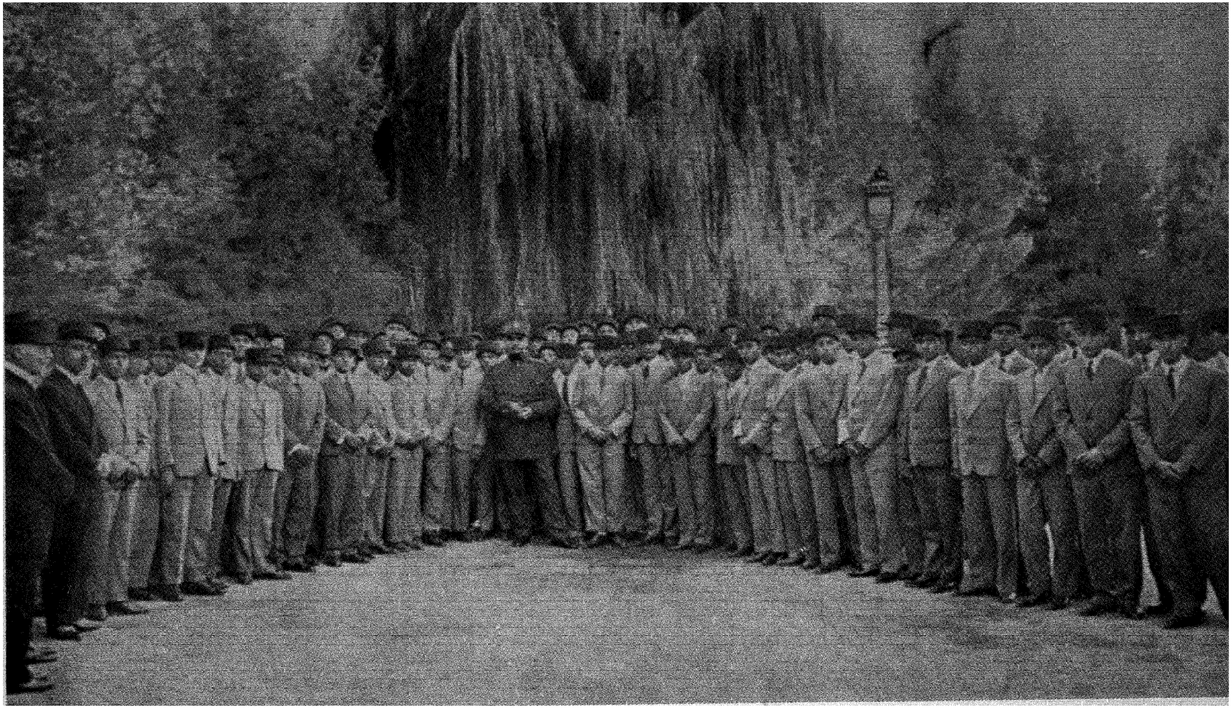
خاصی باصول آموزش و پرورش بشود و استوارترین پایهٔ تمــدن جدید را در آموزشگاههای ایران و در ذهن کودکان و جوانان کشور بگذارند . درین زمینه کوششهای بسیار بکار رفت و ترقیات آشکاری فراهم شد.

دردرجهٔ اول توسعهٔ آموزشگاهها وافزایش شمارهٔ شاگردان را بایددانست که دورهٔ پیش ازین‌حیث با این دوره بهیچ‌وجه قابل قیاس نیست. درین‌دوره سالی نبوده است که درشمارهٔ آموزشگاهها و دانش‌جویان ودانش‌آموزان و آموزگاران ودبیران ودانشیاران و استادان ومبالغی که از بودجهٔ کشور صرف این‌کارهای مهم می‌شد ترقی بسیار محسوس و مسلمی دیده نشود . سالی نبوده است که درسراسر کشور بناهای‌باشکوهی برای‌تاسیسات‌معارفی‌ساخته نشده‌باشد. گذشته ازآمارهایی که هرسال وزارت فرهنگ آن زمان چاپ کرده هر کس بارقام بودجه‌های کشور رجوع بکند می‌بیند چه مبالغی برای تاسیس و ساختمان دبستانها و دبیرستانها و دانشکده‌ها وآموزشگاه‌های‌دیگروایجادآزمایشگاه‌ها وموزه‌ها ومؤسسات‌فرهنگی دیگر که هرسال ایجاد شده خرج کرده‌اند. شاید ایراد همین نکته برای‌درك‌این مقصود عالی کافی باشد که در سراسر دورهٔ قاجارها یگانه ساختمانی که بـرای مؤسسات معارفی درایران‌برپا کردند همان ساختمان‌قدیم مدرسهٔ دارالفنون بود که در قدم اول در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیر کبیر بنای‌آن آغاز کردند ودر آغازعصرپهلوی ازبس‌آن بناسست وبی‌تناسب بوددرهم کوفتند وساختمان دیگری کردند . بجزآن دیگر درسراسراین دوره بنایی برای مدرسه ساخته نشده‌است و حال آنکه دردورهٔ پهلوی هیچ شهری در ایران نبود که لااقل دو سه بنای باشکوه برای‌کارهای‌آموزش وپرورش درآن ایجادنکرده باشند .

نکتهٔ دیگری که نمایندهٔ پیشرفتهای معارفی درین‌دوره‌است‌اعزام‌عدهٔ کثیری ازجوانان ایرانی‌برای فراگرفتن‌علوم وفنون‌جدید بکشورهای مختلف‌اروپاست.

برای این کارقانون‌مخصوصی ازمجلس گذشت‌وازسال۱۳۰۸ بجزسالهایی که مصادف با جنگ جهانی دوم شد هــر سال صد تن از جوانان ایرانی که دورهٔ متوسطه یا قسمتی ازدورهٔعالی را پیموده بودند برای‌افزایش معلومات خود بخرج‌دولت‌باروپا رفتند ودر کشورهای مختلف مانند فرانسه وآلمان و انگلستان و سویس و بلژیك تحصیلات خودرا بپایان رسانیدندودر بازگشت چه دردانشگاه وچه در کارهای‌دیگر دررأس کار قرار گرفتند . نه‌تنها وزارت فرهنك درهرسال صدتن را باروپا فرستاده بلکه‌وزارت‌خانهای دیگرومؤسسات وادارات‌دولتی نیز برای‌کارهای فنی‌خود خرج تحصیل عدهٔ کثیری را تحمل کرده‌اند و مخصوصاً وزارت جنگ یك عــده کثیر از جوانان ایرانی را در مدارس نظامی معروف فرانسه وادار بتحصیل و فرا گرفتن تخصص کرده است . می‌توان گفت بیش ازده هزارتن ازجوانان ایرانی دربن‌دوره برای مهم‌ترین کارهای فنی وعلمی‌جدید بخرج‌دولت ایران دراروپا تربیت‌شده‌اند. در دورهٔ قاجارها نیز کوشیده‌اند عده‌ای از ایرانیان را برای فرا گرفتن فنـون و علوم جدید باروپا بفرستند و از زمان فتحعلی شاه باین کار آغاز کردند اما قطعا می‌توان گفت کــه درمدت نود سال بحداکثر بیش ازشست تن بدین وسیله تربیت نشدند

نکتهٔ دیگر اینست که درآغازاین دوره تا زمانی که هنوز عدهٔ معلم ایرانی آگاه بعلوم جدید برای مدارس ایران کافی نبود واحتیاج بمعلمین اروپایی هنوز بپایان نرسیده بودوزارت فرهنگ یك عده معلم بیشترازفرانسه برای تدریس در دبیرستانها ودانشکده‌ها وآموزشگاههای دیگراستخدام کرد و بتدریس گماشت اما بمحض اینکه عدهٔ‌کافی معلم ایرانی تحصیلات خود را در اروپا بپایان رسانیدند و بایران بازگشتند دیگر استخدام معلم اروپایی ضرورنبود وبهمین جهت در قانون قید شد که هر کس را که ازاروپا بعنوان مستشار یا معلم‌می‌خواهند بایران‌بیاورند



شاهنشاه ایران درمیان دانشجویان ایرانی که درسال ۱۳۰۹ برای ادامه تحصیلات عالیه عازم اروپا بودند

باید مجلس شورای ملی تصویب کند .

گذشته از آموزشگاه‌هایی که وزارت فرهنگ سابق تأسیس کرده و گذشته ازبنگاههایی که برای تربیت افراد وافسران ارتش درصنوف مختلف و درقسمتهای گوناگون ایجاد کرده‌اند وپیش ازین درمبحث اصلاحات نظامی بدآنها اشاره رفت ادارات وبنگاه‌های دولتی دیگر نیز آموزشگاه‌های متعدد برای تربیت افراد کشورو کارمندان خود دایر کرده‌اند که شمارهٔ آنها و نتایجی که از آنها گرفته شده نیز بسیار جالب توجه بوده است مانند کلاس قضایی و کلاس ثبت اسناد و کلاس آمار و آموزشگاه تخصصی وزارت کشور ووزارت دارایی ومدرسهٔ پست وتلگراف و غیره. البته آموزشگاهها وهنرستانهای صنعتی متعددودانشکدهٔ کشاورزی وتوابع آن وعدهٔ بسیار کودکستانها وپرورشگاه‌های یتیمان وفرزندان عشایر وهنرستان دختران را نیز باید درنظر گرفت. در۱۳۱۸ نیزسازمان پرورش افکار برای تعلیم اصول نمایش و تئاتر و روزنامه‌نویسی بنگاه‌هایی تأسیس کرد و هریك ازین دستگاه‌ها نمایندهٔ پیشرفتیست که درین دوره نصیب فرهنگ ایران شده است .

دیگر از مراحل پیشرفتهای این دوره ترقیات جالبیست که درمطبوعات و صنعت چاپ فراهم شده و درین دوره جنبش مخصوصی درین زمینه فراهم آمده‌است، چنانکه مطبوعات ایران از روزنامه ومجله پیشرفتهای فراوان کردند و مخصوصا دولت محرك عمدهٔ این ترقیات بود و در اصلاح مطبوعات توجه خاصی داشت و کارمهمی که‌درین زمینه کرداجازهٔ نشرمطبوعاتی را که برای بدگویی وبهره‌جویی در دورهٔ پیش بسیار بود ندادوتنها ازمطبوعاتی که راهنمای مردم باشند تشویق کرد. نیز جنبش مهمی در چاپ کتابهای علوم و ادبیات ایران و ترجمهٔ کتابهای سودمند در رشته‌های مختلف از زبانهای بیگانه وتألیف کتابهای نو درفنون مختلف پیش آمد وازین حیث یادگارهای بسیار جالب ازین دوره ماند واین کارچه بتشویق و

راهنمایی دولت انجام گرفت وچه بواسطهٔ آنکه هرسال منظما برعدهٔ مردم تحصیل کرده و کتاب‌خوان افزوده می‌شد .

درین دوره ترقی محسوسی نیز در ادب فارسی پیش آمده است و این رشته که مدتهای مدید راکد مانده بود واز ادبیاب جدید بی‌بهره بود درین دوره وارد نهضت قطعی شد وعظمت واهمیت ادبیات ایران درنظرهمه کس هویدا گشت‌ومردم توجه خاصی نسبت بادبیات کردند . سبك‌ها و روشهای جدید درتحقیقات‌ادبی و طرزهای نویسندگی وانواع مختلف‌آثارادبی پیدا شد که‌آیندهٔ درخشانی‌را نوید داد . می‌توان گفت ایرانیان دوباره راه راباز کردند که بوسیلهٔ ادبیات خود مقام مهمی در عالم تمدن بدست‌آورند ودنبالهٔ ادبیات قدیم خود را که همواره درجهان منتهای شهرت را داشته است بگیرند. مهم‌ترین نکته اینست که پیش ازدورهٔ پهلوی یأس وبیزاری سراسرادبیات مخصوصاً شعر را فراگرفته بود و شاهکارهای پسندیده نوحه‌سرایی‌ها و زاریهـای دلخراش سرایندگان نومیـد شده بود . درین دوره پیشرفتهای ایران درهای امید ونشاط وسروررا برروی ادبیات بازکرد وآن روح مرثیه‌سرایی ازمیان رفت .

دیگرازمظاهر ترقیات فرهنك‌درین دوره اصلاح مدارس قدیم را بایددانست که دردورهٔ پیش ازهرحیث راه انحطاط وتنزل روزافزون را می‌پیمود و دیگرهیچ یك ازنیازمندیهای علمی ایران راتامین نمیکرد. موقوفات بسیاری که‌ازقدیم‌برای این کاربسیارمهم نیکوکاران ایران گذاشته‌بودند بمصرف خود که‌واقف‌قید کرده‌بود نمی‌رسید. درین‌دوره‌توجه‌خاصی‌نسبت باین‌کارشد ودرهرجا که لازم‌بوددبیرستانهای معقول و منقول درهمان محلهای مدارس قدیم که بسیاری از آنها را تعمیر کردند از همان درآمد موقوفات تاسیس شد و اصلاح اساسی در برنامها و روش تدریس آنها بعمل‌آمد . بهمین جهت جمعی کثیرازجوانان ایران درین دبیرستانها بااصول

درست مشغول تحصیل شدند والبته تأسیس دانشکدهٔ معقول ومنقول راکه برای تکمیل تحصیلات این جوانان دردانشگاه تهران تاسیس‌شده‌و باهمان‌اصول‌دایر شده است ازجمله‌کارهای مهم بایددانست .

نکتهٔ بسیار مهم تعلیم اکابر و سالمندان وپیکار با بی‌سوادی بوده است . بسیاری‌ازمردم‌ایران سالیان‌درازدر نتیجهٔ‌نادانی‌وغفلت‌دولتهااز بهره‌های گوناگون مادی ومعنوی علم ودانش بی‌نصیب ومحروم مانده بودند و کسی هرگز در صدد دستگیری‌ازیشان‌ودانایی و بینایی‌ایشان بر نیامد. درین دوره‌وسایل گوناگون‌برای تعلیم این عدهٔ بسیار که اکثریت ملت ایران‌را تشکیل می‌داد فراهم شد و هرسال جمع کثیری از زن ومرد بآسان‌ترین راه و با بهترین اصول از جهل‌و نادانی‌بعلم‌و دانایی گراییدند وازخواری وسرشکستگی که لازمهٔ بی‌سوادیست بیرون‌آمدندودر اندك مدتی خواندن‌و نوشتن‌را فرا گرفتند. بهمین‌جهت‌این‌کار راهم باید ازکارهای مهم عصر پهلوی دانست .

یکی ازمهم‌ترین‌کارهایی که درراه پیشرفت دانش درایران درین‌دوره بپایان رسید تأسیس دانشگاه تهران بود که درآغاز شامل‌شش‌دانشکده ویك عده مدارس عالیه شد . بدین‌وسیله همهٔ علوم عالی‌را که درکشورهای دیگرپسر و دخترفـرا می‌گیرنددردانشکده‌های‌مختلف‌تهران بزبان‌فارسی‌تدریس کردندواین‌خودبهترین دلیل رشد علمی ومعارفی ایران درین دوره است . نداشتن دانشگاه برای ایران مخصوصاً سرشکستگی بودزیراکه‌ایرانیان‌نخستین‌ملتی‌درجهان‌بوده‌اند که‌دانشگاه تأسیس کرده‌اند ودانشگاه‌معروف گندی شاپور درخوزستان که‌درآغازدورهٔ‌ساسانی تقریباً در۱۷۲۰ سال‌پیش تأسیس شده نخستین‌دانشگاه جهان بوده است. پس‌ازآن دردورهٔ اسلامی نیز وزیرمعروف‌ایرانی‌نظام‌الملك طوسی چندین دانشگاه‌دربغداد وبلخ ومرو ونیشابور واصفهان‌واهوازتأسیس کرده است . پیش از تشکیل‌دانشگاه

تهران‌در ایران‌تنها یك‌دانشکدهٔ‌پزشکی‌ویك‌مدرسهٔ حقوق‌وعلوم‌سیاسی‌ویك‌دانشسرای عالی ویك‌مدرسهٔ‌کشاورزی ویك‌مدرسهٔ تجارت بود که بجوانان ایرانی معلوماتی بیشتر از دورهٔ متوسطه‌می‌دادند ولی دانشگاهی نظیردانشگاه‌های اروپا که‌شامل‌همهٔ دانشکده‌ها وهمهٔ‌علوم‌عالیه‌باشدوجود نداشت ودانشگاه‌تهران‌یادگار این‌دوره‌است.

البته تردیدی نیست که درتمدن امروز کشورهایی که هنوز دانشگاه ندارندنه‌تنها درعلوم جدید بحد رشد و کمال‌نرسیده‌اند بلکه درتمدن نیزپا برجا نشده‌اند. بهمین جهت پس ازتکمیل‌دبستانها ودبیرستانها می‌بایست‌دانشگاهی شامل‌همهٔ دانشکده‌ها تأسیس شود تا جوانان ایرانی از پسرودختر بتوانند پس ازدورهٔ متوسطه‌معلومات خودرا تکمیل کنند و برای فراگرفتن علوم جدید محتاج بدانشگاههای اروپا و آمریکا وسفربخارج از ایران نشوند واین علوم را درکشورخود فرا بگیرند ودر ضمن دانشگاه یك‌بنگاه علمی‌باشد که درپیشرفتها و ترقیات علمی دستیاری کند و وسیلهٔ‌کمال هرعلمی را فراهم سازد .

دیگر از مظاهر پیشرفتهای علمی درین دوره قانون تربیت معلم و تأسیس دانش‌سرای عالی برای تربیت دبیران و دانش‌سراهای مقدمـاتی بـرای تربیت آموزگارانست که برتری وفواید این‌کاربسیار آشکارست . پیداست که تربیت‌معلم خوب‌چه اقدام اساسی درکارآموزش وپرورش بشمارمی‌رود وتاعدهٔ‌کافی‌معلم‌تحصیل کردهٔ دانا و آزموده‌در کشورنباشد نمی‌توان بنتیجه‌ای که ازمدارس بایدبدست‌آید مطمئن بود. بهمین‌جهت گذشته‌ازاصلاحات‌اساسی که در کتابهای درسی‌شدمیبایست مخصوصاً توجه تامی درپرورش‌آموزگاران ودبیران بکنند . زیرا کتاب‌هرچه‌خوب وسودمند باشدتاآموزگار و دبیرآزموده و آموخته نباشد نمی‌توان از کتاب خوب نتیجهٔ قطعی ومؤثر گرفت . بهمین‌جهت تأسیس دانش سرای عالی ودانش‌سراهای مقدماتی پسرانه و دخترانه یـکی از کارهای بسیار مهم در معارف ایران بود که

در دوره‌های گذشته بکلی از آن غافل مانده بودند و اگر هم توجهی می کردنـد بسیار مختصر بود .

دیگر از کارهای مهم این دوره اصلاح کتابهای درسی بود که وزارت فرهنگ خود مستقیماً درین کار وارد شد و یك سلسله کتاب‌های بسیار خوب و پاکیزه و خوش چاپ برای دبستانها و دبیرستانها که آگاهان هر فن تألیف کرده بودند چاپ شد و ببهای ارزان درسراسر کشور انتشار یافت . کسانی که نمونه‌ای از کتابهای درسی پیش از دورهٔ پهلوی را بدست بیاورند و نظری بر آنها بیفگنند می بینند که این کار وزارت فرهنگ چگونه لازم بوده است و چگونه نوآموزان این کشور از کتابهای بدچاپ و پرغلط که تنها کسانی برای سودجویی خود چاپ می کردند و چندین برابر بهایی را که داشت ازمردم می گرفتند نجات یافتند .

دیگر از نکات مهمی که دراصلاحات فرهنگ ایران باید درنظر داشت تأسیس دبستانهای مختلط بود که پسر و دختر تاسن چهارده‌سالگی و پایان دورهٔ ابتدایی باهم درس بخوانند. گذشته از آنکه درجامعهٔ متمدن باید مرد و زن و پسر و دختر درهمهٔ حقوق و مزایا برابر باشند در برخی مراحل باید باهم محشور باشند تا اختلافاتی که باعث تفرقهٔ جامعه و نفاق درمیان افرادست برخیزد و مرد و زن از روحیات و احساسات یك دیگر هرچه بیشتر آگاه باشند و بتعاون با یك دیگر عادت کنند و همه خودرا اعضای یك پیکر و عضو یك جامعه بدانند تا در زندگی خانوادگی یگانگی مطلق فراهم گردد . درعمل نیز ثابت شده است که درسالهای نخستین دبستان کودکان نوآموز از آموزگاری که زن باشد بیشتر و بهتر پیروی می کنند و اورا مادر خود میدانند و نتیجهٔ بهتر بدست می آید . وانگهی استعداد زنان برای تدریس در دبستانها و دلسوزی و پشتکارشان درین زمینه بیشترست و بهمین جهت یکی ازمهم ترین وسایلی که می بایست دراصلاح دبستانها و روش آموزش و پرورش در آنها بکنند تأسیس دبستانهای مختلط بود

که پسرودختر درمراحل اولیهٔ تحصیل با هم شریك و معاشر باشند وکارکنان و آموزگاران این دبستانها زن باشند. این اصلاح درین دوره صورت گرفت و باید آنرا یکی ازاصلاحات مهم شمرد . البته درین‌ضمن‌باید در نظر داشت که پذیرفتن دختران درداانشکده‌ها نیزبهمان درجه ازاهمیت‌بوده است زیرا تردیدی نیست که درتمدن امروزجهان زن ومرد باید بتساوی شریك وسهیم ومخصوصادر کسب‌دانش برابر باشند زیرا بسیاری‌ازفنون ورشته‌هاهست که زنان بیش‌ازمردان‌در آن‌استعداد دارند وهیچ دلیلی نیست که آنها را ازفراگرفتن این فنون محروم کنند وجامعه‌از ترقیاتی که ممکنست درین‌راه پیش‌آید بی‌نصیب بماند . بهمین جهت درین دوره پسر ودختر باهم دردبستانهای مختلط ودردانشگاه پذیرفته شدندوقراربوداندکی که گذشت وتجربه‌های لازم بدست‌آمد دردبیرستانهم باهم باشند . دریغا که پس‌از انقضای این دوره دبستانهای مختلط را که از کارهای حکیمانهٔ عصر پهلوی بود منحل کردند .

دیگرازاصلاحات مهمی که درین زمینه صورت گرفت تصفیهٔ زبان فارسی از کلمات والفاظ وترکیبات ناملایم و ناگوارزبانهای بیگانه و تأسیس فرهنگستان ایران برای این‌کار و اقداماتی بود که درین دوره درین‌راه بعمل‌آمد . تردیدی نیست که زبان یکی ازآثار عمدهٔ ملیت هرقومیست و باید نمایندهٔ روح ملی آن مردم ومهیج ومسبب این روح باشد . چنانکه درتاریخ هزارسالهٔ گذشتهٔ ایران هرگاه که روح ملی در کشور بیدارشده ونیرو گرفته است بزرگان ایران یکی‌از مهمترین چاره‌جویی‌ها را برای نافرمانی ازبیگانگان‌ترویج زبان‌وادبیات وتصفیهٔ زبان دانسته‌اند . دانشمندان بزرگ ما که روح ایرانی نیرومند داشته‌اند تنها بنوشتن کتابهای مخصوص برای این که ازین کار پشتیبانی کرده باشند قناعت نکرده‌اند بلکه جدی در ساختن اصطلاحات و بی‌نیاز کردن زبان از کلمات و

ترکیبات زبانهای بیگانه داشته‌اند و این کاریکی از چاره‌جویی‌های بسیار مهم ومؤثری بوده که همواره درمدت‌هزارسال بزرگان ایران درهرفن وهررشته که بوده‌اند وجههٔ همت خود قرارداده‌اند. ازطرف دیگر درمدت دویست سال گذشته ومخصوصاً درسی‌سال پایان دورهٔ قاجارها زبان فارسی بسیار تباه وفاسدشده بود وبهمین‌جهت روح ادبی آن‌تنزل کرده وضعیف‌ترازهرزمانی شده‌بود. ازطرف دیگر علوم جدیدی درتمدن امروزپیداشده بودکه برای هیچ‌یك ازآنها اصطلاحاتی در زبان فارسی‌نبودوممکن‌نبودبانداشتن‌آن اصطلاحات‌آن‌علوم‌را بزبان‌فارسی‌تدریس کنند ویا تألیف کنند. ناچاریك سلسله اصطلاحات مهم ضرورت‌کامل داشت. قهراً این وضع ایجاب می‌کردکه باصلاحات مهم و کارهای عمده در زبان فارسی آغاز کنندکه خود زمینهٔ یك سلسله اقدامات اساسی باشد واین‌آرزوی هزار سالهٔ دانشمندان ایران برآورده شود. این مشکل بزرگ ملیت ایران بفرهنگستان که درین دوره برای این مقصود عالی تشکیل یافت سپرده شد و بزودی نتایج مهم‌آن درزبان‌فارسی پدیدآمد ومردم باذوق ایران نیزراهنمایی‌های‌حکیمانهٔ فرهنگستان ایرانرا باکمال‌آسانی‌وخوشرویی پذیرفتند ونتایج این‌کاربزرگ درزبان فارسی محسوس شد.

دیگرازکارهای مهمی‌که درین دوره شده تصویب قانون طبابت و مقررات واصولیست‌که دربارهٔ پزشکان وضع کردند تاکسانیکه باین شغل شریف‌میپردازند همهٔ جهات علمی دریشان جمع باشد واگرازدانشگاههای معتبر اسنادی دردست ندارند امتحانهایی بدهند و لیاقت علمی خودرا ثابت‌کنند و اگر تحصیلات کامل نکرده‌اند بعنوان طبیب مجازتنها بمعالجهٔ برخی ازبیماریها بپردازند واین عنوان ازین عده که گذشت درآینده بکسان دیگرداده نشود. چون این‌کار نیزآثارعمده درزندگی‌مردم‌کشور داشته است جا داردکه آنرا نیزاز اصلاحات اساسی این

عصر بشماریم .

دیگر از کارهای بسیار مهمی که درین دوره شده وجزو اصلاحات اساسی معارف ایران باید دانست موضوع ورزش وتربیت بدنیست که نخست قانونی برای اجباری بودن ورزش درمدارس گذشت وسپس یك سلسله کارهای مهم درتأسیس انجمن‌های تربیت بدنی وفراهم کردن زمین‌های ورزش وتأسیس پیش آهنگی درمیان دختران وپسران وبرقرار کردن جایزه‌ها ومسابقه‌های ورزشی وآماده ساختن جوانان کشور ازپسرودختر برای شرکت دررژه‌ها ودفیله‌ها وجزآن انجام گرفت . درین دوره کوشش بسیاردرین زمینه بنتایج مهم رسید وسبب شد که بزودی ورزشکاران ایران با ورزشکاران کشورهای دیگر برابر شوند وبرخی ازیشان درمسابقه‌های بین‌الملل بردیگری برتری یافتند . تردیدی نیست که هرچه آدمی‌زاده نیرومندتروزورمندتر وتن‌درست‌تر باشد پیشرفت کاراودرجهان بیشتر خواهدبود واندیشهٔ اوسالم‌تر وصائب‌تر ودماغ اوتروتازه‌تر واستعداد اوبرای اخذعلم وهنر بیشتر خواهد شد ، مخصوصاً در میان مللی که بواسطهٔ سالها خواری وسرشکستگی ودرماندگی ونومیدی زندگی بارگرانی شده بود ودرپرورش جسم خود نمیکوشیدند بیشتر باید باصلاح نژاد و پرورش افراد زورمند وتن‌درست پرداخت زیرا که زورمندی وتن‌درستی قهراً نشاط وشور وشعفی درزندگی فراهم میکند که بر نیروی کاروخدمت می‌افزاید.

البته چنانکه سابقاً هم اشاره رفت خدمت نظام یکی از مؤثرترین وسایل درین زمینه بوده است ولی می‌بایست کودکانرا ازآغاز زندگی وپیش ازآنکه بسن خدمت نظامی برسند نیرومند وتن‌درست بکنند ویگانه راه همان اصول ورزش در آموزشگاهها وتربیت بدنی ومخصوصاً پیش آهنگی بوده‌است که گذشته از تقویت جسم بتقویت روح هم می‌پردازد وکودکان ازآغاززندگی باستقلال واتکای بنفس و معاونت بایك دیگرودستگیری ازافـراد وانس بزندگی اجتماعی خومی گیرند و

هزاران نکتهٔ دیگردرذهنشان جای گزین و فطری ایشان می‌شود . بدین جهاتست که توسعهٔ تربیت‌بدنی‌را که مطلقاً دردوره‌های گذشته درآموزشگاه‌های ایران‌نبود و تنها درین دوره برقرارشد باید یکی از مهمترین اصلاحات معارفی و فرهنگی دانست .

دیگراز‌اصلاحات معارفی مهم این دوره تعظیم وتکریم ازبزرگان ایران و بزرگداشت مفاخر کشور واقدامات گوناگونی‌بوده‌است که‌درین‌دوره برای‌بزرگ کردن وجاودان کردن نام دانشمندان‌وهنرمندان ومردان بزرگ‌تاریخ کرده‌اند . درضمن بحث دربارهٔ اصلاحات اجتماعی این‌دوره باین نکتهٔ بسیارمهم‌اشاره کردم واینك جادارد دربارهٔ آنچه مخصوصاً درحق دانشمندان وهنرمندان ایران کرده‌اند توجه خوانندگانرا جلب کنم زیرا که این بزرگان نه‌تنهاوثیقه‌های پایدارو‌برقرار افتخارات جاودانی ایرانند و این‌کارتنها وسیله‌ایست که ایرانی در جهان دانش عظمت ملت خود را نشان دهد و سهمی را که پدرانش درعلم و هنروتمدن جهان داشته‌اند ثابت کند بلکه بهترین وسیله‌ایست که نام نیك نیاگان بزرگوارخودرا درجهان پراگنده سازد واحترام واقعی وحقیقی درهمهٔ جهان بدست‌آورد. درضمن این‌کاربهترین سرمشق ومحرك‌وراهنماونمونه برای افرادکشوروآیندگان خواهد بودتا ازین‌مردان بزرگ پیروی کنند و بدیشان بگروند و بکوشند همواره از کارهای‌بزرگی که ایشان کرده‌اندسرمشق بگیرند ومنتهای‌آرزوشان این باشد که بپایهٔ این مردان بزرگ برسند ویك قسم عبادت و پرستشی درمیان مردم نسبت باین‌بزرگان که‌همیشه‌راهنمای آدمی‌زادگان ورهبران‌تمدنها بوده‌اند فراهم‌شود .

برای اینکه اهمیت اصلاحات فرهنگی ومعارفی درعصرپهلوی‌کاملا برجسته باشد ارقامی دربارهٔ چندسال ازآغاز وپایان این دوره‌کاملا مطالبی‌را که‌درین‌بحث آورده‌ام روشن خواهد کرد :

سال ۱۳۰٤ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۷،۷۳۱،۳۸۰ ریال.

سال ۱۳۰۹ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۱۸،۹۸۳،۷۵۰ ریال :

سال ۱۳۱٤ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۵۸،۰۰٤،۰۷۰ ریال .

سال ۱۳۲۰ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۱۵٤،۸۵٦،۰۰۰ ریال .

سال ۱۲۹۷ عدهٔ دبستانها ٤۵ عدهٔ دبیرستانها ۱۱ .

سال ۱۳۰۳ــ۱۳۰٤ شمارهٔ دبستانها ٦٤۸ شمارهٔ دبیرستانها ۸٦ .

سال ۱۳۰۸ــ۱۳۰۹ شمارهٔ دبستانها ۱۰۰۰ شمارهٔ دبیرستانها ۱٤۱ .

سال ۱۳۱۳ــ۱۳۱٤ شمارهٔ دبستانها ۱۳۰۱ شمارهٔ دبیرستانها ۱٦۰ .

سال ۱۳۱۹ــ۱۳۲۰ شمارهٔ دبستانها ۲۳۳۱ شمارهٔ دبیرستانها ۳۲۱ .

مدارس حرفه‌ای تنها در ۱۳۱۳ تأسیس شد وعدهٔ آنها بده رسید .

دانش سراهای مقدماتی نیز در ۱۳۱۳ دایر شد وعدهٔ آنها در آن سال ۷ بود ودر ۱۳۱۹ به ۲۹ رسید .

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۲٤،۰۳۳ .

سال ۱۳۰۳ــ۱۳۰٤ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۵۵،۹٦۰ .

سال ۱۳۰۸ــ۱۳۰۹ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۱۱۲،٤۸۵ .

سال ۱۳۱۳ــ۱۳۱٤ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۱٦۷،٦۸۲ .

سال ۱۳۱۹ــ۱۳۲۰ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۲۸٦،۵۹۸ .

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۲،۳۹۲.

سال ۱۳۰۳ــ۱۳۰٤ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۷،۷۹۳.

سال ۱۳۰۸ــ۱۳۰۹ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۱۰،۰٦۱ .

سال ۱۳۱۳ــ۱۳۱٤ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۱۳،۵۸۰ .

سال ۱۳۱۹ــ۱۲۲۰ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۲٦،۸۷۳ .

سال۱۳۱۳ـ۱۳۱٤ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای۷۹۳ .

سال۱۳۱۹ـ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای ٦۱۵ .

سال۱۳۱۳ـ۱۳۱٤ شمارهٔ شاگردان دانش‌سراهای مقدماتی۵٤۲ .

سال۱۳۱۹ـ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان دانش سراهـای مقدماتی۱،۲٦۹.

کودکستانها تنها در ۱۳۱۳ دایرشده‌اند. درین‌سال‌عدهٔ کودکان ۲،٤٤۷ودر ۱۳۲۰ عدهٔ آنها۱،۸٦٤ بوده است .

وسایل ارتباط

کشورما سرزمین بسیار پهناوریست که یك میلیون و ششصد و چهل وچهار هزار کیلومترمساحت‌دارد واطراف آنرا کوهستان‌و نواحی کوهستانی‌فرا گرفته‌ودر میان این حاشیه از کوههای بلند دشت‌ها وجلگه‌هاییست که نواحی مرکزی‌ایران را فراهم ساخته است . بهمین جهت ایرانیان در تاریخ نخستین ملتی بوده‌اند که راههای بزرگ ساخته‌اند ودر راهسازی اهتمام کامل‌داشته‌اند . بنا بر آنچه تاریخ نشان می‌دهد در زمان داریوش بزرگ‌شاهراهی ساخته شده بود که آسیای شرقی را بآسیای‌غربی متصل‌میکردوازسرحد چین ازروی رودجیحون سرزمین‌ماوراءالنهر راطی می کرد وازآنجا بخراسان می‌رسیدوازهمان راه امروزی‌خراسان بشهرری می‌آمد وازهمان‌راه‌امروزی تهران‌بسرحدعراق یا‌بین‌النهرین امروز وشهرمعروف بابل می‌رفت واز آنجا بآسیای صغیرمی‌رسید وازشهرسارد پای تخت کشورلیدی که خراج‌گزار ایران شده بودمی گذشت وازآنجا باقصای‌آسیای‌غربی‌بسواحل‌دریا می‌رفت . این راه‌را مورخان قدیم راه شاهنشاهی‌نام نهاده بودند ودرسراسرتاریخ قدیم اهمیت بسیار بآن داده‌اندزیرا که یگانه راه بازرگانی درمیان اروپا وآسیا بود وشهرهای بزرگ ایران قدیم مانند بخارا وسمرقند ومرو وبلخ وهرات‌وطوس ونیشابور وری وهمدان وتیسفون برسراین شاهراه قرار گرفته بودند . بنا بر آنچه

مورخان قدیم گفته‌اند درطول این‌راه همه‌جا راهدار خانهای بسیارساخته بودنـد که وسایل‌رسانیدن چاپاردر آنجاها فراهم بود وحتی میلها و تپه‌ها و بلندیهایی در فواصل معین تعبیه کرده بودندوفاصلهٔ میان هردومیل‌یك‌منزل بود بهمین‌جهت میل بالاترین مقیاس طول شده بود. شب‌ها روی این بلندیها آتش می‌افروختندتاخط سیرراه معلوم باشد ومسافران‌وکاروانها بیراهه نروند و گمراه نشوند. چنان‌مینماید که گذشته‌ازین‌شاهراه معروف‌دردورهٔ‌هخامنشیان‌راههای دیگری برای‌لشکر کشی بیونان ومصرساخته‌اند که جسته جسته آثار آنرا باستانشناسان در ترکیه و سوریه کشف کرده‌اند.

در دوره‌های بعد مخصوصاً در دورهٔ ساسانیان که تجارت ابریشم چین پیش ازآنکه پرورش کرم ابریشم‌در ایران‌معمول‌شودبدست ایرانیان وازراه‌ایران‌تأمین میشد وبرای کشورهای غرب‌اهمیت بسیارداشت این‌شاهراه را راه ابریشم‌نامیدند واهمیت بسیار درتجارت و سیاست جهان داشت و حتی یکی از دلایل عمدهٔ رقابت های سخت درمیان امپراتوری رم ودربارهای اشکانیان و ساسانیان برسرهمین راه بود. سپس مدتهای مدید پس از انقراض ساسانیان در دوره‌های اسلامی این راه هم‌چنان دراهمیت قدیم خود باقی مانده بود وخلفا نیزبدان اهمیت بسیارمی‌دادند وهمان تشکیلات چاپارهای‌زمان‌ساسانیان‌را که بهمان‌اصطلاح قدیم زبانهای‌ایرانی «برید»می گفتند باقی نگاه‌داشته‌بودند ویکی‌ازمهم‌ترین مناصب‌درهردرباری‌منصب «صاحب برید» بود که تقریباً مقام وزارت داشت. ترتیب برید این‌بود که‌درهردو فرسنگ یا دوازده میل ایستگاه‌هایی‌بود که همواره درآنها چهارپاهایی‌زین کرده برای رساندن مراسلات‌رسمی آماده‌بودوحامل آن مراسلات که‌می‌رسیدمرکوبی‌را که‌سوار بودرهامی کردوبرآن‌مرکوب‌تازه نفس‌می‌نشست‌وراه‌خودرادنبال‌می کرد. این ترتیب ازدورهٔ هخامنشیان‌تاآن زمان‌باقی مانده‌بود وبدین‌جهت می‌توان گفت

که ایرانیان نخستین ملتی هستند که در تاریخ جهان اصول چاپاروپست را برقرار کرده‌اند و آتشهایی که روی بلندیها می‌افروختند علایمی برای رساندن خبر بود واین‌هم یك قسم تلگراف یاتلفن بوده است.

این راه تجارتی معروف نزدیك دوهزاروچهارصد سال یگانه رابطه‌درمیان آسیا واروپا بود، تاآنکه در ۱۸۶۹ میلادی حفر ترعهٔ سوئز بپایان رسید واین راه اهمیت خود را ازدست داد زیرا چون‌راه دریایی در میان اروپا وخاوردور دایر شد قهرا این راه دیگر آن اهمیت بین‌الملل را نداشت.

در دوره‌های‌بعدهم‌چنان درایران براه‌سازی اهمیت بسیارداده‌اند. مخصوصاً درزمان صفویه که شاه‌عباس‌اول براه‌سازی بسیارتوجه داشته است ونه‌تنها راههای قدیم را که ویران شده بود دوباره تسطیح کرد و در طول‌آن راهها کاروانسراهای متعددساخت که بسیاری ازآنها هنوز باقیست وبنام‌کاروانسرای شاه‌عباسی‌معروفست بلکه راههای جدیدی ساخت که معروفترین‌آنها راه‌مازندران و کرانهٔ‌دریای خزر ازراه تهران باصفهان بوده است. بسیاری ازقسمتهای این راه‌را سنگ فرش کرده بودند چنانکه قسمتی ازآن سنگ فرشها درمیان علی‌آباد سابق (شاهی امروز) و ساری باقی مانده بود و درعصر پهلوی که راه شوسهٔ مازندران را می‌ساختند بآن سنگ‌فرشها پی‌بردند ونیزدرطول این راه پلهای متعدد ساخته بودند.

صنعت پل‌سازی نیزاززمانهای بسیار کهن درایران در کمال ترقی‌بوده است وپلهایی که در دوره‌های مختلف تاریخ در ایران ساخته‌اند همیشه درمنتهای شکوه واستحکام بوده است . ازپلهایی که پیش ازساسانیان درایران ساخته‌اند اندك‌آثاری باقیست و پیداست که در آن زمان پل‌سازی رواج کامل داشته است . اما ازدورهٔ ساسانیان پلهایی که برخی‌ازآنها نزدیك‌هزاروهفتصدسال عمر کرده‌اند‌درخوزستان وفارس‌باقیست‌وبرخی ازپلهای‌ایران مانندپلهای‌خوزستان واصفهان که‌یادگاردورهٔ صفویه وپیش ازصفویه‌اند ازشاهکارهای پل‌سازی با سنك وآجر بشمارمی‌روند .

چنانکه سابقاً اشاره رفت ایرانیان، در ساختن سد نیز بسیار هنرمند بوده‌اند

وسدهای خوزستان وبند امیر درفارس که از یادگارهای عضدالدولهٔ دیلمی آل بویه است بهترین نمونهٔ سدسازی‌های قدیمست .

اما در دورهٔ قاجارها مخصوصاً در صد سال آخر آن دوره آن توجه باستانی که‌پیوسته‌ایرانیان براه‌سازی‌داشته‌اند در نتیجهٔ ناامنی‌وانقلابهای داخلی وآشفتگی اوضاع کشور وضعف وسستی دولتهای وقت ازمیان رفته بودونه‌تنهاراههای جدیدی نساخته بودندبلکه‌راههای قدیم یکسره بایرو ویران شده بود، چنانکه همان راه معروف مازندران که‌شاه‌عباس اول ساخته بود کورشده بود. اگرراههایی درایران فراهم شد برخی‌ازآنهارا مردم نیکوکاربرای‌آسایش مردم راهگذرساخته بودند یا راههایی بود که امتیازآنها رابیگانگان داده بودند ویا راههایی بود که در جنگ جهانی اول برای حوایج‌نظامی ولشکرکشی‌های دول بیگانه تسطیح کرده‌بودند. چنانکه یگانه راه تجارتی شمال بپای تخت راه بندر انزلی (پهلوی) بتهران بود که امتیازآنرا بیك شرکت روسی‌داده بودند وازمسافروکالا راهداری‌می گرفتند ویگانه راه تجارتی پای تخت بجنوب‌هم راه تهران بقم وسلطان‌آباد (اراك)واهواز بود که امتیازآنراهم بیك شرکت انگلیسی داده بودند وراهداری می گرفت. تنها راهی که در مغرب ایران وجود داشت راه تهران بقزوین و همدان و کرمانشاه و سنندج و خسروی بود که در جنگ جهانی اول برای لشکرکشی ساخته بودند . دیگرراه اردبیل بآستارا بود که یکی ازبازرگانان تهران امتیازآنرا گرفته بود و راهداری می گرفت . یگانه راهی که دولت درپایان دورهٔ قاجارها ساخت راه تهران بدماوند بود که یك مهندس بلژیکی مامورساختمان آن شده بودودرآن نیز راهداری می گرفتند . پیداست که این راهها نیز ازدزدان وغارتگران چادرنشین مسلح درامان نبودند ودرگردنه‌ها وتنگه‌ها و پیچ وخمهای آنها همیشه مسافر و کاروان درخطرغارت ویغما و گاهی کشتاربودند .

بهمین جهت در دورهٔ پهلوی یکی از کارهای بسیار مهم که در راه امنیت و آبادانی کشور شده تسطیح راههای قدیم و ایجاد راههای جدید بوده است که یك رشته از مهم‌ترین و پرخرج‌ترین کارهای دولت را درین مدت دربردارد. درضمن همهٔ وسایل ارتباط جدید مانند وسایل نقلیهٔ سریع‌السیر و بندرها و پست و تلگراف و تلفن و پست هوایی و تلگراف بی‌سیم و کشتی‌رانی بازرگانی و غیره فراهم شده است.

در آغاز باید ساختمان راههای شوسه و اتومبیل‌رو را در نظر گرفت. چنانکه پیش ازین اشاره کردم در پایان دورهٔ قاجارها تنها راه پهلوی بتهران و اهواز بتهران وخسروی بتهران ودماوند بتهران واردبیل بآستارا بود که شرکت عمومی بنابر امتیازی ساخته بود وجمع مسافت آنها روی همرفته درحدود دو هزار کیلومتر بود وحال آنکه در دورهٔ پهلوی بیش از دوازده هزار کیلومتر راه شوسهٔ اتومبیل‌رو در کمال خوبی ساخته شده است که شش برابر راههای سابق می‌شود. این دوازده هزار کیلومتر شامل ۱٦ شاهراه بزرگ و۱۵ راه فرعی در میان چند شهر بوده است.

گذشته ازین همان راههای ساخته شدهٔ سابق را باردیگر تسطیح کرده و در بسیاری از جاهای آن پلهای بزرگ و کوچك ساخته‌اند. در بسیاری از نواحی راههای سابق را گشادتر کرده‌اند و در میان آنها راههایی هست که پیش ازآن وجود نداشت یعنی راههای تنگ پرنشیب و فراز بود که گاهی کاروان هم بدشواری از آنجا می گذشت. در میان شاهراههای مهم که درین دوره ساخته شده چندین راه بسیار مهم هست که از حیث تجارت و اقتصاد و رفاه مردم کشور و توسعهٔ قدرت دولت وبسط نفوذ آن و امنیت کشور اهمیت بسیار دارند مانند راه تهران بمازندران از راه دماوند وراه تهران بمشهد و مرزهای مشرق ایران و راه تهران

ببوشهر و کرانه‌های خلیج فارس و راه تهران بتبریز وازآنجا بشهرهـای عمدهٔ آذربایجان وراه تهران بخرم شهروسایر نواحی خوزستان وراه تهران بکرمان که هریك درحد خود اهمیت خاصی داشته‌اند وساختمان وتسطیح آنها نه‌تنهـا یکی‌از مهم‌ترین‌کارهای این دوره‌بود بلکه گاهی ازدشوارترین‌وپرخرج‌ترین کارها بشمار میرفت . بسیاری ازنواحی ایران بود که حتی مردم پایتخت سابقاً آنها را بچشم ندیده بودند وتنها نـامی ازآنها شنیده بودندودرین دوره مردم توانستندباکمال آسودگی وآسانی پس‌ازچند ساعت بآنجا برسند. نکته‌ای که مخصوصاً بایدمتوجه آن بود برداشتن موانع بسیارست که درین راهها بود وگذشته ازساختمان پلهای بسیاربزرگ برروی رودها مانند پل اهواز برکارون وپل سفید رود برسرراه‌رشت بلاهیجان نیز کوهها و کتلهای بسیار در سرراه بوده است کـه تنها همت مرد بزرگی می‌بایست آنهارا ازمیان بردارد مانند گردنهٔ معروف قافلانکوه برسرراه آذربایجان و کوههای بسیار سخت متعدد در لرستان برسر راه خوزستان وموانع بسیار در سرراه شیراز ببوشهر. هرکس که سفری از تهران بچالوس کرده باشد و یانقشهٔ این قسمت ازایران را ببیند و عدهٔ پلها و تونلهایی را که برای ساختن این راه لازم بوده است بنگرد می‌داند که چه کوشش‌هایی درین زمینه کرده‌اند. البته موضوع راه آهن ایران بحث جداگانه دارد که پس‌ازین در مبحث خاص بمیان خواهدآمد .

دیگرازپیشرفت‌های مهم درین دوره پیشرفت وسایل نقلیه بوده است وشکی نیست که ایران درین دوره ترقیات عظیمی کرده است . تاپایان دورهٔ قاجارها وسایل‌نقلیه درایران منحصر بهمان وسایل بدوی قرنهای گذشته بود وبجزیکی دو راه که در آنهاکالسکه و دلیجان با کمال دشواری راه میپیمود وباکمال کندی پیش می‌رفت در راههای دیگرجزشترواسب والاغ و قاطرچیزی برای راه‌پیمایی

نبود . درراه‌هایی هم که کالسکه و دلیجان کار میکرد باندازه‌ای راه بد بود که بکالسکه‌ای که چهارتن در آن مینشستند چهار اسب می‌بستند و آن اسبها در یك منزل راه باندازه‌ای خسته می‌شدند که می‌بایست آنها را رها کنند واسبهای تازه نفس بجای آنها ببندند و کالسکه‌چی ومسافر نیزچنان کوفته‌شده بودند که‌میبایست چند ساعت راحت کنند واگر شب‌فرارسیده‌بود شب‌رادر آن منزل ودر راهدارخانه بمانند. در آن زمان مسافت از تهران تا بندرپهلوی‌را مسافران اروپا چهارپنج‌روزه طی میکردند وبرای بردن پست جز گاری وسیلهٔ دیگری درمیان نبود. درپایان دورهٔ پهلوی بیش‌ازسی‌هزاراتومبیل بارکش وسواری در راههای ایران از شمال بجنوب وازشرق‌بغرب راه می‌پیمود و درازترین راه‌های کشور باین‌پهناوزی بیش‌از سه‌روز وقت نمی‌گرفت . حتی در میان بسیاری از قصبه‌ها و ده‌های کشور درین مدت راههای فرعی ساخته‌اند چنانکه بده‌ها نیزمی‌توانستند بااتومبیل بروند و روی همرفته درین‌زمینه ترقی فوق‌العاده‌ای پیش‌آمده ودرین دوره زندگی‌ایران ازین حیث دگرگون شده و این‌کارها تا این اندازه در آبادانی کشور موثر بوده است .

دیگرازکارهای‌مهمی که درزمینهٔ وسایل ارتباط کرده‌اند ساختمان‌بندرهای جدید واصلاح بندرهای سابقست که پیداست‌تاچه‌اندازه این‌کار دربازرگانی‌ایران اهمیت دارد . درین دوره کوشش فراوان درین زمینه کرده ومبالغ خطیری درین راه خرج کرده‌اند . درخلیج فارس بندرشاهپور بااصول علمی جدید ساخته شد و ازهرحیث برای پناه دادن کشتی‌های بزرگ اوقیانوس‌پیما آماده گشت . درشمال بندرهای چند درکرانهٔ دریای خزر ساخته شد که مهم‌ترین آنها بندرشاه و بندر نوشهرست ونیز دربندرهای دیگر ایران که محتاج باصلاحات اساسی بوده‌اند کارهای مهم کرده‌اند ازآنجمله دربندرپهلوی وبندرخرمشهربوده است .

دیگر ازوسایل ارتباط که درین دوره توسعه یافته پست و تلگراف و تلفن در سراسر کشور بوده است . نه تنها کارهای پست اصلاح اساسی بخود دید و وسایل کار را تکمیل کردند و نظم و ترتیب خاصی در آن دادند بلکه دفترهای پستی و تلگرافی متعدد درین دوره در جاهایی که سابقه نداشت دایر شد و چند خط تلگرافی تازه نیز بکار افتاد ، چنانکه در پایان دورهٔ قاجارها تنها ۲۱۸ دفتر پست و تلگراف درین کشور بدین وسعت دایر بود و در پایان سال ۱۳۱۶ این شماره به ٤٧٥ رسید یعنی در مدت ۱٦ سال بیش از دو برابر شد . کارمهم دیگر این بوده است که وسایل رساندن پست را بتوسط وسایط نقلیهٔ سریع السیر کاملا تامین کردند .

نکته‌ای که درین مورد باید توجه خاصی بدان کرد اینست که امنیت کشور در پیشرفت کار بسیار موثر بوده است . زیرا که در دوره‌های گذشته بارها اتفاق افتاده است که محمولات پستی را در راه راهزنان وغارتگران ربوده وتاراج کرده‌اند و ناچار بمقصد نرسیده است و نیز سیمهای تلگراف را سرکشان و تاراجگران پاره میکردند و مدتهای مدید روابط پستی و تلگرافی ناحیه‌ای با ناحیهٔ دیگر وحتی با پای تخت قطع می‌شد و بسیار اتفاق افتاد که ادارات تلگراف بعنوان آنکه سیم پاره شده و تلگراف دایر نیست از پذیرفتن تلگرافها خودداری کردند. پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده اینست کــه در دورهٔ قاجارها برخی از خطوط عمدهٔ تلگراف ایران متعلق بشرکت انگلیسی تلگراف هندواروپا بود و بدست بیگانگان اداره می‌شد و رابطهٔ ایران با اروپا بدست همان شرکت بود . پیداست که این وضع منافی با حیثیت کشور بود و مضار گوناگون داشت و آن رشته سیمها درین دوره بدولت ایران تعلق گرفت و دیگر دست بیگانه در کار تلگراف ایران دخالت نکرد. درهمان دوره بیگانگان درضمن انقلابات وتجاوزات بخاك ایران در برخی نواحی جنوب ایران پستی ازخود دایر کرده ومحمولات پستی را می‌پذیرفتند واین وضع

نیز درین دوره بپایان رسید .

دیگر از اصلاحات اساسی درین دوره اصلاح تلفن را باید درنظرداشت . در دورهٔ قاجارها در بسیاری از شهرها و نواحی ایران تلفن نبود و درهر جا که بود بهیچ وجه ترقی نکرده بود وبهمان اصول قدیم باقی مانده بود واحتیاج مردم را بر نمی‌آورد. تلفن همهٔ شهرها را باشخاص امتیازداده بودندوایشان تنهارعایت‌نفع خود را میکردند ورفاه و آسایش مردم در نظر نبود . درین دوره در نتیجهٔ اقدامهای گوناگون دولت اصلاح اساسی در تلفن‌های شهرهاو نواحی مختلف بعمل آمدوازین حیث نیز پیشرفتی فراهم شد و رشته‌های جدید درمیان نواحی متعدد مملکت دایر گشت . تلفن تهران که بهمان اصول سابق باقی مانده‌بود خودکار شدو وسایلی فراهم آمد که تلفن برخی ازشهرهای دیگرراهم خودکار بکنند.

دیگر از کارهای مهم در زمینهٔ وسایل ارتباط ایجاد پست هوایی بوده استکه جدیدترین وسیلهٔ این کار بشمارمی آید وهنگامی که ایران بدین کار آغاز کرد هنوز بسیاری از کشورها پست هوایی نداشتند . نخست اجازه‌ای بشرکت هواپیمایی آلمانی یونکرس برای تاسیس پست‌هوایی‌درمیان‌شهرهای‌مهم ایران‌ومیان‌ایران و اروپا داده شد وچندی‌هم دایر بود اما چون شرکت مزبورازین کارمنصرف شدپست هوایی داخلهٔ کشور تعطیل‌شد وسپس اجازهٔ دیگری بشرکت لوفت‌هانزا که شرکت هواپیمایی آلمانی دیگری بود برای دایر کردن پست هوایی در میان ایران و اروپا وایران وافغانستان داده شد که محمولات پستی ومسافر ببرد وسپس دولت‌در صدد برآمد خطوط هواپیمایی غیرنظامی چند در ایران دایر کند و روابط هوایی را درمیان نواحی مختلف کشور برقرارسازد .

دیگر از وسایل ارتباط بسیارمهم که درآغاز این دوره برقرار شد تلگراف بی‌سیم بود که‌آن نیز اثر مهمی درآبادانی وعمران و امنیت کشور و ایجاد تمدن

جدید و بیدار کردن مردم وفراهم آوردن وسایل آسایش داشت . مرکزمهمی برای تلگراف بی‌سیم با بهترین وسایل جدید در بیرون شهر تهران دایر شد و رابطهٔ تلگراف بی‌سیم ایران باهمه کشورهای جهان فراهم آمد وهمهٔ مردم کشور توانستند از آن بهره‌مند گردند و این وسیله مخصوصا در بازرگانی امروز که نیازمند بسریع‌ترین وسایل مخابره است اهمیت بسیار دارد وازوسایل عمدهٔ دول جدید و کشورهای متمدن بشمارمی‌رود ونمی‌توان منکرفواید گوناگون آن شد.

دیگرازوسایل ارتباط که دولت درصدد تهیهٔ آن برآمد کشتی‌رانی تجارتی بود که درایران پیش از آن بهیچ وجه دراندیشهٔ آن نبوده‌اند وتنها برخی ازاتباع ایران کشتی‌های کوچکی که بیشتر آنها فرسوده ومندرس بود در رودهای جنوب وبرخی ازنواحی خلیج فارس ازقدیم‌دایر کرده بودند که مدتهای مدید هیچ‌اصلاح وترقی درآنها وارد نشده بود و بهیچ وجه کفاف نیازمندیهای کشور را نمی‌داد . بهمین جهت تمام حمل ونقل دریایی ایران را کشتی‌های شرکت‌های بیگانه‌بعهده داشتند وقطعا لازم بود روزی وسایل دریایی متعلق بایران پیدا شود و این حاجت عمومی و مهم کشور را تامین کند . بهمین جهت دولت‌درصدد شد درین کار مقدم باشد وسرمشق عملی بدیگران بدهد وپس ازآنکه نیروی دریایی جنوب آماده‌شد بدین وسیله امنیت دریاهای جنوب فراهم آمد و وسایل مهم برای جلوگیری از قاچاق دریایی در خلیج فارس و رودهای جنوب ایران مهیا گشت و ازین حیث دیگر هیچ‌نگرانی نماند وموقع آن رسیده بود که کشتی‌رانی بازرگانی دردریاها و رودهای جنوب ایران برقرار شود ودولت بخرید سه کشتی پنج هزار تنی اقدام کرد و چیزی نمانده بود این کار مهم بپایان برسد که جنگ جهانی دوم مانع از انجام آن شد .

دیگر از وسایل ارتباط که درین دوره فراهم شد وسایل انتشار اخبار و

مطالب بوسیلهٔ رادیو بود که مراد از آن رادیودیفوزیون باشد. جزو برنامهٔ عملیات مهمی که برای سازمان پرورش افکار در نظر گرفته شده بود توجه خاصی بآن کار کردند. کمیسیون مخصوصی بنام کمیسیون رادیو با کمال جد وجهد مشغول بکار شد ونقشهٔ عملیات بسیار وسیعی برای این کار کشید که قسمت عمدهٔ آن از شهریور ماه ۱۳۱۸ عملی شد. بدین وسیله یك مرکز نیرومند انتشار اخبار ومطالب در تهران دایر شد که سه دستگاه فرستندهٔ موجهای متوسط وبلند و کوتاه داشت وانتشارات آن در همهٔ کشور و سراسر کشورهای بیگانه شنیده شد و در نظر گرفتند دردوازده شهر ایران دوازده فرستندهٔ موج متوسط باشد که همان مطالب را ازمرکز تهران بگیرند ودر آن ناحیه منتشر کنند. درضمن ترتیب کار چنان داده شد که گیرنده‌های بسیار ارزان همیشه در دسترس مردم باشد و با کمترین خرجی بتوانند مطالب و اخبار را بشنوند چنانکه تا ۲۵ کیلومتر در اطراف دستگاه‌های فرستندهٔ موج متوسط ممکن بود با گیرنده‌های کوچکی کـه قابل حمل و نقل بود مطالب و اخبار را گرفت و در ضمن دولت تسهیلات بسیاری فراهم کرد کـه مردم بتوانند باقساط دستگاه‌های گیرنده را بخرند و همواره لوازم یدکی آن موجود باشد و نیز تمام وسایل تعمیر دستگاهها را درمراکز عمدهٔ کشور آماده کنند ونیز درمجامع عمومی ومؤسسات وبنگاه‌های علمی که درمطالب عمده ومسایل علمی وغیره بحث میکنند وسایلی آماده شد که همهٔ مردم کشور در هرجا باشند وحتی درخارج از ایران بتوانند آن گفتگوها ومباحث و مطالب را بشنوند وحتی درسهای عمده وخطابه‌های جالب را که ایراد میکنند درهمه جا بگیرند.

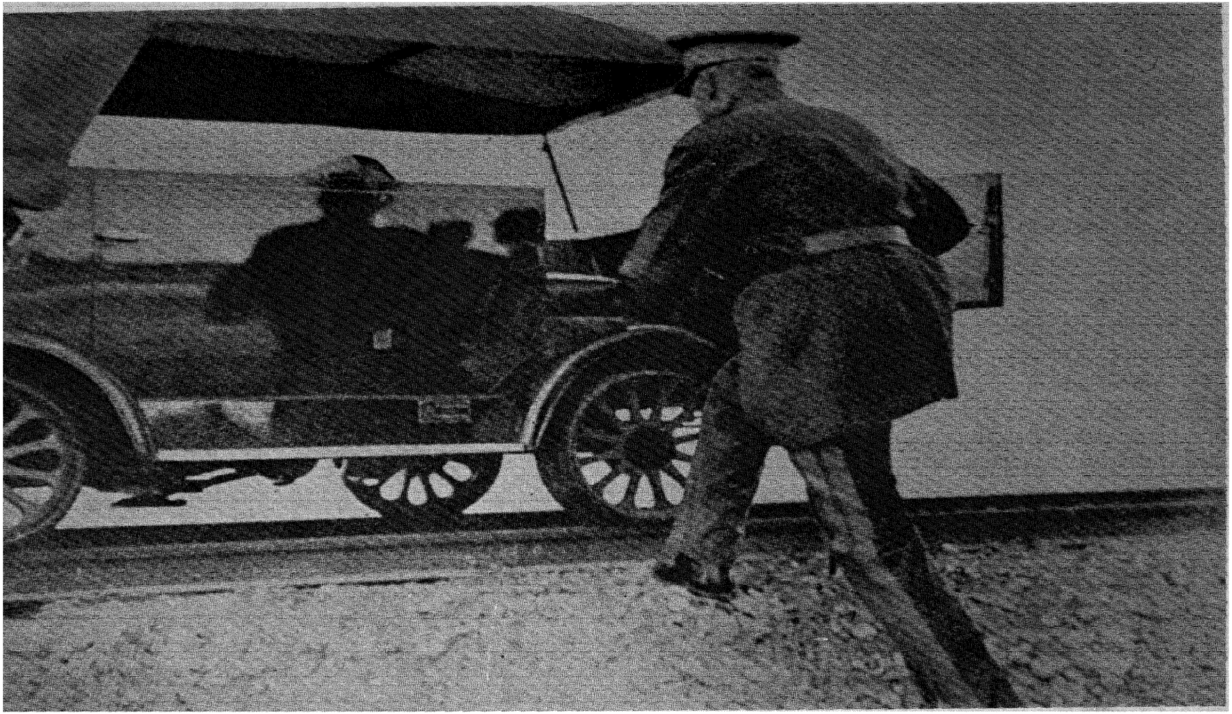
در ضمن وسایلی فراهم شد که هرروز تمام اخبار و مطالبی که برای عموم مردم سودمند است رادیو بمردم بدهد و گذشته از آن در هرروز در مدتی که مردم را خسته نکنند مثلا در ظرف یك ربع ساعت اطلاعات و مطالبی که برای مردم لازم باشد

مانند اطلاعاتی در کشاورزی و بهداشت و تاریخ و جغرافیا و ورزش، وجز آن باین وسایل داده شود، حتی از دادن دستورهایی و راهنمایی‌هایی که برای زندگانی روزانهٔ طبقات مختلف مردم کشوراززن‌ومردوخرد وبزرگ ضرورت‌دارد خودداری نکنند. بدین وسیله حوایج روزانهٔ همهٔ طبقات مردم ازحیث اطلاعات ومعلومات وراهنمایی‌ها و اخبار و غیره تامین شد والبته این‌کارنتیجهٔ بسیار مهمی بخشید و مخصوصاً درجنگ جهانی دوم ومراحل مختلف‌آن وحوادث بسیارنا گوارشهریور ماه ۱۳۲۰ بهترین وسیلهٔارشاد مردم وآرام کردن احساسات اهالی کشوروجلو گیری از آشفتگی‌ها بود، زیرا هر روز مطالب و اخباری که برای تسلیت مردم وباطل کردن اخبار نادرست لازم بود درآن واحد بوسیلهٔ هرسه‌دستگاه فرستنده کــه در تهران کارمیکرد بمردم داده شد.

دستگاه موج متوسط تهران با امواج ۳۳۵متر کارمیکرد ودو کیلووات قوه داشت. دستگاه موج کوتاه با امواج ٤۸ متر و٦٤متر کارمیکرد وآن نیزدو کیلو وات قوه داشت. یك دستگاه موج کوتاه دیگر با امواج ۱۹مترو۳۰مترو٤۸ مترو بیست کیلووات قوه‌نیزپس ازآن‌کار گذاشته‌شد وهریك ازدستگاه‌های موج متوسط کــه در شهرهای دیگر بنا بود بکار بیندازند می‌بایست صدوات قوه داشته باشد. پیداست که این اساس درزندگی جدید چه اثر مهمی داشته وبرای تربیت فکری جامعه و تولید و تشیید روح ملیت و مخصوصاً دادن اطلاعات ومعلوماتی که مردم بدان نیازمند بودند تاچه اندازه موثربوده است.

راه آهن ایران

تردیدی نیست که داشتن راه آهن جزو آرزوهای مردم ایران درسالیان دراز بوده است. اما انجام آن همواره بمشکلات سیاسی واقتصادی واداری وفنی گوناگون برمی‌خورده است و بهمین جهت منتهی بعمل نمی‌شده‌است. بزرگترین مانع راه آهن درایران این بود که هندوستان مستعمرهٔ انگلستان بود و همهٔ کشورهای بزرگ ازآن جمله روسیه تساری چشم طمع بدان دوخته بودند و روسها تدریجاً بمرزهای هندوستان نزدیك می‌شدند وانگلستان نخست چاره‌ای که دربرابر ایشان اندیشید این بود که افغانستان مستقلی کـه دست نشاندهٔ آن دولت باشد در میان متصرفات روسیه وانگلستان حایل باشد. پس از آنکه راه آهن درجهان توسعه یافت وایرانیان هم باهمیت آن پی بردند دولت انگلستان همیشه کـوشید راه آهنی درایران نباشد که روسها رازودتر بمرزهای غربی هندوستان از راه ایران برسانند وبهمین جهت راه آهن ایران موضوع سیاسی بسیارپیچیده‌ای شده بود که قاجارها هرگز نتوانستند آنرا حل کنند. این موضوع تنها در دورهٔ پهلوی حل شد ویکی از عظیم‌تریـن کارهایی بود که ممکنست ملتی در تاریخ خود کرده باشد. ساختمان راه آهن سراسری ایـران وخطوط فـرعی آن نـه تنها در زندگی داخلی ایـران و دراوضاع کشور اهمیت داشت بلکه ازوقـایع مهم بشمار رفت وحتی دراقتصاد عمومی جهـان نیز مـوثـرشد ، چنانکه در جنگ دوم جهانی کـه انگلستان و امـریکا در صدد



شاهنشاه رضاشاه پهلوی دریکی ازمراسم سرکشی باموورراه آهن .

برآمدند آلمان هیتلری را از پا درآورند وهرچه بیشتر اسلحه بشوروی برسانند یگانه وسیله‌ای کـه درجهان یافتند و این کار بسیار مهم را با آن تامین کردند همین راه‌آهن سراسری‌ایران‌بود و بهمین جهت ایران را « پل پیروزی» نام‌دادند.

گذشته از جنبهٔ جهانی اگرجنبهٔ ملی راه‌آهن ایران را در نظر بگیریـم می‌بینیم که دراصلاح اوضاع اجتماعی واقتصادی وبسط نفوذ دولت دراقطار کشور وحفظ امنیت وپاسبانی‌ازحیثیت‌وآبروی‌دولت وتامین رفاه وآسایش مردم‌واستقرار تمدن جدید و توسعهٔ‌آن در کشور یگانه راه اساسی راه‌آهن بود و یگانه‌وسیله‌ای بود که ایران را درشمار کشورهای متمدن جهان درآورد ، بهمین جهت همواره آرزوی نیك‌اندیشان وصلاح‌بینان ایرانی این بوده است که راه‌آهن سراسری در کشورشان برقرارشود .

در مدت نزدیك‌بصد سال‌پیش‌ازدورهٔ‌پهلوی که‌از ساختمان راه‌آهن‌واختراع آن درجهان متمدن می گذشت بسیاری از کسانی کـه درآبادی واصلاح اوضاع ایران چاره‌اندیشی کرده بودندراه‌آهن را موثرترین‌وسیله دانسته وهمواره آرزوی آنرا کرده بودند وحتی درمدت هفتاد وسه‌سال تمام پیشنهادهای مختلف درین‌باره شده بود و امتیازات گوناگون باتباع کشورهای مختلف داده بودند وباز این کار عملی نشده بود وهمان موانع سیاسی وناهموارمانع ازانجام این‌کار مهم گشته بود وچنانکه اشاره رفت مهم‌ترازهمه رقابت‌های کشورهای بیگانه درامورداخلی‌ایران بود . درین میان تنها هفت خط فرعی بسیار کوچك از راه‌آهن در ایران ساخته شده بود : یکی‌راه‌آهن تهران بشاه عبدالعظیم که درسال ۱۳۰۵ قمری‌یك‌شرکت مختلط بلژیکی وروسی که دومیلیون فرانك سرمایه داشت آنرا ساخت . دیگـر راه‌آهن محمودآباد بآمل در۱۸ کیلومتر که مقارن همان زمان حاج محمدحسن امین‌الضرب بازرگان تهران ساخت . سوم راه‌آهن جلفا بتبریز و ازآنجا بشرف

خانه در کناردریاچهٔ رضاییه (ارومیه) بود که در ۲۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۳۱ بانك استقراضی روسی که‌امتیاز آنرا داشت‌ساخت. چهارم راه آهنی بود که برای مقاصد نظامی ورساندن نیرواز‌قفقاز بآذربایجان دربرابرسپاهیان عثمانی درجنگ جهانی اول سپاهیان روسیهٔ تساری ازساحل رودارس تاماکوواز آنجاتامرزترکیه ساختند ودرحدود صد کیلومتر آن ازخاك ایران میگذشت. پنجم راه آهن زاهدان بود که برای رسیدن سپاهیان هندی بکرمان وفارس از هند وارد خاك ایران می‌شد و آنرا هم درجنگ جهانی اول ساخته‌بودند. ششم‌راه آهنی‌بود که درسال۱۳۳۷قمری بطول ۵۰ کیلومتراز بوشهرتا برازجان نظامیان انگلیسی برای لشکرکشی‌ساخته بودند و برچیدند. هفتم راه آهن باریکی بود که خشتاریا ازاتباع روسیهٔ تساری امتیاز آنرا گرفته بود وازرشت بپیله بازارمیرفت.

بدین گونه درسراسراین مدت تنها نزدیك پانصد کیلومترراه آهن‌درین هفت خط ساخته شده بود که بهیچ وجه کفاف ایران ومنافع حیاتی آنرا نمی‌داد و هیچ خطی باخط دیگررابطه نداشت و از حیث مصالح واصول مهندسی و لوازم فنی و عرض خط بایك دیگرسازگار نبودند. جز آن هر نقشه ای که درطرح راه‌آهن سراسری ایران کشیده بودند عقیم مانده بود و بهیچ نتیجهٔ اساسی نرسیده بود و بسیاری ازامتیازات که درین زمینه داده بودند روی کاغذ مانده بود و حتی گاهی که موضوع راه آهن ایران بعمل نزدیك می‌شد فوراً دشواریهای بسیارروی میداد وکاربی نتیجه میماند.

بهمین جهت در دورهٔ پهلوی همین که بنیاد استقلال ایران استوار شد و دولت ایران درکار خود پابرجا و مستقل گشت و دست بیگانگان کوتاه شد فورا ساختمان راه‌آهن بزرگی که شمال بجنوب کشوررا بهم پیوسته کند درراس کارهای اساسی و مهم قرار گرفت. در نتیجه در تاریخ نهم خرداد ماه ۱۳۰۴ قانونی



شاهنشاه ایران دربارهٔ یکی ازنقشه‌های راه‌آهن توضیح میخواهد.

گذشت که ازهرسه کیلو گرم قند و شکروچای که بایران وارد میشود یادر کشور فراهم میکنند دو ریـال عوارض برای ساختمـان راه آهن بگیرند و بدین وسیله هزینهٔ ساختمان راه آهن سراسری ایران فراهم شد . سپس در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰٤ قانون نقشه برداری وساختمان راه آهن‌ازمجلس گذشت وبرای انجام این مقصود یك عده مهندس امریکایی بایران دعـوت کردند وادارهٔ راه آهن تـاسیس شد . در ۲۳ مهرماه ۱۳۰٦شاهنشاه ایران نخستین کلنگ ساختمان راه آهن را درمحلی که میبایست ایستگاه تهران در آنجا ساخته شود بدست خود زد واز آن روز ساختمان راه آهن ایران وارد مرحلهٔ عمل شد . درمدت نزدیك بیك سال وهفت ماه که‌نقشه برداری و عملیات مهندسی راه آهن ایران طول کشید شش دسته مهندس و کار گر فنی درشمال و جنوب کشورمشغول کارشدند واین کارها نخست بتوسط ۲٦۷ کار گر آغازشد وسپس شمارهٔ آنها تدریجاً به ۱۹٦۷ رسید .

درین مدت این عملیات صورت گرفت :

۱) بازدیدهای‌فنی درمسافت ۲۳٤۵ کیلومترمسیر راه آهن .

۲) نقشه برداری مقدماتی درطول ۱۵۱۳ کیلومتر.

۳) نقشه برداری قطعی درطول۳۵٦ کیلومتردرشمال وجنوب .

٤)مطالعات درآبهای‌ساحلی شمال وجنوب‌وتهیهٔ نقشه های زمینی.

۵) تسطیح وخاك ریزی کامل ۱۵۸ کیلومتردرشمال وجنوب.

٦) نقشه برداری وانجام برخی کارهای‌مقدماتی درایستگاه تهران.

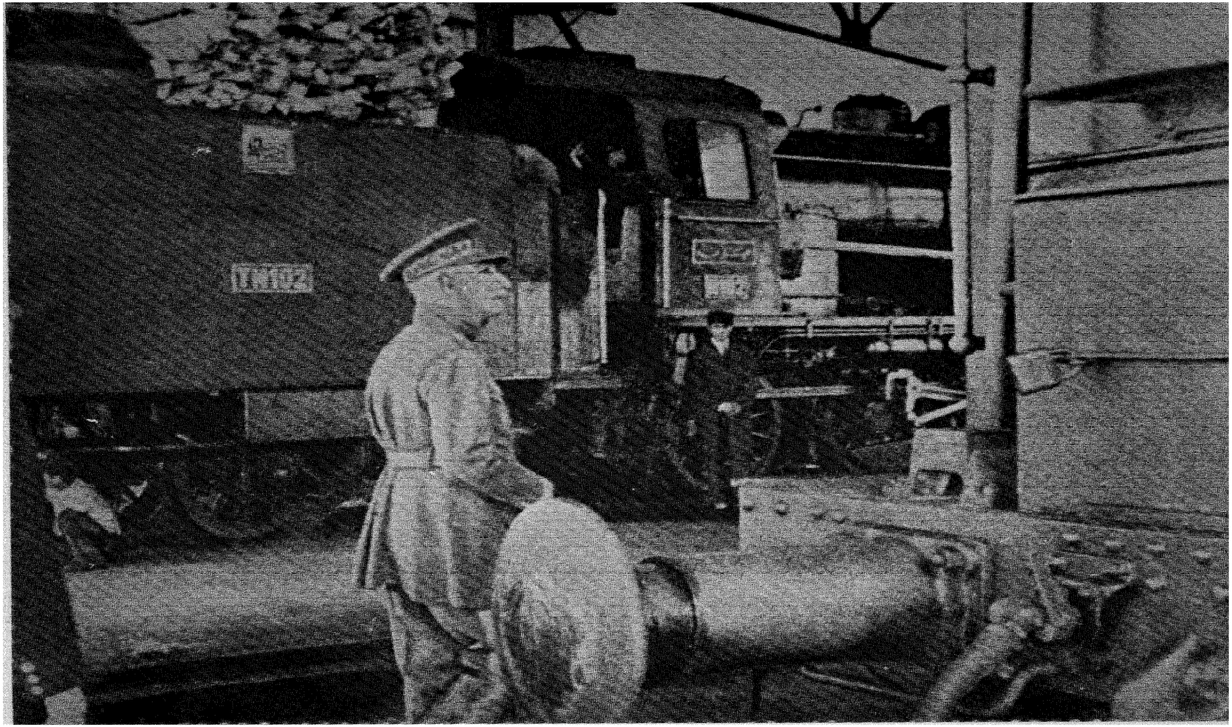
پس ازین کارها در ۱۷ تیرماه ۱۳۰۷ سندیکای راه آهن ایران مرکب ازسه شرکت آلمانی و یك شرکت امریکایی تشکیل شد تا عملیـات ساختمان راه آهن را دنبال کنند ونیز ۱۵۰ کیلومترراهی راکه ادارهٔ راه آهن‌سابق درشمال و جنوب ساخته بود تکمیل کنند و اسلکه های بندرشاه و بندر شاهپور و سد و پل اهواز را

بسازند و برای هریك کیلومترراه ۳۶۸۰ ریال اجرت بگیرند و صدی ده برای عملیات ساختمانی ومخارج اداری وحق الزحمه دریافت کنند .

این سندیکا ۱۲۷ کیلومتر درشمال و ۲۵۰ کیلومتردرجنوب خاکریزی و شن ریزی و ریل گذاری کرد و این کار را تا مهرماه ۱۳۱۰ بپایان رساند وچون کارهای آن رضایت بخش نبود درین تاریخ منحل شد . از آن پس دولت ساختمان راه‌آهن را خود بدست گرفت و بتوسط مهندسان سوئدی در شمال و امریکایی در جنوب کار را دنبال کرد . سوئدیها در مدت دو سال قسمتی از خط شاهی تا کیلومتر ۲۸۵ را تسطیح کردند ودرجنوب هم امریکاییان کارهای نا تمام سندیکای سابق را بپایان رساندند .

سپس در اول خرداد ماه ۱۳۱۲ ساختمان راه آهن ایران بکنسرسیوم کامپساکس که‌شرکت‌دانمارکی بود واگذارشد تا بعنوان مشاورفنی‌و نمایندهٔ‌وزارت راه تشکیلاتی برای این‌کار بدهدو تقریباً هزار کیلومترراه را بسازد وتا اوایل‌سال ۱۳۱۸ تحویل بدهد یعنی پس ازمدت شش سال بدین‌گونه که در چهار سال اول خط شمال را بپایان برساند وپس ازشش سال در۱۳۱۸خط جنوب را تمام کند . قرارشد از بابت‌کار مزد وحق السعی متری پنج دلارطلایاهر کیلومتری پنج هزار دلار بکامپساکس‌پرداخته شود وهزینه‌های دیگر بعهدهٔ‌دولت باشد. کامپساکس‌سراسر خط راکه ناتمام مانده بود به ٤۳ قطعه (۲۳قطعه در شمال و ۲۰ قطعه در جنوب) تقسیم کرد وهر قطعه ای راپی‌درپی بمناقصه گذاشت .

در سالهای ۱۳۱٤ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ که منتهای شدت عمل بود در هر روز بیش از شست هزارتن در ساختمان راه آهن‌کار میکردند . درین مدت بیش از چهل شرکت اروپایی وایرانی درساختمان‌آن شرکت کرده اند وکارها رابمناقصه انجام داده اند . سرانجام درنتیجهٔ این عملیات راه‌آهن سراسری ایران بپایان



شاهنشاه ایران وسائل جدید راه آهن را بررسی میکنند

رسید . عرض این راه ۱۴۳۵میلی مترومطابق عرض همهٔ راه‌آهن های جهانست . شیب های‌عمدهٔ آن بدین قرارست :

درمیان‌بندرشاه وشاهی۷۷درهزار.

درمیان شاهی‌وپل سفید ۱۵ درهزار.

درمیان پل سفیدوفیروز کوه ۲۸درهزار.

درمیان فیروز کوه و بن کوه ۱۸ونیم درهزار.

درمیان‌بن کوه‌وتهران ۱۵درهزار.

درمیان تهران واندیمشك ۱۵درهزار.

درمیان اندیمشك‌و بندرشاهپور۵ درهزار .

درین راه‌بیست وهشت‌میلیون مترمکعب‌خاك‌ریزی وخاك برداری کرده‌اند. طبقهٔ شنی که برروی زمین ریخته‌اند بعرض ۳متروه۲۰سانتی متروحداکثر بقطر ۴۰ سانتی متر بوده است. طول خط از بندرشاه تـابندرشاهپور۱۳۹۴ کیلومترست که نزدیك ۹۸۰ کیلومتر آنرا تراورس‌چوبی گذاشته اندودر۴۱۴ کیلومتر آن‌تراورس فلزی بکاربرده اند . ازین ۱۳۹۴ کیلومتر۸۵۲ کیلومتررا از طرف شمال و ۵۴۲ کیلومتررا ازطرف جنوب ریل گـذاری کرده اند. در هر کـیلومتر از ۱۲۸۰ تـا ۱۴۴۰ تراورس فلزی واز۱۳۶۰تا۱۵۲۰ تراورس چوبی بکاربرده اند . قطار های باربری باسرعت ۵۰ کیلومتر وقطارهای مسافری باسرعت صد کیلومتردر سرعت میتوانынددرین‌راه سیر کنند .

درطول این راه ۱۲۴ تونل ساخته شده کـه ۹۳ تونـل آن ازشـاهی تاتهران و۳۱ تونل آن از اندیمشك تاتهرانست . مجموع این تونلها ۸۳،۶۶۶متررافرا می گیرد کـه ۲۳،۵۹۹ متر آن در شمـال و۶۰،۰۶۷ متر آن جنوبست و طـول تونلهای آن معـادل شش درصد تمام خطست . برای ایجاد این تونلها سه‌میلیون

و سیصد هزار مترمکعب خاك برداری شده ویك میلیون مترمکعب عملیات ساختمانی وبنایی لازم شده است و نیز ۳۳٤تن باروت کوه کنی و ۲۸۰۰ تن دینامیت و ۱۷۰،۰۰۰ تن بتون بکار برده اند. درازترین تونل در شمال تونل گدوکست که ۲ کیلومتر و ۸۸۰متر طول دارد وطویل ترین تونلهای راه آهن ایرانست. درازترین تونل در جنوب تونل تنگ چهارآبدیز ست که دو کیلومتر و ٥٢٦ متر طول دارد. ازتونلهای شمال چهار تونل هست که هریك بیش از یك کیلومتر طول دارند و نه تونل کـه هریك بیش ازنیم کیلومتر طول دارند. ازتونلهای جنوب چهار تونل هریك بیش ازدو کیلو متر و ۱۷ تونل هریك بیش از یك کیلومتر و۱٦ تونل هریك بیش ازنیم کیلومتر طول دارند.

درطول این خط ٤۱۹۰ پل بزرگ و کوچك وآبرو طاقدار ولولـهٔ فلزی و گذرگاه ساخته شده است و از آن جمله ۳٦۰ پل بزرگ و کـوچکست که بـا مصالح بنایی و فلزساخته اند ومهمترین آنها پل اورین و پل ورسك و پل ایستگاه تهران درشمال و پل رود شوروآبدیز وپل کارون در جنوبست که هریك ازآنهـا را شاهکارهای فنی مهندسی و ساختمان دانسته اند. روی همرفته ساختمانهایی که برای عبورراه آهن از شمـال بجنوب شده در خط شمـال ۱۹۳۳ دستگاه بطـول ٦۸٤۲ متر ودرخط جنوب ۲۸۳۹ دستگاه بطول ۱۸٥۳ وروی همرفته ٤۷۷۲ دستگاه بطول ۸٦۹٥متر ست.

درطول خـط ۹۰ ایستگاه ساخته شده که ۳۱ ایستگاه آن درشمال تا تهران و ٥۹ ایستگاه آن درجنوب ازتهران تاانتهای خطست و معادل ۳٤ هزار مترمربع زمین زیر بناهای اصلی وفرعی این ساختمانها قرار دارد. پس از اتمام ساختمان راه آهن که قطار هـای مسافری و باری شروع برفت و آمد کردند مقداری لوازم برای بهره برداری راه آهن فراهم شد که در آغاز شامل ۱۳۲ لکـوموتیوو ۲۲۹۷



شاهنشاه ایران بدست خودراه‌آهن‌سراسری‌رابهم متصل میکند .

واگون بوده است . ارزش راه آهن ایران ببهایی که در ۱۳۲۶ تخمین زده اند از حیث زمین و ساختمانها و و سایط نقلیه وخطو همهٔ وسایل ارتباطی وبهره برداری معادل با۷۵۲۵ میلیون ریال بوده است .

گذشته از کارهایی که برای ساختمان راه کرده اند یك عده کارخـانهای تعمیرات نیزدرایستگاه های مختلف برای تعمیرلکوموتیووواگونها و لوازم دیگر فراهم شده است که نخست شامل شش کارخانهٔ تعمیرات در تهران و بندرشاه واهواز و اندیمشك وپل سفید و قم بوده و پس از آن دوکارخانهٔ دیگر در اراك و دورود دایر کرده اند . کارخانهٔ تهران که از همه کامل ترست شامل قسمت های مختلف مانند ماشین خانه ونجارخانه و کارخانهٔ ریخته گری و تعمیرات واگون وتعمیرات دیگ بخار وغیره است و دستگاه‌بسیار بزرگیست کـه ازهرحیث بامؤسسات مهم کشورهای دیگر برابری میکند و همهٔ تعمیراتی را که ممکنست درراه آهن ایران لازم بشود انجـام خـواهد داد . ازآن جمله دو دستگاه جرثقیل الکتریك دارد که هریك از آنها دارای چهل تن نیروست ومی‌تواند دیگهای لکوموتیورا حمل ونقل کند .

گذشته از آن درایستگاه تهران آشیانه ای دارای نه خط ساخته شده که گنجایش ۱۸ دستگاه لکوموتیو بزرگ رادارد . کارخانهای دیگر که در اهواز و اندیمشـك و بندرشاه و اراك و پل سفید و دو رود و قم ساخته شده هریك نیـز وسایل لازم را برای تعمیرات دارند . در۳۵ ایستگاه که ۱۳ دستگاه آن درشمـال و۲٤ دستگاه آن‌درجنو بست‌دستگاه آب گیری برای‌پر کردن‌لکوموتیوهافراهم‌شده واین دستگاه‌ها را نیز بااصول فنی جدید و با کمال دقت ساخته اند و از هرحیث جالب توجهست .

ازسوی دیگر برای احتیاجات برق دومرکز بزرگ برق برای راه آهـن

یکی در تهران دارای سه‌موتوردیزل و نیروی ۱۵۰۰ اسب بخارو ۱۳۵۰ کیلووات آمپرودیگری دراهواز دارای سه‌موتور دیزل و نیروی ۷۶۰ اسب بخار و ۷۰۰ کیلو وات آمپرفراهم کرده‌اند. نخست‌درمرکز برق تهران درهر شبانروز سه‌هزار کیلو وات برق بمصرف می‌رسید وپس‌از آنکه‌کارهای تعمیرات راه‌آهن توسعه یافت‌بده هزار کیلو وات رسید و در مرکز برق اهواز ماهی ۳۵۰۰۰ کیلو وات بمصرف رسیده است .

گذشته ازین اقدامات مهمی که درطول راه بعمل‌آمد ساختمان دو بندرمهم یکی درخلیج استراباد در کنار دریای خزر بنام بندرشاه ودیگری در گوشهٔ غربی خلیج فارس بنام بندرشاهپور جزوعملیات راه‌آهن بوده است .

دربندرشاه درحدود ۲۵۰ کیلو متر آبهـای ساحلی‌را نقشه‌برداری کرده و عمق آنها را معلوم کرده‌اند ویك اسکلهٔ چوبی بطول ۱۴۹ مترساخته‌اند . دربندر شاهپور نیزدرحدود هزار کیلومترمربع آبهای ساحلی‌را مساحی کرده و عمق آنهـا را معلوم کرده‌اند واسکلهٔ بزرگی ساخته‌اند که ٤۱۲ مترطول‌دارد .

دیگرازکارهـای مهم ساختمان راه‌آهن بهداری کارگران بوده‌است که در چندین سال‌چندین هزارتن ازیشان درهرفصلی‌درنواحی مختلف سردسیرو گرمسیر مشغول کارهای گوناگون بوده‌اند . بهمین جهت درضمن عملیات ساختمان توجه تامی ببهداشت‌کارگران داشته‌اند و ادارهٔ بهداری منظمی باعدهٔ کثیر کارمند تأسیس کرده‌اند واین اداره درنقاط مختلف مسیرراه‌آهن صد ویك بیمارستان بزرگ و کوچك دایر کرده است که چهل‌تن پزشك و چهارصد تن پزشکیار و داروساز و پرستار وغیره و۲٤ آمبولانس وپنج اتومبیل سواری برای تأمین نیازمندیهای این بیمارستانها درین زمینه مشغول کار بوده‌اند و گذشته از آن درهرقطعهٔ ساختمانی راه‌آهن یك پست امدادی دارای ۱۵ تا ۲۲ تخت‌خواب دایربوده و نیز درنواحی



شاهنشاه ایران در ایستگاه راه‌آهن فوزیه

کوهستانی درهرپنج کیلومتر مسافت ، درنواحی دیگر درهرده تاپانزده کیلومتر مسافت یك‌پست امدادی دارای دوتخت‌خواب بوده است .

ازسال ۱۳۱۲ تاپایان ساختمان در٥٤ میلیون روزکار بیشتر از ۲٤۸۸ تن‌از کارگران گرفتار حوادث و اتفاقات درحین انجام وظیفه شده‌اند وازین عده ۱۱۳۷ تن معالجه شده و۶۷۷تن ناقص گشته و۶۷٤تن در گذشته‌اند .درمدتی که کنسرسیوم کامپساکس مشغول‌کار بود تاپایان اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۷ مبلغ بیست میلیون و سیصد هزار ریال خرج بهداری‌کارگران شده است .

جمع کل درآمدی که برای ساختمان راه‌آهن سراسری درمدتی که‌عملیات ساختمان ادامه داشته وصول شده است مبلغ ۲،۱۹۵،۱۸۰،۷۰۰ ریال یا۵۸۷،٤٤۸ لیرهٔ انگلیسی بوده است . ازین مبلغ ۲،۱۸۸،۳۳٤،۲۲۰ ریال خرج شده و پس‌از اتمام عملیات ساختمان مبلغ ۶،۷٤۶،٤۸۰ ریال ازین‌درآمد باقی بوده‌است .

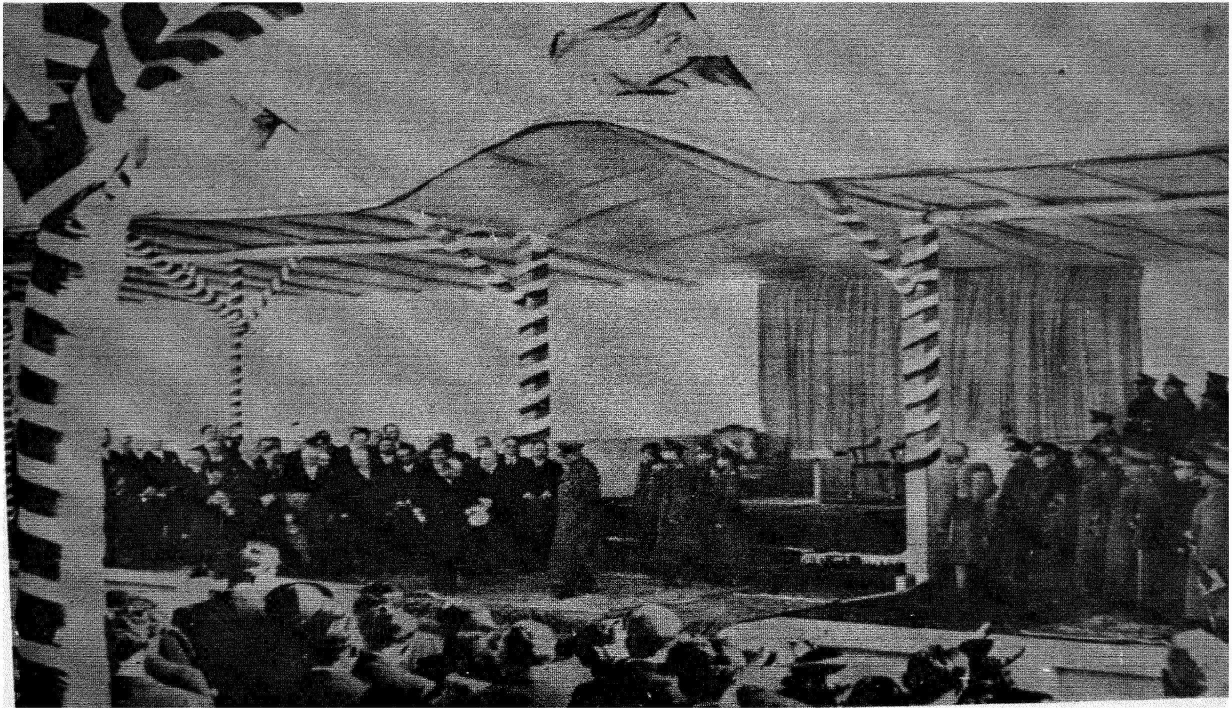
سرانجام راه‌آهن سراسری ایران که ساختمان‌آن ازمهمترین وقایع تاریخ کشور ماست وشامل ۱۳۹٤ کیلومترست وشمال کشوررا بجنوب آن می‌پیوندد پس ازآنکه ده‌سال ویازده‌ماه ویازده روزساختمان‌آن کشید در٤ شهریورماه ۱۳۱۷در ایستگاه فوزیه بهم متصل شد وکاملا براه افتاد وبدست شاهنشاه ایران افتتاح یافت و بدین گونه شش ماه و۲٤ روز زودتر از آنچه انتظار میرفت و پیش‌بینی شده بود بپایان رسید .

نکته‌ای که درین باره اهمیت بسیار دارد اینست که برای ساختمان ایـن راه‌آهن باین عظمت که یکی‌ازدرازترین خطوطراه‌آهن درجهانست دولت ایران دیناری ازهیچ‌کشور بیگانه استعانت نخواست و بهیچ وجه نه درداخله و نـه در خارجه برای انجام‌کاری بدین بزرگی که هفتاد سال در رأس آرزوهای ایرانیان بود وبهزاران دشواری سیاست بین‌الملل‌برمی‌خورد قرضی نکرد و همهٔ هزینه‌های

سنگین آنرا که ازدومیلیارد ریال بیشتر بود ازعایدات جاری بودجهٔ کشور پرداخت وقسمت اعظم کارهای آن بدست ایرانیان انجام گرفت و همهٔ کارگران آن ایرانی بودند واندك مددی ازخارج برای اینکار نشد ویکی ازمشکل‌ترین وپرخرج‌ترین راه‌آهن‌های جهان ویکی ازدشوارترین مسایل اقتصادی وسیاسی آسیا بدین‌آسانی حل شد وجهانیان درشگفت ماندند زیراتازمانی که اینکار بپایان نرسیده بود کسی گمان نمیکرد بدین‌آسانی وبدین زودی انجام‌بگیرد.

پس از اتمام راه‌آهن سراسری ایران که شمال کشوررا بجنوب آن متصل کرد دولت ایران بهمان قانع نشد وبلافاصله نقشهٔ وسیع دیگری‌برای ساختمان راههای فرعی طرح کرد که مشرق و مغرب کشوررا بخط شمال وجنوب وشهرها ومراکزعمدهٔ صنعت واقتصادرا بیك دیگرمربوط کند وبدین‌جهت نخست سه خط راه‌آهن دیگرطرح کردند و فوراً بساختمان آنها پرداختند : یکی خط تهـران بآذربایجان و از آنجا بمرزترکیه که تسطیح آن تازنجان رسید وجنگ جهانی دوم مانع شد که بپایان برسد· دیگرخط جنوب شرقی که می‌بایست از تهـران بمعادن انارك وازآنجا بیزد و کرمان وکرانه‌های خلیج فارس برسد وتسطیح آن تا انارك رسید وباز حوادث جنگ مایع ازاتمام آن شد. سوم خط خراسان و نواحی شمال شرقی که یك قسمت ازآن یعنی راه‌آهن گرمسار بسمنان تمام‌شدو در۲۵ خردادماه۱۳۱۸ افتتاح‌یافت و درمیان سمنان وشاهرودنیزعملیات تسطیح بپایان‌رسیده‌بود که جنگ مانع‌شد.

خط گرمساربسمنان دردیماه ۱۳۱٦ بساختمان آن شروع کردند واین خط تاشاهرود ۳۱۵ کیلومترست وقسمت عمدهٔ آن ازکویرمشرق ایران‌می گذردو برای ساختمان آن دوچاردشواریهای بسیاری‌بوده‌اند . برای ساختمان‌این‌خطاز گرمسار بسمنان۷٤میلیون ریال‌خرج کرده‌اندوهر کیلومتر آن‌درحدود٦۱۰هزارریال‌ارزش



شاهنشاه ایران درمراسم جشن اتصال راه‌آهن سرتاسری

یافته است . مجموع عملیات ساختمانی آن نه‌ماه کشید ودرین مدت‌یك میلیون و دویست هزارمترمکعب خاك‌ریزی وخاك برداری کردند و چهل هزار متر مکعب ساختمان کرده‌اند ودوپل بزرگ در آن ساخته‌اند که هریك ۹٤،٥٥ مترطول‌دارددو درهرروزهشت‌هزارکارگرایرانی در آن‌کارمیکرده‌اند . ازسوی دیگر روزی ٤٥٠ مترریل گذاری در آن شده و گاهی هم به‌۹۰۰ متر رسیده است ودرحدود ده هزار تن ریل وصدوهفتاد هزارتراورس‌کارخانهٔ شیرگاه در آن بمصرف رسیده است.

گذشته ازساختمان این خطوط‌راه‌آهن اقدام مهم دیگری که درین زمینه شده تربیت یك‌عده‌کارمند وکارگرفنی برای‌کارهای مختلف راه‌آهنست. ازآنجمله یك‌عده جوان ایرانی‌را برای فراگرفتن فنون مربوط باینکار بکشورهای اروپا فرستادندوایشانرا برای تأمین حوایج آیندهٔ ایران تربیت کردند . نیز دربنگاه راه‌آهن یکعده‌آموزشگاه مختلف برای کارهای مربوط براه‌آهن تأسیس کردند و ازین‌حیث احتیاجات راه‌آهن ایران‌کاملا‌تأمین‌شد. این‌کاربدین بزرگی که دراندك مدتی باکمال‌آسانی بپایان رسید همیشه بدست ایرانیان‌اداره خواهد شدوراه‌آهنها راافرادکشورخود اداره‌خواهندکرد .

دیگرازکارهایی که دربارهٔ راه‌آهن‌های ایران شده اصلاح اساسیست که در راه‌آهن جلفا بتبریز وشرف‌خانه بعمل‌آمده ودرین مدت‌تعمیرهای اساسی‌واصلاح فراوان درآن کرده‌اند ولوازم بسیارازلکوموتیو وواگون وغیره برای آن‌آماده شده‌است وازهرحیث آنراتجدید کرده وراه‌آهن مندرس وفرسودهٔدورهٔ گذشته بکلی ازآن حال‌سابق بیرون‌آمده وهزینه‌های فراوانی که کرده‌اندآنرا بصورت‌راه‌آهن جدیدی درآورده است،مانندآنکه‌آنراازنوساخته باشند .

اصلاحات بهداشتی

در میان اصلاحات فراوانی که در دورهٔ پهلوی در ایران کرده‌اند باصلاحات بهداشتی نیز اهمیت بسیار باید داد. پیداست که تن‌درستی اساس زندگیست وهیچ کس هرگز تردید نکرده است که افراد رنجور وناتوان ودردمند نمی‌توانندجامعهٔ نیرومند و کشور توانایی تشکیل دهندواین نکته‌از بدیهی‌ترین مسایل زندگیست که تن‌درستی افراد و بهداشت ایشان یکی ازمهم‌ترین وظایف هردولتیست زیرا بسیار آشکارست که از مردم ناتوان کار ساخته نیست وازقدیم گفته‌اند عقل سلیم دربدن سالمست.

درین دوره از هرجهت نسبت ببهداشت مردم ایران توجه کرده‌اند ودرهیچ دورهٔدیگر نظیر آن‌در تاریخ کشورمادیده نمی‌شود ویکی از آشکارترین دلایل‌برتری این دوره بردوره‌های‌پیش از آنست. دردوره‌های گذشته بهیچ‌وجه در بهداشت عمومی وخصوصی‌افراد کشور توجه‌نمی‌کردندو بهترین دلیل آنست کههروقت درهمسایگی ایران یکی‌ازبیماریهای‌مسری‌بروزمیکردفورا بایران‌راه می‌یافت ودرادوار گذشته درتاریخ ایران مرتباً می‌بینیم که هرچندیك بار بیماریهای مسری ماندو باوطاعون وحصبه وغیره عمومی شده است و گریبان همه کس را گرفته وهزاران تن جان سپرده‌اند. درایران‌هنوز کسانی هستند که‌یکی‌دو بارسال‌وبایی‌پایان دورهٔقاجارها را

بیاد دارند و آن حصبهٔ مطبقه و گریپ عمومی سال قحطی ۱۲۹۶ را جوان‌ترها نیز ازیاد نبرده‌اند .

اما درین دوره توجه خاصی نسبت ببهداشت عمومی کردند ویکی از نخستین قدمهایی که درین راه برداشتند درین زمینه بود . پس از کودتای ۱۲۹۹ وزارتخانهٔ تازه‌ای درایران باسم وزارت صحیه وامورخیریه تاسیس شد وپس ازچندی تبدیل شد باداره‌ٔ کل صحیهٔ مملکتی و ادارهٔ کل بهداشت کشور وسپس بوزارت بهداری و حال آنکه پیش‌ازآن تنها یك‌شعبهٔ صحیه دروزارت داخله مرکب ازدوتن عضوویك مجلس حفظ‌الصحه‌بود که‌اعضای آن افتخاری کارمیکردند وجلسات مرتبی نداشت درین دوره‌ادارهٔ کل بهداشت وادارات بهداشت شهرداریها یك سلسله‌کارهای مهم‌در بهداری عمومی کرده‌اند .

یکی از نخستین اقدامها تاسیس ادارات بهداری در شهرداریها بوده است و بدین وسیله‌نه‌تنها پستهای امدادی در نقاط مختلف کشور دایر شده بلکه دربسیاری ازشهرهای ایران بیمارستانهایی ساخته‌اند که بهداری آن شهر متصدی آن بوده است وبرخی ازآنها را وزارت‌بهداری ساخته است. ازآن جمله‌در تهران‌چندبیمارستان جدید مـانند بیمارستان شهرداری و بیمارستان وزیری و بیمارستان گوهرشاد و بیمارستان فیروزآبادی و بیمارستان پانصد تخت‌خوابی بکار آغاز کرده‌اند و حال آنکه در پایان دورهٔ قاجارها درتهران تنها یك بیمارستان دولتی و یك بیمارستان نظامی احمدیه‌ویك‌بیمارستان زنان دایر بود. گذشته ازآن بیمارستانهای مخصوصی مانند بیمارستان مسلولین در شاه‌آباد تهران و بیمارستان امراض مقاربتی در شهر تأسیس کرده‌اند ونیز درشهرهای دیگر مانند رشت وتبریز و شیراز و کرمان وقم بیمارستانهای دیگر دایرشده که معروف‌تر و مهم‌تر از همه بیمارستان شهرضـا در مشهدست که‌ازبنگاه‌های‌مهم بشمارمی‌رود. درضمن بیمارستانهای سابق‌رانیزتکمیل

واصلاح کرده وشعبه‌های تازه برای بیماریهای دیگردر آنها دایر کرده‌اند.

دیگر توجه خاصیست که ببهداشت افراد نظامی کرده‌اند و نه‌تنها درمراکز عمده بیمارستانهای نظامی دایر شده بلکه درهر واحدی نیز بیمارستان مخصوصی فراهم کرده‌اند و نیز بنگاه رادیولوژی (پرتوشناسی) مهمی بـرای ارتش تاسیس کرده‌اند . در ضمن بیمارستانهـای ارتش را که سابقا تاسیس کرده بودند تکمیل کردند ودو بیمارستان شمارهٔ یك وشمارهٔ دوارتش ازمهم‌ترین تاسیسات بهداری شده است . نیزدارالمجانین (تیمارستان) تهران توسعهٔ‌کامل یافته و در آن هم اصلاحات مهم کرده‌اند. گذشته ازپست‌های امدادی و بیمارستانها دربسیاری ازشهرهای‌ایران مخصوصا درتهران بنگاه‌های بهداشتی دیگری چه‌بدست شهرداریها وچه‌بدست‌ادارهٔ کل بهداری تاسیس شده است مانند زایشگاههـا و شیرخوارگاهها و مطب‌هـای عمومی وغیره.

دیگر از کارهای مهمی کـه درین زمینه کرده‌اند تاسیس بنگاه پاستور در ایرانست که پیش ازآن بهیچ وجه سابقه نداشت وازموسسات مهمیست که درآغاز این دوره‌درتهران برقرارشد واینك آنچه‌سرم ومایه(واکسن) وغیره برای‌احتیاجات بهداری کشور لازم باشد هم‌چنانکه در کشورهای متمدن جهان می‌سازند در بنگاه پاستورتهران نیزتهیه میکنند. پس‌ازآن بنگاه سرم‌سازی حصارك درنزدیکی کرج تاسیس شد واین کار نیزازاقدامات بسیارمهم این دوره بوده است .

کار مهم دیگر که درراه بهداشت کشور کرده‌اند ترویج فوق‌العادهٔ ورزش و تربیت بدنیست که سابقا بفواید گوناگون آن اشاره کردم وسودهای بی‌شماری که این‌کاربزرك دراصلاح نژاد ایرانی وبهداشت و تن‌درستی جوانان از پسر و دختر دارد بر کسی پوشیده نیست . درین زمینه تاسیسات پیش‌آهنگی دختران وپسران ومسابقه‌هـای ورزشی را نیزباید ازکارهای مهم در بهبود نژاد و بهداشت جوانـان

دانست.

دیگر از کارهای مهم توسعهٔ فوق‌العاده‌ایست که در آبله کوبی داده شد و بهیچ وجه بادستگاه دوره‌های گذشته قابل‌قیاس نیست چنانکه از آن پس دیگر در ایران مبتلای بآبله دیده نشد وحال آنکه دردورهٔ گذشته بسیارفراوان بود. اهمیت این کار بیشتر ازین جهتست که مبتکر آبله کوبی درجهان ایرانیان بوده‌اند وپزشکان قدیم ایران پوستی‌را که‌روی‌دانه‌های آبله بسته‌می‌شد می گرفتند و بدن‌دیگری‌را خراش می‌دادند و آن پوست رادر آنجامی گذاشتند و کسی که این‌عمل‌را درو کرده بودند مبتلا بآبله نمی‌شد.

دیگر ازکارهای اساسی این دوره توجه خاصی ببهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوارست ، چنانکه بیمارستان مخصوص بیماریهای زنان و کودکان گذشته اززایشگاهها و شیرخوارگاه‌هایی که پیش ازین بآنها اشاره رفت تاسیس کردند و روز بروز توسعه یافت و نیز آموزشگاه مخصوص مامایی و آموزشگاه مخصوص پرستاری تاسیس شد وهرسال عده‌ای از زنان ایرانی ازین آموزشگاهها بیرون می‌آیند وبخدمات مهم خود می‌پردازند.

دیگر ازکارهای مهم‌درین زمینه‌معاینهٔ بهداشتی کودکان وجوانان دردبستانها ودبیرستانها ودانشکده‌هاست که آن نیزدردورهٔ پیشین معمول نبودواداره‌ٔمخصوصی برای‌بهداری مدارس با وسایل کامل فراهم شده است . درین زمینه بمعاینهٔ صحی پیش از ازدواج ومحروم کردن پسرودخترنابالغ از زناشویی باید اهمیت‌دادزیرا که درحد خود فوایدمحسوسی دارد که حاجت بتاکید نیست.

قدم بسیار بلند دیگری که برداشته‌اند تربیت یك عده کثیر ازپزشکانست و هرسال‌عدهٔ بسیارازجوانان را برای فراگرفتن علم‌طب‌وکارآموزی دربیمارستانهای بزرگ ومعروف جهان‌بکشورهای متمدن‌فرستاده‌اند و نیزعده‌ای‌پزشك‌برای‌ارتش

تربیت کرده‌اند و دانشکدهٔ طب تهران توسعهٔ کامل یافته واصلاحات بسیار در آن کرده‌اند وبنای بسیار باشکوهی دردانشگاه تهران برای آن ساخته‌اند و مخصوصاً قسمت تشریح‌را در آنجا تأسیس کرده‌اند واین اقدامات نیزدر بهداری‌عمومی بسیار مهم بوده‌است.

قدم مهم دیگری که دربهداری عمومی برداشتند وضع واجرای قانون‌طبابت بود که بموجب‌آن تا کسی ازدانشگاههای کشورهای متمدن گواهی‌نامه‌نداشته و امتحان درفن خود نداده باشد از طبابت محروم باشد . بدین‌وسیله زیانهای بسیار که ازیك عده مردم نادان که در نواحی مختلف پیش خود بطبابت مشغول بودند بجان مردم می‌رسید ازمیان رفت و این شغل شریف منحصر بکسانی شد که واقعاً تحصیلات کامل درین رشته کرده بودند . کسانی که طب قدیم را فرا گرفته بودند بعنوان پزشك مجازاجازه یافتند بمداوای برخی ازامراض مخصوص‌بپردازند وپس ازآنکه این عده ازمیان رفتند دیگر بکسی این اجازه داده نشد .

دیگرازکارهای بسیارمهمی که درین دوره شد تاسیس جمعیت شیروخورشید سرخ برای مردان وزنان بوده است که ازآن نیز در دورهٔ پیشین‌خبری نبود.این بنگاه ملی بسیارمهم که دستیاریهای گوناگون دربهداری عمومی وخصوصی میکند یکی ازمؤثرترین وسایل دستگیری ازمردم بی‌نوا وبی‌کس ورنجور وبیمارست . مخصوصا در مواقعی که بلاها و آفاتی نازل می‌شود خدمات مهم بجامعه میکند ، چنانکه چندین باردرموقع زلزله وسیل و وقایع دیگرچه مستقیماً از عایدات خود و چه بوسیلهٔ جمع‌آوری اعانه خدمات جالبی بآفت‌زدگان کرده است . توجه تام و دلسوزی کاملی که دولت ایران نسبت بافراد کشور داشت درین مواقع و بدین وسیله‌کاملاآشکار شد وهرگاه خطری یاآفت وبلایی متوجه مردم قسمتی از کشور شد فورا در صدد رفع و جبران آن برآمدند و ببهترین وجهی آن آفت و بـلای

آسمانی را چاره کردند و بزرگترین سرمشق نوع‌پرستی وانسان دوستی را دولت ایران خود داد و بهمین جهت تاسیس جمعیت شیر وخورشید سرخ را که مهم‌ترین بنگاه ملی برای دستگیری از بی‌نوایانست ازکارهای مهم این‌دوره بایددانست .

قدم بسیار مهم دیگری که درین راه برداشته شد تاسیس ادارات بهداری کامل شهرستانها و شهرها بود . در دورهٔ سابق اگرهم بهداری وجود داشت منحصر بپای‌تخت بود ومردم شهرهای دیگرازآن محروم بودند . دربسیاری از شهرهای درجهٔ اول ودوم ایران بیمارستان نبود وحال‌آنکه ایرانیان نخستین ملتی‌درجهان هستند که بیمارستان دایر کرده‌اند و در دورهٔ ساسانیان در گندشاپور که مرکز فراگرفتن علم پزشکی بوده موسسه‌ای بنام « مارستان » وجود داشته که کار بیمارستانهای امروز را میکرده است . در دورهٔ اسلامی بیمارستانهایی که امیر عضدالدولهٔ دیلمی در شهر ری ودر شهر بغداد دایر کرده بود از وقایع مهم تاریخ بشمار می‌رود . در دوره‌های گذشته مردم بسیاری از شهرها از دارو و درمان محروم بودند اما درین دوره در اکناف و اطراف ایران بنگاه‌های بهداری که تابع شهرداریها یا وزارت بهداری بوده‌اند تشکیل داده‌اند ودر هرشهری نیز ادارهٔ بهداری تابع وزارت بهداری تاسیس کرده‌اند و همهٔ مردم ایران علی‌السویه ازین نعمت‌ها برخوردار شدند ودیگر منحصر بمردم پای‌تخت نبود ونیزادارات نظامی که در سراسر کشور بودند وسایل کامل بهداشت افراد خود را آماده ساختند . در مرزهای کشور و جاهایی که در خطر هجوم امراض بودند وسایل‌کامل قرنطین از هرحیث آماده شد و همین که خطری پیش‌بینی می‌شد با سریع‌ترین وسایل و کامل‌ترین‌وسایطی که‌در کارهست ازآن خطرجلو گیری کردند وبوسایل‌علمی‌افراد را ازخطر رهاندند

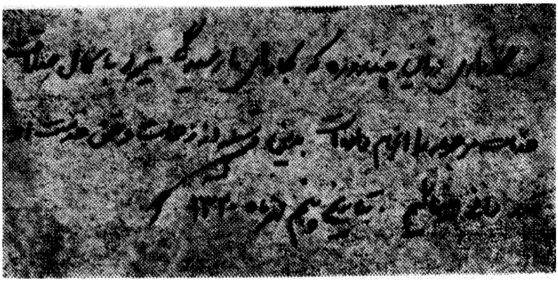
ازسوی دیگرچنانکه درمبحث مخصوص براه‌آهن اشاره رفت دولت همواره

توجه خـاص ببهداشت کارگران و طبقات رنج بر کشور داشته است . در ضمـن ساختمان راه‌آهن دقت تام ببهداشت افراد کرده‌اند و نیز در کارخانهای متعدد که در نواحی مختلف درین دوره بوجود آورده‌اند وسایل کامل بهـداری را فراهـم کرده‌اند وتوجه خاصی نسبت باین مسئله داشته‌اند . حتی در بسیاری از قرادادها و امتیازاتی که درین دوره امضا شده مواد مخصوصی برای تأمین بهداشت افراد هست و صاحبان امتیازات را وادار کرده‌اند توجه تام ببهداری افراد و کارگران وخدمت‌گزاران خود داشته باشند . دراماکن عمومی مـانند مهمانخانها و کافه‌ها و رستورانها و سینماهـا و غیره و در مغازه‌ها و دکانها مخصوصا در گرمابه‌هـا و مغازه‌های سلمانی و دکانهای فروشندگان مواد خوراکی وآشامیدنی از آن جمله نانواها و قصابها و میوه‌فروشهـا و خوراك‌پزها و بستنی فروشها و قهوه‌خانه‌ها و غیره مرتبا رعایت شرایط بهداری رامراقبت و بازرسی کامل میکردند و مقررات خاصی برای بهداشت هریك از آنها وضع کردند و اجرای آنها را جدا خواستار بودند و شهرداریهـا و شهربانی‌ها هر یك در حد خود مامور نظارت درین کارها شدند . از جمله اقداماتی که درین زمینه شده تبدیل خزانهای عمومی گرمابها بدوش بوده است که در سراسر کشور مراقبت کرده‌اند وفواید این‌کار در بهداری عمومی و برای اجتناب از بیماریهای ساری و مخصوصا بیماریهای جلدی و مقاربتی بسیارست . دیگر از اقداماتی که درین راه شده معاینهٔ صحی کارگران گرمابها وسلمانیها و رستورانها و دکانهاییست که مواد خوراکی می‌فروشند و فواید این‌کار نیز آشکارست .

دیگرازکارهایی که در بهداشت عمومی بسیارمؤثر بوده است ترویج درخت کاری و حراست درختهای کهن را باید دانست . این کار مـورد توجه خاص دولت بود و مخصوصا روزی، را در سال برای جشن درخت‌کاری مقرر کردند و در میان



هنگام اقامت در آفریقا (جزیره موریس)



نمونهٔ خط رضاشاه

دراین کلیشه نمونهٔ خط رضاشاه کبیر دیده میشود :

در اوائل مهرماه سال ۱۳۲۰ رضاشاه پهلوی خاك ایران را ترك گفت و از طریق اصفهان ـ کرمان ـ سیرجان ـ بندرعباس بسوی آفریقا عزیمت فرمود.

محمد گله‌داری ازعناصر سرشناس ومعروف بندرعباس هنگام عزیمت رضا شاه ، از بندر عباس تا کرمان آمده بود و از کرمان تا بندرعباس در التزام آن شاهنشاه بود.

در آخرین لحظاتی که رضاشاه پهلوی در روی اسکلهٔ بندرعباس عازم کشتی بود از خدمات گله‌داری طی آن چند روز قدردانی شد و بنا باستدعـای گله‌داری ، اعلیحضرت رضاشاه درلحظه عزیمت ازبندرعباس ، این دستخط را شخصاً نوشتند. متن دستخط چنین است :

«محمدگله‌داری در این چند روزه که بکار های ما رسیدگی مینمود باکمال صداقت خدمات مرجوعه را انجام داده است بدینوسیله از زحمات و حسن خدمت او قدردانی مینمائیم .

بتاریخ پنجم مهرماه ۱۳۲۰ رضاپهلوی»

عین این دستخط در نزد دارندهٔ آن محفوظ است .

آموزشگاه‌های مختلف کشور عمومی شد تا بدین وسیله شمارهٔ درختان کشور روز بروز بیشتر بشود و در تصفیهٔ هوا موثر باشد ودر بهداری عمومی وخصوصی مردم یاری کند درین زمینه سرپرستی ومراقبت کامل از جنگلهای کشوررا نیز باید در نظرداشت که تنها یکی از منابع اقتصادی کشور نیست بلکه یکی از وسایل بهداری افراد نیز بشمارست.

اقدام دیگری که دربهداری عمومی شده ایجاد گردش گاهها وتفرج گاهها و باغهای عمومی درشهرهاو آبادی‌های کشور بوده است وهمه جا اقدامات گوناگون درین راه کرده‌اند و وسایل مختلف برای تفریح و تفرج افراد فراهم آورده‌اند و نتایج این کارمهم نیزدربهداشت عمومی معلومست.

دیگرازکارهای بسیارمفید که درسراسر کشور بدان توجه داشته‌اند و کمال جد وجهدرادر آن بکار برده‌اند مراقبت کامل درپاکیزگی‌شهرها و آبادیهاومخصوصا کوی و برزنها ومیدانهاومجامع‌عمومی بوده است که آن نیز در دورهٔ پیشین‌معمول نبود وکارگزاران دولت کمترین توجهی بدان نمیکردند.

دربارهٔ بهداشت زنان قدم بسیار بزرگی که برداشته شد رفع حجاب بود. پیداست که حجاب گذشته ازمفاسد اخلاقی و اجتماعی ومدنی مضار بهداشتی بسیار نیزداشته است. تردیدی نیست موجودی که مدتی از روز وشب ازهوا وآفتاب که دو عنصر مهم بهداری و تن‌درستیست محروم باشد موجود زود رنج ناتوانیست که تن‌درستی او دستخوش آفت و زیانست و بهمین جهت رفع حجاب را که مهمترین اصلاح اخلاقی و اجتماعی و مدنی این دوره است یکی از اصلاحات بهداشتی زنان ایران نیز باید دانست واین فایدهٔ عظیم آنرا جزو فوایدی که پیش ازین بدانها اشاره کردم باید بشمار آورد.

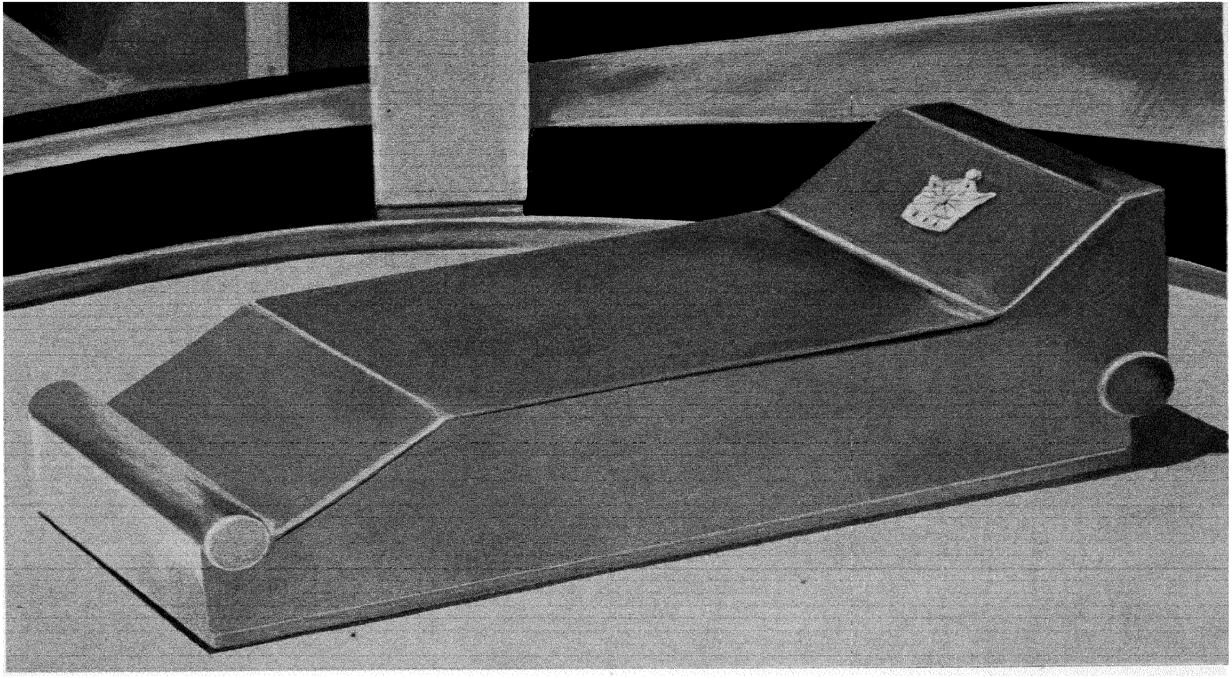
دیگر از اصلاحاتی که در زمینهٔ بهداشت عمومی پیش‌آمده توجه خاصیست

که براهنمایی دولت ودانشگاه تهران بعلم پزشکی و کتابهای سودمند بزبان فارسی در رشته‌های مختلف این علم ودر بهداشت و غیره کرده‌اند . مخصوصا این توجه سبب شده است که هرچند یك بار کتابهای بسیار سودمند دررشته‌های مختلف طب و بهداشت بزبان فارسی بنویسند یا ترجمه کنند و بطبع و نشر آنها بپردازند و بدین‌وسیله معلومات لازم رابهمهٔ طبقات مردم کشور برسانند . درین دوره کتابهای چند درین زمینه بزبان فارسی انتشار یافته است کـه بهیچ‌وجه تا آن زمان نظیر نداشته بودند.

اصلاح دیگری که در زمینهٔ بهداشت عمومی شده ترقیاتیست کـه در فن داروسازی فراهم آمده و بسیاری ازدواها ومواد طبی را که طرف حاجت عمومیست و پیش ازآن از خارج می‌آوردند در ایران بدست کارگران ایرانی ساختند و شرکتهای چندبرای این کار تشکیل یافت‌ویك قسمت ازنیازمندیهای مردم کشور را تامین کردند .

پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده ایجاد و تاسیس آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای طبی خصوصی برای آزمایشهای ذره‌بینی و پزشکیست که گذشته از آزمایشگاه‌های وزارت بهداری وبیمارستانها و بهداریهای شهرها وغیره دانشمندان ایرانی خود عده‌ای معتنابه ازآنهاتاسیس کرده‌اند واحتیاجات مردم را ازین‌حیث تامین میکنند و این نیز کاریست که در دوره‌های سابق معمول نبود و مردم راهی برای رفع این نیازمندی نداشتند .

دیگر از کارهای مهمی کـه در بهداری عمومی ایران درین دوره شده است استخراج واستفاده ازآبهای معدنی بوده است که برای اصلاح بیماریهای جلدی ودرونی و کمك در تن‌درستی مردم بسیار مؤثر بوده است وبسا امراض را ازین‌راه علاج کرده‌اند . این آبهای معدنی که از بـدو تکوین زمین در ایران بوده است



سنگ آرامگاه رضا شاه در شهر ری

قرنهای متمادی بهدر می‌رفت و هیچ کس از آنها بهره‌مند نمی‌شد . درین دوره این آبها را ببهترین وجهی در معرض بهره‌مندی مردم قراردادند و هر کس توانست در مداوای خود از آنها بهره ببرد . از آن جمله بـود آب معدنی چشمه علی نزدیك رودهن و آبهای معدنی رامسر کـه ببهترین وجهی مردم از آن بهره یـاب شدند و بنگاه های زیبا و با شکوهی درسر آن چشمه‌ها ساختند و هر گونه وسیله برای همه کس در آنجا فـراهم آمد تا رنجوران و بیماران از فـواید این آبهـای شفـابخش بی‌نصیب نمانند .

توضیح

درین کتاب کلمهٔ «شهریاری» را بمعنی حقیقی آن که مرادف کشور داری و فرمانروایست بکار برده‌ام. معمول‌شده‌است درین‌زمان درین‌مورد کلمهٔ «زمامداری» را بکار می‌برند. زمام بکسر اول بزبان تازی بمعنی مهار و رشته‌ایست که در بینی شتر بندند و بدین گونه زمامداری بدین معنی کـه امروز بکار می‌برند ناپسندست و باید از آن پرهیز کرد. معنی حقیقی شهر در زبانهای ایرانی آن‌چیزیست که بآن کشور هم گفته‌اند چنانکه کشور ایران را در قدیم « ایرانشهر » می گفتند و کلمهٔ «شتر پت» که در زبان دری «شهر بد» باید گفت وهمانست که یونانیان آنرا«ساتراپ» تلفظ کرده‌اند بمعنی کسیست که فرمان‌فرمای کشوری بوده است. فرهنگ‌نویسان هم «شهریار» را کلانتر وبزرگ شهرمعنی کرده‌اند و شهردرین‌جا بمعنی کشورست. پس معنی درست «شهریاری» فرمانروایی و کشور داریست و در این کتاب نیز بدین معنی بکاربرده‌ام .

منابع این کتاب

درتیرماه ۱۳۱۳ شاهنشاه پهلوی بهیئت دولت دستور دادند صورتی از کسانی که برای تدوین و تألیف تاریخ دوران شهریاری آن شاهنشاه مناسب باشند آماده کنند . درمیان کسانی که نامشان برده شده بود مرا بدین افتخار نایل کردند ومن صمیمانه این خدمت را بعهده گرفتم زیرا که دورهٔ پیش‌از شهریاری آن شاهنشاه را درك کرده بودم و پیشرفتهایی را که روزبروز در پرتو کوشش شبانروزی این مرد بزرگ بهرهٔ ایران می‌شد می‌دیدم . در همان زمان دستوری بنخست وزیر آن روز دادند که بهمهٔ وزارتخانه‌ها و دستگاه های دولتی بنویسند هر گونه اطلاعی را که برای این کار لازم دارم از دادن آن دریغ نکنند . منابع این کتاب بدین گونه از درست ترین اطلاعاتی که در دستگاههای دولتی بود فراهم آمد و بسیار شادم که خلاصه‌ای از آنها که راهنمای تاریخ نویسان درآینده خواهد بود بدین گونه درین صحایف انتشار می‌یابد .

مورخه .... ماه ۱۳۱۲

ضمیمه

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن

شعبه

نمره

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

مقام منیع ریاست ... دامت شوکته

تعقیب نمره (۷۸۶۵ ... / ۱۲/۱۰/ ...) متمنی است مقرر —
فرمائید اطلاعاتی که برای تدوین تاریخ اعلیحضرت پهلوی
ارواحنافداه خواسته شده هرچه زود تر ارسال دارند که
آقای نفیسی ... قرار دهند .

... ارکان حرب کل قشون

امیرلشکر

حسب الامر مبارک سواد صادره فوق بضمیمه سواد صادره
نمره (۷۸۶۵۸/۹۱۱۱ / ۱۲/۱۰/۲۶) جهة اطلاع جناب آقای —
سعیدخان نفیسی ارسال میگردد . —

کفیل رکن سوم ارکان حرب

سرهنگ

وزارت ماليه

اداره كابينهٔ وزارتي

دايره ......

آقاي ميرزا سعيدخان نفيسي

راجع باطلاعاتي كه طي مراسلهٔ مورخهٔ ۱۶ ماه جاري براي تدوين تاريخ شهرياري اعليحضرت شاهنشاه پهلوي ارواحنافداه تقاضي نموده ايد مراتب ذيل كه از روي سوابق موجوده تا حد امكان استخراج گرديده استحضارا اشعار ميشود :

۱) قبل از استعفاي مسيو مرنارد مقدار يكهزار و سيصد و هشتاد خروار و سي و هفت من جو از قرار خرواري شش تومان و پنجقران و دويست و پنجاه دينار از طرف انبار غلهٔ دولتي از بابت حقوق دو ماههٔ وزارت داخله محسوب و تحويل داده شده (تاريخ صحيح اين عمل معلوم نيست ولي آنچه استنباط ميشود مربوط به دوماه حمل و ثور سنه ۱۳۳۱ يا ۱۳۳۲ قمري است) و نيز بموجب تصويب هيئت دولت وقت معادل حقوق دوماههٔ دلو و حوت سنهٔ پارس ئيل وزارتخانهٔ مزبوره يك ثلث گندم و دامين و يك ثلث گندم خارج و يك ثلث جو بنرخ عادله داده شده مبلغ حقوق و قيمت و مقدار جنس معلوم نيست .

۲) بواسطهٔ تأخير در پرداخت حقوق حمل و ثور تنگوزئيل اعضاء وزارت ماليه در تاريخ (۲۷) جمادي الاولي سنه ۱۳۳۰ اجازه داده شده كه خزانه داري وقت موازي ششصد (۶۰۰) جلد كتاب شاهنامه چاپ امير بهادر كه متعلق به وزارت دربار بوده و در وزارت دربار بوده استنبيغر و شدند كتب مزبور ظاهرا از قرار جلدي ۹ تومان فروخته شده ولي چندان بمصرف ديگر كه لازم نبود رسيده و بعلاوه شصت و هشت (۶۸) جلد ديگر از كتب مزبور را از قرار قيمت مذكور در عوض ... و چهل تومان (۴۴۰) حقوق دوماهه حمل و ثور تنگوزئيل اعضاء محاسبات بيوتات واگذار گرديده است .

۳) در سنه ۱۳۳۰ بر طبق تصويب هيئت دولت وقت و مراسلهٔ وزارت جليله مقرر بوده كه مقداري از اشياء اسقاط از قبيل ... و ساير لوازمات ديگر كه بمصرف و براي دولت فايده نداشته فروخته شده و حقوق معوقه ذخيره داده شود كميسيوني هم در آنوقت در وزارتخانهٔ مزبوره منعقد و صورتي از اين قبيل اشياء نيز تهيه نموده ولي چون نمايندهٔ ماليه صورت موجودي كل ذخيره را خواسته بوده و مخزن خزانه هم معين نبود لهذا نتيجه اي گرفته نشده . اگر چنانچه بعدا از اشياء مزبوره فروخته شده و يا از بابت حقوق معوقه تأديه گرديده باشد اطلاعي موجود نيست .

تاریخ ۱۳

نمره

ضمیمه

کابینهٔ ریاست وزراء

جناب آقای میرزا سعید خان نفیسی

مراسله شریفه مورخه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ که تقاضا شما بود سوادی از احکام صادره
از مقام منیع ریاست وزراء داده شود که جناب تهیه اطلاعات لازمه جهت تدوین
تاریخ سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه به وزارتخانه‌ها و کلیه ادارات
دولتی برای جنابعالی ارسال شود و همچنین دستور نموده در طرز استعمال ادارات
آن مقام رفیع در موضوع فوق صادر گردیده لفاً ارسال میشود

ارکان حرب کل قشون

سواد ....

مورخه .... ماه ۱۳۱

نمره ....

ضمیمه مکتوب نمره ....

وزارت جنگ

فوری مستقیم

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

میرزا سعید خان نفیسی مامور است تاریخ اعلیحضرت پهلوی ارواحنافداه را تدوین
مشارالیه مطابق صورت ضمیمه احتیاج باطلاعاتی دارند که باید از وزارتخانه ها و مؤسسـ
کشوری بدست بیاورد و حسب الامر جهان مطاع مبارک ملوکانه ارواحنافداه مقرر است
اطلاعاتی را که خواسته از هرجا گرفته و باو داده شود لذا مستدعی است بطوریکه مقتضی است
بدانند در این خصوص امر او امر لازمه صادر فرمایند که اطلاعات منظوره را بوزارت جنگ ار
دارند و بطور جامع فرستاده شود که بسهولت منظور بدست آید و تعویقی در کار روی ندهد
عندالزوم هم وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی برای دادن توضیحات راجع باطلاعات
فوق الذکر و مسائل مربوطه در موقع مراجعه سعید خان نفیسی فوراً اقدام و مساعدت تامه
مبذول دارند. کفیل ارکان حرب کل قشون - سرلشکر

تاریخ ... ماه ... ۱۳۱۶
نمره ۱۴۴۳۴/۱۴۱ [illegible] ضمیمه ... ورقه

وزارت مالیه

اداره کابینه وزارتی

دایره ضبط کل

آقای میرزا سعید خان نفیسی

عطف بمذاکرات وتقاضای شفاهی روز ۲۶ بهمن‌ماه جاری مراتب ذیل را از روی سوابق موجوده معلوم واستخراجا اشعار میدارد :

اولا ابتدا و انتهای خدمات آقایان شوستر و مرنارد و هنسن بسمت خزانه دار :

۱ ــ مستر شوستر از تاریخ ۳ سرطان ۱۲۹۰ لغایت ۵ جدی ۱۲۹۰ بسمت خزانه دارکل مشغول خدمت بوده .

۲ ــ مسیو مرنارد از تاریخ ۱۵ جدی ۱۲۹۰ لغایت ۱۲ جوزا ۱۲۹۱ بکفالت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده .

۳ ــ مسیو مرنارد از تاریخ ۱۲ جوزا ۱۲۹۱ لغایت ۱۰ سنبله ۱۲۹۳ بسمت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده .

۴ ــ مسیو هنسن از تاریخ ۱۰ سنبله ۱۲۹۳ لغایت ۱۱ حمل ۱۲۹۴ بسمت خزانه داری کل مشغول خدمت بوده .

ثانیا ابتدا و انتهای خدمات روسای بلژیکی گمرک بشرح ذیل است :

۱ ــ مسیو نوز از تاریخ ۱۸۹۸ مسیحی لغایت ۱۹۰۷ بسمت ریاست کل گمرکات

۲ ــ مسیو مرنارد از تاریخ ۱۹۰۷ مسیحی لغایت ۱۹۱۴ " " "

۳ ــ مسیو هنسن از تاریخ ۱۹۱۴ مسیحی لغایت ۱۹۲۰ " " "

۴ ــ مسیو ثاینر از تاریخ ۱۹۲۰ مسیحی لغایت ۱۹۲۸ " " "

۵ ــ مسیو دکرکر از تاریخ ۱۹۲۸ مسیحی تا حال

ثالثا ابتدا و انتهای خدمت آقای دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه ایران :

در تاریخ ۷ میزان ۱۳۰۱ از شهر نیویورک حرکت و در تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۰۱ وارد ایران ومشغول خدمت شدند و در تاریخ ۶ مرداد ماه ۱۳۰۶ مدت خدمت ایشان خاتمه یافت .

رابعا ــ یک نسخه طرح بودجه کل مملکتی راجع بسنه ۱۳۲۸ تالیف مرحوم صنیع الدوله لفا ارسال میشود . ن - ۵۰۱

وزارت مالیه

اداره

دایره ....

۴) از دادن اجر در مقابل حقوق اعضاء سوابقی بدست نیامد ولی آنچه معلوم است از بابت حقوق پنجماهه اخیر بارس نیل وزارت عدلیه مقداری آجر و گندم داده شده است)

رئیس کابینه وزارتی

بتاریخ .... ماه ....
نمره .... ضمیمه ....

وزارت مالیه

اداره ....
دایره ....

راجع بر سالنامه های ... که بموجب قرارداد تهیه و هر ساله در ... ارسال ... میدارد.

از ... مالیه نسخه از موجود نیست و فقط یک نسخه فارسی بعنوان ... برای ... سال ۱۳۲۰ ... ۱۳۲۱ موجود است چون ... بایگانی ... ممکن است در دائره ضبط وزارت مالیه انرا مطالعه ... خواسته بودند که از ... مورخه ۲۲ بهمن ماه تقاضا نموده بودید اینک احصائیه های گمرکی را بشرح ذیل ...

... ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۵

... ۱۳۰۰ الی ۱۳۱۱

... ارسال میشود.

... احصائیه از ... تمام شده است.

رئیس کابینه وزارت مالیه

نمونه ۱۹۴

بتاریخ ۲۸ بهمن ماه سنه ۱۳۱۲

نمره ۳۸۶۲/۳۰ ضمیمه

وزارت پست و تلگراف و تلفن

اداره محاسبات

دایره

آقای میرزا سعید خان نفیسی

طبق مراسله [illegible] ۲۱۸۲ / ۵ / ۱۱ / ۱۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱ — [illegible] ۱۳۱۰ [illegible] ۱۳۱۰

۲ — [illegible] ۱۳۱۰

۳ — [illegible] ۱۳۰۱ [illegible]

۴ — [illegible] ۱۳۱۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

فهرست نامهای خاص